

چاپ هفتم



آیین میترا

مارتین ورمازرن

ترجمه بزرگ نادرزاد





سازمان

ISBN 964-362-025-5

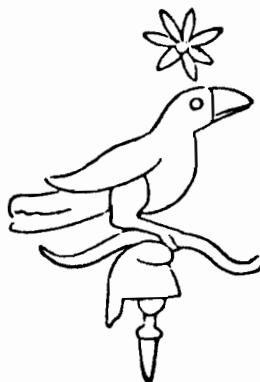
9 799643 620256

۳۵۰۰ اسکو-۴ تومان

مهر یا میترا یکی از بزرگ‌ترین ایزدان اقوام هند و ایرانی است و قدیم‌ترین ذکری که از آن به دست آمده به حدائقی ۳۵۰۰ سال پیش می‌رسد. نظام دینی که در حوال محور این ایزد برکت و نعمت و نور و دوستی و جوانمردی و جنگاوری به وجود آمد، ایران اشکانی و اروپای مقارن آغاز دعوت مسیح را فراگرفت و هرچند که بعد از چندین قرن ولایت در هردوی این مناطق مجبور به عقب‌نشیتی شد اما منشاء تأسیس نوی نهضت اخلاقی (اومنیسم) شد که خفی یا جلی در شنون مختلف اجتماعی و فرهنگی و معنوی ایران تأثیر گذاشت و این نکته را بعضی از پژوهش‌های محدود اخیر تمایان کرده است. امید است که «مهر پژوهی»، درکنار تحقیقات زرتشتی و زرروانی و مانوی و مزدکی، توجه اندیشمندان را بیشتر جلب کند و چگونگی این نظام دینی مرموز آشکار گردد.

آئین میترا

مارتین ورمازدن



نماد میترا:

ستاره (خورشید)، کلاغ (پیک)، کمان، کلاه فریجی. خنجر.

نقش بازیافته در پتوژ (یوگسلاوی)

ترجمه بزرگ نادرزاد

نشر چشمہ

تهران، ۱۳۸۷

Vermaseren, Martin

ورمازن، مارتین

آیین میترا / مارتین ورمازن؛ ترجمه بزرگ نادرزاد. – تهران: نشر چشم، ۱۳۷۵
۲۵۵ ص. مصور، نقش. – (اسطوره‌های)

ISBN: 964 – 362 – 025 – 5

فهرستوپسی بر اساس اطلاعات فیبا

Mitra, Ce dieu mystérieux

عنوان اصلی:

کتابنامه: ص. ۲۵۴ – ۲۵۵. چاپ سوم: ۱۳۸۰

۱. مهر پرست، الف. نادرزاد بزرگ، مترجم. ب. عنوان.

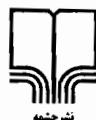
۲۹۹/۱۵ BL ۱۵۸۵/۴۹

۱۳۷۵

۱۰۱۷۸۲۲۲ – ۷۶

کتابخانه ملی ایران

MITHRA
Ce Dieu Mystérieux
Par
Martin Vermaseren
EDITIONS SEQUOIA.PARIRIS – BRUXELLES, 1966



آیین میترا

مارتن ورمازن

ترجمه بزرگ نادرزاد

ویراستار: ابوالقاسم اسماعیل پور

لیتوگرافی: بهار

چاپ: حیدری

تیزاز: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ اول نشر چشم، تابستان ۱۳۷۲، تهران. (چاپ اول توسط دهدزا (۱۳۴۵

چاپ هفتم چاپ ششم نشر چشم)، بهار ۱۳۸۷، تهران.

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشم است.

info@cheshmeh.ir

شابک ۵ – ۰۲۵ – ۳۶۲ – ۹۶۴

دفتر مرکزی و فروش نشر چشم: تهران. انقلاب، خیابان ابوزیاد بیرونی، خیابان وحید نظری، شماره ۷۱

تلفن: ۶۶۴۶۱۴۵۵ – ۹، ۶۶۴۹۲۰۲۴

فروشگاه نشر چشم: تهران. خیابان کریم خان زند، نبش میرزا شیرازی، شماره ۱۶۱ تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

فهرست

۵	یادداشت مترجم
۹	مقدمه
۱۵	میترا در ایران و هند
۲۱	زرتشت و موبدان
۳۱	آمدن میترا به اروپا
۳۵	پیروان میترا
۴۱	روش‌های تبلیغ در آئین میترا
۴۵	معبد مهری چه شکلی دارد؟
۵۴	مهرکده‌های مشهور یا مهم
۸۱	نامدارترین فتوحات میترا
۸۶	اطرافیان میترا
۹۱	اسانة میترا
۱۲۸	میترا و ایزدان همراه او
۱۴۱	ایزد زمان بیکران
۱۵۶	تشرّف به مناسک و آداب و اسرار
۱۶۷	درجات هفتگانه تشرّف
۱۸۸	ستارگان و عناصر چهارگانه
۱۹۸	مسئله زن
۲۰۲	آئین میترا و قربانی آمیزاد
۲۰۵	سرودهای مقدس
۲۰۹	متون متأخر سنت پریسک رُم
۲۱۹	هدایا و هنرمندان؛ میترا در هنر
۲۲۶	میتای مغلوب
۲۳۹	اسماء اعلام
۲۵۵	کتابشناسی

روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان
مهر بفرای ای نگار ماه چهر مهریان
مهریانی کن به جشن مهرگان و روز مهر
مهریانی به بروز مهر و جشن مهرگان
مسعود سعدسلمان

یادداشت مترجم

این کتاب از زبان فراسه، ترجمه شده ولی اصل آن به هلندی بوده است.^(۱) متن فارسی موجود چاپ ششم کتاب مذکور است.^(۲)

بنای این تالیف بر توصیف و تشریح مقایی معابد و آثار و اطلاع آئین مهری در اروپا گذاشته شده و نویسنده صرفاً به ذکر مشاهدات خویش و یا نقل کشفیات پژوهندگان پیش از خود اکتفا کرده و از تفسیر و تأویل و نظریه پردازی و فرضیه سازی تا حد امکان پرهیز کرده است. بهمنین جهت حواندن آن ممکن است خشک و بی جان جلوه کند. ولی چاره‌ای جز این بوده که مطالب با حفظ امانت به فارسی منتقل شود.

در خلال تدارک چاپ جدید این کتاب مترجم متوجه شد که در جلد دوم (بخش دوم) دائرۃ المعارف فارسی مرحوم غلامحسین مصاحب، مقاله فشرده و دقیق و روشن و استواری درباره مهرپرستی درج شده است و چون آن را مقدمه کلی مفیدی برای معرفی آئین میترا تلقی کرد، عین آن را در صدر این کتاب به چاپ رسانید:

«مهرپرستی (mehr-purasti) یا میترائیسم (mitraism)، آئین برسیش مهر یا میثره (санскрیт میترا) یکی از خدایان هند و ایرانی، این آئین در آسیای صغیر شکل خاص و سری به خود گرفت و از آن جا به روم و اروپا رفت، و مخصوصاً در میان سربازان رومی رواج و انتشار یافت و مدتی از رفیان سرسرخت مسیحیت شد، ولی سرانجام با پیروزی قطعی مسیحیت در اواخر

۱. تصویر شماره ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ از کتاب زیر گرفته شده است:

A. Schütze, *Mithras, Mysterien und Urchristentum*. Stuttgart, 1960

۲. چاپ اول این ترجمه توسط دهدخا منتشر شد. تهران. ۱۳۴۵

قرن ۴ م. از میان رفت. میترا در ودا به معنی دوست و پیمان است، و مهر در فارسی به معنی دوستی و محبت و به معنی خورشید و به معنی ماه هفتم از ماههای سال است («میر یا میثرا»). چون مهر به معنی پیمان و عهد بوده است میثرود رُوج [ـ دروغ گوینده به مهر]، در یشتها، به معنی پیمانشکی و دروغ گوینده به مهر به کار رفته است. مهر خداوند روشی بوده است و از پیمان‌ها و مردم و فادرار به پیمان‌ها حبایت می‌کرده است. در بیشتر دفعات از مهر خدای جنگجویان و خداوند پیروزی بخشش و شفابخش باد شده است. مهر به یاری کسانی که او را می‌خواهند می‌شتابد و پیمان‌شکنان را کیفر می‌دهد. مهر در زمان هخامنشیان مورد ستایش و احترام بوده است و در کتبیه اردشیر // هخامنشی، اهورامزدا و میترا و آنایه‌یت باهم ستایش شده است.

اما مهرپرستی به عنوان آینین سری با تشریفات و آداب مخصوص در آسیای صغیر ظاهر شده است. در میان شاهانی که پس از اسکندر در متصروفات او بیوتونس و ارمستان و کوماگنه (kommägene)؛ (ناجیه‌ای قدیمی در سوریه) حکومت می‌کردند نام میتریدات (مهرداد) زیاد دیده می‌شود، و این نشانه آن است که پرستش مهر در این نواحی معمول بوده. همین معنی را در باره پادشاهان اشکانی، که بعضی از ایشان نام مهرداد را داشتند، نیز می‌توان گفت. اما دلیل این که مهرپرستی در آسیای صغیر ظاهر شده است کتبیه معروفی است از آنتیوخوس /، پادشاه ۳۸-۶۹ ق.م.) کوماگنه، که در نمرود داغ است و در آن نام‌های آپولون، میثرا، هلیوس و هرمس ذکر شده است. مقصود از این چهار نام یکی است، یعنی آپولون همان میثرا و هرمس است زیرا این نام‌ها برای تصویر خدائی است که دست راست پادشاه را به عنوان حامی و متخد او می‌نشارد. هرمس خداوند و فرشته راهبر ارواح، و واسطه میان خدایان علوی و خدایان سفلی بوده است. بنابراین میثرا نیز چنین بوده است و ظاهراً واسطه میان اورمزد و اهریمن بوده است. پلوتارک می‌گوید که در ۶۷ ق.م. آینین سری مهرپرستی وارد ایتالیا شد. در زمان دریایی کیلیکیا، که متحادان مهرداد پادشاه بیوتونس بودند، آینین و اعمال سری خاصی انجام می‌دادند که پس از درآمدن به اسارت پومپیوس سردار رومی این آینین را با خود به ایتالیا برند. معلوم می‌شود که کیلیکیا همواره از مراکز مهم مهرپرستی بوده است، زیرا در قرن ۳ م. در زمان گورديانوس // سکه‌هایی که روی آن مهر در حال کشتن گاو نز ترسیم شده است در کیلیکیا در شهر طرسوس ضرب شده. در شهر عین زریه واقع در نزدیکی طرسوس در کیلیکیا یک محراب مهرپرستی پیدا شده است. در کاپادوکیا که در شمال شرقی کیلیکیا است قدیم‌ترین کتبیه مهرپرستی که حاکمی از وقف به مهر و تقدیس شخصی (روحانی یا سری) به مهر است به دست آمده. ظاهراً در برابر استعمار رومیان یک نوع مقاومت سری، که افراد آن خود را با تشریفات و مراسم سری خاصی متخد و متعدد می‌کردند، پیدا شده بوده است. این اجتماعات سری خاص مردان بوده و صفت لشکری و نظامی داشته است. راهزنان دریایی کیلیکیا برای اجرای مراسم آینین سری خود غارهایی در زمین می‌کنند. پس از آن که مهرپرستی به ایتالیا رفت معابد مهرپرستی به صورت غار بنای شد. برنده‌گان مهرپرستی به روم، سربازان رومی بودند. در سال ۷۱ و سپس ایانوس کوماگنه را به امپراتوری روم ملحق ساخت و از این جا دسته‌های کماندار برای پیاده نظام رومی

می‌گرفتند. این یکی از عوامل ورود مهرپرستی به روم بود. لژیون پانزدهم آپولیناریس (appolinaris) که در کارنونتوم (kärnuntum) در سواحل جنوبی دانوب مستقر شد، و از مشرق به آن جا برده شده بود، نیز در انتشار مهرپرستی در مغرب زمین مؤثر افتاد. ستاتیوس شاعر رومی در دهه ۸۰ می‌گوید: «مهر در زیر تخته سنگ‌های غار ایران بر شاخ‌های گاو نر سرinx سلط شد». از این دوره است که مهر به عنوان کشته‌گاو نر معروف و نقش آن در معابد دیده می‌شود. در قرن ۲م. مهرپرستی در روم و بعضی از بنادر مدیترانه غربی و مستعمرات نظامی و پادگان‌های رومی در افريقا و بریتانی و گل و سواحل رودخانه‌های راین و دانوب و در دورا واقع در ساحل فرات منتشر می‌شود. در این زمان در آسیای صغیر دیگر معابد مهرپرستی دیده نمی‌شود، ولی یک معبد مهرپرستی در مفہیس دایر بوده است. در بعضی از جاها مهر با خدایان محلی یکی می‌شود. کومودوس امپراطور (۱۸۰-۱۹۲) روم برای خوشامد سربازان از مهرپرستی حمایت کرد و خود به این آیندۀ درآمد. معبد مهر معروف که در زیر کلساي سانتا پریسکا بر روی تپه آوتیوس (از تپه‌های هنگانه رم) بیدا شده است در آن زمان دایر بود. در قرن ۳م. در میان نظامیان رومی رفاقت میسیحیت با مهرپرستی آغاز می‌شود. آورلیانوس در ۲۷۶ حواست که یک آیندۀ دولتی برای پرستش «مهر شکست‌ناپذیر» تأسیس کند. دیوکلین، امپراطور روم، بنیادی برای «مهر شکست‌ناپذیر» درست کرد و اورا پنتیان و حامی امپراطوری خواند، اما پیشرفت میسیحیت به سرعت و استحکام انجام می‌گرفت، و با همه حمایت یولیانوس امپراطور روم و ساتورهای روم، مهرپرستی در برابر میسیحیت شکست خورد و پس از سال ۴۰۰ رو به فراموشی رفت.

مهرپرستی از همان آغاز آینی برای گروه‌ها و دسته‌های کوچک بود، و این امر از معابد کوچک مهر که اکنون در اروپا بیداشده است معلوم می‌شود، چنان‌که گفته شد، در اصل هم معابد مهر در غارهای بود. آن جا که خاک زمین برای بنای معابد غاری و زیرزمینی مساعد نبود معابد مهر را بر روی زمین بنا می‌کردند. درون معبد راهروی بود که در دوسوی آن سکوهایی برای نشستن مهرپرستان بنا شده بود. در انتهای راهرو محراب مهر بود که نقش مهر را در حال کشتن گاو نر نشان می‌داد، و در دوسوی آن نقش، دو مشعلدار دیده می‌شد. در این نقش تصاویر ماری که از خون مهر می‌نوشد، سگی که به سوی زخم گاو در حال جستن است، عقرب، و کلاعگ که ظاهراً پیام آور مهر بود نیز وجود داشت. تصاویر شیر و درخت و منطقه البروج نیز در نقش‌های مهر وجود داشت. از روی این تصاویر، به کمک آنچه در کتب باستانی راجع به مهر آمده است، می‌شده که اصول آین مهرپرستی را معلوم کنند. ظاهرًا «مهر» تابع اهورامزا و زرُوانْ آکرائنه [– زمان نامتناهی] (یا زروان بی‌کران؛ زروانیه) بوده است و خود به عنوان آفریننده و واسطه میان انسان و خدایان برتر پرستش می‌شده. تصویر حیوان عجیب‌الخلقای که سر آن شبیه سر شیر و بدن آن مانند بدن انسان است و ماری به دور آن پیچیده به عقیده بعضی همان روزان اکرانه و به عقیده بعضی همان اهربیمن است. حوادثی که به مهر نسبت داده شده است عبارت است از تولد او از سنگ و تیراندازی او به تخته سنگی برای بیرون آوردن آب و تعقیب گاو نر و کشتن او از روی اکراه و اتحاد او با

خداؤندگار خورشید و شرکت با او در ضیافت و عروج به آسمان در گردونه خورشید. در منابع دینی ایرانی مرگ گاو موجب زایش موجودات زنده است و بدین ترتیب مهر با کشتن گاو نز آفرینده موجودات زنده محسوب می‌شود. در آین مهرپرستی انقلابی (صفی و شتوی) و اعتدالی (خریفی و ریسمی) موجب جشن و سور و برگزاری تشریفات باشکوه بوده است. معابد مهر را در اروپا چنان می‌ساختند که هنگام اعتدال ریسمی و اعتدال خریفی آفتاب به هنگام طلوع بر نقش مهر بتاپد. دو مشعلدار او یکی به نام کاوتی (käti) یا کاواتس (kätes) و دیگری به نام کاوتوباتی (kätopäti) یا کاوتوباتس (kätopätes) بود. کاوتی مشعل خودرا در نقش مهر سربالا نگاه داشته است و کاوتوباتی مشعل خودرا سربایین، بهمین جهت ظاهرگاو کاوتی نماینده آفتاب فروردین و کاوتوباتی نماینده آفتاب مهرگان بوده است. در معابد مهر پرستندگان باهم غذا می‌خورند. قدیس یوستینوس شهید گفته است که در این مهمانی عمومی نان و آب صرف و اواردی خوانده می‌شد. اما قرانی در دست است که در این مهمانی‌ها شراب نیز می‌نوشیدند. در صورت حساب‌هایی که از معبد مهر دورا به دست آمده است مخارج نان و شراب در آغاز نوشته شده. در نقش معبد مهر در هیذرزن‌هائیم آفتاب خوش انگور بزرگی به مهر تقدیم می‌کند. شیرانی که در نقش معبد مهر سانتاپریسکا دیده می‌شوند صراحی‌های شراب به دست دارند. ظاهر ادر مهمانی‌هایی که به یاد اتحاد مهر با خورشید ترتیب می‌دادند گوشت گاو صرف می‌شد. اگر گوشت گاو بود از گوشت گوستنده یا بزرگ می‌شد. پرستندگان در مراسم صح و ظهر و غروب دورهم گرد می‌آمدند. روز هفته هفته را مقدس می‌شمردند. بیست و پنجم دسامبر روز «تولد خورشید شکست ناپذیر» و روز تولد مهر از سنتگ بود، مهرپرستان دارای هفت پایه یا درجه بودند که ظاهراً از سیارات هفت‌گانه گرفته شده بود، کلاغ، داماد، سرباز، شیر، ایرانی، پیک مهر، و پدر. کلاغ از طرف عطاوارد، داماد از طرف زهره، سرباز از طرف مریخ، شیر از طرف مشتری، ایرانی از طرف ماه، پیک مهر از طرف خورشید، و پدر از طرف زحل حمایت می‌شد. کلاغ‌ها ساقی‌گری می‌کردند و شیران بخور می‌سوزاندند و با آتش تازه واردان را تصفیه می‌کردند. سربازان با نوعی غسل تعمید تقدیس می‌شوند، و با آهن سرخ برپیشانی ایشان داغ زده می‌شوند تا به عنوان سرباز مهر شناخته شوند. تنها مردان و پسران می‌توانستند در این آیین سری وارد شوند و زنان حق ورود نداشتند. «پدر» ریاست هرگروه را به عهده داشت و اورا ساکردوس یا آنتیستس می‌گفتند. در مراکز مهم یک «پدر پدران» نیز بود که به منزله ناظر کل یا اسقف بود. اداره هرجمیت یا گروه بازی‌آن آبود، و مخارج جمعیت از طرف افراد تأمین می‌شد. در آین مهرپرستان طبقات و تینات اجتماعی وجود نداشت، و به اصطلاح شاه و گذا در برابر هم می‌نشستند. در این آین، مهر به عنوان آفرینده و نجات دهنده انسان در روز بازپسین نظم نوینی برقرار می‌کند که در آن مؤمنان واقعی در نعیم حاودانی خواهند بود. شکست مهرپرستی را در برابر مسیحیت نتیجه این می‌دانند که در مهرپرستی تعدد خدایان تأکید شده بود در حالی که روح عصر بتدریج به سوی توحید متمایل بود، و نیز طرد زنان از جوامع دینی مهرپرستی را یکی از علل شکست فلسفی آن در برابر مسیحیت می‌دانند.

مقدمه

نیتی خیر مدیریت چاپخانه سکویا^۱ را بر آن داشته است تا با مراجعه به دکتر ورمازرن^۲ کتاب او را که حاوی تاریخچه و بحثی مختصر در باره دین میتراست به چاپ برسانند. این محقق که مجموعه نوشته‌ها و آثار مربوط به دین مهری را چاپ و تحقیقات چندی هم در همین زمینه کرده است، در حال حاضر بهترین متخصص کیش مهری و در واقع جانشین شادروان فرانتر کومون^۳ است. اما مراد از کتاب حاضر عوام فهم کردن مطالب نیست، بلکه غرض خلاصه کردن تمام پژوهش‌ها و اکتشافاتی است که اخیراً در باب میترا و آئین او شده است. ناگفته نماند که اگر علم در زمینه مهرشناسی پیشرفت‌هائی کرده، نخست مدیون فرانتر کومون و تحقیقات او در کتاب متون و آثار مهری^۴ و بعد تا حد زیادی وامدار نوشته‌های ورمازرن است. در امر تبع در آئین میترا- چون اسناد و مدارک موجود نافض یکدیگرند - توفیق در استخراج حقیقت از دل این تناقضات، معرف شایستگی ورمازرن است. اسناد و نوشته‌های یافته شده در مشرق و ایران و هند ابهام فراوان دارند و گویای اهمیت و اقتدار دوهزارساله مهر در این مناطق اند و او را همچون خدائی در جوار اهورامزدا نمایان می‌دارند ولی در عین حال در باره جزئیات دین و خصوصیات شخصیت وی سخن نمی‌گویند.

1. Sequoia

2. Vermaseren

3. F. Cumont

4. *Textes et Documents relatifs aux Mystères de Mithra*

اما به منابع اطلاع شرقی، منبع دیگری افزوده می‌شود و آن مشکل از عمارت‌ها و ابینه و سنگ‌نوشته‌ها و خلاصه مدارک مربوط به باستان‌شناسی است و محدود به امپراتوری روم و سوریه و آلمان باستان و انگلستان می‌شود و حد زمانی آن میان قرن اول تا پنجم می‌باشد.

این دسته از آثار عاری از هرگونه نوشه‌ادبی و تاریخی هستند و هرگاه همه این بازمانده‌های غربی در کتابی جمع شوند، آن کتاب صرفاً شامل یک سلسله تصاویر خواهد شد، ولی میترای جدیدی را به ما نشان خواهد داد که مُنجی بشر و در مرکز یک جهان‌بینی دینی و فلسفی قرار گرفته است.

در منابع شرقی و هندی و ایرانی اگرچه میترا همچون خدائی بزرگ نموده می‌شود، ولی به هیچ روی در مرکز دین قرار نگرفته و به عبارت دیگر محور اصلی نیست. میان میترای هند و میترای ایران دسته‌ای از دین مردان^۱ قرار دارند که به معان معروفند.

از کارهای اینان چیزی بر ما روشن نیست، اما آن چیزی را که خلق کرده‌اند در دسترس ما است. تازمانی که نوشه‌های این معان کشف نشده است ناگزیر باید به حدس و گمان اعمال آنان را تعبیر کنیم و البته این اعمال ملهم از مشرب فلسفی ایرانی و یونانی‌اند.

چند قرن قبل از ظهور مسیح، در آن دوره از تاریخ یونان که عهد هلنیستیک^۲ گفته می‌شود، بنیادگذاران دین مهری توانسته‌اند به خواسته‌های معاصران خویش پاسخ مثبت گویند. در تمام ادیان شکوفان در این دوره از تاریخ یونان، این تمایل سازگار کردن دین با محیط دیده می‌شود. ولی هیچ کدام مثل دین مهری موفق نشده‌اند آرزوی طرفداران خود را برآورند. اما برای این که بتوانیم در چگونگی تکوین دین میترا داوری کنیم، مجبوریم ماهیت افکار مذهبی جاری در این دوره را روشن نمائیم. چنین تحقیقی مارابه

۱. به جای کلمه *prêtre* دین مرد را به کار برده‌ام، به معنی مطلق روحانی - م.
۲. Hellenistique صفتی است که اطلاق می‌شود به زبان و تمدن یونان از آغاز قرن سوم پیش از مسیح تا تخریب آن به دست لشکر روم - م.

پژوهش در روابط میان دین مهری و دین مسیحی می‌کشاند. چون یک سلسله علا اخلاقی و روحی باعث شده است که هر دو دین با موقوفیت انتشار یابند و تمیزات معنوی مردمان دوران خویش را ارضا کنند. قبل از ظهور مسیح فکر بشر آماده پذیرش دینی نو بود و به همین علت سه قرن پس از دعوت او مسیحیت دین رسمی اروپا شد و این نکته می‌بایست صفحه‌ای از تاریخ عالم^۱ بوسوئه^۲ می‌شد، ولی این حکیم بدختانه به آن پی نبرد و این جای تأسف است. فیلسوفان هند و ایران و مصر و یونان راه مسیح را در انتشار دین خویش بیش از پیامبران اسرائیل باز کردند. فلسفه مغان همچون عطیه‌ای گرانقدرتر از زر برای دین مسیح نو خاسته بود. اما «تمیزات دینی» که لحظه‌ای پیش بدان اشارت رفت، متوقف بر سه مسئله بود: اندیشه اعتقاد به خدا، نیاز به یک میانجی بین خدا و انسان، نجات اخروی و داوری در روز قیامت.

۱. در دیده بت پرستان خدایان خواجگانی مقندر و دشوار پسند بودند و به صرفه انسان بود که موجب رضایت آنان را فراهم کند. این عقیده ساده و در خورانسان به سایر افکار مبتنی بر اعتقاد به اجحاف گری خدایان اضافه شد و البته چندان جدی نبود.

در دین مهری خدای واحد و جاودانی سرور عالم شد و قادر مطلق جهان بی‌انتها گشت. تنها خصیصه انسانی ؎ی که در او وجود داشت عقل بود که به حد کمال در او موجود بود. «در آغاز و در بن هر شبی عقل هست و عقل خداست، اما عقل خدا سوای عقل انسان هاست که همیشه در معرض تهاجم نیروهای تخیل و احساسات است.»

تمام مذاهب مبتنی بر سنت مدعی معرفت بر چنین خدائی شده‌اند. این خدا در یونان زئوس^۳، در اسکندریه سراپیس^۴ در سوریه هداد و بعل^۵ و در

1. *L'Histoire Universelle*

.Bossuet . حکیم و خطب و نوبنده مذهبی فرانسه (۱۶۲۷-۱۷۰۴)

3. Zéus

4. Sérapis

5. Bél Hadad

پالمیر بعل شمیم^۱ نامیده شد. معان خدا را در اهورامزدا یافتند و از او مفهوم کرونوس^۲ را ساختند که سرور زمان بود. حتی زئوس که با فرشتگان بدکار در جدال است، به ظاهر خادم او است. میترا پسر و قاولد او است. در اطراف این خدای یگانه موجودات فوق طبیعتی قرار دارند که در حقیقت مخلوقات او هستند (حتی مخلوقات بدکار)، و از این رو روحانیان برآن شدند تا ارج و قرب خدایان باستان خویش را که به درجات پست نزول کرده بودند، دوباره به آنان بازگردانند.

۲. چنین دگرگونی در زمینه دین باعث پدید شدن فاصله‌ای میان خدا و انسان شد و دوباره ضرورت وجود یک موجود میانجی که هم کمال و قدرت خدا را بدارد و هم حیات و تقوی و تجربه انسان را، احساس شد.

از این جهت تمام ادبیانی که مایل به ادامه حیات بودند، بر آن شدند تا بین خدا و انسان میانجی ای پیشنهاد کنند. این شد که در بیان ارفه^۳ یا دیونیزوس^۴، در سوریه هلیوس^۵ و در پالمیر ملک بعل^۶ وجود یافتد. گاهی اوقات هم نقش میانجی به الهه‌هایی نظیر ایزیس^۷ واگذار شد.

تنهای یک مذهب سمت میانجیگری را به زمان (به عبارت دیگر تغییر و تحول = شدن) می‌سپارد و آن دین یهود است که مسی^۸ یا مبشر در آن اهمیت روزافزوون پیدا می‌کند. اما در دیده معان نقش میترا درست نظیر نقش مسی است. میترا در روی زمین حیات می‌یابد و با صعود به آسمان زندگیش انجام می‌پذیرد.

میترا در دوران زندگی خویش از مراحلی نظیر «مراحلی که ما انسان‌ها طی می‌کنیم» می‌گذرد و نمونه‌ای از تقوی و پارسانی است، خیر بشریت غرض نهانی او است و برای برآوردن این منظور قدرتی الهی در دست دارد و بعد از صعود به آسمان نیز میانجی بین مؤمنان به خویش است.

1. Bél Shamim

2. Kronos = زروان

3. Orphée

4. Dionysos

5. Hélios

6. Malakbêl

7. Isis

8. Messie

۳. مسئله سوه مربوط به نجات اخروی بشر است. منشأ اعتقاد به ابدیت روح در تاریکی های تاریخ گم می شود. نخست عقیده بشر به این بود که روح پس از مرگ در گور و حوالی آن به حیات خود ادامه می دهد و در زیر سنگ گور استراحت می کند. بعدها ایمان بر این جاری شد که جای روح در اعماق زمین است و پس بر آن شد که روح در زمین، در آن طرف کره خاکی که شب هنگاه خورشید روشنیش می نماید زندگی می کند. این سخن تفکر سومین در مصر معاصر ساختمان اهرام و در سوریه دو هزار سال قبل از مسیح جریان داشت. اگرچه عقیده به روز قیامت نزد مصریان بسیار قدیم است، ولی اینان به رابطه روشنی میان اعمال خیر و شر زندگان و سرنوشت آنها در دنیا باقی فائل نبودند. در عتایدی که بعد از اعتقادات مصری و سوریه‌ای باب شد، مسئله جزای روز قیامت اهمیتی فراوان یافت.

از طرفی نیکوکاران پاداش خواهند یافت و در آسمان زندگی خواهند کرد و از سوی دیگر بدکاران به جهنمی خواهند رفت که یونانیان محل آن را در پست ترین نقطه کره آسمان می دانند. بدین طریق تمام ادیان فقط به معتقدان خوبش مژده نجات اخروی و داوری روز پسین می دهند، بدون این که سرنوشت همه بشریت را در نظر بگیرند.

ضامن عدالت پروردگار میانجی است. بر این سیاق، غالب اعمال دینی به این منظور انجام می گیرند که به مؤمن زندگی جاودانی عطا کنند و یا لااقل زندگی این جهانی او را توفیق بخشد.

در باره بهشت موعود میترا چیز نمی دانیم، ولی شکی هم نداریم که میترا وعده چنین بهشتی را به گروندگانش می داد و این به تحقیق علت اساسی موافقیت عظیمش بود. این مختصر مارا مجاز به این نتیجه گیری می کند که دین مهری و دین مسیح را ناشی از یک جریان واحد فکری بدانیم و آن را مرحله‌ای از تحول فکر بشر بیانگاریم؛ تحولی که جای بحث آن در تاریخ جهان است. همان طور که در آغاز این مقدمه گفتیم، این تحول راز تاریخ جهان است که

بوسوئه آن را به فراست دریافته بود. امروز این عقیده مورد قبول است که تکامل در طبیعت، طریق معقول خلق موجودات زنده توسط پروردگار است، و به عبارت دیگر تحول جاری در طبیعت همان آفرینش خداوندی است. آیا در تحول فکر بشر نمی‌توان دست «عقل کل» را دید؟

میترا در ایران و هند

در سال ۱۹۰۷ در ناحیه بغازکوی پایتخت سرزمین هیتی‌ها^۱ که در شمال غربی آسیای صغیر واقع شده است، لوح هائی از جنس خاک رس به دست آمد که روی آن‌ها نخستین بار نام میترا (به همین املاء) دیده می‌شود. این لوح‌های گلی محتوی بر پیمانی است که میان هیتی‌ها و همسایه‌شان میتانی‌ها^۲ بسته شده و از میترا و خدای آسمان برای پایداری این پیمان استعانت شده است. بر سر تاریخ این پیمان موافقت پیدا شده است و انعقاد آن را در چهارده قرن پیش از مسیح دانسته‌اند. اما آخرین مدرکی که محتوی بر نام میترا است و در غرب یافته شده مربوط به پنج قرن پس از مسیح است. پس قرون متعددی ناظر احترام مؤمنان نسبت به این خدا بوده است.

مهرپرستی از میان رفته ولی نام او بر سر زبان پژوهندگان است. علوم گوناگون همچون باستان‌شناسی، تاریخ‌ادیان، الهیات و زبان‌شناسی، به شناخت این خدا علاقه می‌ورزند و می‌خواهند راز آن را از پرده استار بیرون بکشند. اگر دین مهری خوب شناخته نشود، تاریخ آغاز دین مسیح در زمانی که تازه در حال نضج گرفتن بود، تاریک می‌ماند.

تحقیق در باب دین میترا گاهی اوقات با اشکالات بزرگ رو به رو می‌شود. در کشورهای شرق استناد و مدارک مربوط به مهر فقط از نوع مکتوب است و حال آن که در غرب تنها مدرک بازمانده، آثار تاریخی است. همان

1. Hittites

2. Mitanniens

طور که محقق بزرگ فرانز کومون (در ۱۹۴۷ به بخشایش ایزدی پیوست) توضیح کرده، دانشمندی که می‌خواهد در باره دین مهر تحقیق کند درست وضع کسی را دارد که می‌خواهد در مسیحیت پژوهش کند و تنها مادرکش کتاب «عهد عتیق» و کلیساهای قرون وسطی است. نتیجه این نقصان مدارک این می‌شود که معلومات ما در مورد میترا ناقص و دست و پاشکته است. به این دلیل است که کاوش‌ها و اکتشافات جدید بسیار سودمند هستند و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

معاهده‌نامه باستانی میان هیتی‌ها و میتانی‌ها گویای این امر است که نیاکان هند و اروپائی ما میترا را در آن عهد می‌شناخته‌اند. بنابراین، جای شگفتی نیست اگر نام او را میان مردمان هند و ایران می‌یابیم. در کتاب مقدس ودا متعلق به هندیان باستان نام مهر به صورت میترا چندین بار تکرار می‌شود و معنای «پیمان» می‌دهد. در کتاب اوستان‌نامه دینی ایرانیان باستان نام میترا می‌آید و سرو‌دی به نام «مهریشت» در ستایش او آمده است. چه در ودا و چه در اوستا نام میترا با نام وارونا و اهورمزدا خدای بزرگ همراه است. با این حال باید چند مرحله متوالی در این دو کتاب تشخیص داد. این دو کتاب در عین حال که بخش‌های بسیار قدیم دارند، فصل‌هایی از آن بسیار جدید‌ترند و به این علت است که نام میترا همیشه اهمیت سابق را ندارد و عقایدی که در باره‌اش ابراز می‌شود به کرات تغییر می‌یابند. خاورشناسان بر این عقیده‌اند که در اعصار باستان، رقابتی میان مهرپرستان و پرستنده‌گان خدای آسمان وجود داشته است. اگر بخواهیم به دین مهر بهتر پی ببریم، هیچگاه نباید دوگانه پرستی ائم را که در ادیان ایرانی وجود داشته است، فراموش کنیم. اهورامزدا خداوند فرزانگی است و فرمازروای جهان روشنائی است و گروهی از ایزدان گردانگرد او را فرا گرفته‌اند. در برابر او نیروهای بدکار هستند که در حول و حوش خدای تاریکی قرار گرفته‌اند. این دو گروه مدام در جدالند، اما روزی خواهد آمد که نیروی نیکی بدی را از زمین پاک خواهد کرد. در این جدال، میترا حکم ایزدی «یزت»

را دارد که دستیار اهورامزدا است و در صفت مبارزان خبر و راستی نبرد می‌کند. کاملاً واضح است که میترا همان خدای روشنائی است که در هند به خورشید تشبیه شده است. نظری او را نزد الهه هلیوس در حماسه هومر می‌بینیم که در جهان می‌گردد و انتقام ظلم ستمکار را از ستم دیده می‌کشد و راستی را دوباره در کائنات مستقر می‌کند.

از طرفی میترا خدای روشنائی است و از سوی دیگر در خدمت اهورامزدا نبرد می‌کند. پس در واقع میترا فیضانی از اورمزد است و از او الهام می‌گیرد. اورمزد یارانی دارد که به اماثاپنداں معروفند و از ذات او تراوش یافته‌اند. درست نظری آنچه در هند می‌گذرد. در اطراف میترا ایزدان کهتری نظیر آریامن (ایزد محافظ آریاها) و بهاگا (خدای سرنوشت) که مقدرات مردمان به دست اوست و میان آنان هدایای خیرآفرین تقسیم می‌کند، قرار گرفته‌اند. در هند این دو ایزد بهم پیوسته سرانوosa^۱ و آسی نام می‌گیرند و عملأً وجود مشخصی از میترا هستند. چنان‌که بعدها در مورد کوتس^۲ و کوتوباتش^۳ (بخش ملازمان میترا را بینید) ضمن نمایشنامه‌های مذهبی قرون وسطای مسیحی دیده می‌شود.

شخصیت و اشتهرار زرتشت از اهمیت و اعتبار میترا به شدت کاست. زرتشت دین خود را اساساً در بخش شرقی ایران منتشر کرد. با این وصف در باب تاریخ زمان زندگی او عقاید گوناگون وجود دارد. حیات او را معمولاً در حدود سال‌های هزار تا ششصد قبل از مسیح تصور می‌کنند، اما فعلاً تاریخ زندگی او در حوالي سال ششصد قبل از عیسی تثبیت شده است. متأسفانه تنها مدرکی که می‌توان از خلال آن به شخصیت زرتشت پی‌برد، بخش گات‌های اوستا است که محتوى بر سرودهای مقدس است و زبان آن یک لهجه شرقی ایرانی است که ترجمه آن هم البته بسیار مشکل و پیچیده است. اما در این تردید نیست که زرتشت مصلح بزرگی بود و قصد داشت شرک

1. Sraosa

2. Cautes

3. Cautopates

را براندازد و یکتاپرستی را جانشین آن کند و اهورامزدا را خدای یگانه دین زرتشتی بنماید. به عزم تحقیق بخشنده این مقصود، زرتشت مجبور شد که از اهمیت میترا در نزد مؤمنان به او بکاهد و با مراسم مذهب مهری‌ها مخالفت ورزد و خونریزی و فدیه کردن گاو و استعمال گیاه مسنتی بخش هوم را که ایجاد خلله می‌کرد، ممنوع سازد. از امتزاج خون گاو قربانی شده و شیره گیاه هوما نوشابه‌ای به دست می‌آمد که نیروی جاودانی به نوشتندۀ آن می‌داد و زرتشت چون این رسم را برانداخت ضربه بزرگی به دین مهری وارد آورد.

در این باب که داریوش و کورش پادشاهان هخامنشی، زرتشتی بودند یا نه، سخن نمی‌رانیم. آنچه روشن است، این است که دین مهری محبوبیت بسیار در میان عامه داشت و زرتشت موفق به از میان بردن کامل آن نشد و در آغاز تبلیغ دینش با مخالفت شدید مهرپرستان مواجه شد و بالاخره هم به دست آنان در پرستشگاهی به قتل رسید.

در مهریشت که متعلق به بخش‌های متاخر اوستا و نموداری از کثرت انتشار دین مهری میان مردمان است، مهر با شکوهی بسیار جلوه‌گر می‌گردد. و آن جا که اهورامزدا به زرتشت می‌گوید: «وقتی مهر را آفریدم و به مردمان دستور دادم که بر او قربانی کنند و فدیه دهند و نماز گزارند. مقام او را به اندازه آن خودم بالا آوردم» اهمیت مهر بیشتر معلوم می‌شود.

در یشت دهم اوستا باز صحبت از مهر می‌شود: «تو از مردمانی که حسن نیت نسبت به مهر دارند، حمایت می‌کنی. انسانی را که قصد صدمه زدن به او داشته باشد، منهدم می‌کنی. مهر دارنده زمین‌های فراخ است. آرزو می‌کنیم که مهر پیروز، پادشاه شکوهمند مردمان روی زمین، مهر زورمند، مهری که بر او نماز می‌گزارند، به کمک ما بستا بد».«

«مهر نیکوکار، نیرومند، آسمانی، عالیقدر و بخشندۀ است. در قلل رفیع زندگی می‌کند، جنگجوئی است نیرومند و دلیر، پیروزگری است که سلاحی کارساز در دست دارد و راهنمای آدمیان در تاریکی است و فریب نمی‌خورد.

مهر باهوش ترین موجودات است، فاتح است و افتخار همراه اوست. هزار گوش، ده هزار چشم، ده هزار جاسوس دارد.» او خدائی است قادر و به خطاطی رود. براین خدای من می خواهم فدیه دهم. در سرتاسر این بیت صحبت از نیروی میترا و بزرگی و جنگجویی اوست. خصایص اخلاقی فوق الذکر باعث می شود که مهر را مردمان دوست بدارند و در مناسک عبادی مهربرستان هم منعکس گردند. در قرون بعدی این نیروی فوق العاده منسوب به میترا عامل جنب و جوش و تحرک پیروان وی در اعمال مذهبی بوده است. مفهوم و شخص وارونا چنان با مفاهیم نور و خورشید درآمیخته است که می گویند: «چشم مهر و وارونا». می توان گفت که ودا بیش از اوست رابطه میان مهر و رسم فدیه گاو را که بعدها در مرکز مراسم دینی مهری قرار گرفت، روشی می کند. افتخار تحقیق و جمع آوری متون و داشی مربوط به میترا (در حالی که مشغول قربانی کردن گاو است) از آن پروفسور لمل^۱ است. نقطه آغاز عقیده آفای لمل، لفظ سوما (با هوما مقایسه شود) است که به نظر ایشان خدای زندگی است. این خدا در واقع تجسد باران است که از ماه به زمین می ریزد و باعث رشد گیاهان می شود، و غذای انسان و حیوان را فراهم می آورد. نزد موجودات نرینه شیره نباتات تبدیل به دانه می شود و نزد موجودات مادینه تبدیل به شیر. با مرگ موجود زنده، جوهر حیات به ماه بر می گردد، وقتی ماه پر می شود، سوما همچون شرابی که در ساغر ریزند، در ماه ریخته می شود. پس سوما آب زندگانی است و خدایان هر ماه از آن می نوشتند، در این داستان، سوما که باران است، در عین حال تخم گاو آسمانی است که زمین را زایا می کند و شیر گاو آسمانی است که به مردمان غذا می رساند. اما چون خدایان می خواهند به قطره ای از آب زندگی دست یابند. تضمیم می گیرند که سوما را بکشند. وايو^۲ خدای باد، حاضر به انجام دادن این کار می شود و از میترا هم خواهش می کند تا در توطئه شرکت کند. خدایان به میترا گفته اند: «ما قصد داریم سوما را بکشیم.»

1. Lommel

2. Vâyu

میترا پاسخ داد: «به چنین کاری تن درنمی دهم، از این رو که دوستار همگان هستم.» خدایان دیگر گفتند: «با وجود این ما می خواهیم او را بکشیم.» سرانجام میترا به این شرط در قتل شرکت کرد که بهره‌ای از قربانی نیز به او رسد، چون کشنن سوما منجر به از دست دادن گاو و گوسفنداش می شد و چهارپایان از او رزوی گردانده می گفتند: «با وجود این که میترا (دوستار و مهربان) در راه دوستی گام می زند، جرم قبیحی از او سرزده است.» حتی وارونا هم در قتل سوما شرکت می کند. قتل به این نحو صورت گرفت که موافق مراسم دینی سوما را میان دو سنگ خرد کردند و شیره ساقه گیاه را بیرون کشیدند. سوما گیاهی است نیروبخش و خدایان و دینمردان و مؤمنان از آن می آشامند. مردمان از آشامیدن آن روان جاودانی می بایند و دیگر نمی میرند. البته سوما انسان را از مرگ جسمانی رها نمی کند، فقط خدایان از این نوع مرگ هم معاف هستند. مقایسه میان بخش هایی از ودا و اوستا و بخصوص کتاب بندنهش¹ که می گوید از کشنن گاو مخصوص، گیاهانی می روید، جالب توجه است. (فصل نامدار ترین فتوحات میترا را ببینید). بعدها در آئین میترا موقعی که خدای سوما (ها او ما) از میان رفت، مسئله تجدید حیات که وابسته به کشنن گاو است، باقی ماند. به این ترتیب رابطه میان مراسم میترای هند و ایران و مناسک میترای گاو اوژن در غرب حفظ شده است.

1. Bundahishn

زرتشت و موبدان

از منابع جدیدتر چنین بر می آید، موقعی که زرتشت در آتشکده بلخ کشته شد، به قاتل خود گفت: «همان طور که من بخودم، امیدوارم اورمزد نیز شما را ببخاید.» منبع مذکور چه ارزش تاریخی داشته باشد و چه عاری از اعتبار باشد، گویای احترام سرشار آن نسبت به پیغمبر است. ناگفته نماند که این دفعه منحصر به فرد نیست که در زمان های بعدی شخصیت زرتشت را با آن مسیح مقایسه کرده اند و قرابت هایی میان آن دو یافته اند. (به فصل «افسانه میترا» رجوع شود).

اگرچه که از جمیع جهات عقاید زرتشت در ایران عیقاً ریشه نگرفته ولی به هر حال تأثیر این عقاید بارز است و در نوشته ها از نام او با احترام یاد شده است. حتی می توان گفت که نام زرتشت و اقتدار او باعث شده است که این نوشته ها محترم و مقدس شمرده شوند.

زرتشت یک مع بود.

برخی نویسنده های مانند پلی نیوس¹ موبدان را متمهم به جادوگری و اعمال مرموز کرده اند، ولی واژه معنای بد به ذهن خواننده مفهوم جادوگران نهانکار را تاکند.

موافق نظر میتا² عالم ایران شناس، مقصود از واژه ماگوکسی است که در مراسم «داد و دهش» (ماگا) یعنی اصول دین زرتشت شرکت می کند و به

1. Plinius

2. Messina

مراسم آن عمل می‌کند. بنابراین واژه موبد اساساً چیزی جز پرستنده اهورامزدا نیست. زرتشت اولین موبد است. از این رو که اهورامزدا اصول مکتب خود را به او آموخته است.

به قول دیوکریزستوم^۱ زرتشت در قله کوهی سوزان با اورمزد صحبت داشته و از او تعالیمی را فراگرفته است. بنابر آنچه گذشت، زرتشت دینمرو و سخن‌سرانی بود که مصلح شد و پیامبری یافت.



شکل ۱: معان دست‌اندرکار نبایش. نقش بازیافته در داسکی‌لیوم
(پنج قرن قبل از میلاد مسیح)

کم کم معنای واژه مع‌گسترش یافت و به روحانیان یا دینمردان به طور اعم اطلاق شد، بدون این که این روحانیان الزاماً مزدپرست قشری و سخت‌گیر باشند. موبدان در واقع مردان وارسته و فرزانه‌ای بودند که شاهنشاهی‌های ایران

1. Dio Chrysostome

را شدیداً تحت تأثیر خود قرار دادند و معمولاً تربیت شاهزادگان به عهده آنان واگذار می‌شد. اما این که سیرون در این خصوص ادعای کرده است که احدی نمی‌توانست پادشاه پارس‌ها شود، مگر این که تربیت شده موبدان بوده باشد گزافه است.

مقام بلند اجتماعی معان‌گاهی سبب مداخله اینان در برخی حوادث، نظیر داستان اسردیس غاصب می‌شد که هرودت به طرزی دلپذیر وصف کرده است. میاناً معتقد است که مراد از غصب تحت سلطنت توسط اسردیس و شورش برديایی غاصب در قصر پادشاه که در غیاب کمبوجیه به ظهور پیوست، در واقع بذل مساعی موبدان در راه تصرف قطعی قدرت و انتشار آسان‌تر و سریع‌تر دین زرتشت بود.

اما به نظر هرودت معان یکی از شش قبیله مادی هستند. اگر این فرض را قبول کنیم، مثله قبضه کردن قدرت به دست معان، صرفاً انگیزه سیاسی پیدا خواهد کرد و مبنی بر همین نظریه است که استاد بنویست^۱ انتقام وحشت‌انگیز داریوش جانشین کمبوجیه را از موبدان و کشته شدن آنان را توجیه می‌کند.

توجه زیادی هم که داریوش در سنگ‌نوشته رسمی بیستون به توصیف این حادثه نشان داده، روشنگر نظر مذکور است. گمان می‌رود که دین‌سردان از میان اعضای قبیله معان برگزیده می‌شدند. ولی صرف تعلق به طایفه موبدان، همه اینان را الزاماً به مرتبه پیشوائی دین نمی‌رسانید. شاید از این روست که معان بنابر سنت متعارف از دفن مردگان خود ابا می‌کردند و آنان را جلو جانوران و مرغان وحشی می‌انداختند و این عرف و عادت خاص معانی بود که در شمال ایران می‌زیستند. با همه این حوالشی که گذشت، حیثیت این طایفه در چشم مردم دست نخورده باقی ماند و مورد تکریم عام بودند. در دیده هرودت هرگونه فدیه در حضور معان می‌بایست انجام بگیرد و اینان به هنگام انجام دادن مناسک قربانی، سرودهای دینی که مشتمل بر افسانه ولادت خدایان بود،

1. E. Benveniste

می خوانند. نقشی که در ناحیه داسکی لیوم^۱ در غرب آسیای صغیر یافته شده و مربوط به پنجم قرن پیش از عیسی است به طرزی زنده فعالیت و کار مغان را برای ما توصیف می کند. (به شکل ۱ نگاه کنید).

تکه پارچه ای را جلو دهان می بندند به اسم پنام تانفسشان آتش را آلوده نکن. و دسته ای از شاخه های گیاه موسوم به برسم در دست می گیرند و جلوی مذبح و یا نمازگاه راست می ایستند. از اطراف این قربانیگاه سرقوق و گاوی آویزان است و قوچ و گاو دیگری هم در پس دیوار آن قرار داده شده است. چون شاهنشاهی هخامنشی گسترش یافت موبدان با طبقات روحانی سایر ملل و بخصوص کلدانیان مربوط شدند. پوندهای سرراست تری میان این مغان و فرهنگ یونانی برقرار شد. درست آمده است که موبدی استانس^۲ نام، اندیشه های دینی ایرانی را در یونان رواج داده است.

بر اساس همین قول است که محققان در جستجوی روابطی میان موبدان و فلسفه یونان اند.

افلاطون در کتاب آلسی بیاد^۳ لفظ ماگیا^۴ را مترادف بانیایش ایزدان^۵ می داند. اما سوفوکل^۶ که بازگوی عقاید عامیانه تری است، لفظ ماگوس^۷ (=مع) را معادل با گنس^۸ به معنای «جادوگر» می داند. دینمردان کلدانی در علم ستاره شناسی به حذاقت مشهور بودند و تحول معنای واژه موبد نشان می دهد تا چه اندازه رابطه مغان با کلدانیان در انتشار اعتقادات نجومی مؤثر بوده است.

همین مغان «یونانی مآب» آسیای صغیر بودند که مراسم آئین پر رمز و راز مهرپرستی را خلق کردند و خدای مورد ستایش قاطبه مردم را محور مناسک سری و باطنی جلوه دادند.

در تمام آسیای صغیر جشن هائی که به افتخار خداوند می گرفتند،

1. Dascylium

2. Ostanes

3. Alcibiade

4. Magéia

5. Théon Therapéia

6. Sophocle

7. Magos

8. Gnos

معروف بود. به هنگام جشن موسوم به میترا کانا یا مهرگان قربانی‌های مجلل می‌کردند و شاه به رقص مقدس می‌پرداخت و به افتخار خدا به افراط باده می‌نوشید. از این مراسم کتریاس^۱ (۳۹۰ قبل از میلاد مسیح) نام می‌برد و سایر منابع آن را تأیید می‌کنند. جشن مهر در روز مهر از ماه مهر که مصادف با دوم اکتبر (ماه فرنگی) و آغاز زمستان بود، گرفته می‌شد.

موبدان میترا را در صفت مقدم می‌گذارند و از او همچون خدای خورشید نام می‌برند و تصور می‌کردند که زروان در رأس دونیروی متصاد خوبی و بدی قرار گرفته است. مقام پیشوائی دین در نزد مغان موروثاً از پدر به پسر و منطبق باستی قدیمی منتقل می‌شد.

در خصوص نحوه انتشار و ازدیاد مغان، سنگ نوشته‌ای به دو زبان یونانی و آرامی یافته شده که حائز اهمیت فراوان است. این کتیبه در شهر کاپادوس^۲ و در ناحیه فرشا^۳ یا روداندوس^۴ کشف شده که روی آن جمله زیر حک شده است: «ساگاریوس^۵ پسر ماگافارنس^۶ یا مای فارنس^۷ (در صحت قرائت این نام تردید است) سردار آریارامنا موبد مهری شد و یا (به عبارت بهتر) مراسمی را به افتخار میترا انجام داد». متأسفانه تعیین تاریخ این کتیبه مشکل است. برخی آن را متعلق به سه قرن پیش از مسیح می‌دانند و بعضی معتقدند که این نوشته مربوط به ابتدای انتشار دین مسیح است. در هر صورت، موبدان قرون متعددی در آسیای صغیر ماندند و استрабون^۸ مورخ که از سال ۶۶ قبل از مسیح تا سال ۲۳ بعداز مسیح زیسته اینان را به چشم خویش دیده است. وصفی که استрабون از موبدان می‌کند. در واقع روشنگر کتبیه داسکی لیوم است که مذکور افتاد و مربوط به قرن پنجم پیش از عیسی است (شکل ۱ را بینید). استрабون می‌نویسد که مغان «شاخه‌هایی از تم رهنده در دست می‌گیرند و دیرگاهی به خواندن اوراد می‌پردازنند».

1. Ctèsias

2. Cappadoce

3. Farasha

4. Rhodandos

5. Sagarios

6. Magapharnés

7. Maipharnès

8. Strabon

بعدها خواهیم دید که در قرن اول پس از مسیح، دریازنان سیلیسی به اسرار دین میترا واقف شده بودند، ولی در همان هنگام در جنب مجتمع سری مهری، نیایش و پرستش مهر به صورت عمومی نیز انجام می‌گرفت. آن طور که از ظواهر امر بر می‌آید، تبدیل پرستش عمومی و آشکارای مهر به مجتمع سری در قرون اول و دوم پیش از مسیح متحقق شده است.

بعد از اکتشافات دورا اروپوس^۱ در سوریه، تردید کردن، - آن طور که ویکاندر^۲ داشمند سوئدی کرده - در تأثیر عمیقی که موبدان آسیای صغیر در تکوین مناسک و آئین مهری داشته‌اند اصلاً جایز نیست. در دو طرف محراب پرستشگاه دورا اروپوس (تصویر شماره ۸) روی دیوار تصویر دو موبد دیده می‌شود که لباس مخصوصی بر تن دارند و به طرزی مجلل بر تختی نشته‌اند. جامه‌شان مرکب از روپوش و شلوار و شبکله فریجی است. یکی از موبدان عصائی چوین در دست راست و کتابی در دست چپ دارد. با وقار به سوی مقابل خود می‌نگرد و فرزانه‌ای است که راه وصول به اسرار را نشان می‌دهد. مردی هژمونیوس^۳ نام در ۳۵۰ بعد از مسیح به این سیاق مانی موبد و پیامبر (۲۷۶-۲۱۶ بعد از مسیح) را توصیف می‌کند: «مانی روپوشی بر تن داشت با زمینه آبی فام و مزین به رنگ‌های گوناگون، عصائی سخت از جنس آبنوس به دست داشت، و کتابی بابلی در دست چپ گرفته بود.» جامه مانی به لباس دینمردان مهری شباهت بسیار دارد.

در مهرکده سنت پریسک رم پیشوای رئیس جماعت مذهبی، فرزانه‌وار بر تختی نشته و جامه‌ای سرخ نظیر جامه میترا به تن دارد و بر سر شبکله فریجی به رنگ سرخ گذاشته است و در دست راست انگشت‌تری دارد. روی یک کاشی که در شهر اُستی^۴ به دست آمده عصا و کلاه و خاتم ارشاد همچون علامت مشخص مرشد (پیر) نشانی شده است. (به بخش «مراحل

1. Doura Europos

2. Wikander

3. Hègémonius

4. Ostie

هفتگانه تشرف» مراجعه کنید). اضافه بر این‌ها در سنگ‌نوشته دورا از مردی ماکزیموس نام سخن می‌رود که موبدان است. زمانی فرارسید که این موبدان در خاک رم نفوذ کردند. در سال ۶۶ میسیحی تیرداد اول پادشاه ارمنستان چون به پادشاهی برگزیده شد، تصمیم گرفت تاج سلطنت را از دست نرون بگیرد. به این منظور از تراس^۱ و ایلیری^۲ و پیستوم^۳ عبور کرد و در این سفر پای خویش را به آب نیالود، چراکه او موبد بود و نمی‌خواست عنصر مقدس آب را بیالاید. پس از آن ماه سفر پیروزمندانه به ناپل رسید و سپس به رم رفت. ورود تیرداد با آن همه شکوه و جلال خاص پادشاهان شرق، همچون منظره‌ای با عظمت در دیده رومیان جلوه کرد. همراه تیرداد سه‌هزار سوار پارتی در جولان بود و جزء موکب وی موبدان بودند.

چون موقع تاجگذاری فرا رسید، تیرداد به این منوال با نرون سخن گفت: «من پادشاهم. از تحمه ارشک، از دودمان پادشاهانی چون بلاش و برادرش پاکروس^۴. اما من بنده شما هستم و شما خداوند منید. به درگاهتان آمده‌ام تا همچون میترا پرستشان کنم.» (به فصل «متون تازه‌یافته در سنت پریسک رم» مراجعه بفرمائید). هرچه گوئید همان خواهم شد، زیرا که در دیده من شما، هم موایرا^۵ و هم تیشه^۶ هستید.

تیرداد سخن به انجام نرسانده بود که نرون تاج کیانی خاص پادشاهان ایران را از سر او برگرفت و دیهیم مخصوص امپراتوران رم را بر جای آن گذاشت. فراتز کومون این گونه تاج‌بخشی را با تیت تیرداد دائز بر متشرف کردن نرون به آئین مهرپرستی مربوط می‌داند. پلی‌نیوس موّرخ رومی به این مراسم اشاره می‌کند و می‌گوید: «تیرداد نرون را از مراسم سحرآمیز شرکت در طعام دسته‌جمعی آگاه کرد و این تشریفات همان سفره متذور و اهدانی به میتراست».

1. Thrace

2. Illyrie

3. Picenum

4. Pakoros

5. Moira

6. Tyché

اگر چنین قولی درست باشد، نرون اولین امپراتوری است که معرفتی بر دین مهری یافته است. نرون به علم مغایبات علاقه و افرشان می‌داد و شاید اقبالی که به دین مهری می‌نمود، به این امید بود که رموز این علم را از موبدان یاموزد. اضافه بر این، نرون میل داشت رعایایش او را همچون ایزد خورشید نیایش کنند و در خانه زرینی که برای خود برساخته بود، به راستی خود را ایزد خورشید تصور می‌کرد و در باغ قصرش تندیس عظیمی از او برپا بود که همچون خدای خورشیدش می‌نمود. نرون در جشن‌هایی که به افتخار تیرداد برپا کرد، دستور داد تاروی نمایشخانه پمپئی که در میدان مارس قرار داشت، چادری به رنگ ارغوان بکشند. روی این چادر تصویری از نرون نقاشی شده بود که در اربابه خورشید نشته و ستاره‌های زرین دور و برش را گرفته‌اند. در هر حال، مسلم این است که ده سال بعد از این واقعه، دین میترا در رم حق اهلیت یافت و معروف همگان گشت. (بخش «ورود میترا به اروپا» را ببینید).

در همین اوان دین عیسی نیز کم کم شروع به نشر یافتن می‌کند. این دین در برگیرنده گفته‌های عیسی منجی و مبشری بود که مردم مدت‌ها انتظارش را می‌کشیدند؛ عیسائی که بر زمین نازل شد و به قالب انسانی درآمد. در انجیل متی آمده است که چون عیسی تولد یافت، دسته‌ای از مغان به هدایت یکی از ستارگان به بیت‌اللحم رسیدند، او را پرستیدند و زرناب و کندر و لبان و مرمکی پیشکش کردند. مسینا این نکته را به اثبات رسانیده که یهودان زرتشت را به دیده احترام نگریسته‌اند و حتی او را به مثابه حزقیل^۱ و یاشاگرد الیا^۲ دانسته‌اند. موبدان نیز به سهم خویش به دین یهودان اقبال کرده‌اند. تر سایان چون بخوبی می‌دانستند که زرتشت یهودی نیست، تصور می‌کردند که او پیامبری است که خداوند برای اعلام بشارت عیسی فرستاده است. و این نکته روشنگر روایتی در ترجمه عربی انجیل است که می‌گوید: «نگاه کنید همان طور که زرتشت پیشگویی کرده بود، موبدان از شرق به اورشلیم آمدند». اگر قول نوبستگان

میسیحی را باور کنیم، مبتر مورد بحث در واقع عیسی است. اما موافق نوشه‌های اوستا مراد سوشیانس است که بعد از چندین هزاره و در انتهای زمان ظهور خواهد کرد و حقیقت و خیر را بر نیروهای تاریکی زا پیروز خواهد گردانید. سوشیانس منجی پیروزمند است و چون روز رستاخیز رسید و مردگان زنده شدند او به آنان زندگی درخشنان و حیات جاودانی خواهد بخشید (زمیادیشت ۱۹ و ۸۹). بر حسب یکی دیگر از سرودهای اوستا، بهمن یشت، میترا مهم‌ترین هماورد و رقیب نیروهای شر است. پشون کافران را نابود خواهد کرد و اهورامزدا به یاران خود فرمان خواهد داد تا به آن منظور او را یاری دهند. میترا در رأس لشکریان قرار دارد و از همین جا بعثت تازه‌ای ایزد خورشید آغاز می‌شود و در بندھشن (XXX,25) آمده است که: «آنگاه که مردگان به پا خاستند، سوشیانس گاوی را خواهد کشت و از آمیزه چربی آن با گیاه هوما، مشروبی درست خواهد کرد که عمر جاودانی به مردمان خواهد داد.» در مناسک دینی رازآمیز غربی این منجی کس دیگری جز میترا ایزد خورشید نبود. به همین علت است که در رم روی کتبه‌ای به زبان لاتین نوشته شده: «درود بر سوشیانس»¹. در یک نوشتة مانوی بازیافته در ترکستان نکته خاصی علاوه شده و آن این است که: در مقابل میترا راستین، میترائی دروغین تصور شده که سوار بر گاو است و خود را «پسر حقیقی خدا» معرفی می‌کند و به مردمان فرمان می‌دهد تا او را پرسند.

مطابق نوشه‌های بندھشن (XXX,10) بهدینان (زرتشتیان) از بدینان (کفار) جدا خواهند شد. در اوستا آمده است که بعد از جنگی نهانی، میترا یکی از سه‌داری خواهد بود که موظف به قضاوت در باب ارواحی هستند که خواهان عبور از پل چینودند (پل صراط زرتشتیان). میترا سرانجام ارواح را از میان رودی از آتش به ساحل دیگر آن راهبری خواهد کرد و به هنگام عبور فقط ارواح کافر در آتش خواهند سوخت. بنابراین، باید تعجب کرد از این که

1. Nama Sebesio

میحیان، بعد از این که دیر زمانی در بشارت موبدان تأیید بشارت مسیح را دیدند و بعد از حصول اطمینان از این که موبدان، عیسای نجات بخش آنان را می پرسستند، بعد از چند قرن به این نتیجه رسیدند که میترا را باید به منزله ضد مسیح (دجال) تلقی کرد. دیر زمانی بود که میحیان در بشارت موبدان در واقع بشارت مسیحی را می دیدند و تصور می کردند که معان عیسی را می پرسستند، اما بعد از گذشت چند قرن بالاخره بر خطای خود واقف شدند و از آن به بعد میترا را به مثابه مخالف و رقیب مسیح پنداشتند.



شکل ۲: میترا دروغین در حال سوار شدن بر گاو.

آمدن میترا به اروپا

او ضاع و احوالی که چند قرن بعد خدای ایران را به اروپا کشانید، شگفت‌انگیز است.

پلوتارک^۱ تاریخنگاری که یک قرن بعد از مسیح می‌زیست، می‌گوید: رومی‌ها میترا را به وسیله دریازنان سیلیسی که یکی از ایالات آسیای صغیر است، شناختند. تهدیدات این راهزنان بدان درجه رسید که امپراتور پمپه^۲ مجبور به فرستادن چندین لشکر و نبرد با آنان شد (۷۸-۶۷ قبل از مسیح). پلوتارک در آنجاکه تذکره احوال پمپه را می‌دهد، در مورد دریازنان سیلیسی چنین می‌نویسد: «اینان روی کوه المپ در ناحیه لیسی^۳ قربانی‌های شگفت‌انگیزی کردند و در خفا مناسک اسرارآمیزی را انجام دادند که امروزه در آئین میترا بازمانده است. همین دریازنان نخستین کسانی بودند که در پراکندن آئین میترا کوشیدند.» به عقیده مورخ رومی آپیانوس^۴ (اواسط قرن دوم میسیحی) مهرپرستان رُم، بازماندگان ارتش مغلوب مهرداد اوپاتور^۵ هستند که دریازنان را به اسرار آئین مهری واقف کردند و ارتش مهرداد مشکل از قبایل متعدد شرقی بود.

در سیلیسی، موطن کوهستانی دریازنان هنوز هم ابنيه‌ای وجود دارد که به میترا هدیه شده است. اخیراً در آنازاربوس^۶ مهرکده‌ای یافته‌اند که توسط

1. Plutarques

2. Pompée

3. Lycie

4. Appien

5. Mithridate Eupator

6. Anazarbos

شخصی به نام مارک ارل^۱ که خود را دینمرد و مرشد دین زئوس - هلیوس - میترا خوانده، وقف میترا شده است. میترا در تارس^۲ هم که پایتخت بود، مورد احترام بود؛ و مؤید این معنا سکه‌های گردیانوس سوم^۳ امپراتور رم است که در یک طرف آن صورت میترا در حالی که گاوی را می‌کشد دیده می‌شود (تصویر را ببینید). می‌دانیم که در زمان پادشاهی گردیانوس، جنگ بزرگی میان ایران و رم درگرفت. ضرب سکه با آن نقش مخصوص در واقع یا به منظور تبلیغ بوده و یا به نظر اولیل^۴ «تعظیم و تکریم خدای ایران که مورد قبول رومی‌ها نیز واقع شده بود و بخصوص در این هنگام که آتش جنگ میان روم و میهن این ایزد روشن بوده، در حقیقت رنگ و بوی سیاسی خاصی به خود می‌گیرد». آیا اسناد



شکل ۳: سکه‌ای است بازیافته در تارس و ضرب آن مربوط به زمان گردیانوس سوم است و میترا را کشته گاو را نشان می‌دهد.

مذکور مربوط به قرون دوم و سوم میسیحی می‌توانند هنوز هم متنقولات پلوتارک را در باب دریازنان سیلیسی تأیید کنند؟ چنین احتمالی وجود دارد. تقریباً روشن شده است که میترا خصوصاً در تارس مورد پرستش بوده، زیرا که صورت میترا را کشته گاو بر سکه‌های این شهر یافته شده و گردیانوس که خیال رفتن به میدان جنگ را داشته، به احتمال قوی از این شهر گذر کرده

1. M. Auréle

2. Tarse

3. Gordien

4. E. Will.

است. چون شهر تارس بر سر چهار راهی قرار داشته، محتمل است که از قدیمی‌ترین روزگاران آئین و مناسک تشریفی مهری در آن جای معروف بوده است. سپس پلوتارک می‌گوید که دریازنان مقیم دامنه‌های کوه الْمَپ، بی‌حرمتی‌های نسبت به خدایان الْمَبِی کردند. چون اینان پرستندگان ایزدان شرقی بودند به سایر خدایان صرفاً با نظر تحیری می‌نگریستند. به این دریازنان مردمان صاحب منصب نیز پیوستند و جمعاً به پرستش می‌تراندند. فقط مردها ماذون به انجام دادن مراسم نیایش بودند. بنابراین، محتمل است که پس از آن که دریازنان شکست یافته‌اند و امپراتور رُم پمپه آنان را به ایتالیا کوچ داد، دین می‌تراندند با خود به آنجا بردن. از آنچه گذشت می‌توانیم تاریخ اطمینان‌بخشی برای انتشار عقاید مهری در اروپا بیاییم. اسناد دیگری مربوط به یک قرن پیش از مسیح وجود دارند که از نیایش می‌تراندند. اما از ماهیت و چگونگی آن سخن نمی‌گویند. سنگ قبری در نمرود داغ یافته‌اند که به آنتیوخوس اول اهل کمازن^۱ تقدیم شده و یکی دیگر را در آرسامه^۲ در کنار رود اورن^۳ پیدا کرده‌اند که به مهرداد (میتریدات) پدر آنتیوخوس اهدا شده است، این دو سنگ قبر در نهایت شکوه تزیین شده‌اند. این دو پادشاه به قصد تکریم خدائی که مورد پرستش پردازانشان بوده، مجسمه‌های عظیمی ازاو ساخته‌اند و روی صفحه‌های پهناور نصب کرده‌اند. این مجسمه‌ها به شکل خدایانی هستند که بر تخت‌های بزرگی نشسته‌اند و میان آنان آنتیوخوس امپراتور قرار گرفته که به هیئت نمرود ترسیم شده است. (۳۴-۶۹ قبل از مسیح). در نوشته‌های زیر آن، نام میترا با نام زئوس - اهورا - مزدا، هرمس^۴، آپولون - هلیوس^۵، هراکلس - ورثرغنه^۶ در یک زمان می‌آید. بنابراین، این دو پادشاه خدایان ایران را همچون ایزدان پاسدار خاندان خویش انگاشته‌اند. اضافه بر آن نقش‌های برجسته‌ای که از میتریدات و پرسش بر جای مانده، آن‌ها را در حالی نشان

1. Antioche ler. de Commagéne

2. Arsamée

3. Oronte

4. Hermés

5. Hélios

6. Verethra-gna

می دهد که دست در دست میترا دارند.

سالروز مرگ پادشاهان گذشته را هر سال طی مراسمی متذکر می شوند.

ولی مدارک موجود و بازمانده از آن مجالس کوچک ترین اشاره ای به مناسک رمزی میترا نمی کنند. بنابر آنچه گذشت، میترا جزء خدایان ملی است و به این صفت مشهور.

هر چند هم اسناد موجود در کتاب پلوتارک سودمند باشد، هیچگاه از نظر نباید دور داشت که این مورخ تذکره احوال پمپه را فقط در اواخر قرن اول بعد از مسیح به دست می دهد و مقارن همین احوال است که ما آثار مهری نظری نقش کشنه گاو را در رم می بینیم و می دانیم که مفهوم فدیه گاو یکی از وجوده مشخص آئین نیایش و تعالیم سری میترا است. در هر صورت، استاس^۱ شاعر در سال های ۸۰ پس از مسیح، میترا را به این گونه توصیف می کند: «خدایی که زیر صخره غارهای ایران چمباتمه زده شاخهای سرکش خود را می گرداند و بازمی گرداند». و در هر حال شگفت آور است که ما نتوانیم تاریخ هیچ یک از آثار مهری را تا قبل از یک قرن پس از میلاد مسیح معین کنیم. کاوش هایی که در پمپی شهری که در ۷۹ بعد از مسیح زیر خاک مدفون شد، انجام گرفته هیچ اثری از این خدا بروز نداده است. آثار مهری مربوط به سال های ۶۷ قبل از مسیح تا ۷۹ پس از مسیح تاکنون نایافته مانده اند، قدیم ترین سندی که تعیین تاریخش آسان است، مجسمه ای است رومی که امروزه در موزه بریتانیا در لندن نگاهداری می شود. نوشه پائین مجسمه از کسی است به نام آسیموس که خود را زر خرید شخصی موسوم به ت - کلودیوس لیویانوس^۲ می خواند. اگر این لیویانوس همان فرمانده کشیکچیان امپراتور ترایانوس باشد، مجسمه مربوط به آغاز قرن دوم پس از عیسی می شود. در این تاریخ است که راه برای آئین سری میترا باز شده و مقارن همین احوال است که میترا پیشرفت پیروزمندانه خود را آغاز می کند و تا کاپیتول و بالاتن نیز جلو می رود.

1. Stace

2. T. Claudius Livianus

پیروان میترا

همان طور که تاکنون دیده‌ایم، میترا در خود ایران هم مشهور به خصلت جنگاوری و پرخاشخوئی است، همیشه مهیاً نبرد و آمادهٔ کمک به یارانی است که در راه خیر مبارزه می‌کنند و تا آن‌ها را به پیروزی نرساند از پای نمی‌نشیند. در آئین مهری یکی از مراحلی که سالک باید از آن بگذرد، مرحلهٔ یا مرتبهٔ سربازی^۱ است. آئین نیایش مهری در حکم یک نوع خدمت نظامی است و زندگی در جهان خاکی نبردی است در راه خدای پیروز. بنابراین، اگر در میان لشکریان رُمی در هر مقام و منصی که بودند و اغلب شرقی هم بودند، علاقه و جذبه‌ای به دین میترا احساس می‌شده مایهٔ تعجب نباید باشد. زیرا همهٔ کسانی که زیرپرچم عقاب‌نشان ارتش رم گرد می‌آمدند - می‌توانستند - مورد حمایت نیرومندانه میترا قرار بگیرند. مساعدت و حمایتی که میترا در میدان‌های جنگ از سربازان معتقد به خود می‌کرد و انضباط نظامی که از هم اینان متوجه بود عوامل مهمی در انتشار دین او و رسمیت یافتن آن بوده‌اند. به مجردی که در فرش عقاب‌نشان سپاه روم در زمین یک ساخلو کاشته می‌شد، دین میترا هم در همان جا فوراً استقرار می‌یافت و بدون شک چنین پدیده‌ای از قرن دوم میلادی به بعد رواج یافت.

مثال والریانوس ماکسیمیانوس^۲ یکی از آن‌هاست.

1. Miles

2. Valerianus Maximianus

این امپراتور در پوئتوویو^۱ در ایالت دالماسی^۲ (شمال غربی یوگسلاوی) زاده شد که در آن محل سه معبد بزرگ مهری یافته شده است. ماکسیمیانوس در زمانی که فرماندهی لشکر سیزدهم رم را در دست داشت، مهرکده‌ای در آپولوم^۳ ساخت و چون به فرماندهی لشکر سوم رم در سال‌های ۱۸۳-۱۸۵ بعد از مسیح ترفیع یافت، در ایالت نومیدی^۴ در شهر لامبز^۵ چندین مهرکده و قفقی بساخت و نیز باید دانست که روابط استواری میان ایالات اطراف دانوب وجود دارد و کیش مهری تا نزدیکی مرزهای افریقا پیش رفته است. لشکر دوم هرکولیا^۶ در ناحیه تروسمیس^۷ از ایالت مؤسی^۸ مستقر شد و پس از آن در سی تیف (در افریقا) جای گرفت. و می‌دانیم که دین میتراء در هر دو این نواحی انتشار یافته است. ارلیوس^۹ نام که در کارنوونوم^{۱۰} در شرق وین زاده شده - و در این شهر میتراء سخت مورد احترام بوده - چون فرماندهی لشکریان را یافت. مهرکده‌ای در لامبز ساخت. سکستوس کاستوس^{۱۱} سرهنگ لشکر لژیون ششم رمی با این که به احتمال قریب به یقین در افریقا تولد یافته بود در ردچستر^{۱۲} مهرکده‌ای را وقف میتراء کرد. سربازان در عقب هنگ‌های سپاه روان می‌شوند، هنگ‌های سپاه در عقب فرماندهان در حرکتند و میتراء در پی همه آنان راه می‌سپرد. اشخاصی می‌توانسته‌اند با انجام دادن خدمات نظامی به دین مهری درآیند. جزئیات این مطلب را نوشته‌ای که در شهر پالئوپلیس^{۱۳} از شهرهای جزیره آندروس^{۱۴} یافت شده است، توصیف می‌کند. امپراتور رم سپتیموس سوروس^{۱۵} در حوالی سال ۲۰۰ می‌سیحی به شرق لشکرکشی کرد، قشون بسیار بیاراست و در سر راه جزیره آندروس رانگزیر اشغال کرد، مقارن این احوال و در همان جزیره شخصی به نام ارلیوس روپینوس^{۱۶} غاری تعییه و به

1. Poetovio

2. Dalmacie

3. Apulum

4. Numidie

5. Lambese

6. Herculia

7. Troesmis

8. Moesie

9. Aurelius

10. Carnuntum

11. Sextus Castus

12. Rudchester

13. Palaeopolis

14. Andros

15. Septimus Severus

16. Rufinus

میترا پیشکش کرده است. روینوس عضو فوق العاده هیئت‌اموران امپراتوری بوده و در نوشه‌هایی که در شهر سیسیا در بلغارستان از او یافته شده می‌گوید که زادگاهش شهر بیزی^۱ در ایالت تراس بوده است. از آثاری که بر جای مانده این نکته را می‌فهمیم که مهربرستی به غیر از شهرهای بسپارا^۲ و فیلیپولیس^۳، در بخش‌های جنوبی این ناحیه توانسته است نفوذ بکند. بنابراین، روینوس در تراس با دین مهری آشنائی نیافته بلکه معرفت او بر این آئین از زمانی شروع شده که خدمت سربازی را شروع کرده و بعد به دسته سربازان کشیکچی ملحق شده است. سواره نظام و تیراندازان ارتش رومی پیرو ایزد شرقی هستند و در او خدائی شکست‌ناپذیر که سرور و حافظ مؤمنان به خویش است می‌یابند. و میترا همین تیرانداز ایزدی است که از صخره صلب به زخم یک پیکان آب بدر می‌آورد. در یکی از آثار تاریخی مربوط به مهر که در رم یافته شده میترا دیده می‌شود، در حالی که کمانی در دست دارد. همین میترا سوارکاری است ایزدی شکست‌ناپذیر که آهو و گراز را با یک تیر از پای درمی‌آورد. در مهرکده دورا را پوس دو تصویر گوناگون هست که میترا را مسلح به تیر و کمان نشان می‌دهد (شکل ۲۹) و تیراندازان پالمیر می‌توانستند با دیدن این دو تصویر متفاوت، تصویری از میترای سوارکار پیدا کنند. در آلمان (دیبورگ - روکینگن)^۴ هم گاهی تصاویری یافته‌اند که میترا را به هنگام شکار نشان می‌دهد، در حالی که سگ‌های شکاری او را احاطه کرده‌اند. تصویری که در نوین‌هایم^۵ یافته شده، میترا را همچون پادشاهی مقدر نشان می‌دهد که کره زمین را در دست راست دارد و سوار بر اسب است. (تصویر ۲۸). با این که می‌دانیم که دین میترا بخصوص در بندرهای اروپا رواج بسیار یافته به هیچ روی نباید تصور کرد که در یانوردان آئین این خدا را وارد بندرها کرده‌اند. اگرچه میترا در میان بازرگانان و کشتی‌بانان شهرتی بسزا دارد، ولی نوشه‌هایی

1. Bizye

2. Bessapara

3. Philippopolis

4. Dieburg-Ruckingen

5. Neuenhien

که از پیروان دریانورد او باقی مانده قلیل است. رودخانه‌ها هم مثل چهارراه‌ها برای بازارگانان و سپاهیان اهمیت اساسی دارد، زیرا حمل و نقل گروه‌های سر بازان و کالاها را تسهیل می‌کند و رودهای بزرگ به مثابة یک نوع کمریند دفاعی طبیعی هستند که به دور مملکت کشیده شده‌اند. مکان‌هایی که موردن بحث قرار گرفت، قبل از این که شهریت پیدا کنند، سنگر و حصار و بارو داشته‌اند. سرتاسر رود فرات، در افریقا، در داسی، سرتاسر رود دانوب، در ناحیه مؤئزی، در گوش و کنار رودرن در آلمان، و در انگلستان بین سلوی^۱ و تین^۲ به سیاقی که گفته شد، کمریندی از قلاع نظامی مشاهده می‌شود. آدریانوس مجبور شد سدی در مقابل تهاجم اقوام پیکت^۳ بپاکند. میترا در همه جا حاضر بود، حتی در پادگان‌های مرزی، در دورترین نقاط امپراتوری رم هم آثاری از آن دیده می‌شود (شکل ۴). نزدیک شبکه‌ای از جاده‌های اصلی در شهر کریمه که مشرف بر دریای سیاه است، دسته سربازان معروف به ممتاز^۴ به افتخار خدایشان، در یک مهرکده، قربانی‌هائی کرده‌اند و این معبد هنوز کشف نشده است. در سال‌های اخیر معابدی در ردچستر و کارائوبورگ^۵ پیدا شده است. پرستشگاهی که در والبروک^۶ نزدیک لندن کشف شده، از برخی جهات شباهت‌هایی با معبد یافته شده در ناحیه مریدای اسپانیا و مهرکده سنت پریسک رم دارد. کمی نزدیک به زمان ما، یکی از پیروان میترا در محله یهودان رم موسوم به ترانس تیریریم^۷ نام خود را روی معبدی در ناحیه استی که در ضمن محل کار او هم بوده حک کرده است. اگر در مهرکده‌های دیبورگ و استوکشتات^۸ آلمان تصویرهایی از مرکور یافته شده که کیفی در دست دارد، اسباب تعجب نباید بشود. چون در شرق در کمازن گاهی اوقات نام میترا با خدای هرمس - مرکور^۹ یکجا می‌آمده است.

در جوامع مهرپرست، اختلاف خلقیات افراد و اختلاف طبقاتی و

1. Solway

2. Tyne

3. Pictes

4. Beneficiarii

5. Carrawburgh

6. Walbrook

7. Trans-Tiberim

8. Stockstadt

9. Hermes - Mercure

اجتماعی آنان هر چه قدر باشد قاطبه مردان مؤمن خود را متحده و یکی می‌بینند. به این دلیل است که در چندین مهرکده مظاهر اعتقادات ساده و عامیانه مردم را در جوار ابینه و آثار با شکوه مربوط به مردمان صاحب مقام می‌توان دید.

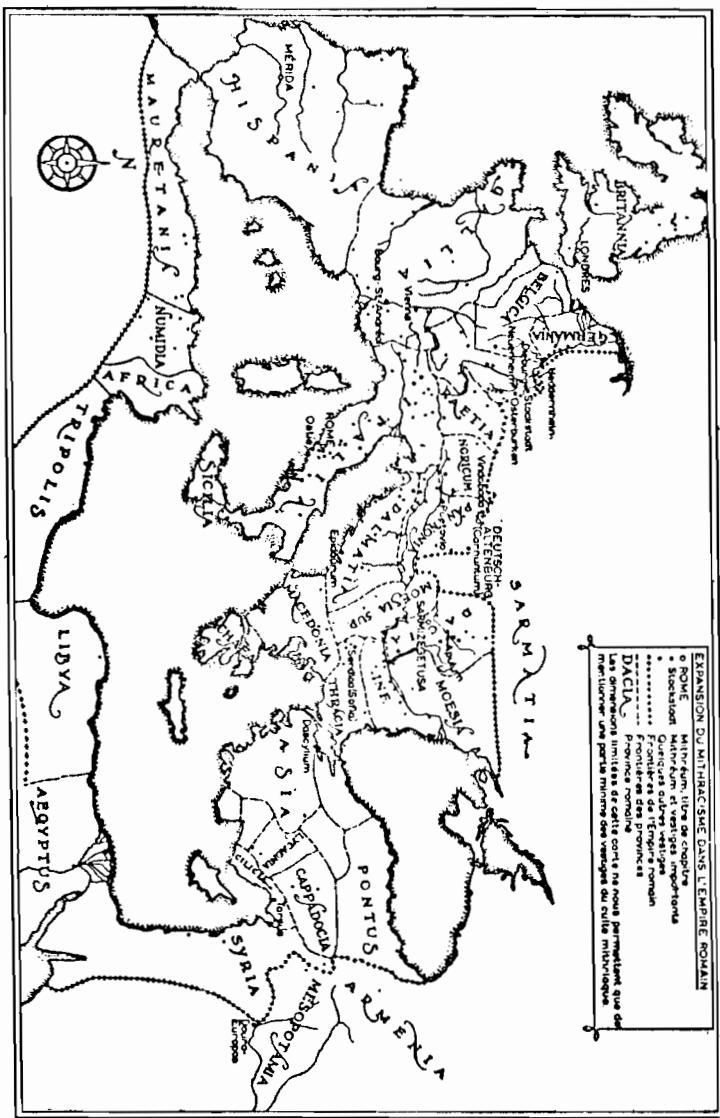
نقش چندین انسان‌مهرپرست برای ما به یادگار باقی‌مانده است. از مردی به نام ژاھریبول^۱ فرمانده تیراندازان و دو تن از دوستان مهمش در ناحیه دوران نقش برجسته‌ای مانده که در حال قربانی کردن گاو هستند. ماریتوس یا مارئوس^۲ مهرکده را با نقاشی‌های خود آراسته و نام خویش را روی یکی از ستون‌ها حک کرده است. اینکه این نقاش به رایگان قلم موی خود را در اختیار معبد گذاشته و یا این کار را فخری برای خویش می‌شمرده، باید تحقیق کرد و دید.

در پرستشگاه آواتن^۳ مهرپرستانی را می‌بینیم که ردیف وار هدایائی برای میترا می‌برند. اگر به نام‌های این اشخاص اعتماد بتوان کرد، ظاهراً شرقی هستند، موی سر را از ته تراشیده‌اند و انبوهی ریش، گردن‌بندوار عارض آن‌ها را فراگرفته است. هنرمندی که این تصاویر را کشیده شخصیت هر یک از افراد را جداگانه توصیف کرده است.

1. Jahribol

2. Maréos , Mareinos 3. Aventin

شکل ۴: گسترش آئین مهری در امپراتوری رم



روش‌های تبلیغ در آئین میترا

دیدیم که سربازان و پیشه‌وران، آئین مهرپرستی را تا به دورترین مرزهای امپراتوری رم پیش بردنند. در مدارک کتبی که به دست آمده، بیش از پیش به نام سرداران و بلندپایگانی بر می‌خوریم که هودار پرشور میترا هستند. در اسناد یافته شده در ناحیه پوئتوویو یک سلسله نام‌های صاحب منصبان گمرک را می‌بینیم که متدين به دین میترا هستند و نیز فرماندهان لشکر و فرمانداران استان‌ها را می‌یابیم که نذر کرده‌اند و محراب و مذبحی برپا داشته‌اند. مجسمه‌ای در رم یافته شده که اکنون در بریتانیا میوزیوم قرار دارد و نام ترایانوس بندۀ آزادشده‌ای روی آن ذکر شده است. در اواخر قرن اول مسیحی عقاید شرقی در رم نفوذ کرد، در ناحیه استی مجسمه نیم‌تنه‌ای از ترایانوس امپراتور رم یافته شده که کلاهی فریجی^۱ بر سر دارد. ترایانوس فرماندهی چندین جنگ را در کشورهای شرقی به عهده داشته است.

یک قرن بعد در زمان سپتیموس سوروس که زوجه‌ای از اهل سوریه به نام ژولیا دومنا^۲ داشت، در خانهٔ خصوصی بیلاقی ترایانوس امپراتور روم معبدی شاهانه مشرف بر رود آواتن ساخته شد. از این به بعد عقاید مهری در دربار راه یافت و دین مردمی مهرپرست به تنیق امور دینی آنجا گماشته شد. اگر به قول مورخان اعتماد کنیم، در همین گیرودار کمد^۳ امپراتور رم بر تعليمات

1. Phrygian

2. Julia Domna

3. Commode

میترا آگاهی یافت. پسران سپتیموس سوروس، یعنی کاراکالا^۱ و گتا^۲ به پرستش میترا شوق ورزیدند و در حمام‌های معدنی کاراکالا و در رم معبدی مستقر شد و در همین اوان بود که چندین پرستشگاه (از جمله سنت پریسک) در رم و افریقا که میهن خانوادگی امپراتوران مذکور بوده بنا شد. حتی در پالاتن^۳ مقر باشکوه امپراتوران رم، آثاری از دین میترا یافته شده، مهر تا پای کاپیتول^۴ و فورم^۵ نیز پیش رفته است.

ادیان شرقی سی بل^۶ و ایزیس^۷ بیش از عقاید مذهبی یونان راه ورود میترا به کاخ پالاتن را باز کردند و علت اساسی آن هم اعتقاد راسخ دین مهری به نجوم و تأثیر ستارگان در سعد و نحس امور خاکیان بوده است. در مرکز اعتقادات نجومی مهرپرستان، ایمان به خورشید وجود دارد. می‌دانیم که مهر پادشاهی است که در میان ستارگان قرار دارد و اوست که قدرت و جلال به پادشاهان روی زمین اعطا می‌کند. نخستین امپراتوری که این عقاید مجرد را عملآً متحقق کرد، نرون بود که برای خود خانه‌ای موسوم به زرین سرا^۸ ساخت. نرون مهرداد را به حکومت ارمنستان منصوب کرد. و مقارن همین انتصاب بود که خود راه‌مچون میترا جدیدی خواند و از مؤمنان توقع احترام و ستایش کرد. فرمان داد تا در باغ‌های قصرش مجسمه‌ای عظیم به شکل هلیوس سل (خدای خورشید)^۹ از او پرداختند و در همان جانصب کردند و مردم را به اکرام و اعزاز آن دعوت کرد. بعد از خاندان سوروس و نیز بعد از حکمت هلیوگابال^{۱۰} که وجود تاریخیش قبول عام نیافته و محل بحث است، در اواخر قرن سوم مسیحی به ارلیوس^{۱۱} امپراتور رم برمی خوریم. این امپراتور آئین پرستش خورشید شکست ناپدیر را رسمیت بخشید و در محل کنونی کلیسای سنت سیلوستر^{۱۲} معبد بزرگی برای خدای خورشید

1. Caracalla

2. Geta

3. Palatin

4. Capitole

5. Forum

6. Cybèle

7. Isis

8. Domus Aurea

9. Hélios-Sol

10. Heliogabale

11. Aurélius

12. Ste-Sylvestre

بساخت. آن طور که از ظواهر برمی آید، شک و تردیدی که ترایانوس امپراتور رم در قرن اول میسیحی در زمینه پذیرفتن آئین پرستش خورشید داشت، دیگر از میان رفت از این به بعد دین مزبور مقبول خاطر امپراتوران رم واقع شد، و آن هم بیش از پیش طریقه سلاطین مستبد شرقی را اتخاذ کردند.

ابن تحول را به وضوح روی سکه های بدست آمده می توان دید. امپراتور به تنها نماینده خدای خورشید است؛ اوست که هم فرمانرو^۱ و هم خداست،^۲ شکستناپذیر^۳ و همراه^۴ و نگهبان مردمان است.^۵ می دانیم که صفات مذکور از دیرگاه، صفات منسوب به میترا خدای شکستناپذیر خورشید است، اعتقادات نجومی هی هم بیش از پیش در مراسم دین مهری جائی برای خود باز می کردند.

وقتی که دیوکلسین^۶ امپراتور سالخورده رم، گالریوس^۷ ولیسی نیوس^۸ در ۳۰۸ بعداز مسیح در شهر کارنوتو^۹ نزدیک شهر وین گرد آمدند و حکومت سه پادشاهی^{۱۰} به وجود آوردند، به یادگار معاهدات منعقد میان خویش قربانگاه و مهرکدهای وقف میترا کردند. بر این بنا میترا با حرروف شکوهمند و به عنوان نگهبان قدرت امپراتوری رم وصف شده است. موقعیتی که دین مهری بخصوص در قرون دوم و سوم میسیحی یافت و سخت میان مردمان شیوع پیدا کرد ناشی از توجه و علاقه ای بود که خاندان امپراتوری به آن ابراز می داشتند. در خود رم تنها، بقایای بیش از صد معبد مهری یافته شده که در تمام نقاط شهر چه در خارج و چه در داخل ناحیه پومریوم^{۱۱} پراکنده بوده است. همه این معابد را در یک تاریخ نساخته اند، معذلک تعداد زیادی از آن ها مربوط به یک زمان هستند. این نکته را هم باید خاطر نشان کرد که غار مهری هر چقدر هم وسیع باشد، ناگزیر بیش از عده محدودی از مهر پرستان را نمی تواند

1. Dominus

2. Deus

3. Invictus

4. Comes

5. Conservator

6. Dioclétien

7. Galérius

8. Licinius

9. Carnuntum

10. Triumvirat

11. Pomérium

در خود جای بدهد. این شد که چاره‌ای اندیشیدند. به این ترتیب که هر قدر بر شمارهٔ مهریها افزوده می‌گشت، به همان اندازه بر ابعاد پرستشگاه می‌افزودند، ولی سرانجام دیر یا زود مجبور به تأسیس پرستشگاهی جدید در جائی دیگر می‌شدند و به این منوال آئین مهری تکیه‌گاه‌های جدیدتری تحصیل می‌کرد.

معبد مهری چه شکلی دارد؟

پورفیر^۱ در کتابش^۲ از شخصی به نام اوبلولوس^۳ روایت می‌کند که ستایش مهر در غارهای طبیعی انجام می‌گرفته است. نزدیک غار می‌بایست رودخانه‌ای جریان داشته باشد. از چنین نوع غار در فرانسه (بورست آندئول^۴) و آلمان (شوارتزدن^۵) و یوگسلاوی (کاوتات اپیدورم^۶) و شهر نفرتارا نزدیک پلولی^۷) تعدادی یافته شده و صورت میترا در حالی که مشغول ذبح گاو مقدس است، روی جدار سنگی غار کنده شده است. مهرکده‌ای که در ناحیه تیرگوسور^۸ یعنی در کوهستان‌های شمال غربی کنستانزا (رومانی) به سال ۱۹۵۸ کشف شده، بسیار جالب توجه است. سنگتراسی موسم به نیکومد^۹ سنگ‌های آن را تراشیده و نقل می‌کند که این غار در جنگل کوچک مقدس نزدیک رود فرات قرار داشته است. این رود فرات جوپیار کوچکی است که همنام رود بزرگ فرات واقع در بین النهرين گهواره آئین میترا است. گاهی اوقات که مقتضیات مکانی اجازه برپا ساختن معبد را که می‌بایست مطابق گفته زرتشت در غاری طبیعی باشد نمی‌داد، پرستشگاهی مصنوعی می‌ساختند و در این امر دقت می‌شد که نمازخانه به شکل غار باشد (شکل ۵). نتیجه این شد که تا حد امکان مهرکده‌ها زیرزمین ساخته می‌شدند. اغلب اوقات معاریف و

-
- 1. Porphyre
 - 3. Euboulos
 - 6. Cavtat epidaurum
 - 9. Nicomède

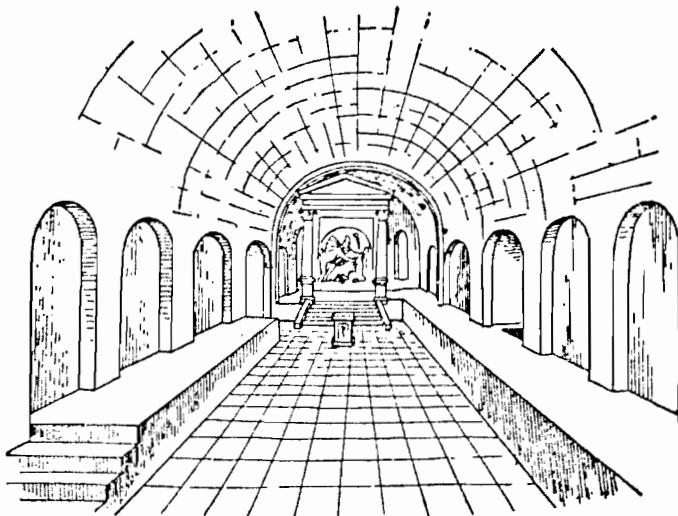
- 2. De Antro nympharum
- 4. Bourg Saint Andeol
- 5. Schwartzerden
- 7. Nefertara (Plevlje)
- 8. Tigrusor



عکس ۱ - منع . نقاشی بازیافته در دوران ارپوس



عکس ۲- طاقجه مخصوص مراسم عبادی در مهرکده واقع در زیر کلیسای سنت پرسک



شکل ۵: درون مهرکده سردیکا (سوفیا)

بلندپایگان جماعات مهرپرست، بخشی از خانه خود را مخصوص ساختمان یک معبد می‌کردند. (کلیساهای سنت پریسک، سن کلمان و سن مارتین از این سخن هستند). اما غار نشانه گبد آسمان است و به همین علت طاق پرستشگاه معمولاً محدب و مزین به ستاره است. در ناحیه کاپو^۱ در مهرکده‌ای، لونا^۲ را به طور جدا در حالی که درون ارابة خود قرار دارد و گاوی چند آن را می‌کشند، نمایش داده شده است. با وصف این، در این امر رعایت می‌شد که درون معبد تاریک بماند و تقریباً هیچ وقت پنجره و روزنه‌ای برای آن نمی‌ساختند. ترتولین در کتابش^۳ از این که خدای روشنائی را در معبدی بی‌فروغ که همچون

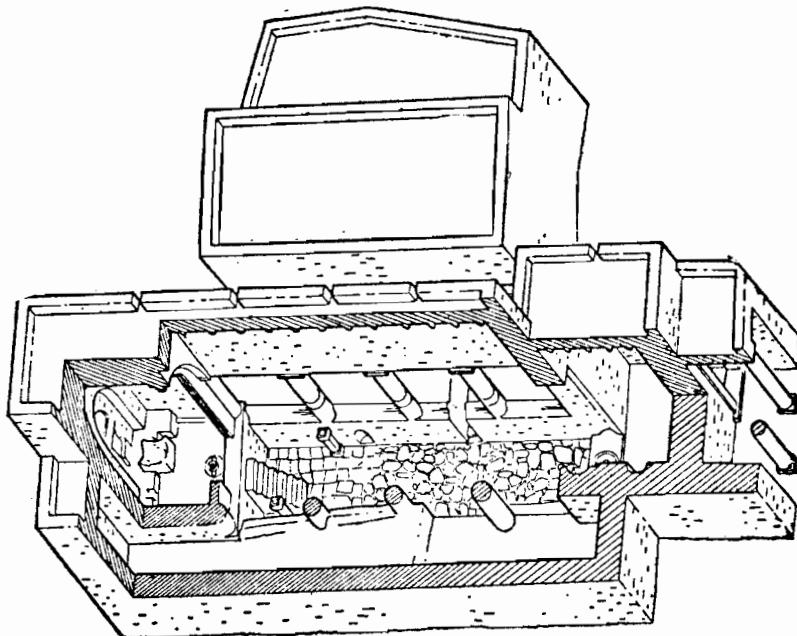
1. Capoue

2. Luna

3. De corona

«سنگ تیرگی‌ها» است، می‌پرستند، در عجب می‌شود. نظیر چنین استدلال تعجب آمیزی را نزد ماترنوس^۱ (چهار قرن بعداز مسیح) نیز می‌بینیم. این نویسنده که صاحب کتابی است در باب اصول ضاله ادیان مشرک، می‌گوید: «مهرپرستان نام ایزد خورشید به میترا می‌دهند و مراسم دین را در غارهای آن قدر تاریک انجام می‌دهند که گوئی در ظلمت آزاردهنده آن مخفی می‌شوند و از جذبه و زیبائی نور درخشان حذر می‌کنند».

معمولًا قبل از تالار نمازخانه اتاقی قرار گرفته که در آن اسباب و آلات مورد لزوم در مراسم دینی گذاشته شده و نیز در همین اتاق است که مهرپرستان لباس مخصوص مذهبی را می‌پوشند.



شکل ۶: مهرکده دورا

1. Firmicus Maternus

روش تقسیم معبد به حجره‌های متعدد، در تمام معابد ثابت است. یک راهرو مرکزی می‌بینیم که در طرفین آن دو نیمکت سنگی طویل قرار گرفته است (شکل ۶).

علوم نیست که این روش تقسیم نماد (سمبول) معنای خاصی است و غرض مخصوصی از آن اراده می‌شود یا نه؟ معابد ناحیه استی دارای راهرو و نیمکت‌های مفروش از موزائیک است. مراسم دینی در راهرو مرکزی انجام می‌گرفته و روی نیمکت‌ها بالش‌هایی قرار داشته مهرپرستان روی آن‌ها دراز می‌کشیده‌اند (وبرخلاف چند تصویر نادرستی که ممکن است القای شبکه کنند، زانو نمی‌زندند).

پیروان میترا خصوصاً در موقع خوراک دراز می‌کشیدند. خدمتکاران خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را روی لبه برجسته قسمت جلو نیمکت قرار می‌دادند مقابل دیوار ته راهرو محرابی بر پا بود. اما گاهی هم دیده شده که نقش میترا روی دیوار باشد، بدون این که محرابی به چشم بخورد.

در نقش اصلی تصویر خدا یا از مرمر است که روی آن رنگ خورده یا مثل نقش بازیافه در سنت پریسک مرمر انود است. اما غرض اساسی در اینه مهری نشان دادن میترا است، در حالی که مشغول ذبح گاو است. به این منظور درون محراب را با قشری از سنگ خارا می‌پوشانند. گاهی اوقات به دیوار محراب پرده‌ای می‌آویزند که تزیینات هنری دارد (در ناحیه استی). از آنچه گذشت درمی‌یابیم که در نحوه ساختمان و آرایش معبد اختلافات سطحی و گونه‌گون وجود دارد. البته این اختلافات بی‌اهمیت معلول شرایط مکانی و یا تمایل آن‌کسی است که دستور ساختمان پرستشگاه را داده است.

مطابق سنن ایرانی، در معابد گاهی اوقات قبل از محراب، دو نمازخانه قرار می‌گیرند که آتش مقدس در آن فروزان است. برخی اوقات حوضچه کوچکی هم در نزدیکی در ورودی معبد دیده می‌شود. هدایا و نذرراتی که به معبد ارزانی می‌شود، بدون قاعده و رسمی خاص در طرفین چپ و راست

نمایخانه قرار می‌گیرند.

در بسیاری از معابد مهری، دیوارها مزین به نقوشی هستند که اشخاص مختلف نذر آن‌ها کرده‌اند. (معابد سارمیز گتوزا در رومانی و پتو در یوگسلاوی خصوصاً از این لحاظ بسیار غنی هستند). در گوشه نیمکت‌های سنگی محراب‌ها و سکوهای قرار دارد که روی آن‌ها مجسمه آدم‌های مشعل به دست گذاشته می‌شود. در همین جایک یا چندین پله دیده می‌شود که برای رسیدن به سطح نیمکت‌ها ساخته شده است. اغلب، چاله‌های مخصوصی در خارج ولی نزدیک به معبد تعییه شده که در آن استخوان‌های حیوانات قربانی شده را دفن می‌کنند.

به غیر از در معابد رم و استی، شبستان منقوش کمیاب است. غالباً اوقات معابد ابعاد نسبتاً محدودی دارند، ولی در برخی موارد اتاق‌هائی ضمیمه معبد می‌شود که غرض از ساختن آن‌ها همیشه روشن نیست.

در جلو معبد استی آشپزخانه کوچکی هم ساخته شده است. با این وصف نزدیک سنت پریسک شبستان بسیار قابل توجهی وجود دارد. در اطراف فضائی که مخصوص مراسم دینی بنا شده، سه نمایخانه برپا گردیده است. از این معبد سنت پریسک تاکنون به کرات سخن رفته، اما هر قدر هم که ابعادش زیاد شایان توجه نباشد، میان سایر معابد مهری اهمیت خاصی دارد. این پرستشگاه در پای تخت امپراتوری روم ساخته شده و به این علت معبد اصلی مهرپرستان رم است. در این معبد در کنار محراب اتاق کوچکی قرار گرفته که روی یکی از دیوارهای آن تصویر دومی از جنس مرمنما وجود داشته که امروزه متأسفانه از میان رفته است.

در کنار دیوار ظرف‌های متنوع بزرگی قرار گرفته‌اند که ته ندارند و شاید به هنگام می‌گساری به افتخار میترا به کار می‌رفته‌اند. در گوشه این معبد شاید منظره‌ای از تولد میترا نقش شده بوده است. در این اتاق کشف

بزرگی شد و آن دو سر زیبا از نوس^۱ و سراپیس^۲ (تصویر ۷) از جنس مرمر بود. در سه نمازخانهٔ جنبی مذکور سکوهای وجود دارد که ارتفاع آن‌ها در تالار مرکزی کم است و دو اتاق دیگر بیشتر برای نشستن مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.

تقریباً مطمئن هستیم که این سه اتاق مخصوص مراسم شخصی بوده‌اند. در نمازخانهٔ مرکزی، محرابی هست که احتمالاً منقوش به سر میترا از جنس مرمر نما بوده. دور این سر دایره‌ای دیده می‌شود که روی آن علائم منطقه‌البروج کشیده شده است. جلو محراب مصطبه‌ای قرار دارد که درون آن حوضچه‌ای به طریقی ساخته شده که اگر شخصی زانو بزند، بتواند سر خود را درون آب فرو ببرد و یک نوع غسل تعیید بکند.

در اتاق طرف چپ ظرفی در سطح زمین مدفون شده است، در این ظرف، ظرف دومی قرار دارد که ته آن سوراخ است و روی لبه آن خطوطی نقش گشته که کشف و قرائت آن سخت مشکل می‌نماید. در تفسیر این خطوط متأسفانه آراء بسیار مختلف است. پرسورث. و. فلگراف^۳ استاد دانشگاه اوترخت^۴ واژه‌های زیرین را روی این ظرف چنین خوانده است: «و من ترا با آتش داغ می‌کنم، بیاساتورن. بیا آتر. بیا آپس». ساتورن و آپس زوج ایزدی عصر طلائی هستند و آتر خدای آتش ایرانیان است. هر وقت سالک طریقتی را می‌خواهند با آتش داغ کنند از آتر استمداد می‌طلبند. در ته ظرف مذکور پیاله‌ای از جنس شیشه قرار دارد که پرسور فلگراف علت وجودی آن را در نیافته است. پرسور اگر^۵ استاد دانشگاه وین راه حل دیگری پیشنهاد می‌کند که کاملاً متباین با قرائت پرسور فلگراف است. مطابق قرائت اگر جمله زیر به دست می‌آید: «ای مارکوس ارلیوس! ای پدر، این را به کوتی اهدا کن.» بنابراین روایت، مراد قربانی‌ئی است برای کوتی و در چنین صورتی، پیاله

1. Vénus
4. Utrecht

2. Sérapis
5. Egger

3. Vollgraff

شیشه‌ای به کار می‌گسارت مذهبی می‌خورد. من از اظهار هر نوع عقیده در این باب احترام می‌کنم، چون هیچ یک از دو قرائت را نمی‌توانم پذیرم. به غیر از مقادیری خال و گچ و گل رُس چیز دیگری در اتاق سوم یافته شده است. به این اتاق فقط از راه نمازخانه مرکزی می‌توان دسترسی یافت و غرض از ساختمان آن نیز هنوز بر ما پوشیده مانده است. اگر نظر استاد فلکراف در باب نمازخانه طرف چپ درست باشد، اتاق مرکزی مخصوص غسل تعیید با آب است و حال آن که اتاق سوم، اتفاقی است که احتمالاً غسل تعیید با خاک در آن انجام می‌گرفته است. در مورد معبد اصلی باید گفت که مقصود از آن عبور باد از نردهای افلات سبعه است. (فصل «ستارگان و عناصر» را ببینید). کسی که در تمام این مراسم شرکت جسته در واقع از میان کل عناصر عبور کرده و نظیر همین امر بدون کم و کاست در مناسک سرّی ایزیس وجود دارد.

سالک طریقت در چه مرحله‌ای از تشرف مجبور به عبور از این چهار عنصر می‌شود؟ ما می‌دانیم که شیر علامت آتش است (رجوع کنید به فصل مراتب هفتگانه تشرف) و بنابراین می‌توانیم قبول کنیم که درجات پائین تر به ترتیب نماد زمین و آب و هوا بوده‌اند. در درجه پائین کلاع فرار داشته و در اطاق اصلی معبد به رموز آن تشرف می‌یافته، در نمازخانه‌های جنبی اتاق اصلی، «همسر»، «سرباز»، و «شیر» بر اسرار آئین وقوف می‌یافتند. وقتی که از مراتب هفتگانه تشرف که سالکان بایست از آن عبور کنند تا به اتحاد نهائی با میترا واصل شوند صحبت کردیم، از مسائل مذکور در فوق نیز سخن خواهیم راند.

مهرکده‌های مشهور یا مهم

پرستشگاه نزدیک کلیسای سنت پریسک روی تپه آواتن رم.

آواتن^۱ یکی از دلپذیرترین تپه‌های رم است و زیبائی‌هایی تابناک و باشکوه دارد. این تپه مشرف بر رود تیر^۲ است و چشم‌اندازی عالی مشرف به قصر پالاتن^۳ دارد و بندر استی از روی تپه به طرزی چشم‌نواز نمایان است. در دامنه‌های این تپه نسبتاً بزرگ، نقاطی قرار دارند که حائز اهمیت بسیارند. مثل امروز در زمان امپراتوران رم هم در دامنه‌های تپه آواتن محله‌های مجللی قرار داشت که در آن خانه‌های متمولین ساخته شده بود و آب جاری به وسیله کاربزهای روی زمینی وارد خانه‌های مردم می‌شد. در کوچه‌های این شهر سکوت و آرامشی حکومت می‌کرد که متباین با روح پرهیاهوی شهرهای جنوبی اروپا بود. در اواخر قرن اول میلادی، ترايانوس فرمان داد تا قصیری نزدیک کاخ دوستش ل. لی سی نیوس سورا^۴ که مانند خود او از نژاد اسپانیائی بود، بساختند. تحقیق در متون تاریخی وجود این کاخ مجلل را در ناحیه آواتن بر ما مسجل کرده بود، اما دکتر وان اسن^۵ باستان‌شناس انتیتوی تاریخ هلند در رم ثابت کرد که این قصر احتمالاً در همین محل کلیسای سنت پریسک که در آغاز قرن پنجم میسیحی ساخته شده قرار داشته و افتخار این کشف از آن

1. Avantin

2. Tibère

3. Palatin

4. Licinius Sura

5. Van Essen

اوست. بنابر آنچه گذشت، ساختمان موربد بحث، نزدیک کلیسای سنت سایین و روی تپه معروف به آواتن بزرگ قرار داشته است.

اتفاقاً روی آجرهایی که از زیر کلیسای سنت پریسک بیرون کشیده‌اند، نام کارخانه آجرسازی کنده شده است، و چنین امری روی آجرهای سایر اینیه تاریخی رم نیز مشاهده شده است. یک محقق امریکائی به نام بلوخ^۱ در باب این نام‌های متقدور بر آجر تحقیقاتی کرده و سیاهه‌ای از نام‌های منقوش روی آجرهای کلیساها معرف درست کرده است که بر اساس آن می‌شود هویت و اسم و رسم بنای ناشناخته را معلوم کرد.

بابکار بردن این روش بوده که توانسته این آثار بازیافته در قصر واقع در زیر کلیسای سنت پریسک را منسوب به تراپیانوس کنیم و حتی اصلاحات بعدی که در این قصر انجام شده به کمک همین اسناد روش‌گشته است. این قضیه محقق شده است که بعد از مرگ تراپیانوس در سال ۱۱۷ بعداز مسیح، مالکیت قصر مذبور به جانشینانش سپرده شد. وقتی که امپراتوران متعلق به دودمان سور^۲ (که اصلاً سوریه‌ای بوده‌اند) بر تخت سلطنت دست یافتند (دو قرن بعداز مسیح) معبدي مهری در کاخ آواتن برپا شد. تاریخ صحیح ساختمان آن از روی متون مکتوب بر جدارهای محراب این معبد به دست آمده است. روی همین محراب تصویری از میترا وجود دارد که در حال کشتن گاو است و متنی دارد به این شرح: «روز شنبه در تاریخ هجدهم ماه (آسمان)، یعنی دوازده روز پیش از اول ماه دسامبر در زمان حکومت قنسولی دو امپراتور سور و آنتونن^۳، بامدادان، موقعی که اولین پرتو آفتاب برون آمد، زاده شدم».

مطابق تقویم و گاهشماری رمی، این تاریخ مصادف با بیستم ماه نوامبر سال ۲۰۲ مسیحی است. در این تاریخ سور و پرسش کاراکالا حکومت کنسولی را در دست داشتند. متن فوق متعلق به مردی است که نخواسته نام خود را ذکر کند و در روز مذکور متولد شده یعنی بر رموز دین تشرف یافته و سالک

1. Bloch

2. Sévères

3. Antonins

طريقت شده و امتناعی که از ذکر نام خود کرده موجب تعجب است. اين را هم بگوئيم که اين امر تشرف بر رموز درست دو روز بعد از زادروز ميترا در سوريه وقوع یافته است. نوشته هائي بdest آمده که مربوط به سال ۳۲۲ بعداز مسيح است و نويسنده آن ها که مردي است لشکري از شهر سالسسوی^۱ در ناحيه موئزي سفلی^۲ تاریخ ولادت فراموش ناپذير خدا را هجدهم نوامبر در تقویم مسيحي می داند. احتمال اين است که نويسنده نوشته هاي روی دیوار معبد آواتن از اهل سوريه باشد. زيرا در نقاشي هاي دیوارهای جانبی معبد آواتن نام های شرقی یافته می شود. در هر حال، اين مسئله ثابت شده که محراب معبد در سال ۲۰۲ مسيحي آماده برای برگزاری مراسم دین بوده است.

اما مطابق عرف جاري، معبد از تالاری تشکيل شده بود که در آن يك راهرو مرکзи و دو نيمكت در طرفين آن وجود داشته است روی دیوارهای جانبی تصاویری با يك سليقگي از مراسم تشرف بلندپایگان به اسرار دين نقاشی شده (اغلب اينان شير هستند). آن سوي مدخل معبد درست در آن جا که نيمكت ها قرار دارند دو محراب ساخته شده که در آن تصاویر مشعلداران دیده می شود. در محراب وسیع چسبیده به دیوار ته معبد نقشی از ميترا هست که گاوی را قرباني می کند. روی دیوارنگاره ها (فرسک) اسامي متشرفان اين عهد دیده می شود. گاهی اوقات به نام های اشخاصی بر می خوریم که شرقی هستند و بعد از اين که در امر تجارت در رم و یا در استی صاحب مکنت شده اند، در آواتن مسکن گزیده اند.

تاسال ۲۲۰ بعد از مسيح، يعني تقریباً طی ۲۰ سال، مراسم مذهبی در اين معبد نسبتاً کوچک ادامه یافت. شاید در اثر مساعی مرشد جماعت مهری اين معبد را بزرگتر کردند و تغييراتی در آن دادند. بدین قصد بهترین صتعلگران را فرا خواندند، روی نقاشي هاي سابق را با قشری از ماده های مرمرگونه اندوختند و تصاویر جديده و زيباتری نقاشي کردند. البته موضوع

1. Salsovie

2. Moésie

نقاشی‌ها تغییر نیافت و آن اغلب متوقف بر تصویر یک گله شیر بود که تحف و هدایا حمل می‌کردند. با این وصف از ترسیم مجدد برخی جزئیات اجتناب کردن و چیز دیگری به جای آن هاشاندند. از جمله آیات بسیار قابل توجهی که روی نقاشی‌های قدیم نوشته شده بود حذف شد و مثلاً تصویر هفت درجه سالکان طریقت بر جای بماند و با تغییراتی مختصر جماعت معاریف مجددآ نقاشی شد. روی دیوار چپ تصویر مجللی از مجلس طعام خدای خورشید و میترا اضافه شد. نقاشی‌هایی که بعد از سال ۲۰۰ مسیحی ترسیم شده‌اند، این تصور را می‌انگیزند که گوئی پرداخته دست چندین هنرمند هستند و حال آن که تزیینات مجددی که در معبد کرده‌اند، ظاهراً اکار یک نفر بوده است.

در این تزیینات ابتکار دیگری هم صورت گرفت، بدین معنا که تصویری مرمراندود از آسانوس - کائلوس^۱ کشیدند، که در معجزه قربانی گاو حضور یافته است و الیه تاکنون متوجه شده‌ایم که موضوع اساسی غالب تصاویر مهری همین مراسم قربانی است. در نقاشی مزبور میترا حالت باشکوهی دارد، گیسوان بافته شده مجعد دور سر زرین او را گرفته‌اند، کلاهی بر سر و پیراهن بلندی به رنگ آبی سیر در بر دارد. تا این جا ابتکار در تزیینات مربوط به فدائیان میترا بود. در این نقوش ابتکارآمیز به میترا و گروه یارانش، سراپیس^۲ (خداآنده باروری در مصر) و ونس و مارس و سایر خدایان کرۀ زمین نیز ملحق شدند. این نقاشی‌های نیز کار دو صور تگر هستند و ارزش هنری آن‌ها بدون تردید بسیار است. هر یک از این دو هنرمند چشم‌های اشخاص تابلو را به طرزی خاص و موافق سلیقه شخصی خود کشیده‌اند. سه نمازخانه به طرفین معبد اضافه کرده‌اند. این نمازخانه‌ها به این کار می‌آمد که مناسک ویژه تشرّف در آن‌ها صورت می‌گرفت. بعدها سرسرائی هم به معبد افزودند و آن را بزرگ‌تر کردند.

در قرون بعد یعنی تا پایان قرن چهارم بعد از مسیح، اصلاحاتی که در این معبد شد جزئی بود. به عنوان مثال، خصوصاً تصاویر مرمراندوده را عوض

1. Océanus-Caelus

2. Sérapis

کردند، ولی باقی قسمت‌های معبد شکل اصلی خود را حفظ کرد؛ تا این که مسیحیان حکومت را به دست گرفتند. ظاهراً در گیرودار اصلاحات معبد زنی پریسک نام بخشی از خانه‌ای را که زیر معبد قرار داشت تصاحب کرد و همین خود یعنی مسیحیان را به آنجا دعوت کرد تا به مناسک عیسوی عمل کنند. می‌بینیم که به فاصله چند دیوار، دو دست رقیب در دو جا اعمال مذهبی انجام می‌دادند. اما دیری نپائید که مهر پرستان با عجله دیواری نزدیک یکی از مدخل‌های نمازخانه خود کشیدند تا چشم مردم نامحرم به آنجا نیفتند.

جدیت پریسک در امر دیانت باعث شد که سن پیر به دست خود این زن متقدی را غسل تعمید بدهد؛ زنی که نتیجه تلاش او این شد که معبد مسیح و پرستشگاه میترای ایرانی مجاورت یافتد. همان طور که دین مهر در آغاز کاخ امپراتوران رم را تسخیر کرد، مسیحیت تازه کار هم به همان سیاق عمل نمود. همکیشان سنت پریسک مشحون از اعتماد به نفس پرخاشجویانه به معبد مهری هجوم آوردند و تمام آثار هنری موجود در آن را از میان برداشتند. در این غزوه دینی، با خشمی هنرشنکن، مسیحیان بخصوص آن ادواتی را که مربوط به مراسم آئین منفور آنان بود نابود کردند. آثاری از جنس شبemerمر، شمایل مجلس طعام خدای خورشید و میترا و خلاصه هر چه نقاشی به دستشان افتاد با گلنگ خرد کردند و از میان برداشتند. البته مهری‌ها کوشش کردند تا آنچه را که می‌توانستند نجات دادند و شاهد این مدعای کشف شانزده چراغ دست‌نخورده و سالم است. ولی از آن تاریخ به بعد دیگر مهری‌ها نتوانستند مراسم دینی خود را در همان معبد انجام دهند. مسیحیان اتاق‌های مقدس معبد را با خار و خاشاک و خردمندی که از گورستان مجاور به دست می‌آمد پر کردند و پس از آن متوجه ساختمان معبد شدند و بخش بزرگی از این خانه سبقاً مسکونی را خرد کردند. بدین طریق بر خرابه‌های معبد مهری، مسیحیان پیروزمندانه کلیسای سنت پریسک را ساختند. در نوشته‌های باستانی که به دست آمده

کلیسای سنت پریسک را با کلیسای سنت ماری مژور^۱ سنجیده‌اند. مطالبی که به طور خلاصه نقل شد، حاصل تحقیقاتی است که بیل به دست در حین حفاری‌ها انجام داده‌ایم. کاوش‌های باستان‌شناسی در این ناحیه راکشیش‌های مسیحی منسوب به فرقه آگوستین‌ها^۲ در سال ۱۹۳۶ شروع کردند که تا سال ۱۹۳۷ طول کشید. غرض آن‌ها از این کاوش‌ها، دریافت اطلاعات بیشتری در باب کلیسای سنت پریسک بود، چنان‌که دیدیم منجر به کشف پرستشگاه شد. متعاقب اقدامات مذکور حفاری‌های انتیتوی باستان‌شناسی هلند شروع شد. طی این حفاری‌ها بازمانده‌هایی از نیازخانه این معبد به دست آمد، مقادیری خاکبرداری شد و بالاخره در همان جا موزه کوچکی تعییه شد که آثار بازیافته را در آن قرار دادند. اما به چه دلیل در تحقیقات راجع به دین میترا این معبد در درجه اول اهمیت قرار دارد؟

نخست به این دلیل که در این معبد آثاری هنری از جنس شبه‌مرمر به دست آمده که بسیار زیبا و کمیاب هستند. در اواسط ماه اوت ۱۹۵۶ در فضای کوچکی جنب محراب میترا، سرهای سراپیس و نونوس و مارس و سر دیگری از میترا یافته شده است. به علت زودشکنی جنس شبه‌مرمر، تعداد اشیاء حجاری شده شبه‌مرمری بسیار کم است. بیرون کشیدن سرهای مزبور چندین هفته طول کشید، چون هر دفعه که بخشی از سر از زیر خاک بیرون می‌آمد، می‌بایست متظر ماند تا خوب خشک بشود که بتوان باقی آن را از زیر خاک بدر آورد.

بعد از این که این کار انجام گرفت، تازه آقای ژ. سانسونه تعمیرکار ایتالیائی آثار عتیقه مجبور شد ماه‌ها کار کند تا با تزریق گرد مرمر در بدنه آثار بازیافته استحکام آن‌ها را حفظ کند. فوق العاده ترین اثری که به دست آمده، سر حیرت‌انگیز سراپیس خدای مصری است که کلاهی به شکل سبد میوه به سر دارد و مراد از آن اشاره به آفرینندگی ذات اوست (تصویر ۷). شاید حجاری این

1. Sainte-Marie Majeure

2. Augustins



شکل ۷: سرایپس، خدای مصری

سر تقلیدی از آثار سنگتراش یونانی موسوم به برياکسیس^۱ است که مزبور صورتی به شکل صورت ژوپیتر دارد؛ موی سرش حلقه و فراوان و محاسنی انبوه دارد قیافاش جدی و مهربان است. این خدا را گاهی اوقات با ساتورن یکی دانسته‌اند. ولی امر بازیافتن خدای مصری (که معمولاً با ایزیس همراه می‌آید) در معبد مهری معرف این است که مهری‌ها در مراسم دینی خود دوباره او را قبول کرده‌اند. دلیل این استقبال مجدد هم تمایل مهری‌ها به داشتن

1. Bryaxis

دینی بوده که مذاهب دیگر را در خود هضم کرده تا اولویت خویش را بر آنها به ثبوت برساند. نظیر پدیده مزبور را در یک سنگ نبشته یونانی (تاریخ تحریر آن همزمان با حجاری سر سراپیس است) یافته‌اند. این کتیبه در تالار بزرگ معبد نزدیک گرمابه‌های کاراکالا پیدا شده و به صورت وقف به خدای زئوس - هلیوس به سراپیس بزرگ و به میترا رهای بخش و ثروت آفرین نیکوکار و شکست‌ناپذیر اهدا شده است. اما آنچه که بیش از همه در معبد آوانتن جالب نظر می‌کند، دو قشر روی هم قرار یافته نقاشی‌های روی دیوار است. این نقاشی‌ها تنها منبع اطلاعات ما در باب جزئیات آداب و مراسم آئین میترا است که در پنهان کرد آن سخت کوشش می‌شده است. حال به تفسیر جزئیات دیوارنگاره‌های (فرسک) مذکور می‌پردازیم: روی دیوار چپ معبد تعدادی شیر دیده می‌شوند که حامل هدایائی هستند. در جلو ردیف شیران شخصی به طرز دینمردان مثل یک مجسمه ایستاده است. در دست راستش شمعی افروخته و در دست چپش یک دسته شمع قرار دارد. در عقب او شخص دیگری را می‌بینیم که حامل یک خروس است. در میان شیران، شیر فبوس^۱ (= درخشن) و شیر ژلاسیوس^۲ (خندان) مشخص هستند. شیر اول ظرفی از جنس شیشه به دو دست گرفته که در آن تکه‌ای نان یا یک شیرینی نهاده شده و شیر دوم کوزه‌ای در دست دارد. این هدایا بسیار جالب توجه‌اند و بسیار زود می‌توان رابطه آنها را با تصویر مجلس طعام سل و میترا که در واقع هدف شیران است، دریافت.

نان و شراب معرف و جانشین گوشت و خون گاو مقدس است (فصل «اسانه میترا» را ببینید). پرده نقاشی مورد بحث مربوط به تقریباً ۲۲۰ سال بعد از مسیح است و گفته‌های سابق ما را در باب مراسم دینی و موكب سالکان طریقت تأیید می‌کند. این سالکان، رهروان مراحل هفتگانه وصال‌اند و در یک شمايل دیگر هر کدام از آنها واجد مشخصات و علائم مربوط به مقام و

1. Phoebus

2. Gelasius

منصب خودشاند. (بخش «مراحل هفتگانه تشرف» را ببینید). روی پردهٔ دیوار سمت راست، مراسم قربانی گاو و قوچ و خوک به طرزی زنده نقاشی شده است. در رأس موکب مردی قرار دارد که دیگران را هدایت می‌کند و متشرف به اسرار دین مهری است و به همین علت لقب شیر به او داده شده است.

از این قسمت پرده فقط تکه‌هائی چند برای ما باقی مانده است. در دنبال مرد فوق‌الذکر، شخص دیگری در حالی که افسار گاو سفیدی را در دست دارد، دیده می‌شود و بعد از او شیری می‌آید که حامل خروسی سفیدرنگ است. جامه‌ای کوتاه به تن و ریش صورتش به شکل گردنبند است. در عقب اینان مردی کمی گوژه‌تر دیده می‌شود که برهای را به جلو می‌راند. نقاش این مرد را به شیوهٔ امپرسیونیست ترسیم کرده است. او تنها شخصی است که به درون تالار نگاه می‌کند، ولی نقاش طوری چشمان او را کشیده که گوئی نگاهش مدام از نظر نگرانده می‌گریزد.

اما محقق دقیق فراموش نخواهد کرد که حالت این مرد، حالت مرد متدينی است که با خصوع و در عین حال غروری خاص، پیشکش یا قربانی خود را در میان گروه حمل می‌کند. در آخر صفحه، شیر «حامل پیروزی»^۱ و شیر «عطیهٔ خداوندی»^۲ قرار دارند و به ترتیب حامل کوزه و خوک هستند. این نقاشی مربوط به مراسم قربانی گاو تنها سندی است که منسوب به قرن سوم مسیحی است و برای تحقیق در مراسم دین مهری اهمیت سرشار دارد؛ درست نظیر گاو زیبائی که در معبد کاپو^۳ یافته شده و مهر در حال کشتن اوست. رنگ این گاو هم سفید است. وجود خروس در این نقاشی‌ها قابل توجه است و چه در نقوش قشر زیرین دیوارهای معبد و چه روی پرده‌های دیوار سمت چپ معبد دیده می‌شود. خروس «پرنده ایران» است و خروش او اهریمن بدکار را می‌راند. خروس در آئین زرتشیان جانوری مقدس است و نوع سفیدرنگ آن

1. Nicéphore

2. Théodore

3. Capoue

را به اهورامزدا و میترا هدیه کرده‌اند. این عقاید در غرب متشر شده و در کاوش‌های باستان‌شناسی دلایل مؤید آن به دست آمده است. هیپولیت^۱ از این نظر قابل توجه است که می‌گوید باید غسل تعیید را به هنگام آواز خروس^۲ انجام داد، زیرا چنان که گفتیم به نوای خروس خاصیت راندن شیطان را منسوب می‌کردند.

مؤید نکته مزبور متومن دیوار نوشه‌هایی است که هنگام تشرُّف به اسرار دینی در سحرگاه‌های ذکر کرده‌اند. نیسفور (شیر حامل پیروزی = پیروزبر) حامل کوزه‌ای است که به کار صرف شراب می‌خورد، مگر این که احیاناً خون گاو قربانی شده در آن بریزند. امر ذبح گاو مراسمی بوده دولتی و مؤید نظر مزبور این است که خود معبد مهری نزدیک سنت پریسک هم دولتی بوده است. مراسم قربانی را در نقاشی‌های قشر زیرین نمی‌باییم. روی دیوار سمت چپ فقط تصویر گاوی خردسال (گوساله) و خوکی با پشم انبوه دیده می‌شود. آن طور که از ظواهر برمی‌آید، قربانی گاو طی مراسمی مخصوص شاید به افتخار نوسازی عمارت معبد در حوالی سال ۲۲۰ مسیحی انجام گرفته است. البته مثال‌های متعدد دیگری هم از قربانی گاو وجود دارد که موقع تجدید عمارت و بزرگ‌گردن معابد و بقاع مقدس انجام می‌گرفته است.

چندین سطر از متنی که روی نقاشی قشر زیرین دیوار معبد نوشته شده حائز اهمیت بسیار است. تحقیق در این نوشه‌ها را به بخش جداگانه‌ای موكول خواهیم کرد و نیز بحث در پرده‌های نقاشی این معبد را به آخرین بخش این کتاب که مربوط به معبد سنت پریسک است موكول می‌کنیم. کشفیات درخشنایی که در این معبد شده است بسیارند! این اكتشافات حاکی از این است که فقیر و غنی در این معبد یکسان مراسم قربانی را انجام می‌داده‌اند. مثلاً کافی است سرهای دو مجسمه خدای خورشید را با یکدیگر مقایسه کنیم. قرارگاه خاص این مجسمه‌ها در معبد بر ما ناشناخته مانده است. نخست سر خدای خورشید

1. Hippolyte

2. Hora Gallicinii

(سل) را می‌بینیم که کمی زمخت به نظر می‌رسد. جنس این مجسمه از سرب است و به جای چشم و دهان و اشعه هفتگانه حفره‌های روی بدن آن ساخته شده که هرگاه چراغی پشت سر آن مجسمه قرار گیرد پرتو نور از سوراخ‌ها ساطع می‌شود. اما سر دیگری هم یافته شده که اثری است هنری و از جنس موzaïek مرمرین است.

انواع مختلفی از مرمرهای قیمتی به قطعات بسیار کوچک بریده شده‌اند و روی آن را صیقلی کرده‌اند. این عمل چندین هفته طول می‌کشیده که البته حاصل آن سر زیبای خدائی است که امروز در دست ماست. گونه‌های او به رنگ قرمز لعل فام است و خرمی از طره‌های گیسوان برآق دور سرا او را احاطه کرده‌اند. بنابر آنچه گذشت مهری‌ها معبدی در روی تپه آواتن داشته‌اند که در نوع خود بی‌نظیر بوده و اطلاعاتی به ما داده که از برکت آن کاوش‌های نواحی استی و لندن ممکن گشته است.

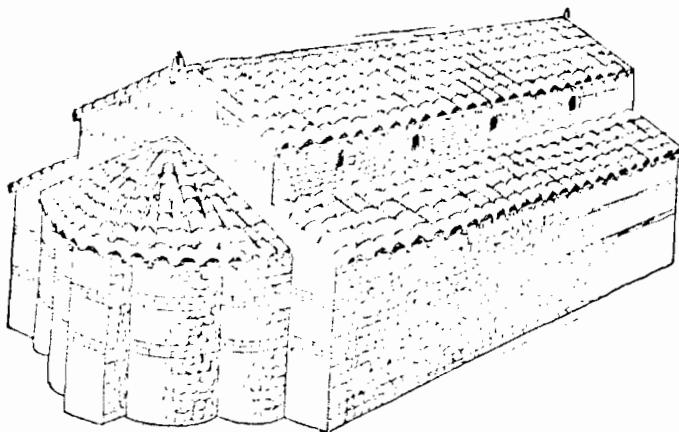
مهرکده‌ای که نزدیک والبروک^۱ در شهر لندن قرار دارد.

چند سال پیش نیست که استاد ر. بکاتی^۲ کتابی در باب معابد مهری بندر استی نوشته است، این کتاب جزو یک سلسله انتشاراتی است که غرض از آن تفسیر تدریجی کلیه اکتشافات انجام شده در شهر استی واقع در کنار مصب رود تیر است. این شهر در قرون دوم و سوم مسیحی شکوفان بوده و با این که تمام زوایای آن بر علم باستان‌شناسی گشوده نشده، معذلک تاکنون شانزده معبد در آن جا سراغ کرده‌ایم و حال آن که جمعیت آن به پنجاه هزار نفر برآورده است. هر چند تعداد معابد یافته شده نسبتاً محدود است، ولی اگر آن را با معابد ایزدان دیگری (که در حاشیه دین رسمی قرار داشتند) که در

1. Walbrook

2. G. Becatti

استی وجود داشتند، مقایسه کنیم، اهمیت بسیار آن بر ما معلوم خواهد گشت. البته در بندرهایی که تعداد مردم شرقی نژاد زیاد بود، خدایان شرقی بسیار مورد پرستش بودند. بنابراین، هیچ جای شگفتی نخواهد بود اگر بگوئیم که در سال ۱۹۵۴ معبدی در بندر لندن یافته‌اند. هنوز همه ما جمعیتی را که هر روز دور و بر آثار باز یافته در حفاری‌ها گرد می‌آمدند در خاطر داریم.



شکل ۸: بازسازی نمای خارجی معبد لندن

کاوش‌ها درست در وسط شهر لندن نزدیک مانشنهوس^۱ انجام می‌گرفت. معبد نزدیک والبروک قرار گرفته و مطابق سنت مهری در مجاورت آن جویاری وجود داشته است. ولی وضع خاص زمین، چه در لندن و چه در استی، اجازه نمی‌داده که معبد را در زیرزمین بسازند. مهلتی که به باستان‌شناسان برای وارسی داده بودند بسیار کوتاه بود، و در این مدت معلوم شد که معبد یافته شده ابعاد نسبتاً کوچکی دارد (7×18 متر) و به مشرق نگاه می‌کند. راهرو مرکزی و نیمکت‌ها در دو طرف راهرو و محراب معبد تصور

1. Mansion House

یک کلیسای کوچک را در ذهن تماشاگر بیدار می‌کند (شکل ۸). این معبد در سال ۱۵۰ میسیحی بنیادگذارده شده و تا قرن چهارم مورد استفاده بوده است. در عرض این مدت اصلاحاتی در آن شد و سطح راهروی مرکزی را تاکف محراب بالا آورده و بدین طریق با آن همسطح کردند.

کشف این معبد هیچ‌گونه تعجبی ایجاد نکرد در سال ۱۸۸۹ در همین محل آثار بسیار مهمی از این دین ایرانی بازیافته شده بود. در میان این آثار نقش بر جسته‌ای یافته شد که میترا را در حال ذبح گاو نشان می‌داد. در حالی که دایره‌ای از صور منطقه البروج دور سر او را احاطه کرده بود. در چهارگوش نقش بر جسته دو نیم یکی از ایزد باد و دیگری از ایزد خورشید و یکی هم از خدای ماه در حالی که سوار بر ارابه‌های هستند، دیده می‌شوند.

این نقش بر جسته را کهنه سربازی رمی از لشکر دوم ارتش روم به نام اولپیوس سیلوانوس^۱ که از شهر ارازن^۲ یکی از بلاد جنوب فرانسه می‌آمده، وقف معبد کرده است. در حفاری‌هایی که اخیراً انجام شده دست راستی پیدا کرده‌اند که احتمالاً متعلق به میترا است، ولی ابعاد آن به حدی است که نمی‌تواند متعلق به مجسمه‌ای بوده باشد که درون معبد مذکور افراخته بوده است. این کشف باعث شده که فرض کنند معبد دومی در همین ناحیه شهر لندن وجود داشته که بزرگ‌تر از معبد نخستین بوده است. اضافه بر آنچه گذشت بخش فوقانی مجسمه اسانوس را می‌شناختم، اما روی سر او آن کلاه مخصوصی را که در ست پریسک داشت، دیگر نمی‌بینیم. بسیار محتمل است که مثل معبد آواتن این تندیس در جلوی شمایل ذبح گاو قرار داشته است.

محل آخرین اکتشافاتی که در درون معبد شده معلوم نیست. سری مجلل از میترا از جنس مرمر به دست آمده، سری از یک بغلانو (آتنا^۳ یا شاید رُما^۴) نیز کشف شده است. تندیس کوچکی هم یافته‌اند که مرکور را در حالت

1. Ulpius Silvanus

2. Orange

3. Athéna

4. Roma

نشسته نشان می‌دهد. قسمت تحتانی یک نقش بر جسته که مشعلداری را نشان می‌دهد هم پیدا کرده‌اند.

در یک نقش گروهی باکوس^۱ همراه یک ساتیر^۲ و یک مناد^۳ و سیلن^۴ در حالی که می‌خواهد سوار خر بشود، دیده می‌شوند. نقشی از خدای اسب سوار تراس یافته شده که می‌نمایاند برخی از مهری‌های لندن احتمالاً اهل شبه جزیره بالکان بوده‌اند. زیباترین بازمانده‌ای که در اکتشافات لندن به دست آمد، محققان سراپس است از جنس مرمر و در چهارم اکتبر سال ۱۹۵۷ یافته شده است. این کشف دو ماه بعد از یافتن سراپس در سنت پریسک انجام شد و نشان می‌دهد که تا چه اندازه اتفاق در امور باستان‌شناسی باعث می‌شود که دو کشف مقارن یکدیگر انجام گیرند و متمم فایده یکدیگر بشوند. مقایسه این دو سرکه یکی از شبهمر است و دیگری از مرمر، نتایج بسیار جالبی دارد. در هر دو اثر یک نوع حالت جدی و یک قسم شکوه و مهربانی احساس می‌شود. اگر ترازانمۀ کاملی از جمیع آثار بازیافته در معبد لندن ترتیب دهیم،

خواهیم دید که اهمیت اساسی این معبد در محل اکتشاف آن است. این معبد در واقع تنها پرستشگاهی است که در جنوب انگلستان یافته شده است. سایر معابد مهری انگلستان در طول خطوط استحکامات نظامی شمال این کشور، یعنی همان جا که لشکریان رمی خیمه و خرگاه زده بودند، دیده می‌شوند.

اکتشافات درخشانی که در معبد مریدا^۵ در اسپانیا شده است. مریدا یکی از شهرهای باشکوهی است که در ایالت لوزیتانی^۶ واقع و به

1. Bacchus

2. Satyre

3. Ménade

4. Siléne

5. نام باستانی آن Emerita Augusta Mérida است.

6. Lusitanie

سبک رمی ساخته شده است و در زمان ما به علت کاوش‌های باستان‌شناسی که در آن کرده‌اند، اشتهرای عظیم یافته، نمایشخانه‌ای به سبک رمی، یک سیرک و یک آمفی تئاتر و چندین معبد در آن وجود دارد. در سال‌های ۱۹۰۲ و ۱۹۱۳ تندیس‌های نسبتاً ممتازی در آن یافتند که احتمالاً متعلق به یک معبد مهری بوده، ولی متأسفانه آگاهی‌های دندانگیری در باب آن‌ها نیافتها بهم. اگر در این مقال توصیفی از قطعات بازیافته به دست می‌دهیم، به این علت است که میان این آثار و مکشوفات لندن و سنت پریسک و رم، قرابت و مشابهی وجود دارد. از سنگ نوشته‌ای که در همین حفاری‌ها به دست آمده چنین بر می‌آید که در سال ۱۵۵ میلادی شخصی به نام گایوس آکیوس هدیکروس^۱ مقام مرشدی یک جماعت مهری را داشته است. همین شخص دو مجسمه وقف معبد کرده: اولی تندیسی از مرکور است از جنس مرمر که روی صخره‌ای نشسته و بخشی از این صخره‌ها را روكش پوشانیده‌اند. مرکور به صورت عربیان نشان داده شده و پای‌های او بالدار است. بربطی روی صخره کنده شده و متن مکتوب میان بربط جای گرفته است دومی تندیسه‌ای است از آستانوس که روی دلفین (خوک دریائی) قرار یافته که متأسفانه سر و دستش شکسته و از میان رفته ولی بقایای سبد میوه که نشان نعمت و فراوانی است به وضوح کامل باقی مانده است. پایه دلفین مزین به خطوط موج‌داری است که نماد آب است.

در زمانی که هدیکروس پیرو مرشد این معبد بوده، مردی به نام کایوس کوریوس آوینا^۲ مجسمه‌ای به سبکی بسیار بدیع از میترا در سن و سال شباب وقف معبد کرده است. سازنده این مجسمه دمتریوس^۳ نامی بوده که اسم خود را به حروف یونانی زیر آن ثبت کرده است. این مجسمه مردی را به حالت ایستاده نشان می‌دهد که نیم تنہ پرچینی بر تن دارد و به روی آن خرقه‌ای از پارچه سنگین پوشیده است. نزدیک پای چپ مجسمه دلفینی مشاهده می‌شود.

1. Gaius Accius Hedychrus

2. Caïus Curius Avita

3. Démétrius

مجسمه دیگری به همین سبک یافته شده که در نوع خود شاهکار است، اما معلوم نیست که آن هم به دست دمتریوس ساخته شده یا نه. و آن تندیسی است از ایزدی در آغاز جوانی، عریان و به حالت ایستاده، نیم تنه‌ای به سیاق جامه سربازان یونانی که فقط نیمی از بدن آن‌ها را می‌پوشاند، به بردارد. نزدیک پای راست او ریشه درختی نمایان و شیری در حالت نشسته نقش شده است. احتمال می‌رود که این مجسمه تصویری از میترا باشد.

سنگنوشه‌ای روی قربانگاه مرمرین معبدی یافته شده و معروف این است که در سال ۱۵۵ مردی به نام مارکوس والریوس سکوندوس^۱ یکی از صاحب منصبان لشکر هفتم ارتش روم، در روز ولادت میترا شکستناپذیر مذبحی را وقف او کرده است. نام فعلی محلی که این معبد یافته شده پلازاد توروس^۲ («میدان گاوان») است. اما میان آثاری که از زیر خاک بیرون کشیده‌اند، نقشی از میترا یافته نشده است. در هر صورت این معبد مملو از مجسمه بوده است. دو تندیس از ونوس، یکی از اسکولاب^۳ و یکی از نپتون^۴، دو مجسمه از دو زن ایستاده ملبس به پوششی مخصوص و سرانجام سری از سراپیس به دست آمده که خطوط صورتش به آشکاری و صراحة دو سر باز یافته در سنت پریسک و لندن نیست. دو مجسمه از ایزد زمان هم به دست آمده که اولی، مطابق سنت، تصویری است و حشت‌انگیز از این خدا و دیگری نقشی است که در آن کوشش شده تا خدای زمان چهره آرمانی مهربان تری بدارد و به همین علت است که ساخت آن را به دمتریوس یونانی نسبت می‌دهند. در این مجسمه خدا به شکل یک جوان ظاهر می‌گردد. چهره‌ای نظری چهره انسان دارد و روی سینه او نقابی نقش‌بسته که معرف شیر است و همین نکته به طبع ذهن را متوجه مجسمه دیگری می‌کند که آن هم صورت یک مرد جوان است و در همین معبد یافت شده و شیری نزدیک او نشسته است. این مجسمه اهمیت

1. Marcus Valérius Secundus

2. Plaza de Toros

3. Esculape

4. Neptune

خاصی دارد و مجدداً در فصل مربوط به ایزد زمان از آن سخن خواهیم گفت.
در این معبد فقط یک نقش بر جسته یافت شده که صحنهٔ غیر مألوفی را
نشان می‌دهد. سه نفر انسان مقابله میزی دراز کشیده‌اند، روی این میز خوراکی
(نان و شاید گوشت) نهاده شده است، و در طرفین آن‌ها دو شبح دیده می‌شود
که ملبس به روپوشی بلند هستند. در سمت چپ این اشخاص انسان دیگری
نمودار است که به اینان نزدیک می‌شود و سینی‌ئی در دست دارد که حامل سر
گاو است. این نقش معرف این است که در مراسم خوردن طعام مقدس گوشت
گاو صرف می‌شده و اگر تولد میترا را هم در همین صحنه مشاهده می‌کنیم
معلوم اتفاق نیست. چون همین میترا است که گاو را می‌کشد و با گوشت آن
طعام مقدس را ترتیب می‌دهد.

مهرکده‌ای که در ناحیهٔ دویچ آلتن بورگ^۱ نزدیک وین یافته شده است.

دویچ آلتن بورگ قصبه‌ای است در شرق وین (در ناحیهٔ ویندوينا)^۲ و
نزدیک مرز مجارستان واقع شده. اشتهر امروزه این منطقه معلول چشممه‌های
آب گرم آن است. اما در قرن اول مسیحی، رومیان شهر بزرگی به نام
کارنونتوم^۳ در آنجا ساختند. این شهر بر سر دوراهی تجارتی بسیار مهمی قرار
گرفته بود و آن یکی راه آبی دانوب و دیگری جاده موسوم به عنبر بوده که
دریای بالتیک را به شبه‌جزیرهٔ ایتالیا وصل می‌کرد. کارنونتوم پایتحث ایالت
پانونی^۴ شد و چون از این نواحی قبایل مارکومان^۵ و کوآدها^۶ به امپراتوری
رم هجوم می‌آوردند، شهر کارنونتوم مرکز تجمع نیروهای نظامی شد که برای
رفع تهدید و تهاجم مارکومان‌ها و کوآدها لازم می‌نمود. مارکوس ارلیوس^۷

1. Deutsch-Altenburg

2. Vindobona

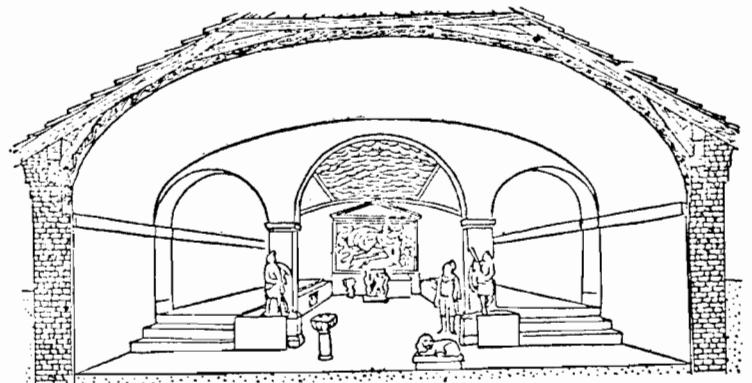
3. Carnuntum

4. Pannonie

5. Marcomans

6. Quades

7. M. Aurélius



شکل ۹: بازسازی معبد دویچ - آتن بورگ (اتریش)

قبایل دشمن را پس از جنگ‌های شدیدی که با آن‌ها کرد به شمال رود دانوب راند و در همین لشگرکشی در سال ۱۸۰ در وین رخت از جهان کشید. در سال ۱۹۳ میسیحی سپتیموس سوروس در کارنوونوم امپراتوری یافت و عنوان کلینیا^۱ (مستعمره) به آن داد، به این علت که سنگربندی لشگریان او در کنار این شهر واقع شده بود. در سال ۳۰۸ میسیحی دیوکلسین^۲ جانشینان خود را در شهر کارنوونوم جمع کرد و مجمعی از آنان ترتیب داد و چون به علت سالخوردگی از سلطنت استعفا کرد، می‌خواست در قصری که در ناحیه اسپالاتو^۳ در یوگسلاوی ساخته بود، بقیه عمر را به خرسندي بگذراند. اما مجال استراحت به او ندادند. اگوست^۴ و قیصر^۵ بر سر امپراتوری به جان یکدیگر افتادند و با اینکه امپراتور سالخوردۀ مداخله کرد، مشکل از میان بر نخاست. در مجمعی که دیوکلسین در ماه نوامبر ترتیب داده بود، گالریوس ماکسیمیانوس^۶ اگوست مشرقی^۷ و والریوس لیسینیانوس لیسینیوس^۸ (معروف به اگوست مغربی)^۹ و

1. Colonia

2. Dioclétien

3. Spalato

4. Auguste

5. César

6. G. Maximianus

7. A. d'orient

8. Valérius Licinianus Licinius

9. A. d'occident

ما کسی میانوس هرکولیوس که او هم استعفا کرده بود، اما منتظر فرصت بود تا دوباره به صحنه سیاست بیاید، شرکت کرده بودند. در این مجمع از شفاقت و میانجیگری دیوکلیسین این نتیجه حاصل شد که ما کسی میانوس از دعاوی خود دست کشید و قرار شد که دو مدعی سلطنت متفقاً به امور ملک پردازند و از قیصر مستعفی استعانت و کسب نظر کنند. این دو مرد از روی حق شناسی قربانگاه بزرگی وقف میترا کردند که هم اکنون در موزه جالب کارنوئوم جای داده شده است. در متن مندرج بر دیوار مذبح چنین نوشته شده که اینان (اشاره به دو حاکم) به میترا شکست ناپذیر خطاب می‌کنند، چون او موافق با سلطنت ایشان است، میترا ایزد خورشید است و اینان معبد خدا را مرمت کرده‌اند.

این مذبح قبل از گردآمدن سران دولت در معبد وجود داشته است. بعد از پایان مجمع کوشش شد تا متن اصلی که بر روی دیوار متقرر بود پاک شود و به جای آن متن فوق الذکر را نوشته شد. این امر که این دو فرمانروای متن مذبور را وقف میترا کردند و از ایزد دیگری نبردند، منحصراً معرف خوشنفواری این دو پادشاه نسبت به عقاید ساکنان شهر کارنوئوم نیست (و باید دانست که در کارنوئوم لشکر پانزدهم رمی که از شرق بازمی‌گشت، اطراف کرده بود). بلکه گویای این واقعیت هم است که مناسک و نیایش خورشید شکست ناپذیر با مراسم پرستش شخص امپراتور مناسبتی تمام داشت و به همین دلیل در مرکز آئین رسمی قرار گرفته بود.^۱

حفاری‌هایی که در سال ۱۸۹۶ شد، وجود این معبد را در قسمت غربی شهر آشکار نمود. (شکل ۹).

این معبد از مهم‌ترین معابد سه گانه‌ای است که تا به حال در دویچ آلت‌بورگ یافته شده. خود معبد ۲۳ متر طول و هشت متر و نیم پهنا دارد و نقش بر جسته‌ای در آن وجود داشته که متأسفانه تکه شده ولی قطعاتی از آن به دست آمده است. در نتیجه معلوم شده که نقش مذبور ۴ متر عرض و ۳

1. Swoboda, Carnuntum, 64.

متر ارتفاع داشته و سازنده آن تیتوس فلاویوس ویاتور^۱ بوده است. روی کلاه فریجی میترا منافذی دیده می شود که مخصوص دریافت اشعه خورشید بوده است (شکل ۱۰).



شکل ۱۰: بازسازی نقش میترا در معبد دویچ - آتن بورگ

در این معبد، مذبح دیگری وجود داشته که اصول معماری آن کاملاً بدیع بوده است. تصاویری از خدایان چهارگانه با دو چهار فصل در آن بازیافته شده که از روی بالها و مشخصاتشان می توان بازشان شناخت. اضافه بر آن، کائلوس^۲ که بادها و فصویل زیر فرمان او هستند، در این نقاشی میان بهار و تابستان قرار داده شده است. این مذبح را مردی رمی به نام ماگنیوس^۳ ساخته که به طوری که از لقبش هراکلا^۴ پیدا است نسبت به غیر رمی می رسانده.

1. Titus Flavius Viator 2. Caelus
4. Heraclia

3. Magnus

تصاویر کوتس و کوتپاتس در این معبد هم در مدخل نیمکت‌های جانبی نقاشی شده‌اند (رجوع شود به سنت پریسک) و اضافه بر این دو، نقش بسیار زیبائی هم از میترا جوان دیده می‌شود که از دل یک صخره مخروطی شکل زاده می‌شود. در کنار آن هم درخت بزرگی حک شده و صدفی هم از جنس سنگ سیاه بر روی پایه‌ای نصب گردیده که حکم حوضچه آب را داشته است. به این آثار شیری را هم باید اضافه کرد که میان پاهای خود سرگاوی را گرفته است.

در بارهٔ دیگر معابد ناحیهٔ کارنوونوم اطلاعات وافی نداریم، ولی این را می‌دانیم که نزدیک معبد ژوپیتر دولیکتوس^۱ سوریه‌ای معبدی وجود داشته و پرستشگاه دیگری هم در کنار ساحل شمالی رود دانوب نزدیک یک معدن سنگ برپا بوده است. در معبد اخیر اضافه بر نقوش برجستهٔ میترا، چندین تصویر از مشعلدار، زایش میترا و چند مذبح موقوفه یافته شده است. این معبد مدتی مددی مورد استفاده بوده و بر سنگ‌نوشته‌ای، داستان تعمیر و مرمت غاری فرو ریخته از کهنه‌گی و فرسودگی که معبد مذکور در آن ساخته شده، آمده است. تولد میترا در این معبد مورد توجه و دقت بسیار قرار گرفته است. چون دینمردی به نام پوبليوس آئلیوس نیگرینوس^۲ مذبحی را در این محل وقف «صخرهٔ آفریننده» کرده و غلام زرخربدی به نام ادلکتوس^۳ مذبحی وقف میترا «خدای روشنی آفرین» کرده است.

شخصی موسوم به تیتوس فلاویوس ورکوندوس^۴ فرمانده لشکر چهاردهم پیاده نظام رمی مذبحی مزین به تصاویری از کوتس و کوتپاتس را وقف میترا کرده است. این شخص یعنی تیتوس فلاویوس ورکوندوس اصلاً از ناحیهٔ ساوریای^۵ مجارستان است و آن شهری است در جنوب کارنوونوم کنار بزرگراه یوگسلاوی.

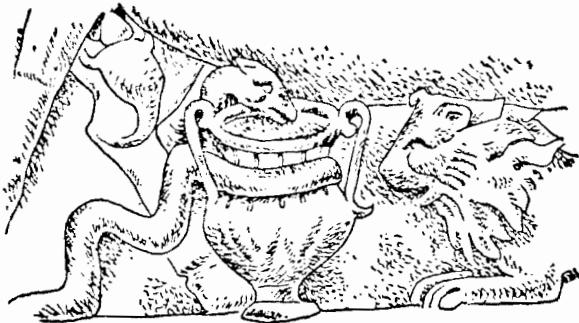
1. Dolichénus
3. Adlectus
5. Savaria

2. Publius Aelius Nigrinus
4. Titus Flavius Verecundus

در سطور پیش دیدیم که در معبد بزرگ شیری بوده که سرگاوی را میان پاهای جلو خود گرفته بوده. این نقش بکرات در معبد کارنوتوم مشاهده شده و در پرستشگاه اخیر هم نمونه‌ای از آن را دیده‌اند. اما در این معبد روی سر شیر سوراخی حلقوی شکل دیده می‌شود. شاید جالب باشد اگر علت وجودی این سوراخ حلقوی را بآنکه‌ای از تاریخ شهادت «کوآترو کورناتی»^۱ مقایسه کنیم که برای تکریم آنان کلیساً مجللی در رم ساخته شده است. این کلیسا به چهار سرباز رومی که حاضر به پرستیدن اسکولاب^۲ نشدن اهدا شده است. اما در روایتی دیگر آمده که کوروناتی‌ها احتمالاً سنگتراشانی بودند از اهالی مملکت پانونی^۳ که پایتختش کارنوتوم بوده و چون مطلقاً قبول نکردند که مجسمه اسکولاب را بازنده به شهادت رسیدند. در تذکرة احوال این چهارت تن شهید آمده که شیرهائی می‌ساختند که از دهانشان آب فوران می‌کردند است.^۴ بنابراین، شیر سنگی احتمالاً مرتبط با یک چشم طبیعی و یا یک منبع مصنوعی بوده است. تا به حال شرح داده‌ایم که نقش‌های برجسته‌ای از میترا یافته شده که در آن شیری با حالت تهدیدآمیز در مقابل ظرفی قرار گرفته است (شکل ۱۱). چه شیر سنگی مذکور در فوق و چه شیر تهدیدگر نقوش گونه‌گون ظاهرآ نماد مدلول واحدی هستند. دو عنصر آب و آتش با یکدیگر مبارزه‌ای مستمر و آشتی ناپذیر دارند. بهاین دلیل سالکانی که در مراحل طی طریق به مقام «شیری» رسیده‌اند (شیر: سمبل آتش)، برای شست وشوی بدن خود از آب استفاده نمی‌کنند و به جای آن عمل به کار می‌برند. در نده خوئی شیر بیشتر از این جا فهمیده می‌شود که سرگاوی را میان دو پای خود گرفته است. نقش مهمی را که این گروه در نشانه‌ها و نمادهای مربوط به مرگ و مراسم تدفین داشته، محققی به نام فر. دورویت^۵ به اثبات رسانده است. اگر امروز علم بیشتری به احوال ساکنان کشور رومانی در زمان‌های قبل

1. Quattro Coronati 2. Esculape
4. Leones fundentes aquam

3. Pannonie
5. Fr. de Ruyt



شکل ۱۱: تکه‌ای است از یک نقش بر جسته، که شیری را در حالت تهدیدآمیز نزدیک یک طرف نشان می‌دهد.

معبد سارمیرکتوزا (رومانی)

از امپراتوری رم داریم آن را مدیون تحقیقات آقای ث. دکوویسیو^۱ استاد دانشگاه کلوژ^۲ هستیم. کاوش‌های باستان‌شناسان در جنگل‌های ترانسیلوانی^۳ باعث شده که قلعه‌های نظامی ناحیه داس^۴ کشف شود و در دسترس مورخان قرار گیرد و از این روی باید سپاسگزار آنان بود. بر همین سیاق می‌باید کرده ترایانوس امپراتور رم را تحسین کرد، چون او بود که طی دو لشکرکشی این قلاع پراکنده بر روی دهها تپه را به تصرف خود درآورد و دسبال^۵ پادشاه داس‌ها مجبور شد که از او اطاعت بکند. ترایانوس جنگجوئی بوده نامور. تشکیلات نوین ایالت داس ساخته و پرداخته اوست و ستونی که به افتخار او در رم برپا شده از اهم آثاری است که در تکریم او ساخته شده. در غرب قلاع نظامی ناحیه داس در دره هاتگ^۶ همین ترایانوس، مهاجرنشینی به نام او پیا

1. Daicoviciu

2. Cluj

3. Transylvanie

4. Dace

5. Décebal

6. Hatég

ترايانا آگوستا داسيکا^۱ ايجاد کرد که بعدها آدريانوس^۲، نام سارمیزگتوزا^۳ اسم پایتخت سابق ايالت داس را به آن داد. انگيزه^۴ اين عمل امپراتور رعایت يك سنت سياسي حکومت رم بوده است. مثلاً در قرن سوم قبل از مسیح، امپراتوران رم شهر فالریئی و ترس^۵ (سيويتا کاستلانا)^۶ را که روی بلندی قرار داشت از میان بردنده و به جای آن شهری به نام فالریئی نووی^۷ را در دشتی بنا کردند. شهر سارمیزگتوزا دارای حصار عظیمي بوده و ترقی و آبادانی بسیار یافته و شاهد آن بازار مکاره^۸ و آمفی تئاتر و سایر اینجنه معروف آن است و در آغاز قرن سوم عنوان مادر شهر (ام البلاط)^۹ را به آن داده‌اند و این عنوان را روی ستونی که به دست دو عامل بلدیه در يك معبد بر پا شده بازمی‌یابیم. این معبد را در سال‌های ۱۸۸۱-۱۸۸۳ از دل خاک بیرون آورده‌اند و بزرگترین پرستشگاه مهری جهان است. ۲۶ متر طول و ۱۲ متر عرض دارد و از تالار قبه‌مانند وسیعی تشکیل شده که در آن مطابق عرف معماری مهری يك راهرو مرکزی تعییه شده و در دو طرف آن سکوها یا نیمکت‌ها قرار گرفته‌اند، اما نمازخانه منضم به آن ندارد. در هیچ معبدی این قدر آثار تاریخی یافته نشده است. ده‌ها نقش برجسته به دیوارها آویزان بوده و چندین سکو مخصوص قربانی کردن گاو وقف این معبد شده که اطلاعاتی در باب اعضاء این مجمع دینی می‌دهد. شخصی به نام پرتاس^{۱۰} فرستاده آمپلياتوس^{۱۱} امپراتور روم برای سلامت پادشاه، ستونی از مرمر وقف این معبد می‌کند که سر آن مزین به سر گاو است. گاو در حال دویدن است و پرنده‌ای راه می‌بینیم که برگی در متنقار دارد. اسم پرتاس منشاء شرقی دارد. به همین علت است که پرتاس میترا را به لقب نابرز^{۱۲} می‌خواند که واژه‌ای است ایرانی و معنای شکست‌ناپذیر و یا

-
- | | |
|---------------------------------|----------------------|
| 1. Ulpia Trajana Augusta Dacica | 2. Adrien |
| 3. Sarmizegetusa | 4. Falerii Véteres |
| 6. Falerii Novi | 7. Forum |
| 9. Protas | 10. Ampliatus |
| | 5. Civita castellana |
| | 8. Métropole |
| | 11. Nabarze |

شکستنیافته را افاده می‌کند. بندهای کارپیون^۱ نام که آزاد شده و از رفیت امپراتور خلاصی یافته، حسابدار این معبد بوده است. والریانوس^۲ نام عضو مدرسه مذهبی منضم به پرستشگاه و در ضمن خادم مراسم دینی امپراتوری بوده است. (در ناحیه سارمیزگتوزا یکی از این خدام امپراتوری^۳ را از زیر خاک به درآورده‌اند). لنگوس^۴ نام یکی از کارمندان مواجب‌گیر این معبد بوده و شخصی به نام سیتوس^۵ هم دستیار حسابدار بوده، سوروس^۶ هم بندهای است آزاد شده به دست امپراتور.

در این پرستشگاه که در سرحد امپراتوری رم قرار داشته همه متدينان به صلح و صفا می‌زیسته‌اند. جالب این جا است که دینمردی هم که در روم باستان از روی پرواز پرنده‌گان تفال می‌کرده، نقش بر جسته‌ای از میترا را، به هنگام کشنگاو، وقف معبد کرده است. کرنلیوس کرنلیانوس^۷ عضو دیگری از این مجمع دینی بوده و این نکته را در بارهٔ او می‌دانیم که مدافعان حقوق حمل‌کنندگان منبر بوده است. روی سکوی مخصوص قربانی موقوفه معبد که در ۱۸۵۶ بازیافته‌اند عبارت «تقدیم به میترا، خورشید شکستن‌پذیر» را می‌یابیم. واقع این سکو شخصی است به نام هرمادیو^۸ که مسلمًاً یا شرقی و یا یونانی بوده است، چون در کنار واژه اینتویکتوس^۹ لاتینی لفظ یونانی آنیستوس^{۱۰} را آورده که هر دو به معنای «شکستن‌پذیر» است.

در ناحیه کاران سبیس^{۱۱} (شهری که در قدیم تی‌بی‌سکوم^{۱۲} نامیده می‌شد.) که در جنوب شهر سارمیزگتوزا در ساحل رود دانوب واقع شده است، سنگ نوشته‌ای می‌یابیم که به میترا تقدیم گشته و ساخته دست هرمادیو نامی است که ساکن ایالت داسی بوده. این شخص شاید همان لوسیوس فلاویوس هرمادیون^{۱۳}

- | | | |
|------------------------------|----------------|----------------------|
| 1. Carpion | 2. Valérien | 3. Aedes Augustalium |
| 4. Longus | 5. Synethus | 6. Sévérus |
| 7. C. Cornélianus | 8. Hermadio | 9. Invictus |
| 10. Anicetus | 11. Caransebes | 12. Tibiscum |
| 13. Lucius Flavius Hermadion | | |

باشد که تندیس زیبائی از میترا در حال تولد یافتن در رم ساخته است. روی پایه این مجسمه (فعلاً در دوبلن است) نام هر مادیون دیده می شود و بالای آن تاجی از گل و گیاه هست که دور و پر واژه ناما (به معنای نجات) را گرفته است.



شکل ۱۲: میترا در حال کشتن گاو

این نقوش برجسته متعدد که بیشتر به صورت مثله شده به دست ما رسیده خاص نواحی این سوی و آن سوی رود دانوب است و به اشکال مختلف از ذوزنقه‌ای گرفته تا گنبدی و گاهی اوقات حلقوی دیده می شود. جنس آن‌ها عموماً مرمر خاکستری و یا آبی رنگ است که در منطقه یافته می شود در این نقش‌ها جزئیات حوادث و اتفاقات زندگی میترا تشریح شده است. عموماً یک گرفته و در بخش‌های بالا و پائین آن صحنه‌های دیگری نقاشی شده است. برخی نقوش برجسته مشبك هستند و روی یکی از آن‌ها هنوز بقایای دانه‌های

قرمز رنگ پدیدار است و توجه را به خود جلب می‌کند (شکل ۱۲). در این صحنه میترا انگار در حال قربانی کردن گاوی است. بدن گاو مزین به نوار عریضی از پارچه و آماده قربانی شدن است. ماری میان میترا و گاو مورد ذبح قرار گرفته که سر را به طرف ناحیه مجروح بدن گاو می‌کشاند. مشعلداران اینجا و آنجا ایستاده‌اند. ولی مهم‌تر از همه اشخاص حاضر و ناظر، کوتولپاتس است که در پشت گاو ایستاده و با دست چپ خود دم او را گرفته است.

دم گاو مرکز نیروئی است سحرآمیز و مشعلدار می‌خواهد از این نیرو سهمی بیابد.

سرشیر هم به سهولت قابل تشخیص است و در برخی تصاویر در بالای کوزه‌ای قرار گرفته. در عقب کوتولپاتس میترا دیده می‌شود که گاو را می‌راند. کوتول در دست راست خود مشعلی فروزان دارد و در عقب او صحنه خروج و تولد یافتن میترا از دل سنگ نموده شده است.

زیر صحنه ولادت میترا شخصی را می‌بینیم که ملبس به جامه شرقی است و دست راست راروی شانه چپ گذاشته است. لبه غار به شکل دایره است و از شاخ و برگ بسیار پوشیده شده و این اشاره رمزآمیزی است به این اصل که کشن گاو، باعث وفور نعمت و فراوانی در جهان می‌گردد. حاشیه غار مزین به تندهای نیم‌تنه از خدای خورشید (سل) و خدای ماه (لونا) و کلاغ (مبشر میترا) است.

چندین هنرمند تشریک مساعی کردند تا توانستند پارسائی و دینداری اعضاً این جماعت را با بیانی هنرمندانه بنمایانند.

نامدارترین فتوحات میترا

روی دیوار ته هر معبد نقشی از درخشنان ترین اعمالی که میترا در راه بشریت انجام داده دیده می شود و این عمل درخشنان موقوف بر قربانی کردن گاو است. گاهی اوقات این نقش را در صدر محراب در درون دیوار تهی شده مقابله در ورودی حک می نمایند. چراغ های روغنی هم روشنائی داخل معبد را تأمین می کنند. معمولاً پرستشگاه در سمت مشرق ساخته شده تا اولین پرتوهای خورشید وارد آن شوند. بدین منظور پنجره و یاروزنهای روی سقف یا گنبد پرستشگاه تعییه شده که مستقیماً نور خورشید را روی تصاویر میترا می تاباند است. از میان کارهای برجسته میترا بیشتر مراسم قربانی گاو مقدس نقاشی شده و عملاً در تمام معابد این تصویر دیده می شود. گو این که نقش قربانی گاو بر حسب معابد تغییراتی می پذیرد. ولی موضوع اساسی پرده در همه جا یکی است. یعنی میترا به صورت مردی نیرومند نظری هر کول نرمی و طراوت جوانی را به حد کمال دارد. با یک حرکت زانو مشغول اندختن گاوی بر روی زمین است، دست در شاخ و یا در سوراخ های بینی حیوان کرده و سر او را عقب می کشد و ختجری در قلب او فرو می برد.

عمل قربانی معمولاً در غاری انجام می گیرد و گاو پس از تشنجه بسیار جان می دهد. در محراب معبد است پرسک همین نقش قربانی گاو دیده می شود، ولی روی آن را پوششی از سنگ سیاه کشیده اند تا توهم غار را در ذهن نگرنده ایجاد کنند. قسمت فوقانی نقش های برجسته هم معمولاً به یک طاقه محدب ختم

می شود. هنرمندانی که این نقوش برجسته را به وجود آورده‌اند، توانسته‌اند با استعمال گل و گیاه در چهارچوب این‌ها، تصور غار برای بیننده بیافرینند. غار نماد طاق نیلگون آسمان و به عبارت دیگر کل کائنات است. روی حاشیه غار پیکر ایزد خورشید (سل) و ایزد ماه (لوна) و میان این‌ها تصاویری از خدایان گوناگون سیارات مختلف دیده می‌شود. (نمودهای از این گونه نقش در بولونی^۱ یافته شده است). سیاره‌ها را به صورت نمادین هفت ردیف متناوب مشکل از مذبح و هفت شمشیر که میان آن‌ها گاهی اوقات یک درخت دیده می‌شود هم نمایش داده‌اند (معبد سارمیزگتوزا).

تزیین حاشیه معبد که به وسیله گل و گیاه انجام می‌گیرد، گویای تأثیر شگفت‌انگیز عمل قربانی گاو است. وقتی که گاو به حال تشنج ناشی از احتضار افتاد، خونی که از او برون می‌آید، گندم‌ها را آبیاری و تغذیه می‌کند. دم گاو خواص سحرآمیز دارد و از آن نیز خوش‌های گندم می‌رویند. یک سگ و یک گاو سر بلند می‌کنند تا به محل جراحت گاو برسند و خون جاری را بمکند، عقربی با شاخ‌های خود اعضای تناسلی گاو محضر را می‌فرشد. معنای این صحنه‌ها چیست؟ نوشه‌های باستانی، به غیر از یک مورد، اطلاعات زیادی در این باب به مانمی دهنند. آگاهی‌های بیشتر را باید به طریق استنتاج از دل آثار و اطلال باز یافته استخراج کرد.

چه اطلاعاتی که اسناد و مدارک در مورد میترا به ما می‌دهند و چه آگاهی‌هایی که از هویت این خدادار رم‌داریم هر دو ناقص هستند و همین نقص در اطلاعات باعث اشتباهات بسیار در تعبیر و تفسیر دین مهری شده است. در میان تعبیراتی که غالباً خیال‌افانه انجام شده، تفسیر پرفسور ف. کومون قانع‌کننده‌تر به نظر می‌رسد و رد کردن آن به موانع بزرگی برمی‌خورد.

آنچه مسلم و متفق است، این است که فدیه گاو نماد امر آفرینش است. مرگ گاو حیاتی نو می‌آفریند و این نکته در حکم مرکز و قلب کل اسرار و

1. Bologne

رموز عقاید باستانی است و اهم این عقاید مسئله حیات و مرگ و رستاخیز است که مثال بارز آن طبیعت است که سال به سال تازه می‌گردد و زندگی از نو آغاز و خلاصه از مراحل سه گانه مزبور عبور می‌کند.

دانه گندم را به زمین می‌سپارند و بعد از چندی خوشمزین را درو می‌کنند. کر^۱، آتیس^۲ و آدونیس^۳ همه ناپدید می‌شوند و دوباره حیات می‌یابند. آیا گاو مقدس هم در واقع معرف شخص میترا است که خود را می‌کشد تا مجدداً زنده شود. چنین فرضی را نمی‌شود نکرد، ولی اطلاعاتی که در دست هست، ما را مجاز به تأیید این فرض نمی‌کنند. البته شbahat هائی میان آئین قربانی گاو و برخی از بخش‌های کتب مقدس ایران باستان دیده می‌شود. در کتاب «بندھشن» و کتاب «یادگار جاماسپیک» (که شامل پیشگوئی‌های پایان جهان است) آمده که اهورامزدا خدای بزرگ نیکی قبل از آفریدن کیومرث نخستین بشر، گاوی آفرید. لشکریان بدی چون خواستند آفرینش را از میان ببرند، بر گاو دست یافتدند. اما از مغز گاو انواع گوناگون گاو پدید آمد. در بندھشن همین نکته با تفصیل زیادتر آمده و گفته شده که از مغز گاو مزبور پنجاه و پنج نوع غله و دوازده گونه گیاه طبی پدیدار گشته است.

حال چگونه و به چه حیله‌ای می‌توان از اهریمن بدکار به میترا رسید؟ بدختانه معلومات کافی در دسترس نیست. در بحث‌های بعدی که در باب مسئله آفرینش خواهیم کرد، تاکید لازم در تشریح نتایج نیکوی رسم قربانی گاو خواهد شد.

اهریمن می‌خواست بدی بگند، میترا بدی را به رهائی بشریت تبدیل کرد و از این رو خود را نجات دهنده خواند^۴. محتمل است که بقایای این اسطوره - یعنی این که اهریمن به گاوی یک رنگ و بدون لکه حمله کرده باشد -

1. Kor

2. Attis

3. Adonis

4. به یونانی: Soter

در نقوش عقربی که بیضه گاو را در چنگال خود می‌فرشد بازمانده باشد. در بندھشن که در بالا سخن‌ش رفت، عقرب و مارمولک و مار و وزغ همچون جانوران بدکار معرفی شده‌اند. این جانوران فرستادگان اهریمن هستند و کسانی که این موجودات را از میان برند، عمل خیر انجام داده‌اند. بدین طریق عقرب با چنگ زدن در بیضه گاو می‌خواهد منی یعنی منع زایندگی و حیات را از بن درآورد. در کتب مقدس ایران آمده که منی به کره ماه صعود می‌کند و در آن جای از آلودگی پالاییده می‌گردد و چون تصفیه گشت در مراجعت زاینده ا نوع بی‌شمار جانوران می‌شود.

اما در این داستان سگ و مار چه وظیفه‌ای به عهده دارند؟ دیدیم که ایرانیان مار را همچون جانوری بدکار تصور می‌کنند. اما به عکس سگ، موافق نوشه‌های هرودت، آن قدر نزد ایرانیان محترم است که در عدد انسان به شمار می‌آید و موبدان منحصرًا مجاز به کشتن این دو (انسان و سگ) نیستند. با این وصف می‌بینیم که سگ و مار با هم‌دیگر خون گاو را می‌لیسن و چیزی که حاکی از خصوصت و نفاق میان این دو جانور باشد به چشم نمی‌خورد.

اما چون در تصاویر دیگر می‌بینیم که سگ همچون یاری باوفا با میترا به شکار می‌رود، امکان این که بخواهد با پلید کردن خون گاو مقدس به عمل آفرینش زیان و صدمه وارد کند کاملاً از میان می‌رود. سگ خون گاو را به این دلیل می‌لیسد که خواص نیکوی آن را جذب بدن خویش کند. همین نکته در باره مار نیز صادق است. در آئین میترا مار جانور بدکاره متعلق به اهریمن نیست. در برخی نقش‌ها مار همراه با میترا دیده می‌شود و در اساطیر یونان مار نماد زمین است. از لیسیدن خون گاو، مار یعنی زمین تعابیل خود را مبنی بر آبستن شدن و خیر بشریت را فراهم کردن آشکار می‌کند.

بنابراین، هویت میترا در صحنه قربانی گاو کاملاً معین شده است. مهر آفریننده‌ای است که طبیعت را مجددًا می‌زاید، رهاننده‌ای است که در نظام طبیعت مداخله می‌کند و غرضش از مداخله تأمین خیر و سعادت معنوی برای

آدمیان است. در مورد این مطلب در فصول بعد تأمل بیشتری خواهیم کرد. اما بنابر آنچه گذشت شکفت نیست که مهرپرستان میان آن همه مناسک عبادی به فعل قربانی گاو او آن قدر اهمیت بگذارند و وقتی که استغاثه به درگاه او می‌کنند، از او همچون میترای گاو اوژن یاد نمایند.

اطرافیان میترا

در برخی نقوش مهری در پشت میترا کلااغی دیده می شود که روی لبه هلالی غار نشسته است. در اکثر تصاویر بازمانده، پرنده مزبور این تصور را بر می انگیزد که دارد به سوی خدا پرواز می کند و آورنده پیامی است که خدا برای شنیدن آن گوش فرامی دارد. در بعضی پرده ها خدا را بوضوح می بینیم که سر را به سوی کلااغ بلند کرده است. باید به یاد آورد که در ادبیات باستانی یونان کلااغ مبشر آپولون^۱ است و به همین علت است که در زاویه فوقانی سمت چپ نقوش برجسته تصویر ایزد آپولون دیده می شود. در آئین مهری عنوان کلااغ بیاد آورنده مراسم قربانی گاو است. سالکی که به مرحله تشرف به اسرار دین رسیده نقابی به صورت می زند که شکل کلااغ دارد (شکل ۳۷).

سالک نقابدار در قبال میترا وظیفه ای همچون وظیفه کلااغ دارد. سل، ایزد خورشید به کلااغ حکم کرده تا فرمان او را دائر به کشن گاو مقدس به میترا ابلاغ کند و آن طور که روی نقش ها دیده می شود غباری از اندوه چهره میترا را فرا گرفته است. چون کشن گاو شکوهمند دل او را به درد می آورد، ولی همچون یک سرباز این فرمان را انجام می دهد و در ضمن می داند که از مرگ گاو زندگی تازه ای خواهد بالید. در چندین شمایل می بینیم دور و بر سر سل خدای خورشید را هاله ای از انوار^۲ فرا گرفته که یکی از پرتوهای زرین آن

1. Apollon

2. Eptaktis: دارنده هفت پرتو

متوجه میترا است و به سوی او در جهش است و بدین طریق میان میترا و موکل او رابطه‌ای مستقیم پدیدار می‌شود. شگفت آن که از تحقیق در روابط میان خدای خورشید و میترا نهایتاً این نتیجه حاصل می‌شود که سل (خدای خورشید) وابسته و تابع میترا است. از سوی دیگر میترا به خورشید شکست‌ناپذیر معروف است. در اینجا این احتمال پیش می‌آید که ممکن است سل میانجی باشد و در این صورت وظیفه او عبارت است از انتقال احکام اهورامزدا و زئوس-ژوپیتر^۱ به وسیله‌گاو. شاید هم در اصل سل مقامی رفیع تر از میترا داشته و بعدها شخصیت واحد توانای خورشیدی را به وجود آورده‌اند و در اربابی خورشید آسا به آسمان صعود کرده‌اند. این مسئله بسیار غامض است و تا به حال راه حل روشنی برای آن پیشنهاد نشده است. الهه ماه هم همچون ایزد خورشید در عمل آفرینش همکاری دارد. روی اربابی که به وسیله چند گاو نر کشیده می‌شود، گاهی اوقات از یک سو الهه ماه محو می‌شود. از طرف، دیگر خدای خورشید در حال راندن اربابی با اسبان آتشین نمودار می‌گردد. اما بیشتر اوقات بغانوی ماه به شکل نیم تنه نشان داده می‌شود که دیهیمی بر سر دارد و در عقب او هلال ماه هویدا است. ماه نیروی تصفیه‌کننده دارد و این نیرو را به منی گاو منتقل می‌کند. همین ماه است که شب هنگام تأثیر سلامت‌بخش بر نباتات می‌گذارد. تقریباً همیشه در صحنه‌های قربانی گاو مقدس دو شخص دیده می‌شوند که به سبک ایرانی، مثل خود میترا لباس پوشیده‌اند، و این طرف و آن طرف گاو ایستاده‌اند، پای‌ها را روی هم انداخته‌اند و بی‌اعتنایی آنان این تصور را ایجاد می‌کنند که گوئی مشارکتی در مراسم قربانی ندارند. گاهی اوقات یکی از این دو شخص دم گاو متمع شود و یا آن دارد، به این دلیل که یا می‌خواهد از نیروی سحرآمیز دم گاو متع شود و یا آن که قصد دارد نمو خوش‌گندم را که در نقش قابل رویت است تسریع کند. در بعضی تصاویر این دو شخص ظاهر چوپان‌هارا دارند و چوبی در دستشان دیده

1. Zéus-Jupiter



شکل ۱۴: کوتوباتس مشعلی
در دست دارد.



شکل ۱۳: چوپان ناظر
بر تولد میترا.

می شود. می دانیم که چوپانان در تولد میترا حضور داشته‌اند، ولی در هر صورت این شبانان از همجنسان آئیس^۱ نیستند. یکی از اینان مشعلی به دست دارد و از گونه و دیگری مشعل را راست به دست گرفته و این طرز گرفتن مشعل کنایه از طلوع و غروب خورشید و ماه، یعنی فروغ زاینده و میرنده است و به عبارت دیگر زندگی و مرگ را جلوه گر می‌کنند.

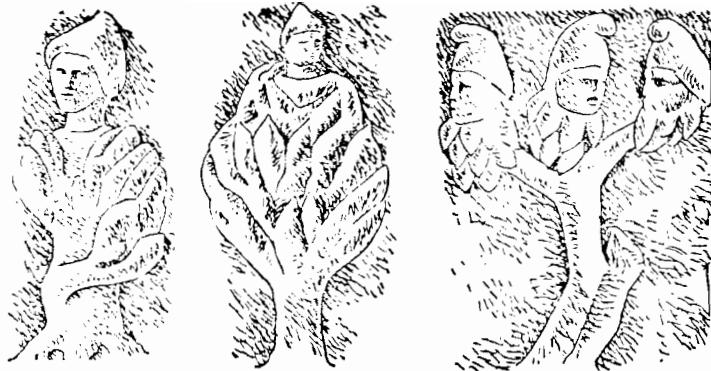
آن شخصی که مشعل افراخته در دست دارد، زیر تمثال لونا (خدای ماه) و دیگری زیر تمثال سل (خدای خورشید) قرار گرفته است. نام این دو شخص کوتس و کوتوباتس است که اولی نماد (سمبول) طلوع خورشید و فلق است و دیگری نشانه غروب خورشید و شفق. بر سر اشتقاق این دو نام اتفاق نظر

1. Attis

به دست نیامده اما ارزش نمادین این دو شخص، آن طور که می توان آن را از آثار موجود استنتاج کرد جای تردید باقی نمی گذارد. گاهی اوقات پائین پای کوتس خروس خروشده‌ای دیده می شود. این خروس که یونانیان «پرندۀ ایرانی» اش نام کرده بودند، اهریمنان بدکار را به آواز خویش می راند. کوتوباتس اغلب به حالت نشسته ظاهر می شود، دست را متکای سر کرده و غم و اندوه از گونه‌اش آشکار است. تضاد میان شادمانی کوتس و اندوه کوتوباتس کاملاً محسوس است. این اختلاف احساس میان دو شخص مزبور حتی در دو محراب که به اسم آن‌ها در معبد سنت پریسک ساخته شده هویدا است، متنه‌ی در اینجا برای ابلاغ معنی از رنگ کمک گرفته‌اند. محراب کوتس و خروس او به رنگ نارنجی روشن و محراب کوتوباتس آبی‌رنگ است. در برخی نوشته‌ها از این دو شخص به عنوان دو خدا یاد کرده‌اند. مؤید این خبر گفته پس دو دنی آرئوپازی^۱ (قرن چهارم بعد از مسیح) است که می‌گوید دو مشعلدار و میترا خدایان سه گانه (تثیل) را تشکیل می‌داده‌اند. بنابرآنچه گذشت کوتس معرف خورشید صبحگاهان است، میترا گویای نیمروز است و کوتوباتس غروب آفتاب را اعلام می‌کند. از این سه نکته این نتیجه را می‌توان گرفت که شاید میترا را بخصوص هنگام ظهر پرستش می‌کرده‌اند. در هر حال، می‌دانیم که روز شانزدهم مهرماه روز مهر بوده و به او اختصاص داشته است. قرص خورشید در سه مرحله طلوع و نیمروز و غروب، میترا را مجسم می‌کند که اعمال و نیرویش را می‌توان روزانه دید و احساس کرد.

تأثیر عقاید نجومی در دین مهری به حدّی بارز است که به موقعیت خورشید نسبت به ستارگان و قع خاصی نهاده می‌شده. به این علت که وقتی کوتس سرگاو را در بغل دارد، خورشید در برج ثور است و این برج مطابقت دارد با فصل بهار. تصویر عقرب پهلوی کوتوباتس نشانه ورود خورشید به برج عقرب و آغاز فصل پائیز است. در یک مورد منفرد یعنی در تصویری که در رم

1. Pseudo Denis l' Areopagite



شکل ۱۶: میترا در حال تولد از یک درخت

میترادر بطن یک درخت.

شکل ۱۵: سرهای سه گانه با کلاه

فریجی روی درخت کاج.

یافته شده کوتس و کوتوباتس نزدیک درخت کاج نشان داده شده‌اند؛ درختی که همیشه سرسبز است.

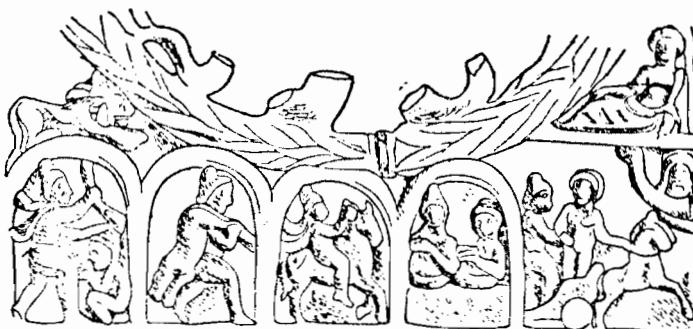
درخت سرو وقف خورشید است. درخت‌های سرو سه گانه گویای تثلیث میترا هستند. در ناحیه پتو^۱ همین اندیشه در تصویری از درختی سه شاخه دیده می‌شود. بر سر هر یک از شاخه‌ها کلاهی فریجی نقش شده است (در ناحیه دیبورگ^۲، شکل شماره ۱۵). نقوش مزبور مرتبط با تصویری از میترای تنها هستند که خود را در شاخ و برگ درختی مخفی کرده است (هدرن‌هایم^۳، شکل ۱۶). در معبد سنت پریسک اشاره‌ای به این سه گانگی شده، براین منوال که مثلث بزرگی از مرمر روی دیوار کنده شده که در مرکز آن کره‌ای قرار گرفته است. به طور خلاصه این نتیجه را می‌شود گرفت که دو شخص مشعular آن قدر اهمیت دارند که تصویرشان در تمام معابد دیده می‌شود.

1. Petto

2. Dieburg

3. Hedernheim

افسانه میترا



زایش شگفت‌انگیز میترا

در پرستشگاه‌های مهری روز ۲۵ دسامبر روزی است که تولد خدا و تجلی فروغی نوین را جشن می‌گیرند. ولادت میترا بسیار شگفت‌آور است، زیرا نیروئی باطنی و سحرآمیز او را از درون صخره‌ای به جهان خارج بیرون افکده است. میترا در این حالت کاملاً عریان است و کلاه فربیجی به سر دارد، دستش را بلند کرده و خنجری و مشعلی به آن گرفته است. او زاینده روشنائی^۱ است و از دل سنگی زاده شده^۲ است. صخره‌ای آبستن شد^۳ و میترا را زاید. به محض این که مهر ولادت یافت آmade کارهای خطیر شد. شمشیرش به کار

۱. فروغزا: *genitor luminis*. ۲. سنگزاد: *saxigenus*. ۳. صخره آبستن یا صخره زاینده: *petra genitrix*.



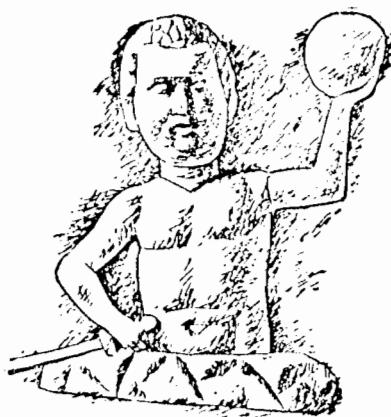
عکس ۳ - میتو درم



عکس ۴- نوآموز متشرف به مقام شیری، نقاشی بازیافته در مهرکده واقع در زیر کلیسای سنت پریسک در رم

کشتن گاو می‌آید و کمان و ترکشی که به کمر آویخته مهیای شکار و یامعجزنمائی درآبند.

دیدیم که غار مهری نماد چرخ‌گردون است. صخره هم کنایه از آسمان است که نور بر زمین می‌پاشد. گاهی اوقات در برخی تصاویر شعله‌هایی از دل سنگ (مثلاً در ناحیه دورا) و حتی از کلاه فریجی بیرون می‌جهد. گاه گاه روی کلاه فریجی ستاره‌هایی دیده می‌شود و ممیز این است که کلاه فریجی مثل غار می‌توان نماد چرخ‌گردون باشد. در یشت دهم اوستا،^۱ یعنی مهریشت، آمده است که دور سر مهر را هاله‌ای زرین فراگرفته و بر فراز کوه هرا بزرائیتی (البرز) می‌درخشد و از آنجا سرزمین‌های آریائی را نظاره می‌کند.



شکل ۱۷: میترا به هنگام تولد کره‌ای در دست دارد.

به موجب فرضیه‌ای میترا از آمیزش زمین و اهورامزدا به وجود آمده است. این نظر قابل قبول نیست میترا سنگزاد است و از صخره‌ای تولد

1. *Hara bérézaiti'*

می‌یابد. در نقشی که در ناحیه سنت اوین^۱ فرانسه یافته شده، چون مهر با قدم‌های بلند از درون صخره روشن و شعله‌ور بیرون می‌آید، آتشین و پر فروغ است. این اعتقاد که ایزد روشنائی (مهر) از دل صخره‌ای زاده شده، مبتنی بر سنتی قدیمی است. شاید این سنت مترتب بر اکتشاف شگفت‌انگیز بشر اولیه باشد که از اصطکاک دو قطعه سنگ چخماق آتش و روشنائی به دست آورد.

تولد میترا حادثه‌ای است کیهانی و به هنگام زایش کره‌ای در یک دست دارد (شکل ۱۷) و دست دیگر ش روی منطقه البروج قرار گرفته است. میترا فرمانروای جهان^۲ است و به همین علت نقش خدایان بادهای چهارگانه و نیز عناصر چهارگانه تصویر شده است. در برخی پیکرها چند چوپان به هنگام زایش میترا حضور دارند (شکل ۱۳). اما بیشتر اوقات فقط دو مشعلدار صحنه ولادت او را با تحریر آشکار نظاره می‌کنند.

روی نقشی برجسته‌ای که در پتو یافته شده دو مشعلدار به کمک میترا



شکل ۱۸: چوپان‌هایی چند، میترا را که در حال تولد یافتن است کمک می‌کنند.

1. Saint Aubin

2. Kosmokrator

می‌شتابند (شکل ۱۸). در ناحیه لودویزی^۱ نقشی یافته شده که دو شخص مشعلدار را بالباس‌های شفاف نشان می‌دهد که مشغول بیرون کشیدن و نوس از امواج کف‌آلود دریا هستند و به قیاس می‌توان گفت که در نقش برجسته پتو آن دو شخص کوتس و کوتپاتس هستند که به ملایمت میترا جوانسال را از زمین بلند می‌کنند. در بخش فوچانی این نقش تصویری از ساتورن دیده می‌شود که ایزد پیروزی بر سررش تاج می‌گذارد و نزدیک او دشنه‌ای قرار گرفته که به میترا خواهدداد. روی پیکری که در ناحیه دورا پیدا شده، ساتورن روی ابر و یا بر فراز قله کوهی پر درخت قرار گرفته است. در دست راست شمشیری کوتاه دارد که نوکش مجهر به چنگک است. روی سر وی شاخه‌ای از درخت زیتون قرار یافته که معنای نمادین آن متراوف تاجی از گل خرزه است که در نقش بازیافته در پتو، خدای پیروزی^۲ به او تقدیم می‌کند. روی نقش برجسته‌ای که در دیبورگ^۳ یافته شده، ساتورن بر صخره‌ای نشسته و در تفکراتی عمیق غوطه می‌خورد و در دست راست کاردی دارد (شکل ۴۲). روی نقش برجسته‌ای که در ناحیه نرسا^۴ واقع در مرکز ایتالیا یافته شده، چنگک مزبور بوضوح دیده می‌شود. ساتورن کاردی به میترا می‌دهد تا گاو را بکشد، شاید هم ساتورن چنگک را به این علت می‌گیرد که دروغگر ایزدی است.

با این وصف در برخی پیکرها ساتورن دیده نمی‌شود و به جای او خدای امواج اسانوس و یا نپتون در مجلس ولادت میترا حضور می‌یابند. در ناحیه ویرونوم^۵ (اتریش) نقشی یافته شده که روی آن نپتون دیده می‌شود که شاخه‌ای بر پیشانی دارد و پهلوی او زنش آمفی تریت قرار گرفته است. در برخی از پرده‌های نقاشی ولادت میترا چشمۀ آبی هم دیده می‌شود، اما در نقش برجسته‌ای که در موزه فلورانس نگهداری می‌شود فقط اسانوس حضور دارد. در مهرکده دوم هدرن‌هایم روی دیواری منظرۀ ولادت میترا نقش شده و در

1. Ludovisi
4. Virunum

2. Victoire

3. Nersae

اطراف او به ترتیب اسانوس، کوتوباتس و سلوس^۱ و کوتس دیده می‌شوند. هویت این خدایان در سنگنوشه روی دیوار بوضوح آمده است. وجود این خدایان را در اطراف میترا چگونه باید تعلیل کرد؟ پاسخ این است که این خدایان نیروهای ابتدائی آفرینش هستند، در هنگام تولد میترا (ایزد و آفریننده) حاضر و ناظر بوده‌اند و مدام از او حمایت کرده‌اند.

نام ساتورن میوه‌بر^۲ است، میترا هم با کشتن گاو مقدس میوه‌های زمین را به آدمیان خواهد داد. اما میترا می‌تواند با تیر و کمان خود آب از سنگ خارا بدر آورد و چشم‌های بسازد که هیچگاه نخشدکد.^۳ از اینجا علت وجودی حضور ساتورن در مراسم قربانی گاو در نقش سنت پریسک معلوم می‌شود. دینمردان مهری بیشتر دقت خود را به سوی ساتورن و نه به جانب نیتون متوجه کردند. علت این بود که ساتورن که به نام دیگر کرونوس^۴ خوانده می‌شد، با زرروان خدای زمان در نظر ایرانیان و ائون^۵ خدای زمان یونانی قرابت و شباهت داشتند.

پیکره‌هایی از میترا یافته شده که همچون ایزد زمان سال خورشیدی را که بر محور گاهشماری مبنی بر منطقه البروج می‌گردد، نظارت می‌کند. در واقع میترا در عین حال هم ساتورن و هم اسانوس است، منشاء نیروی زایندگی روی زمین است و آب را می‌آفریند. به این علت است که مرشد جماعت مهری نماینده میترا در روی زمین است و ساتورن از او حمایت می‌کند (سنت پریسک). و باز به همین علت است که یکی از علامت مشخص مرشد (پیر) شکل داس است. در کتیبه‌ای نام مرشد آمده و آن مزین به تاجی است که ساتورن از دست ایزد پیروزی (ویکتور) گرفته است.

1. Célos

2. Frugifer

۳. fons perennis چشمه خشکی‌ناپذیر

4. Chronos

5. Eon

نبرد میترا با گاو

فقط در آثار بازیافته در نواحی رود رن و دانوب از جدال میترا با گاو مقدس سخن رفته و تصاویری از آن به دست داده شده است. در نقاط دیگر یا به این واقعه اهمیت بسیار نمی دادند و یا صحبت از آن را سزاوار نمی دانستند. می دانیم که قربانی گاو مهم ترین رسم دینی در آئین مهری است و مراسم بعدی پدان پیوسته هستند. بر جدار سمت راست در محراب معبد سنت پریسک، پیکری از میترا (از جنس شبہ مرمر) دیده می شود که افسار گاوی را در دست گرفته است. نقش بر جسته‌ای در معبد نزدیک بازار گاؤ فروشان^۱ رم یافته شده که در آن میترا گاوی بر دوش حمل می کند و به طرف غار روان است. این پرده به احتمال قوی الهام بخش شاعر رمی معروف به کمدیانوس^۲ (اواسط قرن سوم بعد از مسیح) شده که در یک قصیده میترا را با مردی شریر، کاکوس نام مقایسه کرده است. هر کول موقعی که در سواحل رود تیبر در حوالی بازار گاؤ فروشان اشتغال به درست کردن شراب داشته، کاکوس، چهار پایان او را دزدیده است. کمدیانوس کتابی به نام آموزش^۳ دارد و محققی به نام توفل^۴ در باره آن گفته: «این کتاب جوشان از عشق و تعصب نسبت به میحیت است. اما در مطابقت تمام آن با اصول دین جای تردید هست». ما گفتیم که در یکی از قصاید این کتاب شاعر مقایسه‌ای میان میترا و کاکوس کرده ولی در وصف آن صنعت شعری توشیح را به کار برده است که شرحش در زیر بیاید: دیدیم که لقب میترا شکست ناپذیر است و این صفت به لاتینی اینویکتوس می شود.^۵ هشت مصراع این قصیده به ترتیب با هشت حرف واژه لاتینی مزبور شروع شده به طوری که مجموع حروف آغازین هشت بیت مذکور اینویکتوس خواهد شد. تأمل در این قصیده که در زیر خواهیم دید، نحوه رقابت دو دین مسیحی و مهری را

1. Forum Boarium

4. W. Teuffel

2. Commodianus

5. Invictus

3. Instructiones

روشن می‌کند:

«من اعتراض به این ندارم که مهرپرستان تولد خدای شکستناپذیر (یعنی میترا) را از دل یک صخره امری حقیقی پسندارند، ولی آخر وجود صخره نسبت به وجود یافتن میترا مقدم است. از وجود صخره ناگزیر باید به صانع آن پی برد. علاوه بر این نکته، شما میترا را به مثابه یک دزدگاو بر روی سنگ ترسیم می‌کنید. اگر میترا از نژاد خدایان راستین می‌بود، مرتكب سرقت نمی‌شد. پس این خدا ماهیت ناسوتی (خاکی) دارد و خلاصه طرفه معجونی است. اگر کاکوس پسر وولکن^۱ را دزدید، میترا هم چهارپای متعلق به دیگران را در غارها ربود.»

آثاری که در کشورهای مجاور دانوب و ایالات اطراف رود رن یافته شده مملو از تصاویر مشتمل بر توصیف اعمال شگرف میترا است. چنین پیکرهایی در واقع حکم کتابی بر ساخته از تصاویر را دارند که به افتخار میترا نقاشی شده‌اند و حتی گاهی اوقات صورت یک طاق نصرت را پیدا می‌کنند. نقش برجسته‌ای که در نوین‌هایم^۲ آلمان یافته شده، به ترتیب چگونگی قربانی گاو‌های راکه میترا به دست آورده نشان می‌دهد.

ابتدا می‌بینیم که گاو آرام در علفزاری مشغول چرا است (شکل ۱۹)، میترا در می‌رسد و آن را دستگیر می‌کند و بر دوش، همچون شبانی که حامل گوسفندی باشد، می‌برد (شکل ۲۰). چگونگی دست یافتن بر گاو را نقوش برجسته توصیف نمی‌کنند، اما بعد نیست که از کمند^۳ استفاده می‌کرده است. در تصویر بعدی می‌بینیم که گاو خشمگین خود را نیرومندانه از چنگ قید نجات می‌دهد و آزاد می‌شود. با وصف این، میترا استوار می‌ایستد و به گردن جانور می‌چسبد و دوان دوان او را می‌کشاند. سرانجام میترا کوشش آخر را می‌کند و گاو بی طاقت را بر زمین می‌افکند و خود در نهایت قدرت راست

1. Vulcain

2. Neuenheim

3. کمند: Taurobolium معنای اصلی این واژه لاتینی عمل «دستگیری گاو» است.



شکل ۲۰: میترا در حالت حمل گاو.

شکل ۱۹: گاوی است در حال
چرا، تکه‌ای از این نقش.

می‌ایستد و باهای پسین گاو را می‌گیرد و بر روی دوش خود می‌اندازد و کشان‌کشان به طرف غارش می‌برد (شکل ۲۲). در برخی پیکرها میترا سوار بر گاو می‌شود و شاخ‌های او را در دست می‌گیرد و پیروزمندانه می‌راند (شکل ۲۱). این داستان ما را به یاد متنی از پورفیر^۱ می‌اندازد که می‌گوید «میترا سوار بر گاو آفرودیت^۲ است، زیرا گاو آفریننده است و میترا مالک آفرینش». در متن یونانی واژهٔ یونانی به صورت دمیورگوس^۳ و همین واژه در جای دیگر به خود میترا اطلاق گردیده است. دیدیم که میترا به چه نحو با کشن گاو، حیات نوی می‌آفریند. بر حسب برخی فرضیات نجومی برج حمل مقر سیارهٔ نووس - آفرودیت است، اما رابطه میان این نظریه و صحنه‌ای که میترا سوار گاو می‌شود بر ما پوشیده است، همان طور که اصولاً نمی‌دانیم آیا واقعاً رابطه‌ای وجود داشته است یا نه (شکل ۲۱).

1. Porphyre

2. Aphrodite

3. Demiourgos



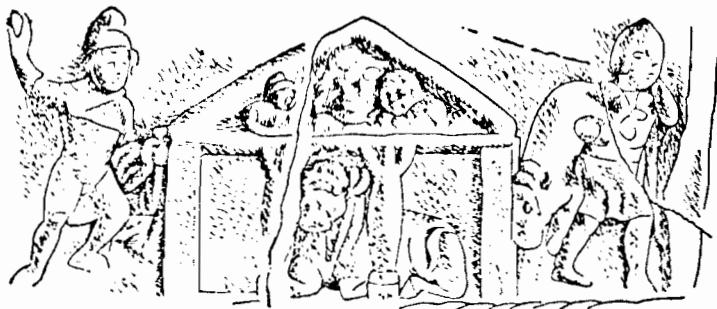
شکل ۲۱: میترا سوار بر گاو.
شکل ۲۲: میترا در حالت حمل گاو.

نقش برجسته بزرگی در دیبورگ یافته شده که اطلاعات بیشتری درباره پیکار پر زحمت میترا با گاو به دست می دهد (شکل ۲۳). روی غالب نقوشی که در نواحی اطراف رود دانوب پیدا شده اند این شکل دیده می شود. گاو در درون معبدی روی زمین دراز کشیده، سر در معبد شکل مثلث دارد و مزین به سرهای سه ایزد است که هویتشان نامعلوم مانده. میترا بر بالای صخره‌ای بلند قرار گرفته و در دست راست یک دشنه و تکه پارچه‌ای شاید به رنگ قرمز دارد. دست راستش را بلند کرده و سنگی در آن گرفته می خواهد سنگ را بر بام معبد پرتاب کند و گاو را از آنجا براند. برخی نقوش یافته شده در اطراف دانوب، گاو را در زورقی بر فراز ساختمان معبد نشان می دهند (شکل ۲۴). شاید این صحنه می خواهد گاو را به صورتی نمادین در درون ماه (آسمان) نشان دهد. در آثار مهری اغلب اوقات ماه به صورت زورق نشان داده شده است. اگر گفته پورفیر را باور کنیم، گاو همانند و مترادف ماه است و ماه چنان که می دانیم آفریننده است و «زاد و ولد» به فرمان او صورت می گیرد. این نظریه شباهت زیادی با تعبیری دارد که لمل^۱ از مراسم قربانی کردن گاو می کند و مبتنى بر نوشه های کتاب ودا^۲ است.

1. Lommel

2. Veda

سرانجام میترا گاو خسته و کوفته را در حالی که پوزه اش در گل ولای زمین کشانده می شود، می برد. مخالفان دین مهری این عمل میترا را به مثابه چهار پا دردی می نگرد و او را همچون سارقی تصور می کنند و از این رو نادانسته با پورفیر همداستان می شوند که در کتابش^۱ نظریه ای در باب خدای



شکل ۲۳: نقش بازیافته در دیبورگ نمودار نبرد میترا با گاو.

ستور دزد ساخته است. اما چون گاو همانند و متراծ با ماه است و ماه بر عمل زایش حیات در روی زمین نظارت می کند، نتیجتاً پورفیر معتقد می شود که زندگی از گاو زاده می شود و خدای گاو دزد کسی است که در خفا نجوای زندگی را می شنود و بر حسب این فرضیه میترا در عمل آفرینش مشارکت و مداخله دارد و حتی آفرینش روان نیز از همکاری او بی نیاز نیست. چنان فرضیه ای بدون شک ناشی از تفسیر عالمانه همین نقش بر جسته ای است که در آن میترا گاوی را به دوش گرفته است. در چند سنگ نوشه و نیز در یک نقش بر جسته ناحیه پتو در یوگسلاوی به این صحنه نام عبور خدا^۲ داده شده است. قطعه شعری مربوط به دویست سال بعد از مسیح در مهر کدۀ سنت پریسک رم یافته شده که با اشاره به بار سنگین روی دوش میترا می گوید

1. *De Antro Nympharum*

2. *Transitus Dei*

گاو جوان را به روی دوش خود حمل کرد. اما این امر که با کشف گاو و کشتن آن میترا فقط می‌خواهد معجزه‌ای کرده باشد، درست نیست. زیرا میترا برای انجام دادن این وظیفه دینی خود، نبردهای بی‌امان و مساعی دشوار کرده است. همان طور که اوریسته^۱ به هر کول فرمان داد تا گراز متعلق به اریمانت^۲ را بگیرد و بر روی دوش حمل کند، میترا هم گاو سنگین وزن را به سوی غار می‌راند. هر یک از پیروان میترا که بخواهند این وظیفه مهم را انجام دهند، باید پشتکار و جدیت بسیار در این مرحله برزخی (عبور) از خود نشان بدهند. هر یک از مریدان از این مرحله «برزخی» عبور خواهد کرد و چون به میترا تأسی می‌کنند نیروی لازم را از وی کسب خواهند کرد.

این احتمال هست که مسئله وجود گاو بر فراز معبد نماد حضور ثور در برج خورشید باشد. حلول خورشید در برج ثور گویای فرار سیدن بهار است و به همین دلیل است که مراسم قربانی گاو ظاهراً در فصل بهار انجام می‌گرفته است. در این فصل سایر ادیان مبتنی بر طریقت رازمند هم رستاخیز مجدد حیات را جشن می‌گیرند.

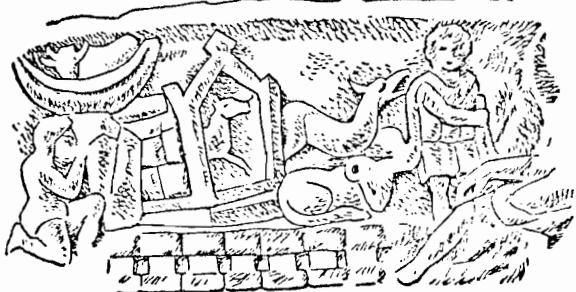
معجزه چشمۀ آب

در کاوش‌های رم مجسمه‌ای یافته شده که ولادت معجزه‌آسای میترا و بیرون شدن وی از دل سنگ را نشان می‌دهد. این اثر هنری امروزه در مدرسه ترینیتی کالج^۳ شهر دوبلن^۴ نگاهداری می‌شود و روی آن کلماتی نوشته شده که بر زبان خود میترا جاری گشته است: «لوسیوس فلاویوس هرمادیون^۵ این تحفه را با خوشحالی به من تقدیم کرد». هنرمندی که به دستور هرمادیون این اثر را

1. Eurysthée
4. Dublin

2. Erymanthe
5. Lucius Flavius Hermadion

ساخته، میترا را به طرزی بسیار بدیع جلوه گر کرده چون میترای مصنوع او در حالتی خلسله‌مانند به نور ساطع از مشعلی که در دست خود اوست نگاه می‌کند. روی این سنگی که میترا از آن درمی‌آید یک خنجر و یک کمان و ترکش (تیردان) حک شده است. میترا با تیر و کمان دو معجزه می‌کند که مشهور است:



شکل ۲۴: گاوی درون زورق بر فراز یک خانه که در آن گاوی هست.

معجزه در آوردن آب و دیگری معجزه شکار. زیرا همه تیرهای را که میترا در حین شکار می‌اندازد بدون استثناء به هدف می‌خورند.

در رم فقط یک نقش مربوط به معجزه پیدا شده و آن قسمت جانبی تابلوئی است که در معبد نزدیک کاخ باربرینی^۱ یافته‌اند. در نقش‌های بازیافته در نقاط دیگر و بخصوص در نواحی اطراف رود دانوب و رود رن بیشتر به وجودی از زندگی خود میترا و معجزات او توجه شده است. در پرده مزبور میترا با کمان خود یک جدار سنگی را نشانه می‌کند که در مقابل آن مردی در حال سجده کردن است. شخص دیگری هم در این صحنه مشاهده می‌شود که جلوی میترا ازانو زده و حالتی استغاثه آمیز به خود گرفته است. همین شخص در پرده‌های دیگر دستش را روی شانه راست میترا نهاده است (شکل ۲۵). در نقش برجسته‌ای که در آپولوم^۲ یا آلباجولیا^۳ در رومانی پیدا شده حالت اخیر

1. Palazzo Barberini

2. Apulum

3. Alba Julia



شکل ۲۵: نمایش معجزه آب.

دیده می شود. روی یک سوی جدار یکی از قربانیگاه‌های معبد پتو در یوگسلاوی تصویر بسیار استادانه‌ای دیده می شود که در زیر شرح می آید: میترا حالتی ستیزه‌جویانه به خود گرفته و سلاح خود را به طرف صخره نشانه کرده و آب در حال فوران از درون صخره است. در جلوی صخره مردی در انتظار خروج آب و آشامیدن آن است. بر طرف دیگر جدار قربانیگاه کمان و ترکش و خنجری نظیر آنچه در معبد دوبلن دیدیم، حک شده است. نکته قابل توجه اینجاست که دو شخص مزبور لباس شرقی بر تن دارند.

آیا این دو شخص همان کوت‌وکوت‌پاتس هستند که در مراسم تولد میترا حضور داشتند؟ در نقش بر جسته بسیگ‌هايم^۱ آلمان دو پرده هست که



شکل ۲۶: میترا مسلح به تیر و کمان.

1. Besigheim

راجع به موضوع مورد بحث ماست. در پرده‌های اول شخصی مشاهده می‌شود که با دو دست آب جاری از صخره را می‌نوشد و میترا مشغول به بیرون کشیدن تیر از ترکش است. در پرده‌های دوم (شکل ۲۶) همین تصویر، متنهای با جزئیات بیشتر نقاشی شده است. در اینجا میترا اکمان به دست آماده انداختن تیر است. یکی از دو شخص حاضر در صحنه عازم به رفت و زانو زدن جلوی میترا است و شخص سوم می‌کوشد تا با دو دست آب جاری از چشمها را بنوشد.

در هر دو پرده صخره سنگ قویاً شیبیه به تکه‌ای از ابر است. می‌دانیم که در مراسم دین مهری، صخره سنگ نماد گنبد آسمان است و بنابراین، این طور باید نتیجه گرفت که تیر میترا آب را از آسمان بر زمین جاری می‌سازد.

حضور شخص استغانه‌گر معرف این امر است که معجزه در زمانی صورت بسته که خشکالی بوده و میترا بشریت را از عطش نجات بخشیده است. این داستان سوره هفدهم سفر خروج تورات را به یاد می‌آورد که می‌گوید: «یهوه به موسی گفت، پیران قوم اسرائیل را به دور خود جمع کن و عصایت رانیز به دست گیر و بدان رودخانه‌ای رابزن و نگاه کن صخره هورب را خواهم گرفت و آنگاه تو با عصای خویش بدان خواهی زد و آب فوران خواهد کرد و مردمان از آن خواهند نوشید. موسی همان طور که یهوه فرمان داده بود بکرد و بنی اسرائیل نظاره کردند.»

نقش بر جسته‌ای که در دیبورگ کشف شده از جنس سنگ سیاه شکننده است و میان سایر نقوش اهمیت خاص دارد. در این نقش میترا در کنار قربانیگاه ایستاده و لباس شرقی به تن دارد. در دست راست خندگی و در دست چپ کمانی گرفته (بخش بزرگی از آن ضایع شده است). پائین پای راست او کوزه‌ای قرار دارد، این تصویر تنها نقشی است که در آن منحصرًا معجزه چشم آب ترسیم شده. در تمام پرده‌های دیگر معجزه آب فرعی است و در پس صحنه تولد میترا قرار می‌گیرد. در نقش بازیافته در پتو صحنه معجزه آب

همراه با صحته ائتلاف سل و میترا است (شکل ۳۴). به علت این ائتلاف، قربانیگاهی که در نقش بازیافته در دیبورگ، میترا پهلوی آن ایستاده اهمیت خاصی دارد، چون احتمالاً میترا ائتلاف با خدای خورشید (سل) را به این منظور کرد که خشکسالی را از کره زمین بدور کند و برای مردمان و گلهای چهارپایان آب آسمان فراهم سازد.

گاهی اوقات صخره‌ای که میترا از آن نشست یافته، به وسیله چشمهاي آبیاري می شده که «چشمء جاوداني»^۱ نامیده شده است: متنی که اخیراً در کلیساي سنت پریسک یافته‌اند، معنای وجودی این چشم را روشن کرده است. در متن بازیافته چنین آمده: «چشمهاي که در دل اين صخره قرار دارد ممتلى است از نوشابه‌اي ايزدي و آن مايه حيات دو برادران است». مراد از دو برادر اشخاصی هستند که در پرده معجزه آب حضور داشته‌اند. میترا با معجزه خود این دو شخص را سیراب کرد و به آنان مشروبی ایزدی نوشانید که روانشان را ابدیت بخشید.

بنابراین، آبی که از چشمء فوران می‌کند در حکم مژوب حیات بخشی است که این دو برادر قبل از دیگران نوشیدند و قوت جان یافتدند و سالکان طریق مهری باید بدانان تشبّه کنند. متأسفانه اطلاعات بیشتری در این باب نداریم. آنچه محقق است این است که میان مسیحیان و مهری‌ها یک مورد تشابه و اشتراک وجود دارد. مسیحیان عادت داشتند روی بدنه تابوت مردگان خویش مجلس معجزهٔ موسی را نقاشی کنند و این امر داستان معجزهٔ چشم و قوت روحی حاصل از آشامیدن آب آن را به خاطر می‌آورد.

شکار میترا

حال که افسانه میترا حکم فیلمی راستین را برای ما بینندگان پیدا کرده

1. Fons Perennis



شکل ۲۸: میترا سوار بر اسب
شکار در جنگل سرو.

شکل ۲۷: میترا سوار بر اسب
مسلح به تیر و کمان.

است، بد نیست که بر سر نقش برجسته بزرگ بازیافته در ناحیه استربورکن¹ لختی توقف و تأمل کنیم. در این نقش مجلس طعام مقدس سل و میترا کشیده شده و در قسمت فوقانی آن، پرده دیگری هست که اهمیت بسیار دارد (شکل ۲۷). میترا سوار بر اسب و در حال تیراندازی است. غلامی در عقب او روان است که لباس شرقی به تن دارد و ترکش مولای خود را بر روی شانه راست حمل می‌کند. شیری هم در دنبال اینان می‌آید. جانوری که باید شکار شود روی پرده ترسیم نشده است. در شهر نوین‌هایم نزدیک معبدی پرده دیگری یافته شده که همین واقعه را شرح می‌کند (شکل ۲۸). میترا در جنگلی از سرو دیده می‌شود که با شتاب بسیار می‌تازد، باد وزان است و دامن روپوش او را بلند کرده. در دست راست کره آسمان را گرفته و با دست چپ افسار اسب را می‌کشد. یک شیر و یک مار همراه او هستند. در پائین نقش برجسته‌ای که در رومانی پیدا شده، همین جانوران دیده می‌شوند و صحنه قربانی گاو ترسیم شده است. شیر و مار نمادهای آتش و خاک و جزء ملازمان میترا شهسوار خورشید و شاهنشاه هستند.

1. Osterburken

به طوری که ر. دوسو^۱ نشان داده، در شرق خصوصاً در سوریه، نقوشی که میترا را همچون ایزد خورشید نشان می‌دهند، بسیارند. اسب سوار تراکی^۲ (یعنی سل) در کشورهای بالکان مورد پرستش بوده و با آپولن خدای خورشید همسان و یکی تصور شده است. سل در اربابه چهار اسبه خود و سل سوار بر اسب در هر دو حالت معرف تحول روزانه خورشید هستند. در سنگنوشه‌های بازیافته در آسیای صغیر به هلیوس (خدای خورشید) سوارکار اشاره شده است. تحقیق در متون بازمانده نشان می‌دهد که بقایای این سنت تا زمان بعثت دولت بیزنطیه برقرار مانده است. بنابر این، تقریباً محقق شده که سازنده نقش برجسته نوین‌هایم قصد داشته که میترا را در عین حال همچون خدای خورشید و فرمانروای جهان نشان دهد و کره آسمان که مخصوص اوست کاشف از همین معناست.

مع ذلک اختلافی میان نقش نوین‌هایم و نقش استرborکن مشاهده می‌شود. در نقش اخیر که در رنانی پیدا شده میترا به صورت تیرانداز ظاهر می‌شود و به همین دلیل فهم پرده را آسان‌تر می‌کند. پرده دیبورگ میترا را سوار بر اسب و در حال شکار نشان می‌دهد. سروی در کوهستان دیده می‌شود، و اسبی که میترا بر آن سوار است جنب و جوش بسیار می‌نماید. تیری را که می‌اندازد به قصد از پای درآوردن خرگوشی است که گوش‌های درازش هنوز هم قابل روئیت است. سه سگ شکاری در اطراف میترا هستند، مشعلداران هر یک روی کوزه‌ای راست ایستاده‌اند. بنابراین، شیر در صحنه حضور ندارد. اما وجود دو مشعلدار روی پرده اشاره به نور و آتش است. به جای مار که عنصر خاک را مجسم می‌کند، کوزه‌ای نقاشی کرده‌اند که نماد آب است.

نخستین بار محققی به نام فر. بن^۳ این صحنه را تفسیر کرده و معتقد به رابطه‌ای میان آن و الهه ژرمونی موسوم به فُدان^۴ است. با توجه به این که

1. Dussaud
4. Wodan

2. Thrace

3. Fr. Behn

صحنه‌های شکار میترا فقط در آلمان یافته شده، این محقق معتقد گشته که در آلمان خدایان ایرانی و ژرمنی اختلاط و آمیزش یافته‌اند. طولی نکشید که نادرستی این عقیده به کرسی نشد و حفاری‌هایی که در معبد دورالارپوس شد منجر به کشف دو پرده روی دیوارهای نمازخانه گشت. در این دو پرده صحنه شکار میترا نقاشی شده است. بنابراین، این عقیده در شرق و غرب امپراتوری رم مورد قبول واقع گشته و در نقاشی پرده فوق الذکر که در اورالارپوس یافته شده، سلیقه و سنت هنر شرقی به چشم می‌خورد (شکل ۲۹).



شکل ۲۹: فرسک (دیوارنگاره) دورالارپوس، نمودار میترا در نجیرگاه.

چشم انداز این پرده از گیاهان سه شاخه و درخت‌هایی که سر آن‌ها به شکل بادیزن است تشکیل شده. رنگ بکار رفته در این پرده لاجورد است و نقاش آن می‌باید احتمالاً ساکن یکی از شهرهای مجاور شهر پالمیر بوده باشد. میترا در حالی که رو بروی خود رانگاه می‌کند سوار بر اسب دیده می‌شود و در حال کشیدن کمان خویش است. اسب در حال تاخت و تاز است، وزین و برگش شکوه بسیار دارد. به یکی از تسمه‌های مربوط به زین و برگ اسب، ترکش میترا بسته شده، درست مثل جامه سواران هنگ تیرانداز همراه میترا در پالمیر. لباس

وی به طرزی زیبا قلابدوزی شده و شیری و ماری همراه میترا هستند، درست نظیر آنچه که در نوین‌هایم^۱ دیده‌ایم. تیرهای رها شده، دو گوزن هلالی شاخ، دو آهو و یک گراز را از پای درآورده است. این جانوران با این که خون از زخمشان جاری است، سرگشته‌وار می‌دوند. هنرمندی در صحنه‌های دیگر به جای مار و گراز، دو شیر بزرگ و کوچک نشانده است. دورا یک ارد و گاه مقدم نظامی بود که تیراندازان پالمیر در آنجا متزل کرده بودند و روشن است که این لشکریان می‌خواسته‌اند شمایل میترا به صورت نگهدارنده جنگ‌افزار آنان منقوش باشد. اما در این شکارها - اضافه بر حراست سپاهیان - میترا در جستجوی یافتن دشمنان خویش و از میان بردن آن‌هاست.

قبل‌اً این نکته را در اوستا دیدیم. در اینجا میترا به شکار گراز می‌پردازد. چنان که می‌دانیم گراز را اغلب در راه اهریمن، سرچشمۀ بدی قربانی می‌کردند.

میان تصاویری که روی قبرها می‌کشیدند، پرده شکار زیاد دیده شده است. این نکته به اثبات رسیده که در عهد باستان شکار را همچون مکتب سرسختی و سخت‌جانی تصور می‌کرده‌اند. پیکار با جانوران وحشی در دیده فلاسفه نشانه فتح جرئت و هوش آدمی و شکست خشونت و توحش بوده است. از سوی دیگر صید حیوانات معنای مذهبی هم داشته و بدون تأییدات خداوندی پیروزی بر جانوران زیانکار ممکن نبوده است. در انجام هر شکار، مراسم قربانی معمول می‌شده و سفره‌ای نذر خدا می‌کرده‌اند و طعام می‌خورده‌اند. دیدیم که در پرده نخجیر بازیافته در استربورکن، بعد از مراسم شکار ضیافتی داده شده است. در شهر سردیکا^۲ (سوفیا) پرده‌ای هست که میترا و سل را بر سر سفره طعام نشان می‌دهد و کوزه‌ای روی زمین نهاده شده است. در سمت راست غاری که در آن مراسم ضیافت انجام می‌شود، شیری مشهود است و در طرف چپ غار سگ شکاری و گراز به نظر می‌آیند. دو منظره طعام

1. Neuenheim

2. Serdica

و شکار در پشت دو نقش برجسته یافته شده در آلمان (در هدرن‌هايم و روکينگن^۱) دیده می‌شود.

بدون هیچ گونه تردید میان دو نقش برجسته مذکور خویشاوندی هست و در بخش فوقانی دو مجلس ضیافت سل و میترا، پرده شکار با تمام جزئیات آن ترسیم شده است. در مرکز پرده بازیافنه در هدرن‌هايم انسانی دیده می‌شود که چهره‌اش واضح نیست و چهار سگ بزرگ شکاری در اطراف او هستند. در قسمت چپ بالای سر سگ‌های شکاری تکه‌ای از پای اسب دیده می‌شود و از آنجا می‌توان نتیجه گرفت که در اصل اسب سواری روی پرده منقوش بوده و شخصی که در وسط پرده هست شاید خدمتکار اسب سوار بوده. گاو و گرازی هم خوابیده‌اند و کمی دورتر برهای مشغول چریدن است. زود می‌شود حدس زد که سگ‌های ترسیم شده روی پرده به حیوانات مذکور نظری ندارند و نمی‌توان فهمید که حیوانات فوق شکار شده‌اند یا نه؟ همین طور تشخیص این که گاو و گراز هدف تیر قرار گرفته‌اند غیر ممکن است. به خاطر داریم که روی فرسکی که در ناحیه سوئووتوریلیا^۲ روی جدار راست مهرکده سنت پریسک رم نگاشته شده است، گاوی و گرازی و برهای دیده می‌شوند. همین سه جانور را روی حاشیه دهنه غاری که در آن ضیافت داده شده نقش کرده‌اند.

در سال ۱۹۵۰ نقش برجسته‌ای از میترای سوار بر اسب در روکینگن بازیافته شده، دست چپش را بلند کرده و با آن افسار اسب را گرفته (شکل ۳۰) و در اطراف او جانوران مختلفی نظیر سگ و کره‌اسب و گراز و گوزن و گاو دیده می‌شود. به عقیده محققی به نام آلفولدی^۳ جانوران مذکور واحد معنای خاصی هستند و آن سفر اساطیری خورشید است که همچون یک چابک سوار در ارباهی در تکاپوست. با وصف این، از ظواهر چنان برمی‌آید که با اطلاعات ناکافی موجود نمی‌توان میان صحنه شکار و اسطوره جهانسوزی^۴

1. Rückingen

2. Suovetaurilia

3. A. Alföldi

4. Conflagration Universelle

رابطه‌ای برقرار کرد.

به نظر ما صحنه شکار را باید همچون نمایش نبرد میان میترا و نیروهای شر (وجود گراز در صحنه مزبور قابل توجه است) تصور کرد. اگر در جاهای دیگر (دیبورگ و دورا) حیوانات بی آزاری چون خرگوش و آهو نقاشی شده‌اند به این دلیل است که نقاش خواسته سعی در منطبق ساختن موضوع نقاشی با وضعیت محلی که تنوع جانوران هم جزء آن است بکند. و اما گاو نزو ماده را به این علت اضافه کرده‌اند که به طریقی دیگر شکار و دستیابی بر آن‌ها را نقش کنند. در صحنه منقوش بازیافته روکینگن می‌بینیم که برای دست یافتن به این چهار پایان از کمند استفاده می‌شود.

صحنه‌های شکاری که مورد بحث قرار گرفت هرودت و منقولاتش را در باب تربیت در ایران باستان به خاطر می‌آورد و نشان می‌دهد که تربیت در ایران باستان از پنج سالگی کودک شروع می‌شده و به بیست سالگی وی ختم می‌گشته است.

این نوع تربیت شامل سه مرحله اساسی بوده است: اسب‌سواری، تیراندازی و پرستش حقیقت. میترا و بعد از او مهرپرستان می‌توانستند در این امور الگوی نو خاستگان و جوانان ایران قرار گیرند. میترا نگاهبان حق و حقیقت است. سوارکار است و تیرانداز، بدی‌ها را با زوین خود می‌راند و تیرش همیشه به هدف اصابت می‌کند. هرگاه به شکار می‌رود، اوست که غنیمت به چنگ می‌آورد و در نبرد میان خیر و شر پیروزی همیشه با اوست. در دورا نقاشی کوچکی هست که روی تیرکی نشانده شده و دو خدمتکار آن را حمل می‌کنند. موضوع آن شکار گاو است. بعد از این صحنه مرحله پیروزی بر نیروهای بدی است و بعد از آن مجلس میهمانی می‌بینیم که یاران میترا در آن دعوت دارند.

مردم عهد باستان ابدأ به اعتقادات اصولی و جزئی مقید نبودند و هیچ گونه ضرورتی نمی دیدند در این که در آراء دینی خود الفت منطقی به وجود



شکل ۳۰: میترا سوار بر اسب و کمند بر دست.

بیاورند. این نکته را آقای گوتری^۱ در کتابی که در باب خدایان یونان باستان نوشته شرح کرده و مانیز ضمن مطالبی که ذیلاً در مورد مناسبات میان سل و میترا خواهیم نگاشت واقعیت مذکور در فوق را نشان خواهیم داد. حقیقت این است که از اطلاعات موجود نمی توان پیوندی منطقی بین این دو پروردگار یافت و اگر مناسبتی وجود داشته باشد فعلاً بر ما مکثوم است.

حتی خود میترا در سنگنوشته های گوناگون به کرات بالقب سل خدای شکست ناپذیر^۲ یاد شده و همراه با کوتوس و کوتوباتس مجسم کننده طلوع و نیمروز و غروب خورشید است. با این وصف پهلوی میترا ایزد خورشید را

1. Guthrie

2. *deus Sol invictus*

می‌بینیم که سوار بر ارایه آتشین خویش است و تازیانه کشان اسب‌ها را در فضای آسمان به جلو می‌راند. اما میان این خدای زردفام که از تبار آپولون و حامل نور و روشنائی است و میترا می‌باشد تشخیص کرد. خدای مذبور معمولاً شنی فراخ در بر دارد و هیچگاه کلاه فربیجی میترا بر سر او دیده نمی‌شود.

در برخی از تصاویری که مراسم قربانی گاو را نشان می‌دهند، از هاله رخشانی که دور و بر سر سل را فراگرفته، پرتوی می‌جهد. بدون هیچ گونه تردید، این خدا سل است که به میانجیگری کلاعغ به میترا ایزد ایزدان فرمان ذبح گاو مقدس را می‌دهد. نتیجه منطقی این می‌شود که سل میانجی میان اهورامزدا (خدای نکوئی) و میترا است و میترا نیز به سهم خود با قربانی کردن گاو مقدس میانجی بین انسان و اهورامزدا می‌شود. پس سل - هلیوس - آپولون موکل مستقیم میترا است و به این عنوان در قربانی گاو شرکت می‌جوید. بنا به ملاحظات مذکور این طور به نظر می‌آید که خدای خورشید بر میترا اولویت دارد و نیروئی بس عظیم تراز او در اختیارش است. با این وصف، در برخی از نقوشی که بخصوص در خارج از رم یافته شده خدای خورشید در حالت خضوع و خشوع در مقابل میترا مجسم شده است و این حالت تسلیم و اطاعت محض را خصوصاً در تصاویر یافته شده در کشورهای بالکان بخوبی می‌توان مشاهده کرد. علاوه بر این در بعضی از تصاویر، میترا دست چپ خود را روی سر سل گذارده و دست راست را بلند کرده و در آن شیئی قرار گرفته که متأسفانه شناخت ماهیت آن دشوار است. در برخی از نقاشی‌ها، آن شئی شبیه به کلاه فریجی است، و در بعضی شباht به جام (ظرف) شاخ‌مانند دارد. گاهی هم شئی مزبور تصور تکه‌ای گوشت را در ذهن نگرنده ایجاد می‌کند. در هیچ متنی تفسیر و توجیه این صحنه دیده نشده است. اما تصور این می‌رود که میترا می‌خواهد سل را در آغوش بگیرد (شکل ۳۱). روی یک نقش کوچک بر جسته که در بوخارست یافته شده میترا را به وضوح می‌بینیم که دارد بر سر سل کلاه فریجی می‌گذارد.



شکل های ۳۱ و ۳۲: میترا در حال تجهیز یک سپاهی (نقش چپ) و سل و میترا (نقش راست).

در تصاویر دیگری هم که یافته شده تصور اتحاد و اتفاق میترا و سل بیش از پیش تأیید می شود. روی نقش برجسته بازیافته در ناحیه نرسا در ایتالیا (شکل ۳۲) تصویر سل عربان دیده می شود که جلو میترا زانو بر زمین زده است. میان این دو خدا مذبح کوچکی مشهود است. سل دست راست را پائین آورده و دشنه ای بدان گرفته و با دست چپ مچ میترا را فشار می دهد. میترا هم کارد افراخته ای در دست راست گرفته است. از این صحنه چنین بر می آید که این دو خدا می خواهند اتحاد و اتفاق خویش را با خون خود ممهور کنند. روی نقش برجسته ای در رم این دو خدا در دو سوی معبدی قرار گرفته اند. میترا با دست چپ مچ شخصی را که در سمت مقابلش ایستاده می گیرد و با کاردي که در دست دارد، مهیای شکافتن آن می شود تا با خون عقد اتحاد را مسجل کند. روی نقش برجسته ناحیه ویرونوم^۱ اتریش، میترا دست سل را برادر وار می شتابد و دوستانه با دست چپ به شانه او می زند (شکل ۳۳). روی نقش برجسته بازیافته در هدرن هایم آلمان میترا دیده می شود که به کمک سل می شتابد و هاله دور سر او را مرمت می کند. روی یک پرده نقاشی که در معبد نزدیک قصر باربرینی در رم یافته شده و نیز در یک نقش برجسته بازیافته در

1. Virunum

ناحیه پتوی یوگسلاوی میترا و سل دیده می شوند که در دو طرف مذبح معبد راست ایستاده‌اند. روی پرده بازیافته در رم میترا و سل سیخ کوتاهی به دست دارند و آن را بالای مذبح پرستشگاه گرفته‌اند. در نقش برجسته (شکل ۳۴) پتو، سل و میترا در حالی دیده می شوند که دست یکدیگر را می فشارند. روی مذبح آتش شعله‌ور است و روی آتش تکه‌های گوشت به سیخ کشیده مشاهده می شود. (این رسم هنوز هم در یوگسلاوی معمول است). کلامی هم در همین نقش دیده می شود که می خواهد تکه‌های گوشت را بخورد. روی نقشی که در ناحیه دورا یافته شده در ضیافتی همین کلام سیخ کتاب را تعارف می کند. با این وصف نقشی که در ناحیه پتو یافته شده، به هیچ وجه نسخه بدل طعام میترا و سل نیست. می دانیم که در این محفل طعام سل و میترا خوراک را برادروار و همچون دو متعدد میان خود بخش می کنند. در تصویر یافته شده در قصر باربرینی این صحنه آخری به طور جداگانه نقاشی شده است. بنابر آنچه گذشت، این صحنه محتملاً مؤید اتفاق و اتحاد میترا و سل است و رسمی است دینی که در پس هر مجلس طعام می آید و بعد از آن میترا سوار بر ارباب سل می شود و به آسمان عروج می کند. پس می بینیم که خصوصیتی که میان این دو خدای در آغاز سخن وجود داشته که حال از میان رفته و تبدیل به دوستی جاودانی شده است. بر همان سیاقی که میترا بعد از جهان‌گشائی و فتوحات خود سوار بر ارباب سل شده و به آسمان صعود کرده، مهرپرستان هم امیدوار به بازگشت فروع جاودانی اند.

ضیافت و معراج

پس از این که شکار تو انفرسای گاو و ذبح هیجان آور آن انجام گرفت، اقامت میترا در کره خاکی به انتهای رسد و در ضیافتی که به عنوان حسن ختام



شکل ۳۴: میترا و سل در کنار قربانیگاه

بر پا می شود، سل هم حضور می یابد و گوشت چهار پای قربانی شده را صرف می کنند. شمایلی در ناحیه دورا به دست آمده که دو خدمتکار رادر حالی نشان می دهد که بر روی شانه شان چوب بلندی را حمل می کنند و جسد گاو ذبح شده از آن آویخته است. لباس اشخاص مذبور شبیه به لباس مشعلداران است. ضیافت در غاری بر پا می شود، میترا لباسی به صبغه ایرانی در بر دارد و همراه با سل گاهی نشته و گاهی دراز کشیده دیده می شوند. روابط سل و میترا بسیار دوستانه است، چون در برخی تصاویر میترا در حالی که دستش را بر شانه سل گذاشته دیده می شود. ولی اغلب اوقات صحنه فوق معرف عواطف مذهبی بسیار عمیقی است که منشأ آن یک واقعه سورانگیز می تواند باشد (شکل ۳۵). دو منظره قربانی گاو و مجلس ضیافت بیش از دیگر مناظر نقاشی شده است. گاهی اوقات پشت و رو، یعنی روی دو طرف یک نقش برجسته به ترتیب مجلس ضیافت و داستان ذبح گاو کنده شده است در این حال، نقش برجسته از نوع مذبور (یعنی نقش دو رویه) بر روی محور چرخنده‌ای کار گذاشته می شده تا در موقع مقتضی و طی مناسک دینی اعمال

بر جسته میترا را بنمایاند. برخی اوقات ضیافت مخصوص خدایان ترتیب داده می‌شد و در آن‌گاه تنها میترا و سل حضور می‌یافتند. مهرپرستان در موقع انجام دادن مراسم دینی از اعمال خدایانشان تقلید می‌کردند. از این‌روست که بعضی نقش‌ها خصیصه اختلاطی پیدا می‌کنند و مهری‌ها که وظیفه خدمتگزاران خدایان می‌دهند، خوراکشان باطعم خدایان مخلوط می‌گردد. در تعدادی از تصاویر بازیافه، مجلس ضیافت صرفاً از خود مهمانان مهرپرست تشکیل می‌شود.

برای این که خوب به جزئیات مراسم دینی که در ضیافت مهری انجام می‌گیرد پی ببریم، دیدار کردن از فرسک با شکوه معبد سنت پریسک نهایت لزوم را دارد. در حوالی سال ۲۲۰ پس از مسیح، در عقب سکوی واقع در سمت چپ، روی دیوار یک معبد تصویر زیبائی از مناسک طعام نقش شده است: سل و میترا در غاری که طاقی محدب دارد و پرتو زرین شمع درون آن را روشن کرده، به سبک رمی‌های باستان دراز کشیده‌اند و مقابل آن‌ها میز کوچکی قرار گرفته است. سل جامه‌ای بلند به رنگ سرخ با کمربندی زرد به بر دارد. در دست چپ کره‌ای گرفته و دست راست را با شوکی قدسی و مذهبی بلند کرده است. پرتو شمع هاله‌ای به دور طره‌های زرد رنگ گیسوان بلند او افکنده، نگاهش بسان نگاه مردمان مجدوب است. میترا در سمت راست سل دراز کشیده و دست راست را روی شانه او قرار داده و پوششی سرخ بر تن و کلاهی فریجی به رنگ ارغوان بر سر دارد و دو پرستار در خدمت‌اند: یکی نوشابه می‌ریزد و دیگری طعام در ظرفی بیضی شکل به دست دارد، خدمتکار دوّق نقابی به شکل کلاغ بر چهره دارد و سالک متشرفتی است که در مقام کلاغ^۱ قرار دارد.

هشت نوجوان دیگر هم دیده می‌شوند که هدایائی پیش می‌آورند و از فحوای متن مکتوب بر سرگ چنین بر می‌آید که در مقام شیران^۲ هستند. برخی از این جوانان نورسته یک قرص نان، یا یک کوزه و برخی از آنان خروس و یا

1. Corax

2. Leones



شکل ۳۵: میترا و سل بهنگام خورش.

دسته‌ای شمع در دست دارند. چنین نقشی از چنین محفل آراسته‌ای در هیچ جا یافته نشده است. دو ایزد به جمع یاران خود پیوسته‌اند و در گفتگویند و مهری‌ها نسبت به دو میهمان بلند مقدار خود خضوع و خشوعی در خور شان آن‌ها می‌کنند. ایزدان در جریان مناسک حضور دارند و رهروان به آن‌ها اقتدا می‌کنند. مقام میترا و سل را در اینجا پیر (مرشد) و پیک خورشید (تفصیل آن بعداً می‌آید) اشغال کرده‌اند و بهنگام مراسم دینی لباسی مشابه جامعه میترا و سل به تن دارند و متّصف به صفات آنان نیز هستند. در معبد سنت پریسک برای این دو شخص سکونی تعییه شده که روی آن می‌نشینند و برادر وار در مراسم دینی شرکت می‌جویند. سالکانی که در مقامی نازل تر قرار دارند و بخصوص آنان که در مقام کلاغان هستند خواراک و نوشابه تعارف می‌کنند. اما مهرپرستان چه می‌خوردند و چه می‌نوشیدند؟ در یک طرف نقش

بر جسته باز یافته در هدرن‌هایم سل و میترا در عقب گاو دراز کشیده‌اند (شکل ۳۶). گاهی اوقات این دو خداو یا مریدان آن‌هاروی پوست گاو خوایده‌اند و این نکته معرف آن است که می خواهند نیروی سحرآمیز گاو مقدس را به خود جذب کنند. در ناحیه کونجیک^۱ کلاع و شیر نقاب به صورت دارند و طعام و شراب تعاوف می‌کنند (شکل ۳۷). روی میز نان و میوه و حتی گاهی اوقات ماهی دیده می‌شود. روی نقش بر جسته هدرن‌هایم خدمتکاران را می‌بینیم که ملبس به جامه مشعلداران هستند و سبدهایی از نان و میوه پیشکش می‌آورند. سل خوش‌های از انگور را به یک همخوراک تعارف می‌کند و میترا با احترام به آن می‌نگرد.

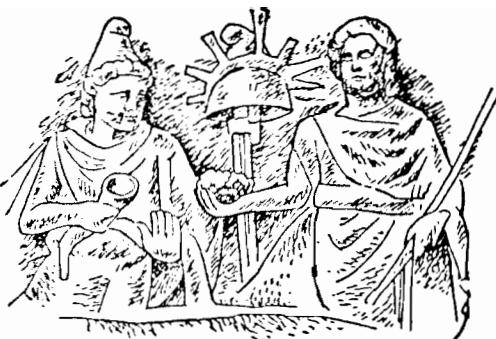
روی جامی از جنس گل رس که در شهر ترو^۲ یافته شده و محتملاً به هنگام غذا خوردن به کار می‌رفته خادمی دیده می‌شود که نان تعارف می‌کند. در نقش بر جسته دورا به سل و میترا گوشت به سیخ کشیده تعارف می‌شود و در معبد آواتن شیری حامل نان شیرینی است و آن رازیز سرپوشی از شیشه قرار داده است. در مزبله‌های معابد استخوان‌های گاو و خوک و گوسفند و یا ماکیان مشاهده شده است. اما از آنچه رفت می‌توان استنتاج کرد که گوشت گاو را می‌خورند و خون آن را می‌نوشیدند. اگر به گاو دست نمی‌یافتد و یا بهای آن گران بود به گوشت سایر جانوران خصوصاً چهار پایان کوچک اندام بسته می‌کردند. گاهی اوقات هم به جای گوشت نان و ماهی می‌خورند و به جای خون، شراب می‌نوشیدند. ژوستینیوس^۳ یکی از آباء مسیحی صریحاً می‌گوید «این که مهری‌ها در مراسم دینی شان نان و آب صرف کنند، تو از آن آگاهی و یا وسیله‌ای داری که از آن اطلاع یابی».

می‌بینیم که ژوستینیوس عمداً لفظ آب و نه شراب را به کار می‌برد و حال آنکه ما می‌دانیم استعمال شراب محقق است و اصلاً بحثی در آن وارد نیست. هزینه جماعت مهری روی دیوارهای معبد دورا-روپوش یادداشت

1. Konjic

2. Treves

3. Justinius



شکل ۳۶: میترا و سل در موقع صرف طعام.

شده و بخوبی می‌توان مشاهده کرد که هزینه نان و شراب در رأس فهرست مخارج قرار گرفته‌اند. خوش‌انگوری راکه در دست سل (در ناحیه هدرن‌هايم) می‌بینیم، سندی است که مؤید گفتار ماست (شکل ۳۶). روی نقش بر جسته‌ای که در کتوبه‌یگا^۱ (در پر تغال) به دست آمده، خدمتکاری ظرفی را در کوزه بزرگی خالی می‌کند و خادمی دیگر دیده می‌شود که مشعلش را بر زمین انداخته تا بتواند با دو دست سفره نان را به سل تعارف کند؟ فرسک‌های معبد آواتن، مطالب مذکور در سطور پیش را تأیید می‌کنند. تصاویر این پرستشگاه که همه ضیافت میترا را نشان می‌دهند، بیش از دیگر نقوش مورد تهاجم و شتم مسیحیان آخر قرن چهارم واقع شده‌اند. تعصب ویرانگر مسیحیان که مناثر از ایمان مذهبی آن‌ها بوده، بیشتر متوجه فرسک‌های مزبور شده و به دیوار دیگر معبد آسیبی نرسیده است. فهم علت این عناد سهل است. همان طور که ترولین می‌گوید مجلس ضیافت مربوط به نمایش میترا «تقلیدی ابلیس مآبانه از مراسم اوکاریستی^۲ مسیحیان است».

در کتاب نویسنده مزبور آمده است که مهری‌ها از صحنه رستاخیز هم

1. Caetobriga

2. Eucharistie: عشاء رباني

تصویری نقاشی کرده‌اند. مهری‌ها سخت معتقد بودند که استعمال گوشت و خون گاو موحد حیاتی نوین می‌شود، درست به همان سیاق که حیاتی نو از خون گاو می‌جهد. گوشت و خون گاو نه تنها نیروی جسمانی می‌دهند بلکه روان را تصفیه می‌کنند و به هنگام رستاخیز در فروغ ابدی اثر مفید دارند. برخی از محققان مثل کریستن سن و لوازی از این ملاحظات نتیجه گرفته‌اند که میترا می‌خواسته با گاو وحدت عرفانی برقرار کند.

میترا گاو را قربانی می‌کند تا رهوانش بتوانند گوشتش را بخورند و خونش را بنوشند. درست همین مراسم در آئین دیونیزوس^۱ هم مشاهده می‌شود. باید گفت که در هیچ جا متنی در تأیید رأی مزبور یافته نشده و فقط پژوهش‌های آینده می‌تواند صحت نظرات مزبور را به کرسی بنشاند. ژوستن^۲ می‌نویسد، ضیافت مهری‌ها همراه با آئینی ویژه بوده و محتمل است که میان این ضیافت و «آخرین غذای مسیح» (به فرانسه لاسن^۳) قرابت بسیار وجود داشته باشد. در این باب متنی مربوط به قرون وسطی را



شکل ۳۷: طعام میترا

1. Dionybos

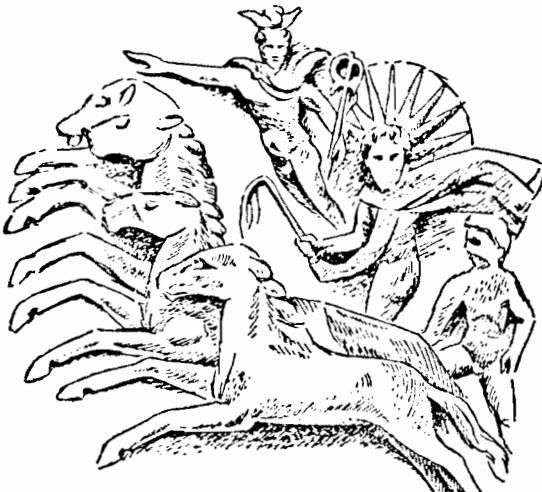
2. Justin

3. la Cene

آقای کومون یافه و به چاپ رسانیده که بسیار جالب توجه است. در اینجا حقیقت دین مسیح و زردشت معارض یکدیگر قلمداد شده چون عیسی بدین سیاق با مریدانش سخن گفته است: «هر آن کس که گوشت مرانخورد و خون مرا به طریقی که او با من ممزوج شود و من با او مخلوط گردم، نیاشامد، به نجات اخروی نخواهد رسید.» و حال آنکه در همان کتاب، مسیح به این نحو با حواریون صحبت می‌دارد:

«کسی که گوشت مرانخورد و خون مرا بیاشامد، حیات جاودانی خواهد یافت.

این متن ما را به مناقشات میان مهری‌ها و مسیحیان می‌کشاند و با این که متأخر است، گفته‌های ژوستن را تأیید می‌نماید.

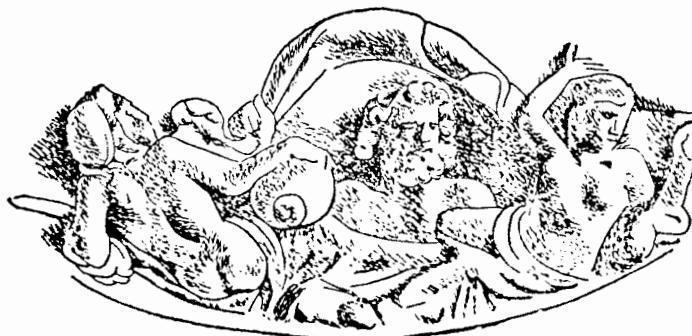


شکل ۳۸: معراج میترا سوار بر ارابه خورشید.

بعد از این که میترا معجزاتی کرد، سوار بر گردونه خورشید می‌شد و به آسمان عروج می‌کند. در برخی از نقوش بر جسته میترا را می‌بینیم که در عقب

گردونه‌سل - هلیوس خدای خورشید می‌دود (شکل ۴۴). سل راننده گردونه است و چون حرکت اسبان ناشکیبا را مانع می‌شود اینان پای بر زمین می‌کوبندو حال آنکه در نقش دیگر اسبان را تازیانه می‌زنند و به رفتار وادارشان می‌کند. معمولاً هاله‌ای از نور دور سر سل را گرفته و به غیر از پوششی که ازوش باد در اهتزاز است چیز دیگری در بر ندارد.

گاهی اوقات مثلاً روی نقش ویرونوم (شکل ۳۸) هنرمند تصویرگر. حرکت صعودی گردونه را به وضوح ترسیم کرده است. در این نقش هرمس - مرکور^۱ به عنوان مرشد راهنمائی می‌کند، و با بالهائی که بر سر دارد و چوبی از درخت غار که دو مار دور آن حلقه زده‌اند، قابل تشخیص است. روی نقش برجسته باز یافته در سواحل دانوب میترا به آرامی سوار ارابه می‌شود. در اینجا اрабه قصد صعود به آسمان را ندارد و هدفش اقیانوس است که به صورت خدائی با محاسن ابوه، در حالت دراز کشیده، ترسیم شده و نیمه سفلای بدنش ملبس به پوششی است. گاهی اوقات میترا آرنج چپ را روی کوزه‌ای قرار داده و در برخی حالات آب به صورت خطوطی موج نشان داده شده است. در نقش



شکل ۳۹: دور و بر اسانوس رانمف‌ها گرفته‌اند.

1. Hermes - Mercure

بر جسته دیبورگ دور و بر اسانوس نمف^۱ هائی ترسیم شده‌اند. می‌ترادر اینجا به صورت اسطوره فائتون^۲ در آمده و از هلیوس تقاضای بعارتیت گرفتن گردونه خورشیدی اش را می‌کند (شکل ۶۷).



شکل ۴۱: سیمای ساتورن روی فرسک
باز یافته در دورا.



شکل ۴۰: کرونوس - ساتورن در حال نفویض
قدرت به ژوپیتر.

روی سر اسانوس تکه پارچه‌ای لچک مانند دیده می‌شود که در باد موج می‌زند. بنابر این، میان این شخص و تصویر بزرگ دراز کشیده‌ای که در نماز خانه معبد سنت پریسک لچکی بر سر داشت، قرابتی وجود دارد.

روی نقوش بر جسته باز یافته در سواحل دانوب ماری دور بدن اسانوس پیچیده و سرش را به سوی اسب‌ها دراز کرده و حالتی تهدید آمیز نسبت به آن‌ها دارد. پس در خدای امواج (اسانوس) مشخصات ایزد زمان و ایزد آسمان جمع آمده و این اختلاط بدون شک مربوط به زمانی است که این دو خدا ایزد

1. Nymphe

2. Pfaeton

یگانه‌ای بوده‌اند. وقتی که هنرمندان مسیحی خواستند مسیر سفر روح را به آسمان نقش کنند، موضوع عروج الیا^۱ را به آسمان، که در اربابه‌ای آتشین با اسبابی تیزتک انجام شد، از کتاب سلاطین^۲ اخذ کردند. اگر ترسیم موضوع مذبور از روی تصویر معراج میترا به آسمان در اربابه خورشید تقلید شده احتمالاً بدون غرض و علت نبوده است. در این تصویر اردن^۳ به جای اسانوس نقاشی شده است.

1. Elie

2. Le Livre des Rois

3. Jourdain اردن نام روادی است در فلسطین که عربی در آن غسل تعمید یافته است.

میترا و ایزدان همراه او

در آئین مهری دو نیروی اصلی در کشمکش مستمر هستند. اهورامزدا فرمانروای خطه برین روشنائی و اهریمن حاکم بر جهان ظلمات است. بر فراز این دو خدا زروان قرار گرفته که ایزد زمان است. اهورامزدا و اهریمن چنان از زروان اطاعت می‌کنند که گوئی او خدای تقدیر (قضا)^۱ است. برخی اوقات زروان مثل میترا با چهره‌ای برنا جلوه‌گر می‌شود و غرض از آن نشان دادن میترای جوان است همچون خدای جدید زمان یا کرونوس - ساتورن جدید. اما از سوی دیگر پلوتارک^۲ صفت میانجی (در یونان: مسیتس)^۳ به میترا می‌دهد و روی این اصل او میانجی دو جهان روشنائی و تاریکی و یانیکی و بدی است. چنین صفتی که به میترا نسبت داده شده، در برخی فرقه‌های گنوستیک^۴ (غنوسی) به روح داده شده است. میترا دوشادوش لشکر خیر نبرد می‌کند و او را در پیروز شدن بر نیروهای شر یاری می‌دهد. تا موقعی که چنین ظفری رخ نداده میترا همچون رابطی میان فروغ مخصوص و انسان مقيد به مادیات حیات خاکی است. کل این نظریه منشاء ایرانی دارد و چنین نوع جهان بینی را موبدان در مناسک رمزی مذهب خود متجلی ساخته‌اند. در جنب این چند خدا شخصیت‌های سنتی دیگر نیز می‌یابیم که افسانه‌ای هستند و از اساطیر یونانی و رومی به عاریت گرفته شده‌اند.

1. Fatum

2. Plutarque

3. Mesites

4. Gnostique عرفانی:

تصاویر مختلفی از کرونوس ساتورن در دست داریم که قدرت ایزدی خود را به جانشینش ژوپیتر تقدیم می‌کند (شکل ۴۰) آذربخش و عصا به او هدیه می‌نماید.

این صحنه نزدیک قربانیگاهی وقوع می‌یابد، گوئی که این دو خدا می‌خواهند امر انتقال قدرت را موفق اصول شرع انجام دهند و قربانی کنند. عصر طلائی^۱ که شاعران و نویسندهایان به نظم و به نثر آنقدر درباره‌اش قلم فرسوده‌اند به انجام رسیده، ولی بعد از چند دوره معین و معلوم دوباره ظاهر خواهد شد.



شکل ۴۳: ساتورن بر آرجن خویش
تکیه زده و آذربخش بددست دارد.

شکل ۴۲: ساتورن روی صخره‌ای نشسته و کاردی بددست دارد.
روی نقش برجسته‌ای که در استر بورکن یافته شده، در وسط دایره‌ای از گل و گیاه ظاهرآ نقش اساطیری کائوس^۲ - هرج و مرج آغازین قبل از خلقت - دیده می‌شود و بعد از آن فرمانروائی ساتورن شروع می‌گردد.
در تمام دورانی که ژوپیتر حکومت می‌کند و در همان احوالی که به

1. aurea aetas

2. Chaos

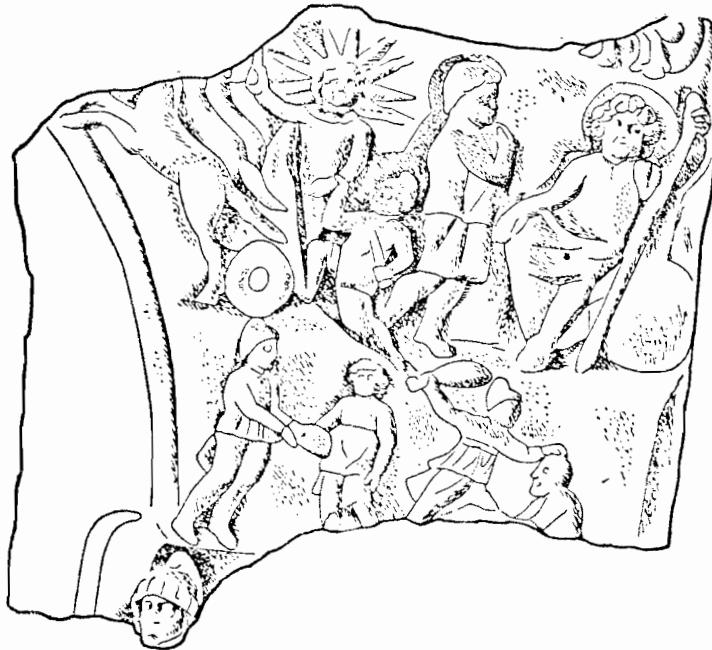
وضوح وظایف مربوط به اهورامزدا را او انجام می‌دهد، حضور ساتورن در افسانهٔ میترا ادامه می‌یابد. در نقشی که در دورا یافته شده ساتورن با جلالی تمام دیده می‌شود که عصائی در دست و چهار قدمی بر سر دارد. در نقش برجسته نوین هایم ساتورن را می‌بینیم که روی آرنج خود تکیه زده و آذرخشی یا شیئی به شکل آذرخش آسمان (شکل ۴۳) به دست دارد، در حالی که در تصویر باز یافته در دیبورگ^۱ ساتورن روی صخره‌ای نشسته و کار دی به دست دارد (شکل ۴۲).

در برخی تصاویر روابط میان ساتورن و ایزد برنای روشنایی به وضوح نمایش داده شده است. گاهی اوقات ساتورن در حال اهدای خنجری یا داسی قلاب دار به میترا دیده می‌شود. در برخی موارد ساتورن را در موقع قربانی کردن گاو یعنی موقعی که معجزهٔ توالد مجدد طبیعت انجام می‌گیرد دیده می‌شود. بنابر آنچه گذشت تعجبی ندارد اگر حمایت از پر یعنی مرشد مناسک که به هنگام غیبت میترا جانشین وی می‌شود به ستارهٔ کیوان (ساتورن) واگذار شده باشد.

نقش برجسته باز یافته در پتوژ^۱ (واقع در یوگسلاوی) را می‌توان به چند نحو تعبیر کرد (شکل ۴۴). ایزدی را می‌بینیم که روی صخره‌ای نشسته و فقط بخشی از بدنش را پارچه‌ای پوشانیده است. در دست چپ عصائی بلند دارد. در برابر او جوانی راست ایستاده و با آزرمی بسیار دست را به دهان برده است. زیاد بعد نیست که مراد از مرد جوان خود میترا باشد که جلوی ساتورن ایستاده، اما به همان اندازه هم امکان هست که غرض از شخص مزبور فائزون جوان باشد که از پدرش هلیوس تقاضای به امامت گرفتن گردونه‌اش را می‌کند. می‌توان مقایسه بسیار جالب توجهی میان نقش مزبور و نقش بزرگ باز یافته در دیبورگ (شکل ۶۷) کرد.

ژوپیتر در دوران پادشاهی خویش مجبور شد که غولان سرکش را به

1. Ptuj



شکل ۴۴: این نقش شاید میترا را بنماید که در مقابل ساتورن دیده می‌شود.

جای خود بنشاند. منظره جنگ با غولان را به کرات در شمایل‌های میترامی بینیم، جنگی شدید در می‌گیرد، و میترا پدر بشریت آذرخش‌های را که در دست گرفته برس و روی غولان سرکش می‌اندازد و غول‌ها وحشت افزایند و پاهایشان به مارهای ختم می‌شوند و چون می‌خواهند صخره‌ای بلند را برکنند و بر سر ژوپیتر بزنند ژوپیتر بر آنها پیروزی می‌یابد و غولان خسته و کوفته در دوزخ سقوط می‌کنند. تصویری با تفصیل مذکور را در شمایل باز یافته در ناحیه دورا دیده‌اند (شکل ۴۵). در مهر کده سنت پریسلک هم مجسمه کوچکی از یک غول به دست آمده که از جنس مرمر بتفش است و رنگ تیره آن نماینده جهان تاریکی است. واضح است که مهری‌ها مبارزه با غولان را همچون نبرد اهورا



شکل ۴۵: فرسک (دیوار نگاره) دورا. ژوپیتر در حال نبرد با غولان.

مزدا با یاران ظلمت می‌بینند. حتی خود میترا هم اقدام به قلع و قمع غولان می‌کند و از اینزو نام او در نوشته‌ها در کنار نام ژوپیتر همچون مغلوب کننده غولان دیده می‌شود. در همین جاست که مهر پرستان می‌خواسته‌اند در واقع پلی میان اساطیر باستانی یونان و رم و افسانه‌های ایرانی بزنند. پیروان طریقهٔ غنوسی^۱ و مانوی‌ها داستان مبارزهٔ نیروهای روشنائی و تاریکی را اقتباس کرده‌اند و این معنی در کتاب بندھشن آمده است. اما ژوپیتر در عین حال پادشاه مقتدر المپ و خدای آسمان است و این خود معنای نمادین علامتی را که روی نقش بر جسته هدن‌هایم آلمان کدھ شده هویدا می‌سازد. آن علامت عبارت از کره‌ای است مزین به هفت سیاره و دو حلقه منطقه البروج. در رأس آن‌ها عقابی دیده می‌شود که بال‌ها را گسترده و در چنگال‌های خود صاعقه‌ای (=آذرخش) می‌فشارد. خصوصیات نقش‌های بر جسته‌ای

1. Lagnose

که در آلمان یافته شده ژوپیتر را در حالی نشان می دهند که خدایان المپ در دو گروه در چپ و راست او ایستاده اند و او فرمان می راند. فراترس کومون معتقد بود که رابطه ای میان هریک از ایزدان مزبور و ایزد مناسب آن در اساطیر وجود دارد. وجود چنین رابطه ای را نمی توان کاملاً نفی کرد، ولی این سوال مطرح می شود که آیا اندیشه رابطه میان خدایان المپ و خدایان ایرانی، به این حدت عقاید مهری ها را متأثر کرده است؟ اطلاعاتی را که از راه تحقیق در مهرکده های موقوفه میترا به دست آورده ایم ناکافی هستند و نمی توانیم اعتقاد مهری ها را به چنین رابطه ای بهوضوح نشان بدھیم. بیشتر این طور به نظر می رسد که خدایان المپ به طور دسته جمعی در مراسم نیایش مهری پذیرفته شده اند و علت آن را هم باید در اقتباس عقاید یونانی ساری در آن زمان جستجو کرد. در واقع، فقط به این دلیل که نقش ها و مجسمه هائی از خدایان گونا گون به صورت جدا یافته شده است، می توان علت آن را جستجو نمود. مثلًا چون در هیچ جا به صورت جدا تصویری از ژونون - هرا^۱ یافته نشده است، آیا می شود وجود هرا زوجه زئوس^۲ را که در میان خدایان دیگر نقاشی شده با تشییه کردنش (و یا یکی دانستنش) با سپتا آرمائیتی^۳ و یا زمین توجیه کردد؟ بر همین منوال خواهد بود اگر بخواهیم از مسئله فوق توجیه فلسفی ای کنیم که مبتنی بر شباهت صوری لفظ هرا با لفظ آئر^۴ (ها) است. اما برخلاف مطالب پیشین علتی که باعث شده تا خدائی چون آپولن مقامی منع در دین میترا به دست آورد کاملاً واضح است. در واقع این آپولن، پیشوای موزها^۵ فرشته الهام بخش و (دختران زئوس - ژوپیتر) خدای هنر و حامی موسیقی نیست که مردم تقدیس می کنند. ستایش او معلول ماهیت اوست که ایزد خورشید است. در کتیبه ها نام آپولن و میترا متفقاً آمده است. در افسانه ها، هلیوس که میترا آنقدر به او شباهت دارد، گاهی اوقات مشخصاتش نظیر آن آپولن می شود.

1. Junon - Hera
4. Aer

2. Zeus
5. Musagete (Muse)

3. Spenta - Armaiti

پیوندهای میان میترا و آپولن آنقدر نیرومند است که در قسمت جنوبی ناحیه گل^۱ مردم اعتقاد به نیروی درمان‌کننده آپولن داشتند. مهری‌ها از آن اقتباس کردند و همین نیروی معالجه‌کننده را به میترا نسبت دادند.

مجسمه‌ای از ایزد زمان در اُستی یافته شده که رویش علائم مشخص وولکن^۲ (خدای آتش) یعنی چکش و انر دیده می‌شود. در اینجا خلط مبحثی شده زیرا که ائون درست مثل و ولکن مجسم کننده عنصر آتش است. بنابر آنچه گذشت، نیازی به سنجش و مقایسه و ولکن و آتر ایزد ایرانی نیست.

خدایانی نظری‌دیان^۳ (آرتیمیس^۴ = لونا^۵ = ماه)، آپولن (هلیوس - سل = خورشید)، مارس، مرکور، زوپیتر، ونس و ساتورن مجسم کننده ستارگان هستند و در عین حال از سالکان مراحل هفتگانه (تصویف‌ش خواهد آمد) حمایت می‌کنند و ایزدان موکل هفت روز هفته هستند. بخصوص در آلمان و فرانسه است که ما مجسمه‌ای از هر مس - مرکور به صورت جدا در مهرکده‌ها می‌یابیم. مرکور به نزدیک طوایف گل اعتبار تام داشت و خدای تجارت و نعمت بود. مهری‌ها غالباً میترا را با مرکور مقایسه می‌کنند و خصوصیات مشابه این دو خدا را بازگو می‌نمایند. این دو ایزد در واقع راهنمای مسافران هستند و هم ایناند که راه سفر به ابدیت را به ما می‌نمایانند.

در سال ۱۵۵ میسیحی پیشوای جماعت مهری ناحیه مریدا در اسپانیا هدیکروس^۶ نام دستور داد مجسمه با شکوهی از مرکور ساختند. در اینجا مرکور دو بال به پاهایش دارد، روی صخره‌ای نشسته و جامه‌ای شکیل در بر کرده، دست چپش روی بربطی است که خود مخترع آن است. در مهرکده استوکشتات^۷ آلمان مجسمه‌ای از هر مس - مرکور یافته‌اند که دیونیزوس (در سن کودکی) را در آغوش دارد.

این مجسمه ب اختیار انسان را به یاد پیکر تراش مشهور یونانی

-
- 1. Gaule
 - 2. Vulcain
 - 3. Diane
 - 4. Artémis
 - 5. Luna
 - 6. Hédychrus
 - 7. Stockstadt



شکل ۴۶: عقابی است روی کره خاک و آن نماد قدرت ژوبیتر است.

پراکزیتل^۱ می اندازد. این نکته را باید اضافه کرد که دیونیزوس یا باکوس^۲ خدای شراب است و در تمام نقاطی که تمدن یونانی و رمی رسوخ یافته این خدا مورد پرستش بوده و تأثیری عظیم در امپراتوری رم کرده است. به این نحو است که در آستانه مهرکده پتوژ (در یوگسلاوی) نشانه‌ای مربوط به دیونیزوس دیده می شود و آن متوقف است بر یک کوزه دو دسته که دور و برش را شاخه‌هایی از مو فرا گرفته (موتیف دیونیزوس) و پلنگی پای پیشین را روی لبه آن قرار داده است (شکل ۴۷). در آئین پرستش دیونیزوس، پرستندگان مستی می کردند و در خلسه فرو می رفتند و از خود بی خود می شدند و آنگاه خود را با کانت^۳ یامناد^۴ می پنداشتند و گمان می کردند که راه تصرف دیونیزوس خوردن گوشت بز است و نوشیدن خون آن. چون گروهی از اینان به جنون جمعی دچار می شدند بزنری را می گرفتند و زنده اش از هم می دریدند.

-
1. Praxitéle
2. Bacchus
3. Bacchante
4. Menade

مهری‌ها در مراسم خود محتاط‌تر و جدی‌تر بودند و فقط در گساردن شراب با پیروان دیونیزوس شباht داشتند. ناگفته نماند که در مراسم دینی می‌همچون توشهٔ متبرکی بود که هر انسانی می‌بایست برای سفر روز آخرت همراه می‌داشت.

اما به جمع خدایان مهری، خدایان بلاد مشرق نیز به اقتضای اوضاع و احوال ملحق شده‌اند. از این روست که در مهرابه کونیگس‌هوفن^۱ کتبیه‌ای یافته‌اند که حکم نذر را دارد و به آتیس^۲ دلداده سیبل هدیه شده است. گاهی اوقات هم پرستش می‌تراند در مجاورت معبدی انعام می‌شد که به افتخار سیبل الههٔ فریجی برپا بود. پرستش این الهه در سال ۲۰۴ قبل از مسیح شیوع رسمی داشت.

سیبل اصلا در شهر تروآ بود و در سنت است که اسلاف انه^۳ تروائی و پرش ژولیوس در واقع اجداد بعيد رومی‌ها و بخصوص خانواده ژولیا



شکل ۴۷: نقش دیونیزوس روی ستون یک معبد مهری.

1. Königshöfen

2. Attis

3. Enée

بوده‌اند. نقش برجسته‌ای در معبد ژوپیتر دولیکنوس^۱ سوری واقع در ناحیه آواتن یافته‌اند که وقف میترا است. میان تصاویری که نشان دهنده افسانه میترا هستند، نقش غریبی از اطلس می‌بینیم که بندرت نظر آن را دیده‌ایم. روی یکی از نقش برجسته استربورکن (شکل ۴۸) اطلس را می‌بینیم. در حالی که شبح زنی پهلویش دراز کشیده و این شبح احتمالاً تلوس^۲ خدای زمین است. در نوین‌هایم اطلس زانو بر زمین زده و بار سنگین آسمان را بردوش دارد (شکل ۴۹).

در همین زمینه نقشی در مهرکده باربرینی در رم یافته شده است. در اینجا هم اطلس یک زانوی خود را بر زمین گذاشته، ولی به کمک دست چپ به زمین تکیه کرده است، در حالی که دست راست را بلند کرده و گنبد آسمان را می‌ساید. در چپ و راست او درخت سروی دیده می‌شود. این اطلس به این اعتبار که حامل آسمان است خدائی است یونانی و درین نقش آن را می‌باییم، ولی از جهات دیگر اختلاف زیاد با آن دارد، چون جامه او نظیر لباس



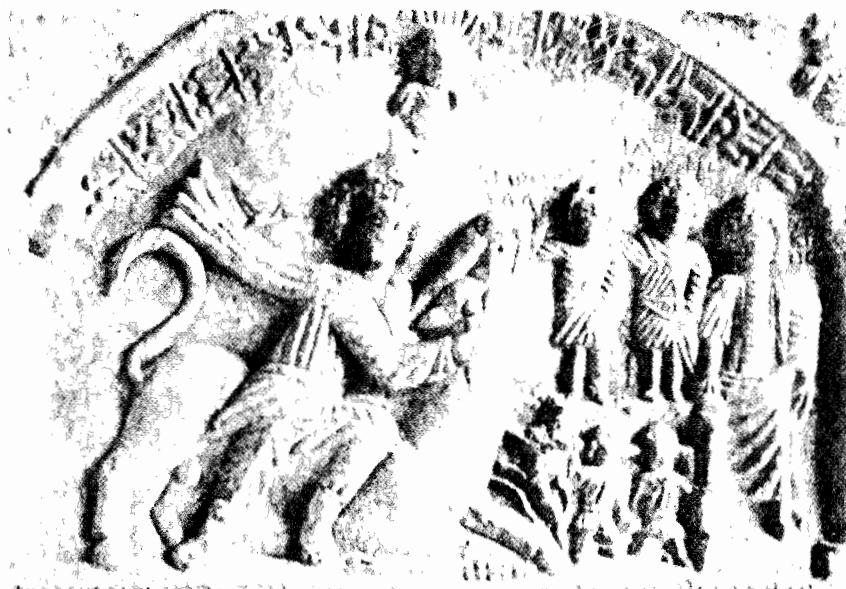
شکل ۴۸: اطلس و در کنار او نیمرخی زن

شکل ۴۹: اطلس به هنگام حمل فلك گردون.

مانند که شاید الهه زمین باشد.

1. Dolichenus

2. Tellus



عکهای ۵ و ۶ و ۷. بالا سمت چپ: سل (ایزد خورشید). لوح سری از مهر کده سنت پریسک. بالا سمت راست: سل. کنده گری روی مرمر از مهر کده سنت پریسک.

پائین: میترا در حال قربانی کردن گاو. از یک نقش بر جسته بازیافته در دورا ارپوس



عکس ۸ - طاقچه مخصوص مراسم عبادی در مهرابه دوره ارهاوس

میتراست. و کلاهی فریجی بر سر دارد. عملأً مراد از این نقش اطلس خود میترا است که بارگنبد آسمان را به دوش گرفته و می‌دانیم که میترا به هنگام تولد حامل کرده خاک بود و از این رو فرماروای عالم و با دست دیگرگش حلقه منطقه البروج را نگه می‌داشته (نقش باز یافته در ترو). فرانتس کومون معتقد است که اطلس دین مهری و اطلس دین مانوی یکی است و این عقیده بنابر آنچه گذشت احتمال صحتش کم است. در نوشهای سنت اگوستن^۱ آمده که در دین مانی، اطلس «آن شخصی است که جهان را به روی شانه‌ها حمل می‌کند و با دو دست زیر آن را می‌گیرد، در حالی که یکی از زانوان را روی زمین تکیه داده است». ^۲ بنابر این به عقیده مانوی‌ها اطلس حامل زمین است و حال آن که میترای فروغمند^۳ بار آسمان پر فروغ را بر عهده دارد. به این جهات دین مهری به احتمال قوی مفهوم اطلس را از اساطیر یونانی اقتباس کرده، چون اطلس بهتر می‌تواند باری را که میترا باید به دوش بکشد، بیان کند و قدرت میترا به این دلیل فزونی می‌یابد.

چنانکه دیده شد آئین مهری خدایان بسیار را از ادیان دیگر اقتباس و داخل در مسلک خود کرده است. در توجیه این نکته باید گفت که از طرفی حیات طولانی دین مهری باعث درآمدن و در آمیختن خدایان بیگانه در بطن آن شده و از جانب دیگر خود پیروان میترا عالمأً و عامدأً از امر تصرف در خدایان مذاهب دیگر استقبال کرده‌اند تا دینی دنیاگیر و جهانشمول بسازند.

1. Saint - Augustin

2. *Contra Faustum xv,6.*

3. *Splenditenes:* لقب لانبی میترا

ایزد زمان بیکران

در مهرکده‌های گونه گونی که وقف میترا شده است، نقش موجود دیوآسای شگفت‌انگیزی دیده می‌شود^۱. این مخلوق عجیب و غریب بدنی به شکل انسان دارد که به دور آن ماری حلقه زده و سرش بشکل شیراست. روی هیچکدام از تصاویر مزبور نوشته‌ای دیده نشده که شناسانده این موجود باشد. برخی فرضیه‌هائی که تابه حال داده شده او را اهریمن خدای بدی خوانده است. نخستین بار پروفسور زینر^۲ استاد دانشگاه اکسفورد نظریه‌ای داده و ایران شناس بلژیکی دوشن گیمن^۳ باشک و تردید آن را قبول کرده است. البته مدارکی در دست هست که نشان می‌دهند در برخی مهرکده‌ها سنگ نبشته‌هائی وقف اهریمن شده است.

سه سنگ نوشته را خوب می‌شناسیم که در روم و انگلستان و اتریش یافته شده‌اند. در این کتیبه‌ها مهری‌ها دعا کرده‌اند تا نیروی شر را تسکین و تقلیل بخشدند و اثرات الٰم آور آن را از خود دور کنند. اما ناگفته نماند که مهری‌هائی که به جای سرسپردن به میترا مستقیماً به دامن اهریمن دست یازیده‌اند مردمانی آب دیده و مجرب در امر دین خودشان بوده‌اند و ضمناً می‌دانسته‌اند که میترا یقیناً و ناگزیر پیروزی نهائی بر شر خواهد یافت. به عقیده‌ما به افتخار اهریمن قربانیگاه ساختن و وقف او کردن آن هم در کلیسا امری است غیر قابل تصور.

1. *Monstruosum potentum* Jerome (به بیان فرمابوای غول‌پیکر)
2. R. Zaehner 3. Duchesne - Guillemin

پیشینیان در این باب طوری دیگر قضاوت می‌کردند و برخی اوقات به قصد اراضی خاطر اهربین، گراز قربانی او می‌کردند.

دلایل مختلف مرا از قبول کردن این تفسیر جدید باز می‌دارد. یکی از ایرادات وارد این است: میان نظریه مذکور در فوق و اطلاعاتی که از ماهیت فلسفی فرقه‌های عرفانی و هرمسی^۱ سری دینی در دست هست تناقض وجود دارد. در مخطوطات مربوط به این فرق - چه آن‌ها که روی کاغذ آمده و در تسخیر ارواح به کار می‌رفته و چه آن‌ها که روی قطعات سنگ نمک نشده شده. گاهی اوقات شکل خدائی شبیه آنچه از آن سخن رفت، دیده می‌شود. نام این خدا اون بوده و بنابر این ایزد زمان است.

تعمق در این شکل اسرار آمیز ما را به این عقیده می‌کشاند که تفسیر پیشین فراتس کومون صحیح است.

بنابر آنچه گفته شد، آن کس که سری همچون سر شیر دارد، خدای زمان است که در کتب یونانی به صورت اون آمده و در ادبیات پهلوی به صورت زروان.

در نوشته‌های پهلوی مربوط به زروان سه عقیده گوناگون در باب او عنوان شده است و باید درست میان آن‌ها تشخیص کرد. مطابق نوشته‌های خود زردشت زروان آفریده اهورا مزدا خدای نیکوئی است. برحسب نظریه‌ای دیگر دواصل کلی در جهان هست که خیر و شر نامیده می‌شود. در نظریک فرقه مذهبی دیگر مربوط به دوران ساسانی، زروان یکران خدای زمان بی نهایت، علت فاعلی و منشأکون و مکان است. اهورامزدا و اهربین از او نشئت می‌یابند و منقاد او هستند. رهروان این مذهب زروان پرستان خوانده می‌شوند. مفهوم زروان بعد از این که از عوامل خارجی دیگر متأثر گشت وارد دین مهری شد. بنابر این، شخصی که سری به شکل شیر دارد کسی بجز زروان نیست که یونانیان به علت شbahت لفظی اش معادل واژه کرونوس (زمان) زبان یونانی پنداشتند و

1. Hermétique

رومی‌ها همان را ساتورن خوانند.

شکلی که از این خدای برجای مانده همیشه او را در هیئتی قدس آمیز می‌نماید و معمولاً پاهایش کشیده و بهم چسبیده‌اند. گاهی اوقات هم به صورت کاملاً عریان ترسیم شده، از این رومی شود جنسیت مذکور اورا تشخیص کرد. با این وصف اغلب اوقات زروان ملیس به لنگی است و یا حلقه‌هایی به صورت مار دور و پرن او پیچیده شده‌اند. این طور به نظر می‌رسد که نقاش این شکل عامدًا قصد داشته جنسیت زروان را مبهم و مظنون نشان دهد. حتی گاهی اوقات غرض این بوده که خدا را هر مافروdist بنمایاند و بگویند که توالد و



شکل ۵۰: زروان در حالی که ماری به دور بدنش پیچیده.

تناسل او بدون مداخله عنصر نر انجام می‌گرفته است (شکل ۵۰). میان حلقات مار که چنبره زده و معمولاً به تعداد هفت است و این رقم معلوم اتفاق نیست، گاهی علائم مخصوص منطقه البروج دیده می‌شود. شکل وحشتناک مورد بحث سری به شکل شیر دارد و یال‌های او از پشتیش آویزان است، دهانی گشاد دارد که باز است و دندان‌های پیشین تهدید آمیزش را نشان می‌دهد. زمانی که تصویر فوق تازه از زیردست نقاش بیرون آمده بوده بیننده را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌داده، چون دهانی سرخ رنگ داشته که درون آن پیدا بوده است.

تدبیسهای از زروان در شهر صیدا در افریقا کشف شده که حفراهای در سردارد و احتمالاً این حفره محل گذاشتن آتش فروزان بوده است. غرض از خلق چنین منظره‌ای این بوده که نشان دهنده از سر مجسمه شعله بیرون می‌آمده است. و این خودخوف احترام آمیز پیروان را نسبت به زروان بیشتر می‌کرده و نیز شکل دیگری از زروان در دست هست: در حالی که دو مشعل به دست دارد و شعله‌ای درازگونه از دهانش خارج می‌شود. در دو طرف زروان قربانیگاهی قرار گرفته که در آن آتش فروزان است. شعله‌ای که از دهان زروان بیرون می‌آید، با آتش فروزان دور و بر او می‌آمیزد و یکی می‌شود. نویسنده‌ای گمنام در سالهای که در باب ساتورن نوشته می‌گوید که این خدا به علت گرمای سورانش یک بار به صورت شیری با دهان باز متجلی می‌شود و یک بار به علت سرمای یخ‌بندان در هیئت ماری لغزان متظاهر می‌گردد.

گاهی اوقات زروان کلیدی در هر یک از دست‌هایش دارد. در اینجا باید میان زروان وایزد ژانوس^۱ مقایسه‌ای کرد، چون ژانوس حافظ یانوآ^۲ کلیددار درهای دوزخ است. مناسباتی میان زروان و سرایپس خدای مردگان در مصر وجود دارد. علاوه بر این روابطی میان زروان و خدایان سوری هم دیده می‌شود، در حالی که ماری دور بدن آنان حلقه زده است.

حال موقع آن رسیده که از آنچه گذشت اخذ نتیجه گیری کنیم. مشابهت

1. Janus

2. Janua

میان زروان از جهتی و کرونوس و ساتورن از جهت دیگر معرف تأثیرات خدایان یونانی و رمی است. شbahت بین زروان و ژانوس کلیددار معلول تأثیرات رومی است، به دلیل شباhtی که میان زروان و سراپیس و سایر خدایان مصری موجود است، می‌توان به تأثیر خدایان مصر بر روی زروان معتقد گشت. اضافه بر این، خوبشاوندی میان زروان و خدای سوریه موسوم به آتارگاتیس^۱ آشکار است. اما بحث در مسئله شخصیت و هویت زروان تبدیل به مشکلی لایحل خواهد شد، اگر این نکته را در نظر نگیریم که مهر پرستان و مردم معاصر اینان در آن زمان‌های باستانی - سیاق تفکر خود را مقید به اطاعت و متابعت از شریعت و سنت موضوعه نمی‌ساختند، بلکه بر حسب مقتضیات زمان و تمایلات شخصی اکتفا به روشن کردن برخی جوانب خدا و شریعت وی می‌کردند و مثال این امر کمی شبیه مثال برخی کنسروها است که برای پیانو و یا ویولن نوشته شده‌اند، اما نواختن بعضی از تکه‌های آن را به ذوق و سلیقه نوازنده (تکنواز) واگذار کرده‌اند. بنابر آنچه گذشت، اگر میان مطالبی که در زیر مورد بحث قرار خواهیم داد، بخواهیم مطابقت یا مخرج مشترکی بیابیم، فعلی سخت عبث انجام داده‌ایم.

کرونوس - ساتورن

همیشه ماری به دور تن ایزد پیچیده، گاهی هم علائم منطقه البروج بدن او را تزیین می‌کنند. دو جفت بال دارد که جفت نخست به سوی بالا و دیگری به سمت پائین متوجه است (شکل ۵۰). در تابلوئی که در مهرکده باربرینی یافته شده خدا روی کره زمین ایستاده که نمونه‌های آن بسیار دیده شده است. اما نقش مزبور خصوصیتی دارد و آن این است که نشانه‌های منطقه البروج طاق غار

1. Atargatis

را هم مزین کرده و در همین غار بوده که مراسم قربانی گاؤ انجام شده است. این نکته محرز است که هفت حلقه مار مربوط به کروات هفتگانه است. بدن مار اشاره‌ای است به حرکت خورشید و گذر آن از مراحل گوناگون منطقه البروج. بنابر آنچه گذشت در واقع کرونوس بسیاری از صفات خورشید را هم دارد. چون خورشید با حرکت انتقالی خود، گذشت زمان را می‌رساند. پس خورشید همچون فرماندهی است در منطقه البروج و ازاین رو با کرونوس خدای زمان ماهیت واحدی قلمداد می‌شود. اما کرونوس حاکم بر یاد هم است و چهار بال آن در حکم نماد باد است. بنابر این زروان درست مثل سل خدای خورشید و کرونوس فرمانروای بر فصوی است.

کرونوس از این نظر کائلوس خدای آسمان را به یاد می‌آورد. صورت این ایزد میان ایزدان با دو فصوی روی قربانیگاه واقع در معبد کارنوتوم تصویر شده است. این خدا به شکل شیر است و دهان باز درندۀ‌ای دارد آرنوبیوس^۱ در ۲۹۵ بعد از مسیح در نوشته‌ای^۲ اشاره‌ای به این امر می‌کند و می‌گوید: «میان خدایان شما خدائی را می‌بینم که سرش صورت شیری غرندۀ را دارد که با سرنج سرخ فام نقاشی شده است». مجسمه‌ای در کاستل گاندولفو (شکل ۵۱) یافته شده که کله چندین شیر روی شکم و زانوهای آن حجاری شده است. محتمل است که شیر نماد آتش سوزان و سه شیر دیگر گویای ماهیت سه‌گانه ایزد خورشید باشد. آرنوبیوس به این خدا صفت میوه بر^۳ می‌دهد که ممکن است اشاره‌ای به اتحاد کرونوس و ساتورن رم باشد.

کله شیری که روی شکم مجسمه کاستل گاندولفو نقش بسته به خاطر آورنده مجسمه یافته شده در مریدا است. در اینجا کله شیری روی سینه خدا دیده می‌شود، ولی چهره او در اینجا به وحشتناکی سیماش در مجسمه‌های یافته شده در نواحی دیگر نیست. در این محل انسانی جوانسال

1. Arnobius

2. *Adversus Natione* (VI, 10).

3. Frugifer

مجسم کننده خدا است.

بدون هیچگونه تردید زروان و میترا در اینجا یکی شده‌اند. مجسمه دیگری در مریدا یافته شده که میترا را ایستاده نشان می‌دهد، در حالی که شیری پهلوی او نشسته است.



شکل ۵۱: تندیس ایزد زمان بازیافته در کاستل گاندولفو

بدون شک نماد آتش مربوط به شخص ایزد زروان - کرونوس است. در مراسم دینی مهری آتش خاص سالکان مهری است که به مقام شیری رسیده‌اند و نشانه مشخص آنان بیلچه‌ای است که به وسیله آن آتش را جابه جا می‌کنند. ناگفته نماند که مجسمه‌ای از ایزد زمان در استراسبورگ یافته شده که

بیلچه‌ای (از نوع آنچه مذکور افتاد) در دست دارد. در واقع، آتش کنایه‌ای است به این امر که در آخر زمان آتش جهان را خواهد سوزانید. خدائی که سرش به شکل شیر است در واقع زمان است که همه چیز را می‌درد و از میان می‌برد.

اعتقادات جاری در سوریه

در شهر هیروپولیس^۱ سوریه الهه آثارگاتیس را مردم می‌پرستیدند و تصاویری که از او به عنوان ایزد زمان برجای مانده او در هیئتی قدسی نشان می‌دهد و ماری هم به دور بدنش پیچیده است.

از مقوله مجسمه‌هائی که تاکنون شناخته‌ایم تندیسه‌ای در مهرکده سوری ژانیکول^۲ رم یافته شده است. این مجسمه از جنس برنج است و صورت مو میانی را به خاطر می‌آورد. اما از خطوط چهره‌اش شادابی و جوانی خوانده می‌شود. دور بدنش ماری حلقه زده که سرش را روی سرخدا نهاده است. این مجسمه را محققی به نام گوکلر^۳ در محلی به شکل هشت ضلعی یافته است. ریخت این محل هشت ضلعی محتملاً مفهومی نمادین و رمزی دارد. گوکلر با استناد به متنی از ماکروبیوس^۴ مربوط به پنجم قرن بعد از میلاد، معتقد بود که این مجسمه از آثارگاتیس است. (متن مورد اشاره کتاب ساتورنالیای^۵ ماکروبیوس است). در این کتاب مؤلف از دو مجسمه یاد می‌کند که در طرفین ایزد خورشید قرار گرفته‌اند. این دو مجسمه که در شهر هیروپولیس سوریه یافته شده‌اند، الهه‌های مؤنث بوده‌اند و ماری به دور تن آنان حلقه زده بوده است. در این باب ماکروبیوس می‌نویسد که «تصویر مار معرف مسیر منحنی ستاره است». مراد از ستاره البته خورشید است و به همین علت است که گوکلر ظاهراً اشتباه کرده،

1. Hiéropolis
4. Macrobius

2. Janicule
5. Saturnalia

3. Gauckler

چون مجسمه‌ای که در معبد رم یافته شده از جنس مذکور است. تفسیر دیگری از این مجسمه‌ها شده که موافق آن دیونیزوس - آدونیس^۱ خدای سوریه است. این خدا مانند پدرش هداد^۲ همان مشخصات ایزد خورشید را داشت.

تصورات اورفه‌ای^۳

در تمثالی که نشان دهنده آئین تولد میترا است و در ناحیه ترو به دست آمده پیوندی میان زایش میترا و کرونوس ساتورن دیده می‌شود. در این تصویر میترا حلقه منطقه البروج را در دست دارد و بادهای چهارگانه دورا دور او قرار گرفته‌اند. میترا ایزد برنا در حال تولد یافتن و خروج از دل صخره است و دور بدن او ماری حلقه زده است. قاعده اساسی دی تصاویر مهری این است که معمولاً پاهای میترا بهم جفت شده و به بدنه صخره چسبیده‌اند. اما نقش بر جسته‌ای در ناحیه مدن^۴ یافته شده که ایزد زمان را نشان می‌دهد و از قاعده کلی مذکور در فوق منحرف شده است. وجود این استثناء نظر فرانتس کومون را به خود جلب کرده و هم او توجیه فراست آمیزی از آن کرده است. نقش موربد بحث اصلاً اهدائی مردی به نام فلیکس^۵ و زوجه‌اش موسوم به افروزین^۶ بوده و بعدها خواهیم دید که این فلیکس از رهروان یک نحله ارفی بوده و سپس به دین مهری مشرف می‌گردد و در آن به مرتبه پیشوائی می‌رسد و نقش مذکور را وقف میترا می‌کند و چون زوجه‌اش به علت زن بودن نمی‌توانسته در مراسم مهرپرستی که منحصرآ مزادانه است شرکت کند، اسمش را از روی نقش پاک می‌کند. با وصف این، با دقت و صرف وقت هنوز می‌توان بسختی نام افروزین را خواند.

1. Dionysos - Adonis
4. Modéne

2. Hadad
5. Félix

3. Orphique
6. Ephrosyne

دراینجا این سوال پیش می آید که نقشی را که فلیکس نخست وقف اورفه کرده و پیرو آئین او هم بوده چگونه توانسته همان نقش را وقف میترا بکند. نقش بر جسته مزبور نوجوانی را نشان می دهد که ایستاد و عریان است و شانه هایش بال دارد. آذربخشی به دست راست گرفته و در دست چپ عصائی بلند دارد. در عقب او هم هلال ماه دیده می شود. پاهای او به شکل سم اسب است که روی شعله های مخروطی شکل آتش قرار گرفته. نیمه فوقانی شعله حتی از سر جوان مزبور (میترا) هم تجاوز می کند. ماری به دور او حلقه زده و سرش را روی قسمت فوقانی مخروط قرار داده است. روی سینه میترا سر یک شیر دیده می شود و در دو طرف او سر یک بره و یک بز ملاحظه می شود. دور این تصویر جالب توجه رانوار بیضی شکلی فرا گرفته که روی آن علائم دوازده گانه منطقه البروج نقاشی شده است. در چهار گوش این نقش بر جسته خداوندان چهار گانه باد دیده می شوند. شباهت بسیار میان این نقش و مجسمه باز یافته در مریدای اسپانیا زود به چشم می خورد. در آنجا هم همین نوجوان را می بینیم که روی سینه اش ماری و کله شیری نقاشی شده است.

با وصف این، میان این دو نقش - در آنچه که مربوط می شود به پاهای به

شکل سم اسب و مخروط شعله - هیچ شباهتی دیده نمی شود.
پاهای به شکل سم نام الهه پان¹ را به خاطر می آورد که لفظاً به معنای جهان است. تشابه صوری میان دو واژه پان و فانس² که به معنای شعاع خورشید است، باعث شد که این دو واژه را یکی تصور کنند. لفظ فانس مزبور با میترا یکی دانسته شد. و اوست که در دین اورفه ایزد برنای روشنائی است و از یک تخم زاده می شود. از اجتماع دو نیمه مخروط تخمی به وجود می آید و از درون آن خدا ظاهر می گردد. این تخم مخلوق زمان است و به این علت میان کرونوس و فرزندش - که او هم خدای زمان بود - شباهت کلی دیده می شود. آن طور که از برخی نوشه های باز یافته بر می آید فانس بال های زرین داشته و

1. Pan

2. Phanés

همچون زئوس آذرخش و عصادر دودست می‌گرفته است. علام منطقه البروج و مار از منسوبات زئوس هستند و حرکت سالیانه خورشید را به خاطر می‌آورند و خورشید و بزوبره نشان دهنده تأثیر بارز ستاره شناسی هستند.

این نکته را نیز باید به خاطر داشت که معاونت و دستیاری متقابل اورفه و میترا فقط محدود به رم نمانده است. در ناحیه هوستدز^۱ (بورکوویکیوم^۲ سابق) انگلستان معبدی کشف شده که متعلق به قرن سوم مسیحی است. در این مهرکده نقش بر جسته‌ای یافته‌اند که میترا را در حال تولد یافتن از یک تخم نشان می‌دهد. دور بر تخم هم علام منطقه البروج حجاری شده است. درست مثل فانس، میترائی که در مهرکده واقع در شمال انگلستان یافته شده و شباهت‌های با کرونوس دارد. میترائی که در ناحیه سارمیز گتوزا یافته شده به «زاینده فروغ^۳» (= نوربخش) ملقب بوده و میترائی که در ناحیه هوستدز یافته‌اند جاویدان نام داشته که متراffed با واژه لاتینی سکولوم^۴ = آیون^۵ (یونانی) = ائوم^۶ (لاتینی) و به معنای قرن بوده است. بنابر آنچه گذشت، میترای جوان در واقع جانشین ساتورن است. جشن‌هائی که به افتخار سارتون در رم گرفته می‌شد روز ۲۴ دسامبر پایان می‌یافت. روز ۲۵ دسامبر میترای نوجوان، یا ساتورن نو خاسته، همچون خدای فروغ از دل صخره زائیده می‌شد. به این جهت است که «پیر» یا مرشد نماینده این جهانی میترا تحت حمایت سیاره ساتورن قرار داده شده است.

تأثیر عقاید مصربی

در اسکندریه خدای زمان را به نام یونانی آن ائون (ائوم در لاتینی) می‌نامیدند، به طوری که اپیفانیوس^۷ می‌نویسد: میان این خدا و الهه موسوم به

-
- | | | |
|----------------|----------------|--------------------|
| 1. Housesteads | 2. Burcovicium | 3. genitor luminis |
| 4. Saeculum | 5. Aion | 6. Aeum |
| 7. Epiphanius | | |

کور^۱ خویشاوندی وجود داشته و شب‌های پنجم و ششم ماه دسامبر موقعی که نخستین بانگ خروس‌ها بر می‌خاسته، مؤمنان باشکوهی تمام از زیر زمینی که در واقع معبد کور بوده، مجسمه‌ای از آئون را بیرون می‌کشیدند و هفت بار دور پرستشگاه طوافش می‌دادند. در موقع طواف مشعل‌ها روشن بوده و نی و طبل نواخته می‌شده است. وقتی که این تشریفات انجام می‌یافتد، خدا به جایگاه اصلیش عودت داده می‌شد. به نظر اپیفانیوس معنای این همه تشریفات تذکر این نکته بوده که کور در آن شب آئون را می‌زائیده است. چنین اعتقادی در باب نحوه زایش خدای زمان شبیه به اعتقاد مستتر در نقش برجسته مُدن است که پیشتر ذکر آن رفت.

با این وصف باید دانست که تمثالی که از خدای مصر بر جای مانده با نقشی که در مدن دیده شد، اختلاف اساسی دارد. خدای مصر در حالت نشسته تصویر شده و کاملاً عریان است، سر و دست و زانوانش پوشیده از مهرهای زرین است. مع ذلك مجسمه‌ای در خیابان زاناردلی^۲ پائین معبد آواتن رم یافته شده که شبیه به آئون خدای مصر است. مجسمه باز یافته روی پایه‌ای مرمرین قرار داده شده و لنگی در بر دارد. ماری به دور بدن او حلقه زده و سرشن را روی سر او قرار داده است. دو دست را راست در امتداد بدن نگاهداشته و به آن‌ها آنخ^۳، نشانه حیات را گرفته است. سر این مجسمه از میان رفته است، اما از دو نواری که به قصد تزیین به تن او آویخته‌اند، می‌توان این نتیجه را استخراج کرد که بر سر او کلاه مخصوص مصریان باستان موسوم به کلافت^۴ بوده است. پهلوی خدا الهه‌ای ایستاده که قدی کوتاه‌تر از خدا دارد. لباس بلندی به تن او دیده می‌شود و روی این لباس جبهه‌ای دیده می‌شود که شرایه‌هایی از آن آویزان است. عودی هم محتملاً در دست چپ داشته که به خاطر آورنده الهه‌ای زیس است. تا به اینجا هر چه دیدیم یاد آور اساطیر مصری بود. اما در قصر

1. Kore
4. Klaft

2. Zanardelli

3. Ankh

تابستانی پاپ در کاستل گاندولفو یعنی در همان جایی که در روزگار باستان دومیتیانوس^۱ امپراتور رم فصری برای خویش ساخته بود، مجسمه‌ای یافته شده که آئین مهری را مذکور می‌شود. این مجسمه عبارت است از کرونوس به حالت ایستاده که سری به شکل شیر دارد و یک جفت بال به شانه‌هایش چسبیده، درست مثل مجسمه‌ائون اسکندریه که در خیابان زاناردلی یافته شده است. این کرونوس هم لنگی کوتاه بر تن انداخته و استثنائی چهار بازو دارد. چشمی روی سینه او نقاشی شده و روی زانو و شکم او تصاویری از شیرهایی مهیب ترسیم شده است. برخلاف رویه معتاد، مار دور بدن او حلقه نزدہ اما دومار در دو سمت چپ و راست وی، یکی از بدنه درخت و دیگری از پایه‌های چهار پایه‌ای که پشت خدا قرار گرفته بالا می‌روند. سگ سه سری پائین پای چپ کرونوس مشاهده می‌شود، در حالی که روی تنۀ درخت یک اژدها و سر یک شیر نقش بسته است. در این مجسمه برخی مشخصات اثون، مثلاً سر شیر و چشم منقوش بر روی سینه، به آن گونه که در آئین میترا آمده، دیده می‌شود. اما در باب شیر و اژدها باید گفت که این دو احتمالاً نمادهای تضادی هستند که میان آب و آتش وجود دارد. چهار بال و چهار دست کنایه‌ای از جهات چهارگانه وزش باد هستند.

پروفسور پتازوونی^۲ ثابت کرده که وجود سگ سه سر معرف خویشاوندی این خدا است با سراپیس مصری، خدای باروری و مرگ. ماکروپیوس که نویسنده کتاب ساتورنالیا است و تأییف سخت صبغه التقاطی دارد و در پایان قرن چهارم به اتمامش رسانیده، می‌گوید که کله شیر نماینده زمان حال، کله گرگ نماینده گذشته و کله سگ نمودار آینده است. با این وصف، سگ نگهبان (سر بر^۳) معمولاً سه تا کله دارد، ولی مجسمه کاستل گاندولفو سه کله متفاوت را نشان می‌دهد که شباهت دارند با آنچه ماکروب از آن سخن می‌راند. مجسمه کاستل گاندولفو با آنوبیس^۴ سگ سیما، ایزد مصری

1. Domitien
4. Anubis

2. R. Pettazzoni

3. Cerbère

شباht دارد و ایزد مصری باکر و نوس یکی دانسته شده است. همین مجسمه واحد مشخصات خدای مصری موسوم به بس^۱ هم است. این خدا هم مثل سراپیس وائون باز یافته در اسکندریه، در ناحیه زانوانش نقش سرشیر دیده می‌شود. هنرمندی که مجسمه کاستل گاندولفو را ساخته، قویاً متأثر از اعتقادات مصری بوده و با وجود چنین تأثیراتی، مهری دینان اثر هنریش را بدیده قبول نگریستند.

تأملاتی دیگر درباره ائون

مجسمه‌ای که از ائون در ناحیه اُستی یافته شده و در موزه واتیکان نگاهداری می‌شود، بخوبی گویای قدرت عالمگیر وی در جهان باستان است. صفات بسیار به وی نسبت داده شده است. روی سینه او نقش آذربخش‌های ژوپیتر دیده می‌شود که میان دو کلید قرار داده شده است. روی پایه مجسمه، چکش و انبی وولکن، کادوسه^۲ ژوپیتر، خروس اسکولاب^۳ و میوه‌کاج آتسیس دیده می‌شوند. کلیدها از آن ژانوس خدای رمی هستند. او در بان آسمان است و سحرگاهان درهای آن را می‌گشاید و گاه غروب آن را می‌بندد. اگر گفته مسالاً^۴ قنسول رومی را که در سال ۵۷ قبل از مسیح می‌زیسته باور کنیم، ژانوس در واقع همان ائون است. ماکروبیوس این گفته را تأیید می‌کند و می‌گوید ژانوس خالق جهان و مدیر آن است. ژانوس چهار صورت دارد و به عقیده ماکروبیوس عدد چهار کنایه از چهار بادی است که در جهان می‌وزد و تحت حکومت وی قرار دارد. اخیراً فستوژیر^۵ از آباء مسیحی و متخصص ادبیات باستانی اروپا، در تحقیقی که در باب ادیان هرمی اروپا کرده نظرات مسالا را موافق با عقاید ارسطو در این مورد می‌داند، این نکته ما را به کنجکاوی در باب

1. Bes
4. Messala

2. Caducee
5. R.P. Festugiere

3. Esculape

تصوری که فلاسفه یونان در مورد ائون داشتند، می‌کشاند. لفظ ائون اساساً به معنای شور و جنبش و نیروی حیاتی است. جوهر ائون مفهوم حیات است. از طرفی متراff آسمان و جهان است و از سوئی دیگر خالق طبیعت است. از خصایص الهی مطلقیت و بیمرگی را دارا است. متنی را که روی مجسمه‌ای از ائون در زمان امپراتوری اگوست حک شده باید در جهت مذکور تفسیر کرد: «این مجسمه به قصد تجلیل از قدرت امپراتوری رم و دوام دیانت ساخته شد.» بنابر سطور مذکور ائون که ماهیت ربانی دارد، آغاز و انجام ندارد، تغییر و تبدیل نمی‌پذیرد و خود آفریننده جوهر ایزدی خویش است.

جبروت ائون به حدی است که قادر به مصادرهٔ نیروی خدایان دیگر نیز هست. در نوشته‌های دینی دیده شده که مردمان به درگاه او دعا می‌کنند. چهره این خدا را روی قطعه‌های سحرآمیز سنگ نمک تصویر می‌کرده‌اند. در نقاشی‌هائی که از ائون به جای مانده‌گاهی اوقات سرش به شکل سر شیر است، در دست چش کرده زمین فرار گرفته و در دست راستش تازیانه‌ای است که به دور آن ماری حلقه زده و دم خود را می‌گزد. معنای نمادین کرده و تازیانه واضح است. غرض از کرده قرص خورشید است و مارکنایه از ابدیت. روی قطعه‌ای از پاپروس که در پاریس نگهداری می‌شود ائون به صورت خدای روشنائی و آتش آمده و از این نظر با هلیوس یکی است و نیز می‌دانیم که هلیوس و میترا هم در واقع خدای واحدی هستند. اما به عقیده فستوژیر^۱ حتی در پاپروس‌های سحرآمیز نباید در بی یافتن مطابقتی میان وجوده‌گوناگون ائون شد. از قرن دوم مسیحی به بعد خدای بزرگ مورد پرستش غیر مسیحیان می‌توانست خدای جهان و یا خدائی که بالای عالم خاکی قرار دارد و یا خورشید یا پروردگار عالم، ایزدی تابع ایزد برین باشد. در هر صورت، برای کسب اطلاع از تصورات مهرپرستان در خصوص ائون، مطالعه نظرات فستوژیر الزامی است.

1. Festugière

تشریف به مناسک و آداب و اسرار

نوچه‌ای که از راه می‌رسید و می‌خواست به جماعت مهری پیوندد ناگزیر از مراعات مراسم تشریف بود. نظیر این مراسم را نزد قبایل بدوى استرالیا و افریقا و امریکا باز یافته‌اند. از نظر قبایل وحشی مزبور ورود به سلک متدينان باید در حوالی سن بلوغ انجام گیرد و آن خود مستلزم آمادگی قبلی و گذراندن امتحانات مشکل است. توفیق در امتحان نمودار جرئت و جسارت و نیروی شخص تازه وارد است. داوطلب چون آمادگی خود را برای گذراندن امتحان اعلام کرد، بدون کوچک‌ترین ترحم از مادر خود جدا کرده می‌شود و مجبورش می‌کنند تا مستقلأً زندگی کند. خلاصه در عنفوان جوانی مردی می‌شود که حقوقی نظیر حقوق سایر همدینان خود دارد و البته به همان اندازه هم بار مسئولیت به گردن او خواهد افتاد. بعد از این مراسم که شاید بتوان مجازاً «غسل تعیید» ش نامید، تازه وارد عضو «انجمن» می‌شود و متقبل می‌گردد که اسرار جمع را با ناآشنايان عموماً و بر زنان خصوصاً فاش نکند.

«آموختگان» همچون اعضای یک خانواده بزرگ هستند که در اوقات عسرت به مساعدت یکدیگر می‌شتابند و به حدائی که قیم آن‌ها چه در حیات خاکی و چه بعد از مرگ در جهان باقی است ایمانی راسخ دارند. (البته این نکته در ادیانی مصدق دارد که معتقد به حیات باقی هستند). آنطور که از ظواهر بر می‌آید، داوطلبی که می‌خواسته وارد جمع مهرپرستان بشود، می‌بایست مدت زمانی «نوآموز» بشود و تعلیمات خاصی را فراگیرد تا آماده مراسم بزرگ

بعدی شود و به همین جهت «نوآموزان» موظف بودند. به مرشد و پیر جماعت مراجعه کنند.

با این وصف ماهیت تعليمات مذکور بر ماروشن نیست. معلوم نیست که به نوآموز اساطیر مربوط به منشأ عالم، آفرینش کره زمین و خلق بشر را یاد می‌دادند و یا سرودهای مقدس یا نغمه‌های لطیف و یا اصطلاحات مربوط به آئین را به او می‌آموختند. با توجه به اهمیتی که در دین مهری به حفظ اسرار داده می‌شد، بعيد می‌نماید که همه مطالب مذکور را به نوآموزان تازه وارد تعلیم می‌دادند. با این وصف می‌توان قبول کرد که مبادی و اصولی که افشاری آن‌ها بدون ضرر می‌نمود، به طریق کم و بیش رسمی به پیروان تازه وارد تعلیم داده می‌شد. اسراری که در مخفی نگاهداشت آن‌ها کوشش می‌شد بیشتر مربوط به مراسم و مناسک مذهبی بوده است.

در این باب نولان^۱ یکی از آباء مسیحی که مطالعات عمیقی در باب آثار باز یافته در مهرکده زیر کلیسا سن کلمان^۲ رم کرده معتقد به وجود مدارسی در آئین میترا شده است. این مهرکده در اعماق زیر زمین ساخته شده و در یکی از اتاقهای یک خانه بزرگ که به سبک رمی بر پا گشته، تعییه شده است. پهلوی راهروی این معبد اتاقکی یافته شده که هفت محراب دارد و برخی تصاویر دیواری هم روی جدارهای آن نقش شده است. نکته‌ای که در اینجا اهمیت خاصی از نظر باستان‌شناسی دارد، این است که در طول سه تا از دیوارها صفة‌هایی از جنس سنگ و گل ساخته شده است. اگر فرضیه نولان را قبول کنیم، هفت محراب کنایه نیایش کرات هفتگانه است و صفة‌ها به کار این می‌آمد که نوآموزان بر روی آن‌ها بنشینند و تعليماتی فراگیرند و به عبارت دیگر از آن‌ها به عنوان نیمکت استفاده می‌شده است. در اینجا باید توضیح داد که تصاویر متفوّش بر دیوار کوچک‌ترین رابطه‌ای با مراسم دین مهری ندارند. اتاق مورد بحث بوسیله دری به راهروی معبد متصل شده است، اما اگر قبول

1. R. P. Nolan

2. Saint - Clement

کنیم که این اتاق مورد استفاده مراسم دینی قرار می‌گرفته، نسبت «حجره درس» به آن دادن مشکل می‌شود. این احتمال می‌رود که اتاق پیش گفته محل تجمع مهرپرستان بوده بدون اینکه در آن درس و بخش تعلیم داده شود. بنابر آنچه گذشت، می‌بینیم که منابع باستان‌شناسی و مدارک موجود نمی‌توانند اطلاعاتی در باب نحوه و ماهیت تعلیمات ابتدائی نوآموزان به ما بدهنند. خوشبختانه در مورد مراسم تشرف و تعالیم اساسی دین مهر اطلاعات وافی داریم و اسرارش بر ما فاش گردیده است. مدرک منبع اطلاع ما دست نوشته‌ای است که در موزهٔ فلورانس محفوظ مانده و ترجمه‌اش این است: «به نام خدائی که زمین را از آسمان، روشنایی را از تاریکی، روز را از شب، جهان را از آشوب، زندگی را از مرگ، نور را از ظلمات و کون را از فساد جدا کرده، با ایمان و ایقانی راسخ سوگند یاد می‌کنم که اسراری را که مرشدان پرهیزگار من سراپیون^۱ و کا (مریون؟)^۲ و همدیان و برادران من بر من فاش کردن، بر ملا نکنم. خدایا و فاداری مرا به سوگند خویش با رحمت خودت بیامیز و لغزش مرا لعنت فرمای». ^۳

قبل از شرکت در مراسم باشکوه دینی، نوآموز می‌بایست سوگند^۴ یاد کند که هیچیک از اسرار را افشا نخواهد نمود. در نسخه خطی مذکور در فوق آمده است که تعلیم مراسم و اسرار به نوآموز توسط دو عضو بلند پایه جماعت مهری یعنی مرشد (= پیر) و منادی انجام خواهد گرفت. بعد از اینکه مراسم پایان یافت، نوآموز به عنوان «برادر» سایر رازآموختگان تلقی خواهد شد و همچون سایر همدیان شأن فرزندی مرشد را خواهد یافت و چنان‌که در متن نسخه خطی آمده مرشد دست‌های وی را ممهور خواهد کرد و خال خواهد کوید تا هویتش معلوم باشد.

با وصف این، روی پیشانی هم خالکوبی می‌شده و مؤید این نکته تصاویری است که بر جای مانده و جای مهر بوضوح نمایان است. تصاویری که

1. Serapion

2. Ka(merion?)

3. Sacramentum

از برخی امپراتوران رم نیز مانده حاکمی از همین رسم است (به کتاب ترتولین^۱ مراجعه شود).

قبل از اینکه مراسم خالکوبی انجام گیرد، نوآموز باید مورد آزمایش‌های دشوار قرار می‌گرفت چند تکه نقاشی در یکی از غارهای ناحیه کاپو^۲ یافته سده که بخوبی نشان دهنده وحشت نوآموز تازه - وارد است.



شکلهای ۵۲ و ۵۳: دو نقش از صحنه تشرف به مناسک مذهبی.

به طوری که در شکل ۵۲ دیده می‌شود، دینمرد مهرپرستان لباس سفیدی بر تن دارد که حاشیه آن سرخ رنگ است. در جلوی او نوچه‌ای کاملاً عربان روان است. چشمان نوآموز با نواری بسته شده و معنای آن این است که هنوز ناتوان از تشخیص اسرار دینی است. همین نوآموز به آهستگی و با تردید در حالی که کورمال می‌کند و فضای را می‌خواهد لمس کند پیش می‌رود و

1. Tertullian

2. Capoue

نمی‌داند که دینمرد راهنما او را به کجا هدایت می‌کند. در تصویری دیگر نوآموز را می‌بینیم که مقابل دینمرد مرشد خود با چشمان بسته قرار گرفته خاضعانه دست‌ها را به هم چسبانده و بهزحمت صدای رهبر معنوی را می‌شنود که حامل شمشیر و یا عصائی است. در تصویری دیگر نوآموز را می‌بینیم که زانوئی را بر زمین نهاده و در کنارش شمشیری قرار گرفته، مرشد در عقب وی



شکل ۵۴: تشرف به رموز.

ایستاده و دستانش را روی سر او نهاده است (شکل ۵۳). اشخاص دیگری نیز دیده می‌شوند که در مراسم شرکت دارند، اما وظیفه آن‌ها در این مجلس بر ما پوشیده است. در جای دیگری نوآموز را می‌بینیم که کوفته و درمانده همچون نعشی روی زمین قرار گرفته اما بزودی زنده شده حیات جدیدی را تجربه خواهد کرد.

ظاهراً رسم دیگری که انجام دادن آن وظیفه مرشد است، این است که می‌باید نوآموز را با فشاری که روی شانه‌هایش وارد می‌آورد، به جلو بیندازد. نوآموز قبل از اینکه در اثر فشار بر زمین بیفتد شخص ثالثی آغوش خود را باز می‌کند و او را می‌گیرد و نجاتش می‌دهد. در تصویری دیگر دینمرد مذکور را

می‌بینیم (از رنگ سرخ لباس او پی به ماهیتش برده‌ایم) در حالی که مشغول انجام دادن رسم دینی مخصوصی است و تفسیر و تأویل آن برما مشکل می‌نماید. در دست او شمشیر یا عصائی است و پهلوی آن شیئی مدور دیده می‌شود (شاید قرصی نان و یا تاجی باشد) که روی زمین مقابله نوآموز نهاده شده است. نوچه زانو بر زمین زده و دست‌ها را زیر چانه بهم چسبانده است، مرشد در پس او فرار گرفته و با پای خود به پای او فشار می‌آورد (شکل ۵۴). پدر یا مرشد در پشت نوچه با شمشیر خود چه می‌کند؟ متنه مربوط به

قرن چهارم بعد از مسیح اطلاعاتی در این باب به ما می‌دهد.

نویسنده متن مزبور بعد از این که از جار خود را از عدم مخالفت نوچه‌ها نسبت به بستن چشم‌ها یشنابر ارز می‌کند، چنین می‌گوید: «مچ دو دست برخی از این نوچه‌ها را با روده مرغ می‌بنند و سپس آن‌ها را به میان برکه‌های آب پرتاب می‌کنند شخصی به آنان نزدیک می‌شود و به ضرب شمشیر روده مرغ را می‌درد و به همین دلیل نام آزاد‌کننده به او اطلاق می‌شود.»

اضافه بر تصاویری که در کاپو یافته شده، منابع دیگری وجود دارند که از امتحانات گونه‌گون مربوط به ورود به سلک مهری‌ها سخن می‌رانند. سویداس^۱ که در قرن نهم مسیحی لغت نامه‌ای نوشته و به یادگار گذارد، ذیل واژه «میتراء» می‌گوید: «هیچکس نمی‌تواند بر اسرار دین مهر آگاهی یابد مگر به شرطی که یک سلسله امتحان بگذارند و ورع و تقوای خود را بنمایند و از بوته آزمایش سر بلند بیرون آید.» در این مورد داستان‌های وحشت‌انگیزی به دو امپراتور رم کمد^۲ و ژولیانوس^۳ (قرن چهارم بعد از مسیح) نسبت می‌دهند. گرگواردو نازیانز^۴ (قرن چهارم مسیحی) بر ضد ژولیانوس خطبه‌ای ایراد کرده و در آن ژولیانوس را به این علت که «به مناسک مهر پرستان و مهر آتشین زدن بر بدن نوآموختگان» احترام می‌گزارد، سرزنش کرده است.

1. Suidas

2. Commode

3. Julien

4. Gregoire de Nazianze

راهبی به نام نونوس^۱ که در قرن ششم و هفتم مسیحی می‌زیسته در باب «مسئله گذراندن امتحانات گوناگون در دین مهری» که گرگوار از آن سخن گفته بود. چیزهای نوشته ولی بیشتر آن‌ها خیال‌بافی و از حقیقت به دور است. به گفته او «در دین مهری، نوآموختگان بعد از توفیق در یک سلسله امتحانات به اسرار مناسک مهری متشرف می‌شوند. امتحانات نخستین ساده و آسان و امتحانات بعدی رفته مشکل‌تر می‌شده است. مثلاً مدت پنجاه روز نوآموز را در گرسنگی نگاه می‌داشتند و بدین طریق نیروی مقاومت او را می‌اموزد بعد از آن نوآموزان امتحانات دردانگیزتری را می‌بایست تحمل می‌کردند. بدن آن‌ها را سخت می‌خراسیدند و در همین حال مدت بیست روز آن‌ها را در برف (آب بخزده) باقی می‌گذارند. فقط بعد از گذشتن از چنین مراحلی بود که نوآموختگان به اسرار ژرف دین مهری واقف می‌شدند.»

اسقف شهر اورشلیم موسوم به کزم^۲ که در حوالی قرن هشتم مسیحی می‌زیسته، از صحنه‌های وحشت‌انگیزتری حکایت می‌کند. موافق نوشته‌های او، نوآموز می‌بایست در هشتاد امتحان موفق می‌شده و میان این هشتاد امتحان، به غیر از آزمایش‌هایی که سخن از آن رفت، امتحاناتی نظری «شناکردن به مدت چند روز، خود را در آتش انداختن و زندگی در تهائی و گرسنگی» وجود داشته است. از مطالعه نوشته‌های نویسنده‌گان مذکور احساس می‌شود که اینان اطلاعاتی در باب مهر یافته بوده‌اند، اما نتوانسته‌اند آن‌ها را به درستی تفسیر و توجیه کنند. محقق سوئدی موسوم به ادمسن^۳ در کتابی که پرداخته، اثبات کرده که داغ‌کردن و استعمال مهر آتشین در دین مهری وجود داشته و برخی از نوآموزان این امتحان را گذرانده‌اند. اما در هر حال به هنگام تفسیر متون می‌باید نهایت احتیاط را مرعی داشت. آن قدر هست که میان رسم داغ‌کردن نوآموزان و مهرکده کاروبورگ^۴ انگلستان روابطی پیدا شده است. در سال

1. Nonnus

2. Cosme

3. Edsman

4. Carrawburgh

۱۹۴۹ کاوشگرانی که در معبد مزبور حفاری می‌کردند، نزدیک یک آتشگاه در قسمت جنوبی معبد، به گودال نسبتاً درازی برخورد کردن که شباهت بسیار با یک قبر داشت. اگر این فرض را قبول کنیم که به کمک سنگ‌های یکپارچه مسطح روی این گودال را می‌پوشانیدند، مردی که مجبور به خوابیدن در این گودال می‌شده می‌توانسته این عذاب را در آنجا تحمل کند که نخست گودال را شدیداً گرم کنند و ناگهان به سرد کردن آن پردازنند. در مجاورت این گودال نیمکت کوچکی دیده می‌شود. شیوه ساختمان داخلی این معبد بی‌شباهت با شبستان جنبی معبد سنت پریسک نیست. امانحوضه ساختمان معبد سنت پریسک را فقط به کمک متنی که روی جدار کاسه‌ای که از درون گودالی، نظیر گودال مذکور در فوق ولی عریض تراز آن یافته شده می‌توان تفسیر کرد. این گودال گنجایش دربر گرفتن یک انسان در حالت دراز کشیده را دارد، اما در کاروبورگ در همان اتاقی که از آن سخن رفت، بیلچه‌ای هم پیدا شده که مخصوص بهم زدن آتش است. به همین دلیل این احتمال پیش می‌آید که اتاق مزبور مخصوص داغ کردن نوآموزان بوده است. این نکته را هم ناگفته نگذاریم که بیلچه بازیافته در اتاق نمودار یکی از صفات منسوب به شیر، و خود شیر نماد آتش است. شاید هم گودال مزبور به کار تظاهر به مرگ و تمرین تدفین مرده و رستاخیز مجدد او می‌خورده است. مطابق این فرضیه، ماهیت مرد خسته و کوفته‌ای که روی تصویرهای بازیافته در کاپو دیده می‌شود و در متن مشکوکی که لامپریدیوس^۱ در باب کمد امپراتور رم نوشته توجیه پذیر خواهند شد. در این متن چنین آمده است که کمد «با وارد کردن قتل نفس در جزء مراسم دین مهری مذهب مهری را آلوده کرد، چون عادت بر این بوده که گفتن و القا کردن تقلید از یک چیز (مثلاً قتل نفس و تدفین) در دل بیننده و حشت بیفکند.» در گودالی که در ناحیه کاروبورگ پیدا شده مقادیری استخوان گوسفند و بز هم دیده‌اند و این خود به خاطر آورنده موقعیت و

1. Lampridius

وضعیت مهرکده (البته معلوم نیست که واقعاً مهرکده بوده است) دل ترناوات^۱ واقع در ناحیه اُستی است که در راه روی مرکزیش بنائی دیده می شود که شبیه قبر است و مجاور آن روی یک کاشی تصویری از یک خوک دیده می شود. این است که به علت عدم اطمینان در مسائل مزبور باید با حزم و احتیاط بسیار سخن گفت. اما اطلاعاتی که از حفاری ها مستفاد می شود، یقین انگیز نیستند و به متون موجود هم نمی توان کاملاً اعتماد کرد. بنابراین، باید به فرضیه پناه برد و دست توسل به نیروی تخیل دراز کرد.

بعد از انجام دادن فرایضی نظیر غسل و تطهیر و مدتی روزه گرفتن و امساك کردن نوآموز به پایان محتن امتحانات خود می رسد. می دانیم که تا به حال نوآموز سوگند یاد کرده مُهری آتشین بر روی دستان یا پیشانیش خورده و دست راست^۲ مرشد را فشرده است. امر فشردن دست راست مرشد (پیر) نوآموز را به مقام هم مسلکی^۳ پدر می رساند و امر سوگند یاد کردن باعث می شود که نوآموز در سلک مردان خدا درآید. در این باب بهتر آن است که متن بسیار جالب توجهی را که در میدانی در رم موسوم به شان دومارس^۴ زیر ساختمنی که امروز موسوم به «اداره مُهرداری پاپ^۵» است، یافته شده نقل کنیم. روی دیوارهای نمازخانه این معبد تصاویری از ستارگان و هلال های کوچک ماه دیده می شود. در اواسط قرن سوم مسیحی در درون این نمازخانه مراسم مذهبی مهری انجام می گرفته است. بانی این مهرکده شخصی موسوم به پروفیکتیوس^۶ بوده که خود رتبه پدر مقدس داشته و روزگشایش معبد فوق اشعار ذیل را سروده است:

«این محل سعادتبخش و مقدس و جایگاه پارسایان و نفع آن عام است.

سفارش بنای آن را میترا به پروفیکتیوس پدر اسرار و رموز دین کرده

1. delle tre navate

2. Junctio dextrarum

3. Sundexioi

4. Champs de Mars

5. Cancelleria

6. Proficentius

است تا برای مراسم مذهبی غاری حفر کند. پروفیکتیوس با ایمان بسیار کار می‌کند و وظیفه خود را انجام می‌دهد. اجرای این وظیفه در مذاق او مطبوع است، چون میترا همراه اوست. پروفیکتیوس امیدوار است که نوآموختگان به عهد و میثاق و نذر و نیاز خود پیوسته و فادار بمانند. گوینده این اشعار پروفیکتیوس رتبه پدر شایسته مهرپرستان را دارد.»

در اینجا باید توضیح داد که ببروی سنگنوشه حامل شعر مزبور دو برگ خرما دیده می‌شود. نظری متن مزبور را در معبد سن کلمان یافته‌اند و نویسنده آن باز یکی از پدران دین مهری است. روی متن سن کلمان چرخ خورشید و برگ نخل دیده می‌شود که نماد خورشید شکست ناپذیر است. این را هم بگوئیم که فرمان ساختن معبد را پروفیکتیوس در خواب از میترا دریافت کرد. در اینجا سؤالی پیش می‌آید و آن این است که در جمله «... اجرای این وظیفه در مذاق او مطبوع است» (البته در متن لاتینی آن) فاعل مجھول است. یعنی معلوم نیست که پروفیکتیوس این وظیفه مطبوع را انجام می‌دهد و یا این میترا است که با حق شناسی از کار پروفیکتیوس به او پاداش می‌دهد.

آنچه در منظمه فوق جالب توجه است مصراع هفتم است که می‌گوید: «نوآموختگان هم مسلکان من هستند.» این جمله به کرات در مهرکده‌های دور ارپوس دیده می‌شود و این نتیجه از آن استخراج می‌گردد که اصطلاح «هم مسلک» چه در غرب و چه در شرق در هر دو منطقه مستعمل بوده است. اما اصطلاح مزبور به شکل دیگری در نوشته‌های فرمیکوس ماترنوس^۱ ستایشگر دین مسیحی (اواسط قرن چهارم بعد از مسیح) هم دیده می‌شود که می‌گوید: «نوآموخته هم مسلک پدر بزرگوار در مراسم دزدی گاؤ شرکت می‌کند.» آن کسی که گاؤ را دزدیده میترا بوده است و هم اوست که چون با ایزد خورشید پیمان بست، به نشانه وثیقه دست راست او را فسرد. نوآموخته‌ای که در مراسم

1. Maternus Firmicus

دین مهری شرکت می‌کند، در واقع از حرکات میترا تقلید می‌نماید، چون با بلند کردن دست راست، که خود عادتی است ایرانی (بنا بر نوشتہ دیودور^۱) در واقع قراردادی می‌بندد و سوگند خویش را تأیید می‌کند. متنی که در زیر عمارت مُهرداری پاپ در رم یافته شده، متذکر می‌شود که نوآموختگان با بلند کردن دست راست خود، با شوق و شعف، قسم باد می‌کنند. سوگندی که در حیات خاکی معتبر است، در حیات باقی هم خواهد ماند و اثرش حفظ خواهد شد.

1. Diodore XVI,43

درجات هفتگانه تشریف

بعد از آنچه ذکر شد رفت، این سؤال پیش می‌آید: نوآموخته تازه واردی که بعد از توفیق در امتحانات گوناگون و یاد کردن سوگند به محفل مهری‌ها وارد شده است، آیا در تمام مدت عمر عضو ساده این جمع باقی می‌ماند و یا به مناصب عالی تری در هرم اداره امور نیایش ارتقاء می‌یابد؟ قدر مسلم این است که طبقه متوسط مهری‌ها در سلسله مراتب شعائر و مراسم دین ترقیع رتبه نمی‌یافتد و علتش هم این بود که اینان یا جدیت بسیار در راه خدمت به پروردگار خود به خرج نمی‌دادند و یا این که معلومات لازم و واقعی نداشتند و یا ثروت کافی در اختیارشان نبود تا از مراحل هفتگانه عبور کنند و به درجه پیران (مرشد مرشدان) تعالیٰ یابند، اما کسی که موفق به کسب معلوماتی در زمینه الهیات و نجوم و علم رمل و طالع می‌شد که در مراسم نیایش ایزد نهایت ضرورت را داشت یا به عبارت دیگر کسی که واجا، شرایط لازم می‌گشت، می‌توانست متدرجاً و متواالاً به درجات کلاخ^۱، همسر^۲، سرباز^۳، شیر^۴، پارسی^۵، پیک خور شید^۶، پیر^۷ برسد:

منبع اطلاعات مزبور دینمردی (کشیش) است مسیحی که در فرون چهارم و پنجم مسیحی می‌زیسته و از آباء کلیساي عیسوی بوده و ژرم^۸ نام داشته است. صحت این اطلاعات را سنگ نوشته‌ها و کشفیات مهمی که در

-
- | | | |
|----------|------------|----------------|
| 1. Corax | 2. Nymphus | 3. Miles |
| 4. Leo | 5. Perses | 6. Heliodromus |
| 7. Pater | 8. Jérôme | |

شرق و غرب شده، تأیید کرده است. آنچه از آثار و مدارک بازیافته بر می‌آید دلیل این است که سلسله مراتبی مبتنی بر هفت مقام در تمام امپراتوری رم جاری و معمول بوده است. از همان آغاز تحقیق در مراحل هفتگانه فوق، نکته‌ای باعث تعجب می‌شود و آن این است که زبان مورد استعمال مهری‌ها زبان یونانی است، چه در مراسم دینی و چه در نامگذاری مقام‌های هفتگانه. این نکته را هم تذکر بدھیم که نام مقام موسوم به «پارسی» اشاره واضحی است به منشاء خارجی دین میترا. القاب کلاع و شیر منشاء بسیار قدیم تری دارند و حتی در تمدن یونان نیز دیده نمی‌شوند و قبایل بدواری عصر ما هم از آن بی‌خبرند. صاحبان این مناصب معمولاً تغییر شکل و لباس می‌دهند و تصاویری هم که از آن‌ها بر جای مانده در واقع تصویر شکل «تغییر یافه» آن‌هاست. شخصی به نام آگوستن دروغین^۱ توصیفی از اینان کرده که بسیار جالب توجه است. بنابرگفته او برخی از این بلندپایگان دین مهری مثل کلاع پر و بال می‌زنند و از صدای آن تقلید می‌کنند و بعضی دیگر درست مثل شیر می‌غرنند. دو کتبیه در رم یافته شده که از لقب و منصب دیگری به نام کریفیوس^۲ نام می‌برد. کتبیه اول مربوط به سال ۳۵۸ پس از مسیح است و دیگری متعلق به سال ۳۶۲ هر دو کتبیه مشعر بر این هستند که نونیوس ویکتور ایمپیوس^۳ و ارلیوس ویکتور اوگنتیوس^۴ که هر دو از پیران دین مهری هستند، به برخی از اعضای جماعت مهری، ترفیع رتبه خاصی داده‌اند. غرض از این رتبه خاص مقام کریفیوس است که ذکر شد یايد. این دو کتبیه اهمیت اساسی دارند، چون تنها مدارکی هستند که از رتبه و لقب مزبور نام می‌برند؛ و اکتشافات دیگری نشده تا وجود آن را تأیید نکند. عنوان کریفیوس (به صیغه جمع در لاتین کریفی ای) ^۵ باعث تفاسیر متعدد شده است. برخی کریفیوس را به معنای کرکس گرفته‌اند (در یونانی گروپس^۶) و

1. Pseudo - Augustin 2. Cryfios 3. Chryfios

3. Nonius Victor Olympius

4. Aurèlius Victor Augentius

5. Cryfii

6. Grups

یکی از مقام‌ها به شمارش می‌آورند، دسته دیگر مفسران لفظ فوق را یونانی و به معنای مخفی و پوشیده می‌دانند. تفسیر اول از نظر علم ریشه‌شناسی (= اشتراق) غلط است. دسته دوم دلیلی در تأیید مدعای خود دارند و آن این است که دارنده منصب نمفووس (= همسر) روی یکی از شمایل‌های کلیسای سنت پریسک تصویر شده و حجابی بر تن دارد، و این تصور را در بیننده ایجاد می‌کند که همچون یک همسر با میترا یکی خواهد شد و ازدواجی عرفانی میان آنان بر پا خواهد گشت.

اخیراً پرسور ث. و. فلگراف مقاله‌ای نوشته و این مسئله را به نحو تازه‌ای مطرح کرده و میان دو لفظ نمفی ای^۱ و کریفی ای تشخیص قاطع نموده است. به عقیده او نمفووس‌ها همسران میترا‌ایند و کریفیوس‌ها مهری‌هائی هستند مستور و مخفی که به علت تازه‌کار و جوان بودن و نه به دلیل عضویت سرّی در محافل مهری هنوز حق شرکت در مراسم مهرمانه دین مهر را ندارند. نظری این رسم را در عرف کروپتوی‌های^۲ (مستوران) اسپارت می‌بینیم که مجاز به راه یافتن در مراسم دینی نبوده‌اند. بنابراین «مستوران» کسانی هستند که هنوز رسمًا وارد مجمع مهری‌ها نشده‌اند، ولی در کتبیه دورالارپوس از اینان همچوzen ایمید^۳ جماعت مهری یاد شده است. عرف بر این بوده که «پیران» (پدران) مهری جشن مجللی ترتیب می‌داده‌اند و نوجوانان تازه‌وارد را به پیشگاه میترا معرفی می‌کرده‌اند. مدارک مربوط به زمان موردنظر نشان می‌دهند که این کریفی‌ها (مستوران) از نوجوانان نوحاسته تشکیل می‌شده و گاهی به کودکان هم اجازه شرکت در نیایش را می‌داده‌اند.

پورفیریوس (نویسنده قرن سوم میسیحی) مدعی است که سه مقام نخستین (از مناصب هفتگانه) از خدمتگزاران^۴ ترکیب یافته و فقط متشرfan رده‌های عالی سلسله‌مراتب در مراسم شرکت می‌جستند. از گفته نویسنده

1. Nymphii (Nymphus) (صیغه جمع از

2. Kruptoi

3. Elpides: واژه یونانی به معنای امید به صیغه جمع است.

4. Uperetountes

مزبور چنین برمی‌آید که این محتشمان مهری در مراسم طعام مقدس و دسته‌جمعی شرکت می‌کردند و اشخاص متعلق به درجات پائین وظیفه خدمتگزاری را متنبل می‌شدند. گفته‌های پورفیریوس با اطلاعات بازیافته در کاوش‌های باستان‌شناسی مطابقت نمی‌کند. قربانگاهی در مهرکده واقع در ناحیه پتو (بوجسلاوی) (شکل ۳۴) یافته شده که در دو طرف آن سل و میترا قرار گرفته‌اند و سیخی به دست دارند که تکه‌های گوشت به آن چسبیده، و شکل کلااغی که پروازکنان به سوی طعام می‌رود، کشیده شده است. چون در مراسم دین مهری دارنده درجه کلااغ تقليد این پرنده را در می‌آورد، به این دلیل کلااغ هم در تصویر مجلس طعام دیده می‌شود. عکس این منظره را در ناحیه دورا می‌بینیم که کلااغ سیخ گوشت را به میترا و سل که در ضیافتی حضور دارند تعارف می‌کند. بنابراین، کلااغ در اینجا واقعاً وظیفه خدمتکار را به عهده دارد.

نقش بر جسته یافته شده در ناحیه کونجیک (شکل ۳۸) و نقش‌های دیواری سنت پریسک مربوط به مجلس ضیافت هم کلااغ را همچون خدمتکار ترسیم کرده‌اند. این نقش دیواری روی دیوار سمت چپ مهرکده قرار گرفته‌اند. نتیجه‌ای که از آن می‌توان گرفت، این است که کلااغ بهترین خدمتگزار است، اما در عین حال می‌تواند در مراسم هم شرکت کند. عکس این نکته هم در مورد کسانی که در مراسم شرکت می‌کنند صادق است. روی قشرهای فوقانی و تحتانی نقوش دیواری سنت پریسک، دسته‌ای کم ویش منحصراً مشتمل از شیران دیده می‌شود که پیشکش به دست به سوی میترا روانند و بنابراین موظف به خدمتکاری هستند. مؤید این نکته مطلب کتبیه‌ای است که در شبستان مهرکده مشرف بر رود آواتن آمده: «ونوستوس^۱ دینمرد و پیر آئین مهر و بندگان خدا» که در میان آنان شیران هم به چشم می‌خورند، این کتبیه را وقف میترا کرده‌اند و مؤید آن کتبیه دیگری است که در همین معبد یافته شده است. مثال این امر در کلیسای کاتولیک هم هست که گاهی دینمردان وظایف

1. Venustus

روحانیان دونپایه‌تر (مثل مقام شماس)^۱ و حتی هر آدم^۲ تعمید یافته بالاتر از هفت سال هم آن را انجام می‌دهند.

کاوشهایی که اخیراً انجام گرفته، ماهیت مناسک مهری را روشن تر کرده است. در این باب خصوصاً مهرکده‌های اُستی و سنت پریسک گرانبهاترین اطلاعات را فراهم آورده‌اند.



شکل ۵۵

در ناحیه اُستی علائم مشخص هر درجه (منصب) روی مو زائیک نقش شده است. در مهرکده سنت پریسک صاحبان درجات مختلف دیده می‌شوند و مشخصات ویژه آن‌ها هم ترسیم شده است. میان این اسناد منقوش و اطلاعات کتبی نادری که در دست هست، می‌باید رابطه ایجاد کرد تا حقیقت امر بهتر روشن گردد.

کلام

در اسطوره قربانی گاو، کلام همچون منادی است؛ مبشر اوست و پیام پروردگار را همو به میترا می‌رساند و در واقع نقش مرکور را دارد که پیک خدایان بوده است. به همین علت علامت مخصوص او چوبی^۳ است که به دور آن دو مار چنبره زده‌اند و این چوب همان عصای سحرانگیز هرمس - مرکور

1. Diacre

2. Metexon

3. le Caducée

است. روی مو زائیک بازیافته فنجانی هم دیده می شود. در مهرکده سنت پریسک صفحه از اصحاب هفت درجه مختلف دیده می شود، اما متأسفانه در ردیف حاضران، شکل کلاع محو شده و فقط آثار آن بر جای مانده و این جمله را می توان خواند: «درود بر کلاع باد که مرکور حافظ اوست.» ناگفته نماند که کلاع نماد هواهم هست و متشرfan درجه کلاع مجبور به انجام دادن مناسک تشریف متعلق به این عنصر هم بوده اند.



شکل ۵۶

نام لاتینی این مراسم کُروینا^۱ یا کروسیناسکرا^۲ است. بعد از انجام دادن این مراسم، تازه وارد ملقب به «کلاع مقدس»^۳ می شود. صفت «مقدس» به ارباب سایر مدارج دین مهری هم اطلاق می شود، بخصوص به پیر یا پدر که مرشد جماعت است. کلاع به هنگام اجرای وظایف مربوط به منصب خود، نقاب کلاع به صورت می زند (شکل ۳۷).

همسر

یک فرسک موجود در معبد سنت پریسک شکل نمفووس یا همسری را

1. Corvina

2. Coracina sacra

3. Ieros Korax

نشان می‌دهد که با تکه پارچه‌ای سرو روی خود را پوشانده و در کتیبه‌ای بالای سر او نوشته‌اند که نمفوس تحت حمایت ستاره و نوس قرار دارد.
بدبختانه تشخیص این که نیمرخ متقوش در مهرکده ^۱ استی که آینه‌ای به دست دارد متعلق است به آفرودیت^۱ یا نمفوس غیرممکن می‌نماید. در پرستشگاه دورالارپوس شانزده نمفوس یافته‌اند. این همسران که از جنس مذکور هستند (چون می‌دانیم که زنان حق شرکت در نیایش راندارند) به دستیاری پدر به عقد می‌ترادر می‌آیند. آن طور که از ظواهر بر می‌آید این ازدواج اگرچه صبغه و ماهیت عرفانی دارد، اما مانع همسری واقعی نمی‌شود.

در مراسم تشرف به اسرار امر فشردن دست راست به علامت وفاداری، نقش مهمی را به عهده دارد. این رسم چه نزد ایرانیان و چه نزد رومی‌ها جاری بوده و گاهی اوقات تصویری از آن را روی مقابر یا ضریح‌های رومی می‌بینیم. نوشته‌ای که از مورخی به نام فیرمیکوس ماترنوس به جای مانده، از نظر امر مذکور در فوق غالب توجه است. اما متأسفانه سطرنی که مشتمل بر اطلاعاتی در باب می‌تراست خوانا نیست. اگر واژه نخستین آن جمله را آیده^۲ بخوانیم معنای آن این خواهد شد: «نمفوس بخوان». ولی اگر واژه مزبور را آیده^۳ بخوانیم معنای زیر مستفاد می‌شود: «نگاه کن، نمفوس. درود بر تو باد ای نمفوس درود بر فروغ نو».

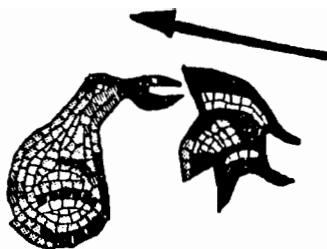
مؤید تفسیر اخیر لفظ چارقد بزرگ (ولوم^۴) است که رومی‌ها در مراسم ازدواج سر و گیسوان را بدان می‌پوشانیدند. برخی محققان فرض کرده‌اند که همسر در هنگام مخصوص روبند یا چارقد را به کنار می‌زده تا رخسار خویش را به جمع مهرپستان بمناید. به قول آپوله^۵ مراسمی نظیر رسم مزبور برای ایزیس اجرا می‌شده است. در این صورت واژه آیده (آواز می‌خواند) مبین این خواهد بود که به مناسبت شب زفاف نمفوس سرودی

1. Aphrodite

2. aidé

3. Ide

4. Flammeum Velum یا Apulée



شکل ۵۷

می خوانده است.

موزائیکی در ناحیه اُستی پیدا شده که آسیب زمان دیده و معرف این است که علامت ممیّز همسر مشعل و چراغ بوده است. مشعل چراغ شب زفاف است و آن خود نماد فروغ نوین^۱ است که پیوند استوارتری با ایزد خورشید یعنی میترا دارد. بعد از این که همسر بر اسرار دین وقوف می یافت، معبد را چراغانی می کردند. البته چنین ادعائی را نمی توان اثبات کرد، ولی به نظر من با توجه به این که همسر قبل از اجرا کردن مراسم دین مجبور به ترکیه روح و جسم بوده (در این مورد تابلو موژه واتیکان موسوم به نوتسه آلدوبراندینی^۲ دیده شود) نمفوس نمودار عنصر آب است.

سرباز

میترا خدائی است شکستناپذیر و در اوستا آمده است که میترا در میدان نبرد باعث پیروزی یاران خود می گردد. اوست که در راه چیرگی بر شر پیکار می کند و هم اوست که همچون دستیار ایزد نیکی فاتح خواهد گشت.

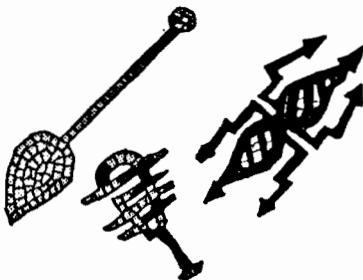
واقع این است که هر یک از پیروانی که متشرف به اسرار می‌شوند در جرگه رزمندگان^۱ راه ایزد وارد می‌گردند، اما تشرف خاص به درجه «سرباز»^۲ و اجرا کردن مراسم تحلیف، عضویت متشرف را برای همیشه مسجل می‌کند و رسمیت می‌بخشد. تصوری که مهری‌ها از سرباز داشتند، تصوری واقع‌بینانه بود. سربازی که در مهرکده سنت پریسک نقاشی شده لباس قهوه‌ای رنگ بر تن دارد و روی شانه چپ توپرهای نهاده شده است. توپره و نیزه و کلاه خود علامت ممیز سرباز هستند و منقوش بر روی کاشی‌بی دیده می‌شوند که در ناحیه استی یافته شده است. سرباز تحت حمایت مارس خدای پرخاشجو قرار گرفته است. در برخی متون آمده که مارس وارسته و پارسا و درستکار بوده است.

کلاح و نمفوس نشان دهنده آب و باد هستند، سرباز معرف عنصر خاک است و شیرگوبای عنصر آتش. با این وصف در این که آیا سرباز بوسیله عنصر زمین غسل تعیید می‌یافته سند قطعی در دست نیست و حکم نمی‌توان کرد. اما در آنچه مربوط به تشرف سرباز است به مراسم و آئین مرحله سربازی. ترتولین حکایت ابهام داری از خود به جای گذاشته و می‌گوید که «میترا بر پیشانی سربازان خود مهر می‌زند». اگر غرض ترتولین از واژه سرباز همه جماعت مهرپرست نباشد می‌توان از جمله مذکور چنین نتیجه گرفت که کسانی که به رتبه سربازی ارتقاء می‌یافتد مهر بر پیشانی آنان زده می‌شوند. در جای دیگر نیز ترتولین از مراسم تشرف به رموز منصب سربازی یاد می‌کند و چنین می‌نویسد: «مراسم مخصوص در غاری انجام می‌گیرد که ظلمات مطلق است، سربازان در این غار می‌ایستند، از نوک شمشیری تاجی آویخته‌اند و این تاج باید به سر یک یک سربازان گذاشته شود. اما عرف بر این است که این سربازان با دست خویش تاج را پس می‌زنند و آن را روی شانه خود می‌لغزانند و بدین طریق اعلام می‌کنند که در واقع میترا تاج سر آن‌ها است. بعد از این مراسم دیگر مراسم تاجگذاری تکرار نمی‌شود و اگر روزگاری از این سربازان تقاضا شد که

1. Militia

2. Miles

سوگند نظامی یاد کنند، اینان می‌توانند مراسم فوق را به مثابه مدرک ارائه کنند و از تحلیف مجدد بی‌نیاز گردند. به محض این که مردی مهر پرست تاج را پس فرستاد و به الوهیت صاحب تاج (میترا) ایمان آورد، به درجه سربازی میترا ارتقاء می‌یابد.»



شکل ۵۸

چنان که دیده می‌شود مراسم و شرایط درست نظیر شرایط امروزین ارتش است. تاج افتخار به سربازی داده می‌شود که یا جان همیهن خود را نجات داده و یا به هنگام یورش اولین کسی بوده که قلعه‌ای را تسخیر کرده و یا سنگر دشمن را فتح کرده باشد. درست همین نحو تکریم و تجلیل نسبت به سرباز مهری در موقع تشریف به اسرار دین اعمال می‌شود. دیدیم که تاج را از نوک شمشیر می‌آویختند و به سرباز پیشکش می‌کردند. ترتولین معتقد است که چنین طرز اعطای تاج در واقع آخرین امتحانی بوده که سرباز می‌گذرانیده و جرئت و شهامت او به اثبات می‌رسیده و این خود به قول ترتولین نوعی تقلید شهادت است. در پائین پای سرباز منقوش بر دیوار معبد کاپو (شکل ۵۳) شیء دیده می‌شود و هیچ بعد نیست که شیء مزبور شمشیری باشد که ترتولین از آن یاد می‌کند. در هر حال، این نکته محقق است که سرباز از گرفتن تاج ابا می‌کند و این کلمات فروتنانه را بر زبان جاری می‌سازد: « فقط میترا تاج سر من است ».

«تاج من متعلق به خدای من است.» درست مثل میترا، سرباز یوغ را به دست و بارش را به دوش گرفته و با انصباطی مطلق و آماده نبرد با نیروهای دشمن است. در دیوار نگاره (فرسک) سنت پریسک سرباز دنباله جامهٔ مردی را گرفته که در جلوی او روان است.

شیر

شیر جامه‌ای بلند به رنگ ارغوان به تن دارد و ترتولین در باب او گفته که طبیعتش خشک و سوزان است. نماد ویژه او بیلچه‌ای است که به کار جابه جا کردن آتش می‌خورد و به همین علت است که به نظر من نقش کسی که روی سنگ فرش موزائیک مهر کده معبد سیل در اُستی دیده می‌شود، شکل یک شیر است. در کاوش‌های پرستشگاه‌های هدرن‌هایم و کاروبورگ یک بیلچه نظیر آنچه شرح شده است. در مهر کده فلی‌سیسیمو¹ واقع در اُستی روی یک موزائیک نقش یک بیلچه یافته‌اند که نشانهٔ میز شیر است و روی همین موزائیک نوعی چنگ هم دیده می‌شود. این آلت موسیقی از مراسم دینی ایزیس و آذرخش ژوپیتر تقلید و اقتباس شده است. ناگفته نماند که نگهدار و محافظ خاص شیر ژوپیتر است.

آتش نماد شیر است و به هنگام اجرای مراسم دینی خاص این رتبه از آن یاد خواهد شد. پورفیر در این باب می‌گوید: «موقع تشرف به آئین به قصد تغسیل و به جای آب عسل بر روی دستان شیر می‌ریزند و این نکته حاکی از این است که دست شیر باید پاکیزه از هرگونه پلیدی و شر و جنایت باشد؛ طهارتی که در شان رhero متشرف است. دست او را با عسل می‌شویند چون آتش که عنصری است پاک کننده، دشمن آب هم است. بر همین منوال زبان شیر را با عسل می‌شویند و بدین طریق آن را از هرگونه گناه مبری می‌کنند».

1. Felicissimo

به موجب این نماد اغلب تصویر شیر را در وضعی خصم‌انه نزدیک یا روی یک کوزه می‌بینیم (شکل ۵۹). در کتیبه‌ای که در ناحیه استکلن^۱ در بلغارستان یافته شده حتی از شیری نام برده‌اند که ملیکریستوس^۲ نام دارد و مراد از این لفظ «کسی است که با عسل تدهین یافته باشد». مطابق نقوش بر جسته‌ای که به جای مانده، روابط شیر و میترا بسیار صمیمانه است و با سگ و مار همراهان میترا را در شکار تشکیل می‌دهد. در مهرکده سنت پریسک دو ردیف شیر دیده می‌شوند که هدایائی به خدمت خدا می‌آورند و در نقش کونجیک (یوگسلاوی) (شکل ۳۷) یک مهرپرست دیده می‌شود که درجه شیری و نقاب شیر بر چهره دارد.

شیران در دین میترا مقامی ممتاز دارند و به این دلیل است که در یکی از تصاویر سنت پریسک، موکبی مشکل از هفت ردیف متشر فان نقاشی شده و در آن ردیف سربازان به ردیف شیران سخت حرمت می‌کنند. نقش شیر در این



شکل ۵۹: کوتس و شیری روی یک ظرف (مخصوص آمیختن آب با شراب).

شکل به طرزی فراموش نشدنی تصویر شده، چشمانی سیاه دارد و غرور از قامت او هویدا است. به جامه‌ او دنباله ارغوانی رنگ تندي دوخته شده است. چون شیر نماد (سمبول) آتش است، احتمال می‌رود غسل تعیید او هم به کمک شعله فروزان انجام بگیرد. مؤید فرض مزبور استراک یک واژه است در کتبیه مهر کده دورا و متنی از پورفیر.

پورفیر از «دم و نفسی صحبت می‌دارد که سوزان و همچون حمامی از تقدس است که حتی مغان نیز باید در آن استحمام کنند». نکته قابل توجه این است که اصطلاح نفس یا دم (در یونانی = آستما¹) را دیوکربیزستوم در داستان فائتون به قصد توصیف دم سوزان اسب گردونه خورشید به کار برده است. دم سوزان این اسب، اسبان دیگر این ارباب را نیز تهییج می‌کند و به تیزروی و امی دارد.

اما از این همه مناسک آتش که چیزی در باب آن نمی‌دانیم می‌توان نتیجه گرفت که غرض از آتش در دین میتراکنایه زدن به آتش سوزی جهان در روز آخرت است. در انجامین روز جهان، رودخانه‌ای آشبار جهان را به سوختن خواهد کشانید. نادرستان در این آتش از میان خواهند رفت و درستکاران در این رود آتش حمام پاک کننده² خواهند یافت. دو متنی که روی قشر زیرین فرسک‌های مهر کده سنت پریسک نوشته شده روابط میان شیر و میترا و آتش سوزی جهان را روشن می‌کند.

در این دو متن، مهری‌ها به درگاه پدر یعنی میترانماز می‌گزارند و از او تمّنا می‌کنند که شیران بخور سوز را در کتف حمایت خود بگیرد. همین شیران هستند که بدان‌ها بخور می‌دهیم تا با سوختن آن ما را سوزند.

نیروی پاک کننده‌ای که در دین میترا به آتش نسبت داده می‌شود، در واقع تجدیدکننده صفات مقام شیر است که از آن موجودی مقدس می‌سازد. در چنین موقعیتی شیر همچون ژوپیتر، غول‌ها را با آذربخش خود می‌کوبد و با

1. Asthma

2. Niptron



شکل ۶۰

میترا بدخواهان را به عقوبت می‌رساند. آتش، شیر را با میترا و خورشید مربوط می‌سازد و اینان با ارابه خورشید ارتباط می‌یابند.

بنابراین جای تعجب نخواهد بود اگر می‌بینیم نقشی دیواری در رم یافته شده که این زمان را در حالی نشان می‌دهد که دم آتشین از سینه خارج می‌کند و یا مجسمه‌ای هم از ائون در شهر صیدا از بلاد افریقا یافته شده که در پس سر او سوراخی دیده می‌شود و به این کار می‌آید که در برخی مراسم دینی در درون آن آتش می‌افروخته‌اند.

در برخی معابد مجسمه شیرهائی دیده می‌شود که شباهت تامی با گوربانان (مستحفظین قبور) دارند.

درست مثل مناصب دیگر، شیر هم روابط خاصی با میترا و لونا دارد که آنرا به وضوح در مقام «پارسی» خواهیم دید.

پارسی

در فرسک‌های سنت پریسک پارسی را می‌بینیم که جامه‌ای به رنگ

خاکستری دربردارد و ایزد قیم او ماه است. همان طور که در باب شیر مشاهده کردیم، وقتی که به پارسی درجه خاص او اعطای شود، دستانش را با عسل تطهیر می‌کنند، اما پرفیر همین رسم را با انداخت اختلافی بیان می‌دارد و چنین می‌گوید: «علت تطهیر دستان پارسی با عسل این است که عسل نگهدار میوه‌ها است.» مراد از عسل در اینجا البته عنصری است که حفاظت از مرگ و میر می‌کند. این نکته را هم نباید فراموش کرد که در قدیم عسل به جای شکر به کار نموده است. پارسیان باستان تصور می‌کردند که عسل از ماه درمی آمده و منی گاوی را که میترا قربانی کرده در ماه جمع می‌شده و در همان جا تطهیر می‌یافته و گیاهان و میوه‌های جدیدی به بار می‌آورده است. به همین دلیل است که ماه همچون نگهبان میوه‌ها قلمداد شده و پارسی نماد آن است. از سوی دیگر، پارسی مناسبات خاصی با میترا دارد. نشانهٔ ممیز وی داس است. در نقش

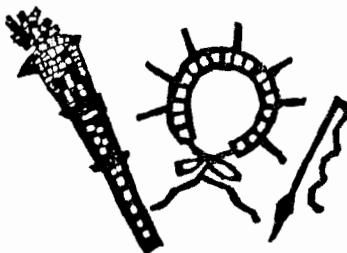


شکل ۱۶: میترا، دروگر ایزدی.

دیواری سنت پریسک پارسی را می‌بینیم در حالی که شاخه‌هایی بلند و شاید خوش‌هایی چند با یک داس به دست دارد. اما داس از متسبات ساتورن هم است و بر نقش دیواری دیبورگ می‌ترآ همچون ساتورن جدید دیده می‌شود. او دروغگری است ایزدی (شکل ۶۱) که خرمن را به خانه می‌برد. خرمی که حاصل مغز و خون‌گاو قربانی شده است. از این نظر، بنابر آنچه مذکور افتد، پارسی از مریدان با وفای خدای خویش است.

پیک خورشید

چنان‌که از نام هلیودروموس پیداست، وظیفه این صاحب منصب در مراسم دین مهری نمایندگی خدای هلیوس - سل است در روی زمین و تحت حمایت وی قرار دارد.



شکل ۶۲

علاوه مشخص او چنان‌که در ^{أُسْتِي} آمده، تازیانه و هاله و مشعل است و چنان‌که در سنت پریسک دیده شد، کره خاک و هاله پرتوافکن است. در مهرکده‌ای نزدیک گرمابه‌های کاراکالا واقع در رم، شخصی را می‌بینیم که جامه‌ای به سبک شرقیان پوشیده و کره‌ای به دست دارد و احتمالاً مبشر خورشید است. هلیودروم عبارت از خورشید است که سوار بر اربه خویش

آسمان را هر روز طی می‌کند و اسباب را می‌تازاند. روزی وی دستور قربانی کردن گاو را داد و کلاغ دستور را به میترا ابلاغ کرد، هلیودروموس پیمانی با میترا بست و به همین مناسبت او را در آغوش کشید و پیش از عروج به آسمان در ضیافتی به همراهی میترا شرکت کرد.



شکل ۲۶

بعید نیست که برخی مراسم متعارف در مهرکده کاراکالا تکرار همین مراسم نباشد. در هر صورت ما فقط در آنچه که مربوط به نقاشی تشریفات دینی معمول در معبد سنت پریسک می‌شود، اطمینان تام داریم. روی دیوار سمت راست این پرستشگاه هلیودروموس دیده می‌شود که در میان جماعت مهری قرار گرفته است. جامه‌ای سرخ به تن دارد و کمربندی زرد روی آن بسته و کره‌ای به رنگ آبی در دست دارد. دست راست خویش را بلند کرده و با آن به پیر سلام می‌کند. خود پیر هم روی تختی نشسته و جامه‌ای و کلاهی فریجی به رنگ ارغوان دارد.

روی دیوار چپ سل و میترا دیده می‌شوند، در حالی که مشغول صرف طعام مقدس هستند. جامه ایزد خورشید و علائم ممیز او درست نظری آن هلیودروموس است. در مهرکده سنت پریسک روی دیوار سمت راست تصویری از هلیودروموس کشیده‌اند که الیته شکوهش بسیار نیست. در دست او

عصای نازکی دیده می‌شود، سرش مزین به هاله‌ای آبی‌رنگ است و به طرف درختی روان است که شاخه‌ها یش پر برگ است و نزدیک آن‌ها مردی ایستاده که جامه‌ای مندرس به تن دارد. محتمل است که این شخص قصد چیدن میوه‌ها را داشته باشد. اگر این ظن صحیح باشد، مرد مزبور «پارسی» است.

پیر

پیر عالی ترین درجه در آئین میترا و نماینده او در روی زمین است و از این رو جامه‌اش نظیر جامه خود میترا است. این صاحب منصب پیر مریدان است و مریدان، خود یکدیگر را به نام برادر صدا می‌کنند. پیر مدافعانافع جماعت مهری است. آمورگار مقدس^۱ اوست و هم اوست حکیم انسان‌پروری که علامت فرزانگیش حلقه و عصای وی است. موبد و دانای بزرگ و دینمرد بزرگوار^۲ هموست و شرعاً از سوی متشرفات به اسرار آئین به این سمت گزیده می‌شود و امور مربوط به تشرف به مناسک را راهبری می‌کند. پدر مسئول انتخاب اعضای جدید است و هم اوست که به کار آشنا ساختن نوادینان به رموز درجات مختلف دین می‌پردازد.

در دوراپوس ظاهرآ قبل از مقام پیر، منصبی به نام آنتی‌پاتروس^۳ (اشتقاقاً: مقام قبل از مقام پاتر: پیر) وجود داشته که مرحله ماقبل ارشاد بوده است. در رم هم منصب پیر رموز^۴ و پیرمعان^۵ وجود داشته است. پیر معان (پدر پدران) در واقع عالی ترین درجه روحانی را داشته، چون در سنگنوشه‌ای چنین آمده: «پدر پدران ده صاحب منصب درجه اول». اور واقع مجسم کننده عالی ترین درجه تقوی و پرهیزگاری است و القاب او هم به ترتیب متقدی^۶، به

1. Magister Sacrorum

2. Summus Pontifex

3. Antipatros

4. Pater Sacrorum

5. Pater Patrum

6. Pius

اعلی درجه متقی^۱ یا مقدس^۲ است. در هر حال اوست که عالی‌ترین مقام^۳ را در سلسله مراتب آئین مهری به عهده دارد. پیر در عین حال صلاحیت کامل در زمینه ستاره‌شناسی دارد و چنین امری باعث تعجب نخواهد شد وقتی می‌بینیم که تمام آئین مهرپرستی مملو از اخترشناسی است و نمونه آن قرار دادن هفت مقام سیر و سلوک و تشرف تحت حمایت هفت ستاره است. قیم پیر ساتورن است و تصویری از او در سنت پریسک یافته شده که روی آن این عبارت منقول است: «درود بر شما ای پدران شرق و غرب که تحت حمایت ساتورن قرار دارید.» در ناحیه اُستی، علائم بازشناساننده پیر عبارتند از: داس ساتورن، کلاه فریجی میترا، یک عصا و یک حلقه که نشانه فرزانگی او هستند.

1. *Pientissimus*

2. *Sanctus*

3. *Dignissimus*



عکس ۱۰- میترا، لوح برنجی، بوداپست.



عکس ۹- نقش بر جسه مرمرین، بازیافته در رومانی در ۱۹۵۸



عکس ۱۱- سمت راست: میترا به شکل خدای زمان، مجسمه بازیافته در ناحیه
مریدا در اسپانیا



عکس ۱۲- میترا به شکل خدای زمان، نقش بر جسته بازیافته در مدنی.

ستارگان و عناصر چهارگانه

گات‌ها یعنی باستانی‌ترین سرودهای اوستا مشتمل بر پاک‌ترین عقاید زرتشت هستند. در این سرودها هیچ اشاره‌ای به ستارگان نشده است. در مقابل، در بخش‌های متأخرتر اوستا اطلاعات مربوط به ستاره‌شناسی جابه‌جا یافته می‌شود و بر اساس این داده‌ها است که می‌دانیم اماشپندان هفتگانه که در حکم دستیاران اورمزد هستند، همانند هفت سیاره قلمداد شده‌اند. تأثیر معتقدات نجومی بر دین ناشی از تأثیر افکار کاهنان کلدانی است. آئین کلدانی -از راه‌های گوناگون - آن قدر در جهان اطراف یونان (یونان بعد از اسکندر) نفوذ کرد که طبیعتاً اثراتی از آن را در دین مهری نیز می‌توان مشاهده نمود. در امپراتوری روم، در برخی محافل فرهیخته، نجوم موضوع بحث و فحص مردمان بود. اما اخترشناسی که به قول فرانتس کومون، «خواهر نامشروع» نجوم است، آلوده به جبری‌گری بود و تمام طبقات مردم بدان معتقد بودند. دو نوشته در رم یافته‌اند که به طور قطع کار مهرپرستان بلندپایه آن شهر است و این دو نوشته به حد کفايت شاهد تأثیر اخترشناسی در دین مهری هستند. اولین نوشته متعلق به تاریخ ۳۸۲ بعد از مسیح است و در میدان سان سیلوسترو^۱، محلی که اورلیانوس^۲ معبد عظیمی به افتخار خورشید افراخته بود، یافته شده است.

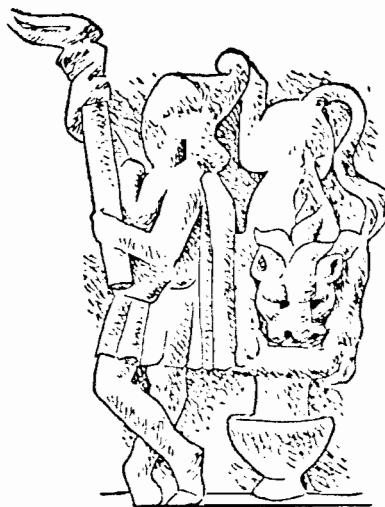
معبد مورد بحث هفت محراب داشته که چهار تای آن مریع و سه تای

1. Piazza San Silvestro

2. Aurélianus

آن به شکل نیمداire بوده است. متن بازیافه به قرار زیر است:

«اندکی پیش از این، ویکتور (جد نوادگان خود) که خود را پیشکش آسمان و ستارگان کرده، با هزینه بسیار معبدی به افتخار خورشید برافراشت. نوهاش که همنام پدربرزگ خویش است و تقوایش بیش از او، غاری بر ساخت. اما رم به داد و دهش تو اعتنا نمی‌کند. مال و منال صرف هدف‌های پرهیزگارانه کردن، فقط بخشنده متقی را فخر می‌بخشد. پس چه کسی غنی‌تر از این وارث صرفه جوست؟ چه کسی ثروتش را با ساکنان آسمان بخش می‌کند؟»



شکل ۵۹

تامزیوس اوگنتیوس^۱ معبد را ساخت و غار را به هزینه خود مرمت کرد. در سال ۳۸۲ گراسیانوس^۲ امپراتور روم فرمانی صادر کرده و طی آن نفعهای را که تا آن وقت وقف ساختن و محافظت اینه دین رسمی می‌شد لغو

1. Tamesius Augentius 2. Gratien

کرده بود. به این علت است که او گتیوس جمله «روم به داد و دهش تو اعتنا نمی‌کند» را در منظومه خود آورده و معرف نوعی اعتراض او به فرمان مذکور است. او گتیوس در منظومه‌اش از ویکتور پدر بزرگش هم یاد می‌کند. ویکتور مورد بحث شخصی است به نام نونیوس ویکتور او لیپیوس که به دلیل نذر و نیازهایش در سال‌های ۳۶۲-۳۵۷ معروف است. او «پدر پدران است و در زمان ارشاد وی، چندین تن از صاحب‌منصبان مهری، به رموز دین تشرف یافتند. چنان‌که از منظومه مذکور بر می‌آید، اوست که بنیادگذار مهرکده‌ای بوده و آن را به آسمان و ستارگان هدیه کرده است. نوشته دیگری هم در دست است که مربوط به سال ۳۷۷ میسیحی است و مردی به نام روپوس کیونیوس^۱ آن را بر ساخته. این شخص صاحب مناصب گوناگون مذهبی بوده و زمانی رهبر رسمی مذهب و دینمرد آئین مهری گردیده است و چون مقام رهبری یافته فخر زندگی کردن در قصر رگیا^۲ را که واقع در بازار رُمانو^۳ است - نزدیک معبد وستا^۴ - دریافته است. منظومه چنین است:

«در خانه‌ای اصیل و مشهور زاده شد، رهبر دین بود و مقرش کاخ سعادت آمیز رگیا، همان جا که از آتش مقدس وستا هم نگهداری می‌شود. اوست فالزن و گرامی پرستنده دیان^۵ سه رخساره. اوست دینمرد بابلی زاده معبد ایرانی میترا. اوست پیشوای عارف آئین سترگ میترا.»
 نکته‌ای که در اینجا بسیار شگفت‌آور به نظر می‌رسد، این است که در اواخر قرن چهارم میسیحی یعنی در همان اواني که آئین میترا رو به تزلزل می‌گذارد، روپوس سنن بابلی را حفظ می‌کند. ولی در صفحات پیشین دیده‌ایم که بابل به میانجیگری مغان، عقاید خاص خود را بر آئین مهری تحمیل کرد و مؤید این گفته نقشی است که در حوالی شهر کنستانس^۶ یافته شده و در آن نیکومد^۷ دیده می‌شود که در حال اشاره کردن به رود فرات است.

1. Rufus Caeionius

2. Regia

3. Forum Romanum

4. Vesta

5. Diane

6. Constance

7. Nicomède

بر دیواره جانبی یک محراب پرستشگاه سنت پریسک نوشته‌ای نظر شده که معنای آن چنین است: یکی از اعضای جمع مهری به هنگام طلوع آفتاب در روز ۲۰ نوامبر یعنی روز ساتورن به آئین دین تشرف یافت. این نوشته به شکل جدول نجومی (زاویچه) است. خورشید و ماه به غیر از وظیفه‌ای که در موقع ذبح گاو به آنان محول گشته، سمتی هم در مراتب سیارات هفتگانه دارند. روی حاشیه نقش برجسته‌ای که در بولونیا یافته شده، سیارات هفتگانه دیده می‌شوند که ژوپیتر در مرکز آن‌ها قرار گرفته و به همین مناسبت سبدی روی سر دارد. در این نقش ژوپیتر همسان سراپیس قلمداد و با او مشابه می‌گردد. چنین تشابهاتی را در مهرکده‌های واقع در گرمابه‌های کاراکالا در رم می‌توان دید. در این اماکن زئوس، هلیوس و سراپیس یکجا گردآورده شده‌اند و به یک نام نامیده می‌شوند. روی نقش برجسته بولونیا سیارات هفتگانه به ترتیب روزهای هفته نظر گردیده‌اند.



شکل ۶۰

نظیر ترتیب مذکور در فوق را باز هم می‌توان یافت؛ مثلاً در ناحیه بریژتیو^۱ در مجارستان اخیراً لوحه زیبایی از جنس برنز یافته‌اند. ولی در حالی

1. Brigétio

که روی نقش برجسته بولونیا، هفته با روز یکشنبه، یعنی روز خورشید آغاز می‌گردد، در نقش برجسته بریژتیو ساتورن نفر اول ردیف است. وقتی که در مراسم نیایش، سیارات به مثابه محافظان ردیف‌های گوناگون ظاهر می‌گردند، نظام ردیف‌ها به این قرار مقرر می‌شود: ساتورن، خورشید، ماه، ژوپیتر، مریخ (مارس)، ونس و مرکور. و از این نظام و توالی می‌توان استنتاج کرد که رابطه میان درجات تشرف و سیارات بعدها وضع شده و متاخر است.

بر حسب فرضیه‌ای که سلسوس^۱ ساخته و رقبیش اُریژن^۲ نقل کرده، هر سیاره‌ای وابسته به یک فلز است؛ مثلاً زر وابسته است به خورشید و مجموع سیارات نوعی نرdbام تشکیل می‌دهند که مقابل هر پله آن دری باز می‌شود. در رأس این درها، در هشتمی قرار گرفته که نماد (سمبول) ستارگان ثابت است. روی موزائیک مرکزی مهرکده هفت سپهر اُستی، هفت در به شکل نیمداire نفر گردیده که همه محیط راهرو مرکزی را اشغال کرده است. در جلوی نیمکت‌ها سیارات مشاهده می‌شوند، در حالی که روی حواشی آن‌ها نشانه‌های منطقه البروج می‌درخشنند. در مهرکده فلی سی موس سطح موزائیک شده راهروی مرکزی هفت در را نشان می‌دهد که معروف هفت مقام هستند. در بخش هشتمی از آن ظرفی می‌بینیم که محصور از خار و خاشاک است، اما در آنچه که مربوط به آئین سلسوس می‌شود، معبد «هفت در» واقع در اُستی، بسیار شایان توجه است. در عقب مدخل حرم معبد استی شکل دری بزرگ نقش شده از جنس موزائیک که حاشیه مرکزی آن به رنگ سیاه و سفید است. سردر آن مزین به نقوش به شکل پتک دوسویه و در طرفین آن سه در کوچک تصویر شده است. مشعلی هم از طاقدیس در اصلی آویخته است (شکل ۶۴). در اینجا نیز سیارات هفتگانه نقاشی شده‌اند.

چنان که دیدیم مراد از هر یک از این حالات نشان دادن تمثیلی روح انسانی است که به اعتباری در وقت تولد و به اعتبار دیگر در موقع مرگ از

1. Celsus

2. Origène



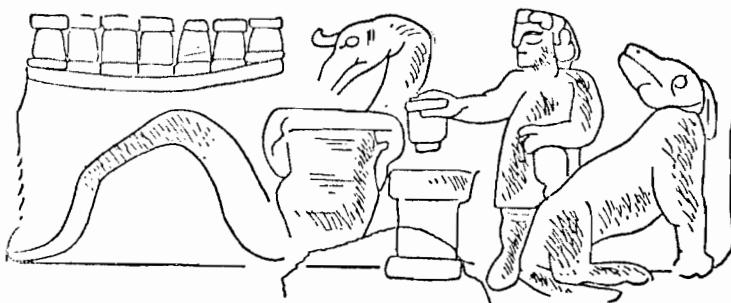
شکل ۶۴: موزائیک درهای هفتگانه واقع در شهر استی.

نردمام درهای هفتگانه بالا می‌رود.
روح انسانی از هر ستاره صفتی اخذ و در هنگام مرگ رهاش می‌کرده
است.

در آئین مهری رقم هفت اهمیت اساسی دارد. روی برخی نقوش
برجسته یافته شده در اطراف رود دانوب هفت سرو (درخت خورشیدنما)
می‌بینیم که به طور متناوب با هفت خنجر جمع آمده‌اند. در بالای نقش برجسته
کلاهی فریجی دیده می‌شود. در مهرکده ناحیه دورا، هفت پله می‌بینیم که به
محرابی مخصوص متنه می‌شوند.

یک نقش برجسته در شهر مانهایم آلمان هست که آثار ابتدائی بودن و
قدمت بسیار از سر و روی آن هویداست. روی آن هفت مذبح نقاشی شده
(شکل ۶۵) که همگی در یک ردیف قرار گرفته‌اند، زیر مذبح‌ها کوزه بزرگی
تصویر شده که ماری تنومند می‌خواهد سر خود را درون آن فرو برد. در
پهلوی آن مذبح کوچک دیگری هست که رو به رویش دینمرد یا شاید پیری
ایستاده است. جامی در دست دارد و می‌خواهد مایع درون ظرف را به کار
مراسم دین بزند. پهلوی او هم سگی ایستاده که همرا و همنشین وفادار می‌ترد

است. روی زمین کاشیکاری شده مهر کده هفت در اُستی نیز کوزه‌ای دیده می‌شود که ماری در حال خروج از صخره، خود را به سوی آن می‌کشد و در سوی دیگر آن کلاغ یا عقابی می‌بینیم که روی آذربخش آشیانه کرده است. گاهی اوقات شیری هم دیده می‌شود که پرخاشجویان پهلوی کوزه‌ای ایستاده و پهلوی کوزه هم ماری غنوده است (شکل ۵۹). نقش بر جسته‌ای در ترو یافته شده که ولادت میترا را نشان می‌دهد و روی آن کوزه و مار و شیر و پرنده و آذربخش یکجادیده می‌شوند. ظرفی از خاک رس یافته‌اند که روی آن نقشی از ضیافت خدایان دیده می‌شود و شیر و ظرف (که ماری متوجه آن است) و کلاغ و خروس نمایانند. مجموعه این چهارتاً احتمالاً نمادهای (سمبول) عناصر



شکل ۶۵: موبد مهری در مقابل قربانیگاه.

چهارگانه آب (ظرف)، آتش (شیر)، زمین (مار) و هوای (پرنده) هستند. می‌دانیم که این عناصر چهارگانه نزد مغان در ایران باستان آن قدر مورد احترام بوده‌اند که نهایت دقیق می‌شده تا به پلیدی آلوده نگردند. در آئین میترا مقامی مهم به این چهار عنصر تفویض شده بود. حتی هیچ بعید نیست که مهری‌ها همان طور که به طریق نمادین (یعنی به طریق سمبولیک) از ابواب هفتگانه سیارات عبور کرده، از چهار عنصر هم گذر کرده باشند.

در آغاز حیات، جهان به هفت دوره بزرگ تقسیم گشته بود و هر کدام از این دوره‌ها مطابقت داشت با تأثیر عظیم یکی از سیارات مشخص. بعدها تحت تأثیر علائم دوازده گانه منطقه البروج، مهر پرستان ناگزیر از قبول کردن دوره‌های دوازده گانه شدند. روی نقش دیواری یا نقوش برجسته مهری بارها به تصاویر بروج دوازده گانه منطقه البروج برخورده‌ایم. درست مثل نقوش فلکی علائم منطقه البروج هم گاهی اوقات روی حاشیه غارهای مهری دیده می‌شود؛ غارهایی که درون آن‌ها قربانی گاو صورت می‌گرفته است. در نقوش قدیمی دوازده برج را دایره‌وار ترسیم می‌کردند که در مرکز آن گاهی میترا به عنوان محافظ قرار داشت و گاهی اصلاً غایب بود. پس می‌بینیم که نقوش بازیافته در ترو و لندن مربوط به زایش میترا هستند. در نقاط دیگر نقوشی یافته‌اند که در آن‌ها دایره‌ای از بروج دور میترا کشیده شده و میترا به صورت خدای زمان ظاهر گردیده است. (عکس ۱۲ در مدنی) محراب نمازخانه جنبی مرکزی معبد سنت پریسک مزین به دایره بزرگی است به رنگ آبی، که علائم منطقه البروج از جنس مرمنما بر آن نقوش است. در نقوشی که خدای زمان ظاهر است، مسیر خورشید در طول منطقه البروج دیده می‌شود.

همان طور که در مورد سیارات دیدیم، در اینجا هم توالی خانه‌های منطقه البروج به طور منظم رعایت نشده است.

نقش برجسته‌ای در ناحیه اپولوم¹ (آلباژولیا در رومانی) یافته‌اند که هدیه یکی از سربازان هنگ سیزدهم سپاه روم به مهر کده واقع در محل مذکور بوده است. روی لبه فوچانی این نقش برجسته اشاره‌ای مبهم به ستارگان شده است. روی این نقش گاوی می‌بینیم درون یک زورق و جلوی آن گاو کوچک‌تری مشاهده می‌شود که در خانه‌ای محصور است. دو بزغاله (حمل) هم دیده می‌شود که روی زمین دراز کشیده‌اند و بزی هم پدیدار است که در حال جست و خیز به سوی یکی از همراهان میترا است. برادر میترا مثل خود میترا

1. Apulum

ملبس به جامه شرقی است و جلوی تختی ایستاده که روی آن ساتورن یا ژوپیتر خوابیده است (شکل ۶۶). روی نقش زیبائی از مرمر که در شهر صیدای سوریه یافته شده، فصول چهارگانه منضم به علامت دوازده گانه منطقه البروج ترسیم گشته. این فصول به شکل کودکان نقش شده‌اند.

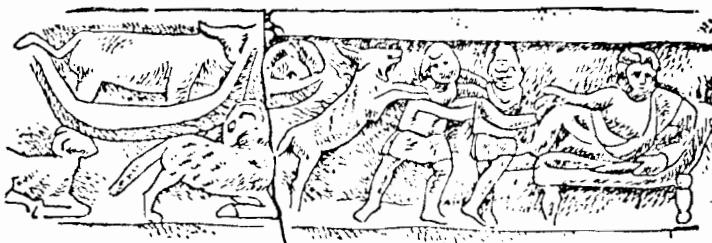
نقش نمایشگر فصل زمستان کلاه دارد و علامت مشخص آن اردک است. پائیز را تاجی است از گل و گیاه و پهلوی آن سبدی از میوه نهاده شده. بهار را به وسیله سبدی از گل نمایانده‌اند. پهلوی تابستان هم تاجی از خوشیده می‌شود و دسته‌ای گندم. روی نقش برجسته‌ای از جنس برنج که در بریزتیو یافته شده، فصول به وسیله چهار شیء مدور در چهار گوشه تصویر نموده شده‌اند. بهار را همچون مردی جوانسال رسم کرده‌اند، تابستان را با صورت زن نموده‌اند، پائیز را به شکل مردی پخته و سرد و گرم چشیده نمایش داده‌اند و زمستان را از ورای زنی لباس پوشیده می‌بینیم. اضافه بر سیارات، ستارگانی را هم می‌بینیم که روی نقش برجسته منقوشند، و زیر صحنه قربانی گاو، شیر و مار و ظرف، آشکارا مشخص هستند (شکل ۱۱).

روی بسیاری از نقوش که صحنه قربانی گاو یا تولد میترا نموده شده، چهار گوشه آن مزین به تصاویر خدایان باد است. خدایان مذکور در گیسوان خویش بال و پر دارند و گونه‌های متورم آنان معرف دمیدن اینان بر روی باد است. در مذبح مهرکده شماره سه کارنوتوس خدایان باد و فصول دور یکدیگر جمع شده‌اند. بخش قدامی نقش مذکور خدای آسمان (کائلوس) رانشان می‌دهد که محاسن انبوه دارد و بهار و تابستان که به شکل دو مرد جوانسال، یکی مزین به تاج گل و دیگری آراسته به خوشة گندم هستند، همراه اویند. روی بخش راست مذبح مزبور سالخوردۀ مردی می‌بینیم با ریش بسیار که ایستاده و روپوشی دارد دراز که روی سرش کشیده و این پیر مرد نماینده زمستان است. پهلوی او خدای باد (اوستر^۱) دیده می‌شود که مشغول دمیدن در شاخی است.

1. Auster

این خدا به شکل جوانی عربان منقوش گشته که بال و پر در گیسوان دارد. بخش چپ پائیز را نشان می‌دهد که معرف آن خوش‌های انگوری است که سر پیرمرد را مزین کرده و همراه پیرمرد، فاونوئوس^۱ باد شرطه دیده می‌شود. دو ایزد دیگر باد اوروس^۲ و سپتانریو^۳ روی بخش خلفی مذبح نقش بسته‌اند.

هرودوت (۱، ۱۳۱) می‌گوید که در قرن پنجم قبل از مسیح ایرانی‌ها به خورشید و ماه و زمین و آب و باد پیشکش می‌داده‌اند. مطالب منقول هرودت بعدها مورد تأیید استرابون^۴ قرار گرفت و در آنچه که مربوط به آئین میترا می‌شود، یکسره واقعیت دارد. مهرپرستان معتقد بودند که روح انسانی می‌تواند از سیارات هفتگانه عبور کند و همین طور می‌پنداشتند که ایزدان باد قادر به تسهیل یا ممانعت از این عبور و انتقال هستند. به این علت است که می‌بینیم در برخی نقوش، گاهی خدایان باد به طرف بالا می‌دمند و گاهی به سوی پائین. چنان که دیده می‌شود عقاید نجومی مهری‌ها در عقاید مربوط به عالم علوی آنان سخت مؤثر بوده است.



شکل ۶۶: نقش اهدانی به میترا که نمودار ساتورن یا ژوپیتر است، نشسته بر روی تخت.

1. Favonius
4. Strabon

2. Eurus

3. Septentrio

مسئله زن

تحقیق در آئین میترا مسئله‌ای را مطرح می‌کند که مربوط به زنان است و آن این است که آیا نمایندگان جنس ضعیف می‌توانستند به فضیلت تشرف به اسرار دین نایل گردند؟ طرح کردن چنین مسئله‌ای برای ما غریب‌هاکه عادت به تساوی حقوق و امتیازات زن و مرد داریم ممکن است عجیب جلوه کند و در این که خدائی منحصرأ به مخلوق مذکور شافتات کند و زنان را متروود، ظلمی عظیم می‌بینیم. اما این نکته را برفور تذکر بدھیم که طرد یکی از اجناس دوگانه بشر در آئین میترا انحصاری مهر پرستان نیست، چون مثلاً اگر در آئین الوزیس^۱ و سی‌بل و دیونیزوس نرینه و مادینه هر دو می‌توانند به رموز دین واقف گردند. بر عکس در برخی مسلک‌ها نظری آئین بُنا دآ^۲ مردان یکسره متروودند و فقط زنان حق شرکت در آن را دارند. پورفیریوس در یکی از صفحات سیار مشکل کتاب خود موسوم به در باب امساک^۳ می‌گوید: سالکانی که در مراسم دین مهری شرکت می‌کنند شیر نام دارند و زنان به کفتار موسمند. این نکته را هم باید اضافه کرد که صفحه محتوی بر مطالب مذکور ابهام سیار دارد. چون قطع نظر از این که در متن منتقل به مرور ایام آشکارا دخل و تصرف شده و مورد اطمینان تام نمی‌تواند قرار گیرد، در هیچ سنگ نوشته و نقش بر جسته‌ای نیامده که یکی از مراحل تشرف مرحله کفتاران است. در حالی که مسئله مدارج تشرف یکی از مسائل دین مهری است و در باب آن اسناد و

1. Eleusis

2. Bona Dea

3. De Abstinentia

مدارک کافی و کامل در دست هست و شک و شباهی در آن باقی نمی‌ماند.
اما ایراد وارد باقی می‌ماند. اگر لفظ هی آینا^۱ (کفتار) به واژه لاینا^۲
(ماده شیر) بدل شده باشد، مانا مادر را در هیچ یک از مراحل گوناگون
سلوک مهرپرستان پیدا نمی‌کنیم. لفظ «شیرزن» را یک بار، آن هم در شرایط
مخصوص می‌یابیم. در دهکده‌گیگاریش^۳ در هفت کیلومتری غرب طرابلس
دو گورستان یافتند که در پهلوی یکدیگر درون صخره‌ای حفر شده بودند.
جدارهای این دو گور اتاق مانند با سلیقه نقاشی شده‌اند و دارای محلی
محراب مانند هستند که در آن قبر واقعی قرار گرفته است.

به وضوح پیدا است که گور مذکور مدفن یک زن و شوهر است و در
مندرجات روی سنگ قبر آمده که نام زن آئیلا آریزوت^۴ و نام شوی آئلیوس
ما گنوس^۵ است. روی سرپوش تابوت تصویر گشته که شوهر لثو^۶ (شیر) بوده و
همسرش لئا^۷ (شیرزن) و این نکته را وجود دوشیر نر و ماده منقوش تأیید کرده
است. بنابر آنچه گذشت آیا می‌توان نتیجه گرفت که قبر مزبور متعلق به یکی از
مهری‌ها است که در سلسله مراتب مقام شیر را داشته است؟ کوچکترین رد پائی
از وجود آئین میترا در ناحیه گیگاریش به دست نیامده و یافتن مقبره مذکور به
هیچ وجه مجاز به نتیجه گیری نمی‌کند.

شاید نقش آدم نزدیک نوشه‌های دیواری مربوط به مردی می‌شود که
مشعل در دست دارد و می‌دود. چنین آدمی را در صفحه شیران منقوش در
سنتریسک رم می‌بینیم.

اگر مرد مورد بحث یکی از شیرمردان میترا است، بدون خطر لغزش
می‌توان قبول کرد که زنش هم درجه شیرزنی را داشته و البته چنین وضعی در
دین میترا حالتی استثنایی و جماعت این شهر اثآ اویین جماعتی است در غرب

1. Hyaina

2. Leaina

۳. در عهد باستان این شهر به *sea* موسوم بوده است.

4. Aelia Arisuth

5. Aelius Magnus 6. Leo

7. Lea

که زنان را در جرگه خود راه داده است. در تمام استناد موجود دیگر فقط صحبت از مردان است و زنان را در مراسم راهی نیست. اگر بر حسب تصادف در سنگ نوشته‌ای نام زنی هم آمده، عنوان و منصب او یاد نگردیده است و به طور کلی این تصور اساسی برای محقق پیش می‌آید که آئین میترا بیشتر برای مردان ساخته شده بود تا برای زنان. براین سیاق دین مهری مفهوم باستانی کلان^۱ (قبيله) را حفظ کرده بود که غرض از آن حفاظت اسرار و انتقال انحصاری آن به گوش مردان قبیله بود، مردی که همچون رئیس خانواده نماینده خانواده هم هست. به این مردان لقب مردان مقدس^۲ داده می‌شد. ترتولین رومی نوشتند که دین مرد اصلی اینان فقط یک بار می‌توانست ازدواج کند. نکات مذکور یاد آور مفهوم کاسته‌های سربسته معان است و رهتمودهایی که اوستابخصوص به رئیس خانواده داده. در یشت (X. ۱۸) آمده: «اگر رئیس خانواده‌ای یا دارنده کاخی، یا صاحب ایالتی و یا رئیس کشوری به میترا دروغ بگویید، میترا خشنماک و آزرده می‌گردد و خانه و قصر و ایالت و کشور را تکه تکه می‌کند». در ادامه همین مطلب ترتولین در جای دیگری از کتابش دقت را به این نکته معطوف می‌کند که در آئین میترا مردان و زنان^۳ بر حسب سنت جاری از آمیزش خودداری می‌کردند و از معاشه جسمانی احتراز می‌نمودند. البته زنان هم به طریق مذکور مجاز به وقف خویشتن در راه میترا بودند، ولی در مراسم دین مجاز به شرکت در مناسک سری نبودند. این ویژگی دین مهری را فقط ترتولین مورخ (که در سال ۲۰۰ میسیحی می‌زیست) نقل کرده است. استاد ث. و. فلگراف در این مورد این پرسش را مطرح کرده که اگر برخی درجه‌داران مهری نظیر نمفووس‌ها که با میترا از طریق ازدواج عرفانی مربوط شده بودند، آیا اجازه ازدواج جسمانی هم داشته‌اند یانه؟ اگر جواب منفی باشد، نمفووس‌هائی که ترفع مقام نیافته بودند، جزء پرهیزکاران (یعنی آمیزش جسمانی نمی‌کردند) به شمار می‌آمدند و به نظر من مشکل فوق

1. Clan

2. Virisacrati

3. Virgines

می تواند تا حدودی حل گردد. از لحاظ مذکور این نکته جالب توجه است که در ناحیه دوراً اکثریت متشر فان از نمفووس ها هستند و در سنت پریسک اکثریت با شیرهای دارند. باز این نکته هم مهم است که همه نمفووس های ناحیه دوراً از دسته پرهیز کاران قلمداد شده اند. اضافه بر این ترفع به مناصب عالی تر در سلسله مراتب تشرف ناسخ تشرفات مسبوق به قبل نیست، و از این لحاظ اسناد مربوط به خانواده کامنیوس^۱ بسیار جالب توجه است. دو کتبیه در شهر رم در محل معبد سی بل در واتیکان یافته اند که یکی از آنها در تاریخ ۱۹ ژوئیه سال ۳۴۷ میسیحی تحریر شده و از طرف شخصی به نام آلتینیوس کیونیوس ژولیانوس وقف آن بقیه مقدس شده است. این شخص، میان وظایف دینی دیگر، مناصب پیر^۲، معلم^۳ و منادی مقدس^۴ را نیز در مراسم دین مهری داشته است. نکته تعجب آور این است که مرد مذبور با اینکه صاحب مهم ترین مناصب دین بوده، با این وصف به سمت منادی بودنش هم اشاره می کند؛ در حالی که این منصب دون پایه و متعلق به کلاعغ است. در باب کامنیوس مذکور این را هم می دانیم که در ۳۸۵ بعد از مسیح (پیر پیران) بوده و موقعی که در آنتیوم^۵ به بخشایش ایزدی پیوسته، باز هم صاحب منصب مذبور بوده است. همسرش بعد از فوت شوی، متن زیر را که بخشی از منظمهای بزرگتر است، روی سنگ گورش نویساند:

«کودکان خردسالت برگور تو ضجه می کنند و همسر مهربان اند و هبار از غیبت وجود تسلی بخشت، همچون یتیمی تنها در بستر عفاف می خسبد.»
 چرا کامنیوس در زمانی که منصب نمفووس داشت و از مقام کلاعغ به منصب «پیر پیران» ترفعی یافت، ازدواج نکرد؟ محقق است که رهروان پرهیزگار عالم‌آ و عامل‌آ از ازدواج پرهیز می کردند، حتی اگر تر تولین نوشته که بنابر فرمان میترا «پیر» نمی توانست بیش از یک بار ازدواج کند.

1. Kaménius

4. Hieroceryx

2. Pater

5. Antium

3. Magister

آئین میترا و قربانی آدمیزاد

هروdot می‌گوید: یکی از عادات ایرانیان باستان این بوده که به عنوان سپاسگزاری از ایزدان ساکن زیرزمین انسان‌های زنده را در خاک دفن کنند. گویا زوجه خشایارشا، آمستریس^۱ هم دوبار هفت نوجوان نجیب‌زاده ایرانی را به طریق مذکور کشته است. برای بعضی این سوال مطرح شده است که اگر این عادت پیش ایرانیان وجود داشته آیا در آئین میترا هم به آن عمل می‌شده است. برخی نوشته‌های باستانی و بعضی اکتشافات ظاهراً عقیده مذکور را تأیید می‌کنند. از این نوع اسنادند نوشته‌های لامپریدیوس^۲ در کتابی که در تذکره احوال گُمد امپراتور رم (۱۹۱-۱۸۰) نوشته می‌گوید: امپراتور مذکور مرتکب قتلی شده و با این جنایت مناسک مهری را آلوده کرده است. دو قرن بعد مردی سقراط نام (قرن چهارم و پنجم مسیحی) که مورخ کلیسا بوده نوشته که همزمان با مناسک مهری «یونانیان مردانی چند را بکشند». اخیراً دانشمند مجار ماسالسکی^۳ آن قتلی را که مورخان قدیم به کمد نسبت داده بودند، به امپراتور ژولیانوس منسوب کرده است.

در اطراف جاده سابق شهر سوپرون^۴ به پترونل^۵ نزدیک قصبه فستوراکس^۶ در مجارستان از درون معبدی مقداری اشیاء عتیقه یافته و دانشمند مذکور طی مقاله‌ای به مناسب کشف مذکور نوشت: پرستشگاه مذبور

1. Amestrис
4. Sopron

2. Lampridius
5. Pètronelle

3. Massalsky
6. Festôrakes

به خدای شکستناپذیر خورشید (میترا) هدیه شده که ژولیانوس سخت بدان گرویده بود. در این معبد اضافه بر مذبح و نقوش برجسته‌ای که وقف آن شده، تابوتی یافتند که پر از استخوان‌های انسان بود.

از این اکتشافات و مقولات حیرت‌انگیز، نویسنده مقاله مذکور این طور استنتاج می‌کند که ژولیانوس شهزاده جوانسال روزی به هنگام لشکرکشی بر ضد دائیش قسطنطینی از محل مزبور می‌گذشت و انسانی قربانی بکرد. استخوان‌های مرد مقتول که تابه امروز مانده گواه وحشتناک این حادثه است. اما این هم هست که نزدیک مدخل مهرکده سن کلمان رم دو آخور از جنس قلوه سنگ یافته‌اند که ریخت تابوت دارد. این کشف اهمیت اکتشاف زاربورگ را ندارد. کشفی که در زاربورگ شد این بود که در ته مهرکده نقش برجسته‌ای از میترا گاوکش یافتند که روی آن جسد مردی سی تا چهل ساله قرار داده شده بود. صورتش متوجه زمین و مج دستانش به وسیله زنجیری آهنین بسته شده بود. بر این حساب اگر قتل مذکور واقعاً نوعی قربانی بوده و در راه میترا شده، ناگزیر تاریخ آن متعلق به قرن‌ها قبل از ممنوعیت قربانی انسان به وسیله تبریوس امپراتور روم است که بخصوص نظرش متوجه قربانی کردن کودکان در مراسم دینی مربوط به ساتورن در افریقا بوده است (ترتولین). آدریانوس امپراتور هم در امر ممنوع ساختن قربانی مداخله کرده و این نکته را پالاس متخصص و متدين به دین میترا ذکر کرده و شاید غرض او از درج این مطلب مبرّی کردن خدای ایران از این گونه اتهامات بوده است. سرانجام ممنوعیت قربانی رسمًا در کتاب قوانین از رساله پولوس¹ مسجل گشت. ولی در آنچه که مربوط به ژولیانوس می‌شود، احتمال این که این شاهزاده قانون ممنوعیت را نقض کرده باشد بسیار کم است. چون بنا به گفته پالاس اعتقاد به امتناع از قربانی دادن کاملاً متوافق با احترام عمیق ژولیانوس نسبت به خورشید شکستناپذیر بوده است.

1. Paulus, V, 23,16

در مورد کمد باید قبول کرد که بر فرض این هم که نقل قول لامپریدیوس صحیح باشد (چون همیشه این طور نیست) و کمد مرتکب قتل نفس شده باشد، خود لامپریدیوس می‌گوید: «در دین مهری متدينان عادت به تفوه به قربانی و یا تظاهر بدان را داشتند، چون غرض آن‌ها ایجاد وحشت بیهوده‌ای بود.» این سنت که نقوش دیواری کاپو ظاهراً مؤید آن است، شاید خاطره‌ای است از قربانی مذهبی که احتمالاً در شرق معمول بوده و در غرب بعد از انتشار مسلک مهری منسوخ گردیده است.

این نکته را باید فراموش کرد که یونانیان و رومی‌ها قربانی کردن انسان را به مثابه اعمال نفرات انگیز و ناشایست برای انسان متمدن تصور می‌کردند و از طرف دیگر برای از سکه انداختن یک مذهب طریق بهتری از متهم کردن رهروان آن به قتل نفس یافته نمی‌شد. این بود که اتهام قتل نفس، حربه‌ای بود که مدام به آن توسل می‌جستند و البته سخت مؤثر می‌افتد.

این شد که مهرپرستان نظیر همین اتهامات را به مسیحیان زدند. از آن چه گذشت این نتیجه را می‌شود گرفت که وجود تابوت در مهرکده فستوراکس به این علت است که معبد درون صخره‌ای تراشیده شده و چون دیگر به عنوان پرستشگاه از آن استفاده نکردن به مقبره‌ای بس مناسب برای ساکنان حول وحوش تبدیل شده است. قرائن و امارات بازیافته در زاربورگ معرف این است که جسد موجود در مهرکده مزبور در واقع متعلق به زمانی است که بعد از آن مهری‌ها این معبد را رها کرده‌اند و دیگر مراسم دینی در آن انجام نداده‌اند. قتل مرد بازیافته در آن پرستشگاه احتمالاً مولود انتقام جوئی شخص دیگری بوده است. مطابق معتقدات ایرانیان باستان، جسد انسان معبد را الی الابد پلید و غیرقابل استفاده می‌ساخته و این خود یقیناً هدف دشمنان دین مهری بوده است.

سرودهای مقدس

هرودوت «پدر تاریخ» به این طریق مراسم قربانی نزد ایرانیان را توصیف می‌کند: «به هنگام فدیه، یک پارسی نمی‌تواند فقط برای خویشتن لطف خداوندی را مسئلت کند، از این رو باید آرزویش نفع عام داشته باشد. در حین مراسم، پارسی متدين^۱ حیوان قربانی شده را پاره می‌کند، چیزی تحت مانند از علف‌های تازه و شبدر می‌سازد و روی آن گوشت جانور را قرار می‌دهد. چون همه چیز بر منوال مذکور قرار یافت، موبدی نزدیک می‌شود و سرود چگونگی زایش و پیدایش خدایان را می‌خواند. چند قرن بعد استرابون^۲ جغرافیادان کیفیت استماع سرودهای مقدس را به هنگام مراسم قربانی توصیف کرده و پوزانیاس^۳ باستان‌شناس هم در معبدی در لیدیه نحوه قربانی کردن در راه خدای ایران را به چشم دیده و گفته که ایرانیان ادعیه و اورادی می‌خوانند که به گوش یونانیان غیرقابل فهم بود. مطالبی که هرودوت در باب سرود موسوم به زایش و پیدایش خدا نوشت، خواننده را یاد یکی از سرودهای اوستا می‌اندازد. معذلک این نکته بعید می‌نمود تا این که کشفی در زمینه باستان‌شناسی شد و متیقن گشت که در مراسم دینی مهری یکی از سرودهایی که زرتشت و موبدان می‌خوانند، خوانده می‌شده است. در سال ۱۹۲۶ طی کاوش‌هایی که در مهرکده دیبورگ آلمان می‌کردند، نقش بر جسته‌ای یافتند که موقوفه معبد بود و در نوع خود مطلقاً بی نظیر می‌نمود. نقش مزبور را دو برادر

1. Strabon

2. Pausanias

به نام‌های سیلوستریوس سیلوینوس^۱ و سیلوستریوس پرپتوس^۲ و نوه یکی از آن‌ها موسوم سیلوینوس اورلیوس^۳ به پرستشگاه هدیه کرده بودند. بر حسب آنچه که بر روی نقش برجسته مقرر است پرپتوس پیشه‌دوز و سیلوینوس سنگتراش بوده است. و همین سنگتراش بوده که دو رویه نقش را نقاشی کرده



شکل ۶۷: نقش پشتی یک تصویر دوسویه از اسطوره فائتون.

است. لوحه مزبور می‌توانسته روی محور مرکزیش بچرخد و به این علت در خلال مراسم می‌توانستند متناوباً دو صورت نقش را بنمایانند.
در اینجا آنچه جالب توجه ماست، نقش پشتی لوح مزبور است که در چهار گوشۀ آن سر ایزدان چهارگانه باد حک شده و دایره‌های می‌بینیم که نمودار

1. Silvestrius Silvinus

2. S. Perpétus

3. S. Aurelius

گنبد آسمان است و در آن اضافه بر بیاری جزئیات، میت (اسطوره)^۱ فائتون (شکل ۶۷) نیز کنده شده است. فائتون که مردی است میانه سال و نامش به معنای «رخشنده» است، از پدرش هلیوس (خورشید) اجازه می‌خواهد تا روزی ارباب خورشید را برآند، تختی در مقابل مدخل کاخش قرار گرفته و هلیوس روی آن نشته است. تقاضای فائتون مورد قبول قرار گرفته و چهار مرد جوانسال که همان ایزدان تیزتک باد باشند، ارباب هلیوس را به چهار سمت گوناگون هدایت می‌کنند. در اطراف تخت چهار زن هم دیده می‌شوند که بدون شک مجسم کنده چهار فصل هستند. در قسمت تحتانی نقش اسانوس الهای دیده می‌شود که کوزه‌ای (یعنی عنصر آب) به دست دارد، والهای دگر شاخی مملو از میوه (یعنی عنصر زمین) در دست گرفته است (شکل ۳۹). مهرپرستان چه معنا و مفهومی برای این اسطوره که بی دلیل در کاخ خورشیدی نرون عرضه نشده است قائل بوده‌اند؟ فراتس کومون این مشکل را با تیزبینی بسیار حل کرده است. چون به طوری که نونوس^۲ شاعر رومی (آخر قرن چهارم مسیحی) گفت، میترا «فائتون آشوری‌ها در ایران» بوده و در محلی دیگر همین شاعر میترا و فائتون را در یک جا ذکر می‌کند و البته نونوس اولین کسی نیست که چنین عقیده‌ای را می‌آورد، چون خطیب مشهور دیوکریزوستوم هم در کتابش متن یکی از سرودهای موبدان را که در «مراسم سری دینی» خوانده می‌شده آورده است. اما سرود مذکور شباهت‌های بسیاری با سرودی دارد که به افتخار فائتون خوانده می‌شده. فائتون که زئوس مجبور شده صاعقه بر سرش نازل کند تا زمین از پیموده شدن به وسیله او (فائتون) در امان بماند. مطالب متنقول در سطور زیر حاصل مشاهدات و مسموعات دیوکریزوستوم طی سفرهایی است که در حوالی سال ۱۰۰ مسیحی به آسیای صغیر کرده و در خلال آن با موبدان محشور گشته. خدای اعظم یا ایزدبرین اربابی می‌راند که چهار اسب آن را می‌کشد و این اسب‌ها نمادهای عناصر چهارگانه‌اند و جاودانه حرکت دورانی

1. Mythe

2. Nonnos

دارند. آن اسیبی که در بیرونی ترین نقطه دایره قرار گرفته تیر تک ترین اسباب و نماد آتش است. اسب دوم بطئی تر و از این رو نماد هوا است، سومی آب را می نمایاند و چهارمین روی محور خود دور می زند تا معرف گردش زمین باشد، و در عین حال اسبان دیگر به دور او چرخ می زند. چنین چرخشی مدتی مدید در نهایت هماهنگی انجام می گیرد، اما زمانی هم می رسد که آن اسیبی که در بیرونی ترین نقاط دایره قرار دارد آتش به جان دیگر اسبان می اندازد. یال و موی اسیبی که نماد زمین است (مراد از زمین گل و گیاه است) در شعله آتش می سوزد، ارابه نیز نابود می گردد و نهايتأ با ارابه ران یکی می شود. گوئی که دستی هنرمند ارابه را از موی نرم خمیر کرده تا از آن شکل و ریخت تازه ای به وجود آورد.

و این داستان که اسب نماد آتش با نفس سوزای خویش اسب نماینده زمین را می سوزاند، به غایت مشابه داستان بدفرجام فائتون است. چون در داستان فائتون اسب نماینده آب فاجعه ای دگر به پا می کند و تعرق او طوفان نوح ایجاد می کند و این دو فاجعه تصویر کننده ویرانی نهائی عالم است. مریدان افلاطون و رواییان به داستان فائتون و ناپاختگی او تمثیل می کردنند تا آینده عالم و احتراق^۱ و انهدام آن را به مردمان بنمایانند. لفظ آستما^۲ را که دیوکریز و ستوم برای اسب نمودار آتش استعمال کرده در مهر کده دور ارار پوس باز دیده می شود، شاید هم که در معبد سنت پریسک اشاره به همین احتراق نهائی عالم باشد که طی آن ارابه با ارابه ران یکی می گردد. در آیه ای خصوصاً آمده که متدينان به دست شیرهای بخور سوز، همچون نمادهای آتش، سوخته خواهند شد. آن طور که از نقش دیبورگ بر می آید، مهر پرستان خدای خود را همچون عامل احتراف و انعدام عالم تصور می کنند و در این مورد البته دنباله رو آئین موبدان آسیای صغیر بودند که طی دوران هلنیستیک، میترا و فائتون را یکی پنداشته بودند.

متون متأخر سنت پریسک رُم

این نکته را در اینجا باید مذکور شد که اعضای جماعت مهرپرست معبد آواتن در حوالی سال ۲۲۰ میلادی به مرمت نمازخانه پرداختند و بر وسعت آن افزودند. نقوش دیواری اصلی این معبد را از ماده‌ای مرمرگونه اندودند و روی آن‌ها نقوش جدیدی پرداختند. این پرستشگاه در پایان قرن چهارم میلادی به تصرف مسیحیان درآمد و اینان بسیاری از تصاویر را با ضربات تبر خرد کردند. آثار صدمات هنوز روی جدار چپ معبد قابل رویت است. شگفت آن که چون هنر شکنان مسیحی آثار مذکور را به ترتیب مزبور مصدوم کردند، خطوطی چند از پس بریدگی‌ها هویدا شد و موقعی که نقوش را از زیر خاک بدر آوردند، زیر قشر فوقاری مرمری رنگ حروفی یافتد که به زحمت قابل تشخیص بود. کم‌کم موفق شدند که قشر فوقاری آن را با احتیاط جدا کنند، به تدریج از حروف کلمات پدید آمد و از کلمات جملات و معنای نوشته‌های نقش شروع به روشن شدن کرد. متون بازیافته مزبور اهمیت بسیار دارند، چون تمام کتب قدیمی‌ای که در باب آئین و مراسم نیایش مهرپرستان چیزی نوشته‌اند، مفقود شده‌اند و متن موردنظر گفتوگو از نوادر اسناد موجود در باب شعائر دین مهری است. ما در سطور زیر چند نمونه از متون مذکور را همراه با تفسیری خلاصه می‌آوریم. دانشمندان هلندی در معبد مزبور کاوش‌هایی کرده‌اند و نتایج نهائی تحقیقات آن‌ها بعداً در کتابی مفصل منتشر خواهد شد. تمام متون مذکور به نظم و از ایات شش یا پنج هجایی برساخته است،

به غیر از یک مورد که ایاتش از لحاظ عروضی هجاهای بلند و کوتاه دارد. این ایات با قلم مو نگاشته شده و اگرچه فواصل میان آن‌ها نسبتاً برابر است، ولی حالت عمومی آن‌ها کمی مغلوش است؛ مثلاً سطور همیشه افقی نیستند و بزرگی آن‌ها همیشه یکسان نیست. نویسنده کتبه مذکور حتی در یک کلمه، یک حرف را فراموش کرده و بعد که متوجه آن شده به اضافه کردن آن پرداخته است و این اصلاح بعدی بخوبی هویداست. در برخی جای‌ها دو یا سه سطر زیر یکدیگر نوشته شده‌اند، بدون این که اصلاً رابطه‌ای بین آن‌ها موجود باشد (البته شاید یک مورد مستثنی باشد). احتمال دارد که این ایات متعلق باشند به قصیده‌ای و یا آوازی مقدس که مهرپرستان البته از بر می خوانند. این هم بعيد نمی‌نماید که هر یک از قطعات مذکور، ایات آغازین منظمه‌ای باشند که بقیه آن در کتبه نیامده است. اثبات این امر مشکل است و چون قدر متین نیست امکان این هم هست که اشعار فوق ایاتی باشند جدا جدا و یا متونی باشند که اختصاصاً برای قرار یافتن در معبد مذکور به رشتہ تحریر درآمده‌اند.

برخی متون قواعدی در زمینه گفتار و کردار و رفتار به دست می‌دهند و بعضی از آن‌ها وقف باز نمودن مسائل دین و اعمال عالیه خداوند است. درست مثل آئین اخلاقی روایان تعلیمات دینی مهری بر محور مضلات زندگی روزانه می‌چرخد. این نکته اصلی است مسلم که انسان چون گرفتار مشکلات شد به سراغ یافتن تکیه‌گاهی می‌رود و آئین میترا هم آماده برای تکیه‌گاه شدن است.

مثلاً یکی از مواضع مکتوب روی نقش به قرار زیر است:

«ای مردم با ایمان، بر شماست که لحظات تیره زندگی را متفقاً به انجام دادن مراسم عبادی پردازید که غرض از آن معاونت و همکاری با یکدیگر، برآوردن حواجح مقابل و رعایت مبادی انساندوستی است. مردان معتقد به یک مذهب همچون برادرانی هستند که به هیئت اتفاق مناسک دین مهر را که مشحون از نمادهای درخشان و گونه گون است انجام می‌دهند.»

در آنجاکه خواسته متانت و استقامت را موعظه کند، چنین گفته است:
«خورشی که از جگر ماکیان برساخته‌اند، سخت گواراست، اما آنچه
حاکم بر زندگی ماست، دغدغهٔ خاطر و نگرانی است.»

حتی امروز نیز جگر مرغ نام یکی از خوراک‌هایی است که روی صورت غذا (آش‌نامه)‌ی رستوران‌های ایتالیا دیده می‌شود و آن به این علت است که سخت دلپذیر است و بر لذاید موجود در سفره طعام می‌افزاید. اما مصائب و دغدغه‌های زندگی نیز در میان همین لذاید جای دارد و هوراس^۱ شاعر لاتینی فرموده: «اگرچه سوارکار تیزتک است، اما در ترک اسب خویشن غم‌ها دارد.»

مراسم عبادی نیز سختگیرانه است و تشریفات یهوده زیاد ندارد. هیچ وقت معابد مهری تبدیل به پرستشگاه‌های گردنافراز عظیم پیکر نشند و هیچ وقت متدینان به دنبال تربین و آرایش خارج از اندازه اما کن مقدسه دین خویش نرفتند. آن که مرید میترا است، اگر هم ثروتمند باشد، در هنگام انجام دادن مراسم به سادگی لباس می‌پوشد و خصوصاً کمال را در تهدیب نفس می‌بیند، چون خود را آمادهٔ زندگی اخروی می‌کند و آن زندگی مشابه حیات این جهانی نیست.

«در اینجا قوچی را می‌بینیم که در سر ردیف گله قرار گرفته و قوچ‌های دیگر به قاعده و مقیداً در عقب او دوانند.» گله‌ای که راهبرش قوچ باشد، تصویری است از جماعت مهرپرستان که مرشد و پیر آنان هم ملزم به حرکت در راسته چهارپایان است. این همه تأکید در امر نظام و نسق و ردیف و دسته و صف محقق را به سپاهیگری می‌کشاند و یاد سربازانی می‌اندازد که از فرمانمندان خود تبعیت می‌کنند. از آنچه گذشت معلوم شد که میترا در مراسم عبادی دین حکم فرمانده کل را دارد. الفاظ دویدن^۲ و مقیداً^۳ به یک اعتبار

1. Horace 2. Currere
3. Restrictus = فشرده، مقید، منقبض

متضاد یکدیگرند، چون در «تفیید» «خویشن‌داری» مستتر است. خویشن‌داری و کف نفس از سجایای سرباز مهری است. چه درجه نظامی اش بالا باشد و چه پائین. بعد از این مواضع برخی آیات می‌آیند که تصور می‌رود یقیناً مأْخوذ از سرودهای مقدس باشند.

«زمین باروری که در آن پالس^۱ همه چیزی را تولید می‌کند.» در این مراسم نیز مثل آئین قربانی گاو می‌بینیم اعتقادات رسمی دولتی رم بر آئین مهری اثر گذاشته است. پالس خدائی است باستانی، متعلق به رم و نامش مرتبط با نام پالاتن^۲ است. و پالاتن همان تپه‌ای است که به موجب اکتشافات باستان‌شناسی اخیر، شهر رم (جاویدان شهر) روی آن ساخته شده و به این دلیل است که پالیلیا^۳ یا پاریلیا را روز ۲۱ آوریل جشن می‌گرفتند. چون این روز را تاریخ بنای شهر رم می‌دانستند. در کتابش موسوم به فاستی^۴، اوید^۵ نام‌های مراسم دینی جاری در زمان خود را با جزئیات بسیار به رشته تحریر درآورده که در زیر می‌آید. اوید نخست به درگاه خدايان استغاثه می‌کند و از آن پس نخست مراسم مجری در شب جشن را توصیف می‌کند و از طرق تصفیه و تزکیه نفس سخن می‌گوید. پس از آن می‌نویسد، شب قبل از شب جشن آغل برده‌ها را با گل و گیاه می‌آرایند و با گوگرد بخورش می‌دهند و برده‌ها را می‌شویند و پاک می‌کنند. در همین روز به شمايل الهه شیر نیم‌گرم می‌پاشند، بر او نماز می‌گزارند و همچون دایه از او نام می‌برند و استغاثه می‌کنند و بخشودگی گناهان ارتکابی را از او می‌خواهند. سپس از درگاه او عافیت و نیک‌بختی انسان و غنم و حشم را مسئلت می‌کنند. دعايشان این است: «پروردگارا خشکسالی را از میان بردار تا سبزی و گیاه به فراوانی بروید». این دعا را باید چهار بار خواند و در موقع خواندن صورت را باید به سمت شرق متوجه داشت. بعد از دعا از روی کنده هیزمی فروزان می‌جهند و خود را به آب می‌شویند.

1. Pales

2. Palatin

3. Palilia

4. Fasti

5. Ovide

اوید چند گونه توجیه از رسم مذکور می‌کند. به عنوان مثال، آئین مزبور را متأثر از فائتون و دوکالیون^۱ می‌بیند که مراد از آن‌ها انعدام جهان به وسیله آتش جهانسوز و طوفان نوح است. بر این حساب درمی‌یابیم چگونه دین مهری مراسم مذهبی مخصوص پالس الله باروری را به مراسم خود الحاق کرد؛ همان طور که آئین قربانی گاو را به مناسک آئین خود افزود. پالس نیز درست مثل میترا باروری به جهان می‌بخشد. تطهیر جسم به کمک آب و آتش و نیز استناد به فائتون محققًا الحاق پالس رومی را به آئین مهری تسهیل کرده است. در معابد، مهری‌ها جشن به افتخار پالس را موافق سیرت و سنت آئین خویش می‌گرفتند.

آیه‌ای را که در فوق تفسیر کردیم اولین آیه از یک سلسله آیات است و روی این اصل می‌توان سوال کرد که آیا بقیه آیات نظام حساب شده‌ای دارند که مراد از آن وصف تحول جهان از آغاز تا انجام است؟ متن دو آیه آخرین، یعنی آن دو آیه‌ای که روی یک دیوار در قسمت دست راست آن نوشته شده‌اند به شرح زیر است.

«بگیر ای پدر مقدس، شیران بخور سوز را، به دستیاری شیران بخوری را که سوزاننده خود ماست به تو هدیه می‌کنیم.» از «پیر» معبد که لقب مقدس را دارد خواهش می‌کنند تا «گروهی از اشخاص را که درجه «شیر» دارند در مراسم دینی خود پذیرد.» اشخاصی که درجه شیر یافته‌اند از مشترفان بلندپایه هستند و در سنت پریسک تصویر چند تن از آنان را می‌بینیم. اینان نماد عنصر آتش هستند، بخور می‌سوزانند و اخگر فروزان پیشکش خدا می‌کنند و این نکته یادآور نقش بازیافته در ارگلی (داسکی لیوم) است و آن دو موبد را نشان می‌دهد که دهان خود را برای احتراز از پلید کردن آتش (شکل ۱۸) با پنام بسته‌اند و آتش هدیه می‌کنند. در اینجا این سوال پیش می‌آید که آیا آیه دوم رابطه‌ای با آیه اول دارد؟ و چون جمله با ضمیر نسبی شروع می‌شود، می‌توان

1. Deucalion

انتظار جواب مثبت داشت، گو این که در هیچ جای دیگر دو آیه مکمل یکدیگر نیستند. اما فرض بر این اساس است که آیه دوم همان موضوع بحث شده در آیه اول را پیش می‌کشد و آن موضوع نذر و نیاز و هدیه بخور است. بر این مبنای ضمیر نسبی، به شیر راجع می‌شود و معنا این می‌شود که با پایمردی شیران، ما یعنی اعضای دیگر جماعت مهری، بخور را هدیه می‌کنیم و به وسیله این بخور، ما، یعنی جماعت مهری، در شعله‌های آن می‌سوزیم. وقتی که جهان و ما در آتش سوختیم (داستان اسطورهٔ فائتون را ببینید) و بدان طریق پاک شدیم، مردان راستین به فروغ جاودانی^۱ یعنی خورشید و میترا ملحق خواهند شد. مثل بخوری که در هنگام احتراق رایحه خوشبوی و خوشایند متصاعد می‌کنند ما نیز مثل بخور یا شمع خواهیم سوت (شیر شمع به دست رانگاه کنید) و به عطر قدس معطر خواهیم شد. در اینجا است که تأثیر آئین رواقی که رجعت به روشانی را همچون فرجام مصائب زندگی می‌داند، به وضوح دیده می‌شود و جای تعجب نیست اگر مهرپرستان آتن مجسمه‌ای به افتخار کریزیپ^۲ (خریسبوس) حکیم معروف رواقی یونان برپا کرده‌اند.

فستوژیر، از پژوهندگان آباء مسیحی در کتابی به نام «تقدس»^۳ توصیفی دلکش از مصائب هرکول به دست داده است. زئوس و اوریسته^۴ تحت فرمان هرکول هستند و به فرزند خدایان (یعنی هرکول) هیچ ترحم نکرده‌اند. اوست (یعنی هرکول) که استقامتی عظیم داشت و تحمل سختی‌ها نمود. مثل اولیس^۵ هرکول هم از دولت سر مسامی خود او بود که آنچه هست - یعنی قهرمانی فراموشی ناپذیر و مرجع تقليدی برای بشریت - شد. هرکول جمع آورنده رنج^۶ و عقل^۷ در عین حال است.

هرکول نماد محنت و فکرت است. «هرکول دانشمند نیست، او کتاب نخوانده، آموزگار او فقط رنج بوده ولی او نفس خود را فتح کرده و به

1. Lux Perpetua

2. Chrysippe

3. La Sainteté

4. Eurysthée

5. Ulysse

6. Ponos

7. Logos

سرنوشت خود پیروز گشته. اوست که حاکم بر خود و بر سرنوشت خود است.
«این است قهرمان و فرزانه».

رواقی‌ها و اپیکوریان می‌گویند شرافت در تحمل مصائب زندگی و پرهیزگاری است. میترا گاو را در غار کشید و به این ترتیب عمل خیر برای بشریت انجام داد.

«بر این سیاق توما را نجات دادی، چون خون آفریننده ابدیت را افشاورد.»

چون در عداد لشکریان میترا درآمد و سوگند یاد کرد، سرباز مهری ناگزیر است باری سنگین را روی دوش خود طی راه درازی که حیاتش نامیده‌اند حمل کند. سرباز مهری برای تقلید از خداش و خدمتگزاری او باید رنج بسیار ببرد. اوست که گاو جوانسال را روی دوش حمل می‌کند. اما این گونه کوشش راهبر او به نجات اخروی است. «قهرمان مردی است عادل و دادگر و با این وصف رنج می‌برد. ولی از چنین بوته آزمایشی گذر کردن ثمر بسیار دارد.» لفظ «سرباز» در اصطلاحات حکمی رواقی به کار رفته و مشترک میان همه آئین‌های یونانی است که در آن‌ها مراسم تشرف به رموز دین واجب الاجرا است. در این مسلک‌ها مردمان متدين به طیب خاطر خود را بندۀ خدا و خاتون و الله می‌سازند. مرد مؤمن چون ندای خدا و الله را شنید به گروه متدينان می‌پیوندد. آپله داستانی نقل کرده که در آن دینمردانعزم (بر حسب اتفاق نام وی میترا نیست) لوسیوس¹ نامی را به اسرار آئین ایزیس مشرف کرده چنین می‌گوید: «تو اکنون در کنف حمایت ایزد سرنوشت»، خدائی که بصیر است و حتی از پرتوافکنی خود ایزدان دیگر را نیز روشن می‌کند، قرار گرفته‌ای. پس چهره‌ای شادمان به خود بگیر، به طوری که همنواز با سفیدی جامه‌ات گردد، پس آنگاه به چالاکی به صفت یاران الله مددکار بیرون. باشد که بی دینان بیبنند و بر خطای خویش آگاه گرددن. حال لوسیوس را بیینید که رحمت خدای بزرگ

1. Lucius

ایزیس، شامل حالت شد و از ملالی ستبر نجاتش داد و چون چنین شد بر ایزد سرنوشت خویش ظفر یافت. با این وصف، اگر می خواهی اطمینان بیشتری بیابی، در این لشکر قدس شرکت کن، لشکری که چندی پیش از این، در آن سوگند یاد کردی، از این به بعد خود را وقف رعایت و اجرای شریعت آئین ما کن و از روی اراده کمر خدمت آن را بربند. چون وقتی که وارد در خدمت الهه شدی، آنگاه است که حقیقتاً محسنات آزادیت را خواهی چشید.»

نظیر معانی مذبور را در آیه زیر نیز می یابیم: «و فرمان ایزدان را تا پایان روی دوش هایم حمل کردم.» حال لوسيوس به اسرار تشرف یافته و از احکام اعجاز آمیز خدایان الهام گرفته و متمع از نشاط ناشی از نظاره خدای اعظم ازیزیس^۱ است. ازیزیس که شخصاً فرمانروای آسمان هاست، وقتی که مثل هر کول یا خود می ترا، مرید می ترا از احکام الهی تبعیت تام کرد، نور پر فروغ خدا را می تواند نظاره کند.

مسیح با رنجی بسیار صلیب خود را به سوی تپه ای کشید و چنین ندا درداد: «باری که بر دوش من است قبول کنید و به من اقتدا بنمایید، زیرا من مشحون به رحمتم و قلبی ساده و فروتن دارم، چون که یوغ من سبکیار است و بارم سبک.» (انجیل متی). سن پل (پل قدیس) همین مطلب را در «رساله خطاب به رومی ها» از نو آورده و می گوید: «در آن زمان که شما کمر در خدمت ناپاکی و سفلگی بسته بودید، تمام اعضا و جوارحتان را به کار و می داشتید؛ حال که بندۀ عدل و داد شده اید، اعضای بدستان را باید در خدمت تقدس بگمارید. زیرا آن موقعی که بندۀ عاصی بودید، از عدل و داد پیروی نمی کردید و خود مختار بودید. اما چه ثمری از آن به دست آورده اید؟ حال شرم برایتان باقی مانده، چون انجام آن بالاخره مرگ است. اما حال که از گناه وارسته شده اید و عبودیت خدا را قبول کرده اید، از ثمر آن که «مقدس» شدن باشد تمع ببرید که عاقبت آن حیات جاودانی است، زیرا که کیفر گناه

1. Osiris

مرگ است، اما رحمت الهی زیستن جاودانه است در خاطره مسیح، مسیحی که سرور ماست».

روی دیوار جانب راست مهرکده هم چند خط ذیل که مربوط به تشرف دسته شیران است، دیده می‌شود:

درود بر شیران باد. سال‌های نو و سال‌های دراز.^۱ (متن لاتینی جمله منقول در پانویس آمده است). واژه نما را در آن می‌بینیم که به معنی نماز است و منشاء ایرانی دارد و در چند جا استعمال شده است. وقتی به این جمله می‌نگریم در بادی امر گمان می‌کنیم تبریکی است به مناسبت سال نو و طرف خطاب هم شیران هستند، ولی فوراً این سوال پیش می‌آید که چرا منحصرآ دسته شیران از چنین لطفی بهره‌مند می‌شوند. کتبه‌ای که در تاریخ تقریبی ۱۶۵ بعد از مسیح نگارش یافته و در آتن پیدا شده، مشکل مزبور را طور دیگری حل می‌کند. این کتبه را در تالاری عظیم یافتند که به وسیله دور دیف ستون منقسم به سه رواق شده بود. در یکی از این سه رواق محرابی تعییه شده بوده که در آن چندین قربانیگاه و تعدادی مجسمه یافتند. بنا بر روایت کتبه‌ها محل نامبرده محفل یکی از فرقه‌های دیونیزوسی بوده است. روی سنگ‌نوشته‌ای دیگر جملاتی می‌باییم مربوط به نحوه انتخاب دینمرد اعظم و به نظم کشیدن مقررات و قوانین جدید. وقتی که روفوس^۲ نام از مرشدان این طریقت از جماعت حاضر در محفل تقاضا می‌کند تا دست خود را به علامت موافقت با مقررات تازه بلند کنند، جماعت یکباره فریاد می‌زنند: «آرزو می‌کنیم که عالی جاه مرشد اعظم هرود^۳ سالیان دراز در منصب خود ایفای وظیفه کند.» چنین قاعده‌ای را در تشریفات درباری امپراتور رم هم می‌بینیم، زیرا موافق این قاعده است که امپراتور جدید به وسیله مجلس شیوخ و عامه مردم انتخاب می‌شود، زیرا اگر امپراتور از عمری دراز بهره‌مند گردد، ملت نیز بدینسان از نعمت و رفاه عظیم

1. *Nama Leonibus novis et multis annis.*

2. Rufus

3. Hérode

برخوردار خواهد شد. بعدها این قاعده در مورد پاپ جدید نیز به تدریج معمول گشت. و این نکته نشان می دهد که این قاعده متداول در کلیسای امروز قرن ها پیش مورد استفاده مهری ها بوده و بر حسب آن شیران رانصب می کرده اند و قدرت به آنان تفویض می نموده اند. مطالبی که گفته آمد ما را به مراسmi می کشاند که در مهر کده سنت پریسک انجام شده و به این قرار است که روی قشر سفلای جدار طرف راست، یعنی همان جا که کتیبه کار گذاشته شده، صفحی از شیران را می بینیم که هدایائی در دست دارند و احتمالاً می خواهند ارتقاء به منصب شیری را جشن بگیرند.

هدايا و هنرمندان؛ ميترا در هنر

تنوع رهروان مهری را می‌توان در تنوع معابد و هدايائی که به ميترا ايزد نگهدار عرضه شده متجلی ديد. در كوههای آلپ ایتالیا، در جنوب فرانسه و در يوگسلاوی پرستشگاههای کوچکی یافته‌اند که در كوهستان پنهانند و لوح‌های برجسته عبادی را روی دیوارهای سنگی آن کنده‌اند، کنار دریای سیاه، در سی کیلومتری شمال غربی کنستانزا^۱ که شهری است مشرف بر دریای سیاه، ميترا را در غاری پرستش می‌كرده‌اند. جنب قربانیگاههایی که معماري آن سيار بدوي است، نقش برجسته زیائی یافته‌اند که كنده گرش نیکومد^۲ نام داشته و يكى از بلندپایگان خزانه دولت آن را هدیه کرده است. پیکر تراشی از اهالی آتن که کريتون^۳ نام داشته، در ناحيه اُستی گروهی بسيار زیبا از ميتراهاي همراه با گاو حجاری کرده و تصویر خدا را به سبک هنر یوناني برجسته نمایانده است. در ناحيه لپسيس^۴ واقع در طرابلس حجاری موسوم به آريستيوس آنتيوكوس^۵ دو مجسمه از مرمر ساخته که دو انسان مشعل به دست را نشان می‌داده است. در شهر مریدا واقع در اسپانيا، دمتريوس مجسمه‌ای از ميترا، در حال ایستاده، ساخته که يك دلخين هم همراه او دیده می‌شود. در قرن دوم مسيحي در ناحيه کونيگسهافن نزديك استراسبورگ، چون گرданهای سربازان رومی مستقر بوده‌اند و مهرپرستی ميان آنان رواج داشته، دسته‌اي از

1. Constanza

2. Nicomède

3. Kriton

4. Lepcis

5. Antiochus

هنرمندان به آنجا روی آور شده‌اند. کار این دسته هنرمند محدود به حدود مهرکده‌های کونیگسها芬^۱ و ماکویلر^۲ نبوده و آثارشان تا مسافت‌های دور اطراف دو ناحیه پیش گفته نیز رفته است. این هنرمندان نقاشی‌هائی کرده‌اند که بخصوص در مهرکده‌های روم و استی یافته شده ولی آثاری از آن‌ها را در دورا و اطراف رود فرات هم پیدا کرده‌اند. اشتهرار معابد استی بخصوص معلول زیائی موزائیک‌هایی است که در آن مناطق یافته‌اند. کاشی‌سازان آن عهد به



شکل ۶۸: نقش میترا روی قطعه‌ای از نمک بلورین.

کمک مکعب‌های کوچک مرمر سیاه و سفید توانسته‌اند روی زمین و روی سکوها اصول گوناگون شریعت مهری را نظر کنند. زرگرهای هم بوده‌اند که در پوتورویو (یوگسلاوی) و استوکستاد^۳ (آلمان) کار کرده‌اند و آثارشان عبارت

1. Königshafen

2. Mackwiller

3. Stockstadt

است از الواح کوچک نقره قلم کاری شده‌ای که رویشان تصویر میترا در حال قربانی کردن گاو دیده می‌شود. روی قطعات بلورین نمک هم تصویر میترا را کنده‌اند (شکل ۶۸). در معبد سنت پریسک هم سر خدای خورشید را یافته‌اند که دور و بر آن را هاله‌ای از اشعه گرفته است و این اشعه از جنس سرب ساخته شده‌اند.



شکل ۶۹: نقش میترا روی یک ظرف خمره مانند.

در همین مهرکده هم هنرمندان طی ادوار گوناگون، محرابی را به نقوشی از میترا و آثاری دیگر از مرمر کاذب آراسته‌اند. بخصوص در آلمان و اتریش کوزه گرانی بوده‌اند که کوزه‌های معروف دو دسته را ساخته‌اند که روی آن‌ها ماری نقش بسته است. اکتشافات جدید نشان داده که در کارگاه‌های

کوزه گری (از خاک رس) واقع در ناحیه لرو^۱ در جنوب گل، کوزه گری طرفی ساخته که روی آن صحنه ذبح گاو ترسیم شده است (شکل ۶۹).

در شهر ترو جامی یافته‌اند از جنس خاک رس، که مجلس ضیافت می‌ترا روی آن منقوش است. اما اگر تعمقی در این اشیاء باز یافته بکنیم، می‌بینیم که هنرمند دستور سفارش کار فرما را به غلط فهمیده و مثلاً کریتون در ناحیه استی، تصاویر را بر حسب تصوری که خود شخصاً از مقاهیم دین مهری داشته نقش کرده است. به طور کلی می‌توان گفت که عمق معانی و نمادهای پنهان در تصاویر هنری مهری تا حد زیادی متناسب با میزان دانش و فرهنگ افراد جماعت مهری و یا خود هنرمند نقاش است. در اکثر موارد احتمالاً نظر شخص پیر جماعت در تنسيق و تنظیم مهرکده سخت مؤثر بوده است. البته امکانات تغییر و تبدیل یک معبد در برخی نقاط محدود بوده و علت اساسی آن راه م محتملاً کمبود «اعتبار مالی» باید دانست. اما هرگاه شرایط موجود بود و موانع مفقود، مهرکده را به آثار هنری می‌آراستند. مضمون اصلی در مرکز اثر قرار داشت و دور و بر آن را پر می‌کردند از نقوش مربوط به ذبح گاو مقدس (سارمیز گتوزا در ناحیه داسی). محراب را به چراغ و شمعدان مزین می‌کردند و بر حسب فحوای کتبیه باز یافته در استی، پارچه‌ای گلدوزی شده یا مصور را وقف محراب خاص مراسم عبادی می‌کردند. با این وصف تزیینات داخلی یک معبد هیچ وقت مجلل نیست؛ حتی مهرکده رم هم که آراسته به چندین مجسمه پوشیده از برگ‌های زرین است، شبستانش بی‌پیرایه است و منظری موقر و زاهدانه دارد و هماهنگ با خصیصه ایزدی است که مورد پرستش مردم است.

بررسی در چند صد نقش که در سرزمین امپراتوری یافته شده، این نکته را می‌آموزد که در هنر مهری می‌توان چندین جریان سنتی تشخیص کرد. نمونه متعارف می‌تراند که در غاری گنبدی شکل مشغول ذبح گاو مقدس است، چه در

1. Leroux



شکل ۷۰: میترا در حال کشتن گاو.

نقش بر جسته بازیافته در یوگسلاوی (شکل ۷۰) و چه در رم یا بخش‌های دیگر امپراتوری روم دیده می‌شود. این نمونه تصویر از میترا سنت جاری گشته و احتمالاً اولین هنرمندی که آن را کشیده، در عهد امپراتوران رومی می‌زیسته و سخت تحت تأثیر مکتب هلنیستیک قرار گرفته است. نقش بر جسته‌ای که نمودار میترا به صورت ایستاده در روی گاو است کاملاً حالت استثنائی دارد و پای چپ او فاتحانه روی سر حیوان قرار گرفته است. روی این نقش بر جسته، میترا کلاهی فربیجی و تاجی به سر دارد و در دست چپ کره‌ای یا جوز صنوبری گرفته و در دست راست راست خنجری دارد. پهلوی او یک عقرب، غرابی و شیری و خروسی آوازه‌خوان و مورچه‌ای و عقابی نشسته روی یک آذرخش

دیده می‌شود. سنت نشان دادن خدا در حال ایستاده روی حیوان، در آسیا صغیر آن قدر رواج داشته که مهری‌ها هم برای نمودن خدای خود از آن تقلید کردند. اما به این طریقه میترا را نمایاندن، فرین با موفقیت نبود و مثال آن نمایش صحنه‌گاوکشی است که خدا در مرکز طبیعت قرار دارد و نمودار لحظه رستاخیز آن است.

با این که برخی نقوش مهری را منحصراً در رم می‌یابیم، مع ذلك همه جریان‌های هنری مهری منشاء رومی ندارند. نقش صف شیران در معبد سنت پریسک منشاء کاملاً محلی دارد و به مراسم دین صیغه خاصی می‌بخشد. یک نقش برجسته متعلق به ناحیه کونجیک (شکل ۳۷) نمودار یکی از لحظات اساسی آئین مهری است، ولی این نقش هم منشائی کاملاً جداگانه دارد. صحنه‌هایی که شکار را می‌نمایانند از لحاظ جغرافیائی محدود به نواحی رنانی^۱ هستند و نمونه‌های آن‌ها در رم نمی‌بینیم در حالی که نظیر آن‌ها را در ناحیه دورانزدیک رود فرات یافته‌اند. پس این نوع تصویر احتمالاً منشاء مستقیم آسیای صغیر بوده و از آنجا وارد رنانی گشته است. اما در خود ناحیه رنانی مکاتب هنری مشخصی وجود داشته و در اینجا بوده که نقوش برجسته بزرگ‌گزین به صحنه‌های فرعی یافته شده است. این نقوش برجسته حکم طاق‌های نصرت واقعی را دارند که نمونه آن‌ها را در نواحی اطراف دانوب پیدا نمی‌کنیم و تنها مثال آن در رم نقشی است در مهرکده باربرینی. و از اینجا است که می‌توان گفت نقاشی رومی تحت تأثیر هنر ناحیه رنانی قرار گرفته است. در رومانی و بلغارستان انواع دیگر هنری ظاهر شده‌اند که محدود به حدود دو کشور مزبور هستند و اگر اتفاقاً نمونه‌ای از آن‌ها را در نواحی دیگر بیابیم، آنگاه می‌توان با اطمینان گفت که از ناحیه داسی نشست گرفته‌اند. در این نوع از هنر مهری نقوش برجسته‌ای می‌بینیم که شکل گبند دارند و روی لبه آن‌ها صحنه‌هایی کشیده شده که مقتبس از افسانه میترا است.

صحنه‌های منقوش روی لبه پائین معمولاً^۱ به وسیله طاق‌های کوچک جدا می‌شوند. در کشورهای اطراف دانوب، نقوشی می‌باشند که شکل ذوزنقه دارند و روی آن‌ها تصویر میترارا می‌باشند که دور و برش را نقوش گوناگونی فراگرفته و تابه‌های آن امتداد می‌باشند. از نقوش برجسته دایره‌وار در رم نیافته‌اند، ولی در یوگسلاوی (ناحیه سالونا^۱) در مجارستان (بریزتیو) و یک بار هم در بلغارستان از این نوع نقوش یافته‌اند. پس چنان‌که می‌بینیم تنوع در آثار هنری مهری زیاد است. هرمند نقاش آزادی عمل دارد و مطابق تمايلات شخصی نقش را می‌کشد و گاهی هم سنت جاری در زادگاهش الهام‌دهنده او در ترسیم پرده‌های نقاشی است. این نکته را هم بگوئیم که مواردی هم دیده شده که هرمند به دستورهای کارفرما عمل نکرده و معانی‌ای را که کارفرما می‌خواسته در پرده مضمر گردد، نقاش از عهده افاده مقصود برآورده است.

1. Salona

میترای مغلوب

در طی قرن سوم مسیحی، آئین میترا چنان‌گسترشی در امپراتوری روم یافته بود که حتی زمانی که ایران از لحاظ سیاسی و نظامی شروع به رقابت با روم کرد همچنان فضیلت و عزت خود را حفظ نمود. پیوند خانوادگی هم که میان امپراتوران روم و خاندان‌های سلطنتی سوریه در آغاز قرن سوم انجام شد، توجه مردمان را نسبت به خدایان مشرق افزوده کرد.

جذبه آئین سرّی مهری خصوصاً در مراسم تشرف به رموز دینی بود، چون طی این مراسم مرد سالک شخصاً خود را وابسته به خدای منتخب خود احساس می‌کرد. در آئین‌های شرقی نجات دنیوی و اخروی فرد انسان بسیار مهم بود. در دیدهٔ شخصی که به ادیان شرق علاقه‌مند بود ولی غرائب آن را خوش نداشت جذبه دین مهری محقق می‌نمود. نیاز به یکتاپرستی را تصورات فلسفی آن عهد تسهیل کرد و نتیجه‌اش توجه مردم به آئین جهانی خورشید شکست‌ناپذیر شد. جوان سوریه‌ای موسوم به هلیوگلوبال^۱ چون در سال ۲۱۸ گمان کرد که می‌تواند دین بعل امسی^۲ را در رم منتشر کند، اشتباہی عظیم کرد. چون رومیان هنوز علاقه‌مند به عقاید سنتی شان در باب خورشید بودند و از این رو برایشان مشکل می‌نمود که بعل را که سنگی سیاه مجسمش می‌کرد، بپذیرند. در سال ۲۷۴ اورلیانوس معبدبزرگی به افتخار خدای خورشید در میدان مارس، محل فعلی میدان سان سیلوسترو (رم) ساخت. در این معبد اورلیانوس، خدای خورشید را همچون خدائی واحد، آسمانی و قادر می‌پرستید. هر چهار

1. Heliogabal

2. Baal d'Emése

سال جشن‌هائی به افتخار خدای جدید دولت می‌باشد گرفته شود. بسیاری از دینمندان را به استخدام این آئین درآورده‌اند تا اداره مناسک آن را به عهده گیرند. تولد این خدا را در روز بیست و پنجم دسامبر جشن گرفتند. از اینجا فهمیده می‌شود که چگونه آئین مهری از این عنایت بهره‌مند شده و در سال‌های ۳۰۷ و ۳۰۸ می‌بینیم که در مرزهای امپراتوری روم چگونه دیوکلیسین امپراتور روم طی خطابهای در کارنوتوم، همراه با حکام آن موقع، مهرکده‌ای وقف میترا «نگهدار امپراتوری» کرده است. با این وصف فقط نام میترا در آن جای آمده و معناش این است که حضار معتقد به آئین خورشیدی عمومی تر اورلیانوس نیستند.

قدرت میترا به اوح خود رسید و جهانگیر شد و این شد که میترا خواست صدر مجلس را در کاپیتل بگیرد. گفتن این نکته که اگر مسیحیت سد راه انتشار دین مهری در اروپا نمی‌شد، این دین قبول عام می‌یافتد مشکل است و قول رنан^۱ در کتابش موسوم به مارکوس اورلیانوس^۲ (صفحه ۲۷۹) که «اگر دین مسیحی در خلال مراحل رشد خود مبتلا به بیماری کشنه‌ای می‌گشت، دنیای آن زمان متدين به دین میترا شد» کمی مبالغه‌آمیز است. جنگی که در محل پل میلویوس^۳ نزدیک رود تیر (در سال ۳۱۲) درگیر شد، نه تنها سرنوشت قسطنطینی را معلوم کرد، بلکه آینده دین مهری را نیز روشن نمود. نام مسیح باعث پیروزی قسطنطینی شد، همان طور که مثل ادوار قبل ایزد خورشید به اورلیانوس نشان داده بود که در کنار او نبرد خواهد کرد و نه در کنار زنوبی^۴ (در آنها ۵).

آئین پرستش خورشید به عنوان یک دین رسمی به رومی‌ها تحمیل شد و این صلیبی بود که قسطنطین به طرزی استوار در خطه روم در زمین فروگرد. محققی به نام بایه^۶ به درستی می‌گوید که دین رومی‌ها همیشه در

1. Renan

2. Marc-Aurèle

3. Milvius

4. Zénobie

5. Athéna

6. Bayet

چهارچوب سیاست امپراتوری روم پروردۀ شده است «و این نکته تعجب آورترین خصیصه تحول آن است».

دوریس^۱ معتقد است که از لحاظ زمانی درست نخواهد بود اگر تصور کنیم که مداخله رسمی قسطنطینی به نفع مسیحیت گویای اندیشه و احساسات شخصی او بوده. محقق مزبور به خود قسطنطینی استناد می جوید و می گوید: «به عقیده او سیاست از سوی مذهب تعیین می شد و مذهب از حوزه سیاست نشئت می گرفت».

در جریان نیمه دوم قرن چهارم نتیجه مبارزه مسیحیت با بت پرستی معلوم می گردد. امپراتور روم ژولیانوس که رغبتی به اطاعت از اصول تربیت مسیحی خود نداشت، لقب مرتد^۲ یافت. ژولیانوس تحت تأثیر شدید عقاید نوافلاطونی قرار گرفته بود و اسرار و رموز هم در دیده اش دلکش می نمود؛ بر این اصل از مسیحیت برگشت و صادقانه به دین مهری گرایید. اهمیت اعتقاد و صداقت ژولیانوس بیشتر مشهود می گردد، اگر این امر را به خاطر ییاوریم که در قرن چهارم مسیحی دین مهری بیشتر دوستار و طرفدار داشت تا متدین واقعی. ژ. بیده^۳ که محققی است بنام و بهترین تذکره احوال را از ژولیانوس مرتد تحریر کرده در صفحاتی شورانگیز می گوید که او آخرین امپراتور مسیحی مذهب بوده است. ژولیانوس می دانست که اگر دین مهری بخواهد جهانگیر شود، باید که خصایص بدوى خود را از چند جهت از دست بدهد و نیز باید که درهای خود را بیشتر به تفاسیر فلسفی بگشاید. این شد که سرود نیایش خورشیدی را که خود امپراتور ساخت، ملهم از عرفان ژامبیلیک^۴ است و در آن میترا خود را با خدای خورشید، با آپولون و فائتون و هیپریون^۵ و پرومته^۶ یکی قلمداد می کند. خدایان دیگر چیزی جز فیضانات قدرت خدای خورشید نیستند. ژولیانوس خود را شبان نرم‌دلی می خواند که معتقدات اخلاقی میترا بر

1. Doerris

2. Julien l'Apostat

3. J. Bidez

۴. عارف بونانی قرن سوم و چهارم مسیحی.

5. Hypérion

6. Prométhee

او تحمل گشته و آن معتقدات عبارتند از «احسان به مردمی که او بر آنان حکومت می‌کند. پرهیزگاری در مقابل خدایان و سلطه بر نفس». از آن زمانی که در یکی از مهرکده‌های قسطنطینیه ژولیانوس به اعلیٰ درجه مناصب دین متشرف شد، کل مساعی خود را صرف توفیق این مذهب کرد؛ ولی به هنگام لشگرکشی اش برضد شاپور پادشاه ایران، نیزه‌ای به حیاتش خاتمه داد.

بعد از مرگ ژولیانوس دوره نسبتاً کوتاه مسالمت و مدارا میان مسیحیت و دین مهری شروع می‌شود که فرمان گراسیانوس^۱ امپراتور روم در ۳۸۲ تاریخ ختم آن است. مذبح ویکتوریا را از مجلس شیوخ گرفتند و مالیاتی که وقف هزینه مراسم دینی روم بود لغو شد و گراسیانوس در سال ۳۷۴ اولین امپراتوری بود که عنوان مرشد اعظمی^۲ را پذیرفت. به طوری که ژرم^۳ مورخ می‌نویسد، گراکوس نام، شهردار شهر کمی قبل از سال ۳۷۷ مهرکده‌ای را واژگون کرد و همه نقوش و تصاویر وحشت‌انگیز داخل آن را خرد نمود. البته هویت این معبد را نتوانسته‌اند با قطعیت مشخص کنند. دروی^۴ معتقد است که پرستشگاه مذکور معبدی بوده نزدیک کلیسای سن سیلوستر. در هر حال، تابع چنین هنرشنکنی‌ای را در معبد سنت پریسک بخوبی می‌توان مشاهده کرد. گراسیانوس مجبور به مبارزه با گروه بسیار مهمی از روشنفکران زمان خود شد. این روشنفکران را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. یک دسته می‌خواست پریوی از طریقه ژولیانوس بکند و دسته دیگر برای خدایانی تلاش می‌کرد که وجودشان، مطابق نوشتۀ آلتایم^۵، توجیه پذیر بود نه به علت وجود خود اینان، بلکه به علت وجود خدایان روم. این دو گروه همکاری نزدیک داشتند. رهبرشان مردی بود به نام ویوس آگوریوس پراتکستاتوس^۶ که داخل فوروم (بازار مکاره) رواق دئورم کنسنطیوم^۷ را ساخته و در آن تصاویر خدایان دوازده گانه را نصب کرده بود. او صاحب چندین مقام مذهبی بوده و سمت پیر

1. Gratien

2. Pontifex maximus

3. Jérôme

4. De Rossi

5. Altheim

7. Consentium

6. Vettius Agorius Praetextatus

پیران آئین مهری را داشته است. پراتکستاتوس خود طرفدار با وفای عقاید ژولیانوس بود، در حالی که جانشیش - که دوستش هم بود- یعنی اورلیوس سیماکوس^۱ سخت محافظه کار می نمود.

امپراتور روم فلاویوس خواهرزاده سیماکوس را در سال ۳۷۷ تنبیه کر، به این جرم که کار دوناتیست‌ها^۲ افریقا را تسهیل کرده و هم او بوده که مبارزات نهائی را راهبری نموده است. از کامینیوس^۳ برادرزاده ژولیانوس کتبه‌های گوناگون بسیار مهمی به جای مانده که علاقه امپراتور را به آئین مهری نشان می دهد. در محافلی که از نجیب زادگان و دانشمندان تشکیل می شده نویسنده رومی ماکروب پرورش یافته و در کتابش موسوم به ساتورنالیا کلیات دین مهری را شرح کرده است. سیماکوس دیپلمات بود و وظیفه بی حاصل شکایت بردن به گراسیانوس را او بر عهده گرفت و از تصمیماتی که امپراتور گرفته بود گلایه کرد. اما اسقف اعظم میلان آمبروآز امپراتور جوان سال را تهدید به تکفیر کرد. فی الواقع دور قیب متخاصلم گراسیانوس و سیماکوس نبودند، بلکه آمبروآز و پراتکستاتوس بودند که با یکدیگر مبارزه می کردند، تا این که در ۳۸۵ پراتکستاتوس مرد و طرفداران خود را بدون رهبر باقی گذاشت.

به امپراتوری رسیدن ثئودوز^۴ مقارن است با پایان مبارزه. بعد از این که مسیحیان سوریه کنیسه‌ای را غارت کردند و سوزانیدند و نیز پس از این که برخی رهبانان یک معبد متعلق به والانتینی^۵ های غنوی را آتش زدند، ثئودوز مداخله کرد و تقاضای تنبیه مجرمان و جبران خسارت کرد. اما آمبروآز نیز مداخله نمود و ثئودوز ادعای خود را پس گرفت.

در هر حال، هر چه قدر هم که ثئودوز در پی استقلال خود بود مآلًا از لحاظ معنی از آمبروآز اطاعت می کرده است. هربرت بلوک با وصف این ثئودوز به علت حادثه‌ای یک بار تکفیر شد، ولی در روز میلاد مسیح در سال

1. A. Symmacus
4. Théodose

2. Donatistes
5. Valentiniens

3. Kaménius

۳۹۰ استف میحیان دوباره او را به جمع ترسایان قبول کرد.

فرمانی در تاریخ ۲۷ فوریه سال ۳۹۱ صادر شد که مراسم دینی بت پرستان و زیارت بقاع ملحدان را منع می کرد. کمی بعد قبرستان باشکوه اسکندریه را خراب کردند. در تاریخ ۸ نوامبر سال بعد فرماننهایی صادر شد. هر کس به مراسم دینی بت پرستان عمل کند چه در ملاء و چه در خلا سخت مجازات خواهد شد. البته این وهم نباید پیش آید که به مجرد صدور این فرمان طرفداران بت پرستی از روی رضایت اطاعت از فرمان کردند. فلاویانوس^۱ رهبر دسته مخالفان شد و به دسته اوژن^۲ پیوست که خود را مهیای مضاف با تثویز در ایتالیای شمالی می کرد. این نبرد آئینده دین مهری را روشن می نمود. در آغاز به نظر می رسید که در این جنگ (نامش فریژیدوس^۳) پیروزی از آن ژوپتر خواهد بود. فردای آن روز تثویز زانو زد و نماز گزارد. در دریای آدریاتیک طوفان شد و نیزه های دشمن به سوی تثویز روان شدند. معجزه های دیگر به وقوع پیوست و سرنوشت جنگ معلوم گشت، اوژن کشته شد و فلاویانوس خودکشی کرد.

اما مبارزه معنوی باز هم سال ها ادامه یافت و کمی بعد سنت اگوستن اقدام به نوشتن کتاب مشهور «شهر خدا»^۴ کرد. معروف بود که فتح رم معلول این بوده که ایزدان باستانی رم آن را رها کردند و تحفیرش نمودند. سنت اگوستن در کتابش سعی در رد کردن مطالب مزبور کرده است. احتمال این هست که دین میترا باز هم در برخی نقاط دور افتاده به حیات خود ادامه داده باشد. اما قدرت او در هم شکته شده بود و مرور زمان بر او غلبه کرد و آئینش ناپدید گشت و امروزه ما در جستجوی آن اسراری هستیم که میترا در جریان سقوط، با خویشتن به گور برد.

1. Flavien

2. Eugéne

3. Frigidus

4. Cité de Dieu



عکس ۱۳ - میترا . کشنده گاو . پاریس، موزه لوور.



عکس ۱۴ - میترا . کشنده گاو . لندن، بری تیش میوزیوم.



عکس ۱۵ - میترا . کشندہ گاو . لندن، بری تیش میوزیوم.



عکس ۱۶ - میترا . کشنده گاو . واتیکان.



عکس ۱۷ - میترا. کشنه گاو. رم، موزه کاپیتولینو.



عکس ۱۸ - کوتس و کوتپاتس موزه لاترانوی (Laterano) رم. بازیافته دراستی.

اسماء اعلام
نامهای ایزدان و اساطیر و اشخاص و اماکن و مهرکدها

آریستون آنتیوکوس ۲۱۹ آسترا ۲۰۸، ۱۷۹ آسی ۱۷ آسیای صغیر ۳۱، ۲۴، ۱۵ آسموس ۳۴ آفرودیت ۱۷۳، ۱۰۰ آگوستن دروغین ۱۶۸ آلاجولیا ۱۹۵ آلپ ۲۱۹ آلتیوس کیرنیوس ژولیانوس ۲۰۱ آلهایم ۲۲۹، ۲۲۷ آلسی بیاد ۲۴ آلفولدی ۱۱۲ آلمان ۲۲۱، ۲۲۰، ۴۵ آمبرو آز ۲۳۰ آمپلیاتوس ۷۷ آمستریس ۲۰۲ آمفی تریت ۹۶ آنازاریوس ۳۱ آنتونن ۵۵ آنتی پاتروس ۱۸۴	آ آلبی آریزوت ۱۹۹ آلبیوس ماگنوس ۱۹۹ آپس ۵۲ آبولن ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۰۹ آبولوم ۱۰۴، ۳۶ آبولون ۲۲۸، ۱۱۵، ۸۶ آپوله ۲۱۵، ۱۷۳ آپیانوس ۳۱ آثارگاتیس ۱۴۸، ۱۴۵ آتر ۱۳۴ آانا ۶۶ آتبیس ۱۵۴، ۱۳۶، ۸۸، ۸۳ آدریاتیک ۲۳۱ آربیانوس ۲۰۳، ۷۷، ۳۸ آدونیس ۸۳ آرتیس ۱۳۴ آرسامه ۳۳ آرنوبیوس ۱۴۶ آریارامنا ۲۵ آریامن ۱۷
---	--

ازیریس	۲۱۶	آنثیوخوس	۳۳
اسانوس	۶۸، ۶۶	آتیوم	۲۰۱
اسآنوس - کائلوس	۵۷	آندروس	۳۶
اسانوس	۹۶، ۹۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۹۷	آنوبیس	۱۵۳
اسپالاتو	۷۱	آنستوس	۷۸
اسپانیا	۳۸	آواتن	۳۹
استاس	۳۴	آواتن	۵۶، ۵۴، ۴۱
استاس	۲۴	آواتن	۲۰۹، ۱۲۲، ۱۳۷، ۱۵۲، ۱۳۷
استرابون	۱۹۷، ۲۵	آیده	۱۷۳
استراسبورگ	۲۱۹، ۱۴۷		۱
استربورکن	۱۳۷، ۱۲۹، ۱۱۱، ۱۰۹		۱۹۹
استکلن	۱۷۸	ائون	۹۷، ۱۰۸، ۱۵۴، ۱۴۲، ۱۳۴
استوبورکن	۱۰۸	ابولوم	۱۹۵
استوکتاد	۲۲۰	اتریش	۲۲۱، ۱۶۱، ۱۱۶، ۹۶
استوکتات	۱۳۴، ۳۸	ادسمن	۱۶۲
أُستى	۱۷۳، ۱۷۱، ۱۶۴، ۱۵۴، ۱۳۴، ۲۶	ادلکتوس	۷۴
	۲۱۹، ۱۹۲، ۱۸۲، ۱۷۷، ۱۷۴	أُرانثر	۶۶
استى	۳۸، ۴۱، ۵۰، ۵۱، ۵۶، ۶۴، ۶۵	اردن	۱۲۷
	۲۲۲، ۲۲۰	ارشک	۲۷
اسرائیل	۱۰۶	ارفه	۱۲
اسطورة جهانسوزی	۱۱۲	ارگیلی	۲۱۳
اسکندر	۱۸۸	ارلیوس	۴۲، ۳۶
اسکندریه	۲۳۱	ارلیوس روفینوس	۳۶
اسکولاپ	۱۵۴، ۷۵، ۶۹	ارلیوس ویکتور اوگنتیوس	۱۶۸
اسمردیس	۲۳	أُریزن	۱۹۲
اطلس	۱۴۰، ۱۳۷	اریمان	۱۰۳
افروزین	۱۴۹		

اوگنیوس	۱۹۰	افریقا	۲۰۳، ۴۲، ۳۸
اولپیا ترايانا اگوستا داسیکا	۷۷	افلاطون	۲۰۸
اولپیوس سیلوانوس	۶۶	إَكْرَم	۵۲
اولیس	۲۱۴	اگوست	۷۱
اوید	۲۱۳، ۲۱۲	اگوست مشرقی	۷۱
ا. ویل	۳۲	اگوست مغربی	۷۱
اهریمن	۱۴۲، ۱۲۸، ۸۴، ۸۳	اگوستین‌ها	۵۹
اهورا	۳۳	المب	۱۳۳، ۳۳، ۳۱
اهورامزدا	۹، ۱۷، ۱۸، ۸۳، ۸۷، ۱۱۵	الوزیس	۱۹۸
	۱۴۲	الیا	۱۲۷، ۲۸
ایتالیا	۲۱۹، ۹۶، ۷۰	اماشپندان	۱۸۸، ۱۷
ایده	۱۷۳	انجیل	۲۸
ایزیس	۱۲، ۵۲، ۵۳، ۱۵۲، ۶۰، ۱۷۳	انجیل متی	۲۱۶، ۲۸
	۲۱۶، ۲۱۵، ۱۷۷	انگلستان	۱۴۱
ایلیری	۲۷	انه تروائی	۱۳۶
اینوبیکتروس	۹۸، ۷۸	اوپولوس	۴۵
		اوترخت	۵۲
ب		اورلیانوس	۲۲۷، ۲۲۶، ۱۸۸
بابرینی	۱۳۷	اورلیوس سیماکوس	۲۳۰
بابلی	۲۶	اورمزد	۱۸۸، ۲۱، ۱۷
باربرینی	۱۰۴، ۱۴۵، ۱۱۶	اورنرت	۳۳
باکانت	۱۳۵	اوروس	۱۹۷
باکوس	۱۳۵، ۶۷	اوریسته	۲۱۴، ۱۰۳
باتیک	۷۰	اوژن	۲۳۱
بالکان	۱۱۵، ۱۰۹	اوستا	۲۰۵، ۱۹، ۱۸۸
بايه	۲۲۷	اوستر	۱۹۶
بردیای غاصب	۲۳	اوکاریستی	۱۲۲

بیزنتیه	۱۰۹	برسم	۲۴
بیزی	۳۷	بریاکسیس	۶۰
		بریژتیو	۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۶، ۲۲۵
پ		بس	۱۵۴
پاتر	۱۸۴	پایارا	۳۷
پارتی	۲۷	پسیگ‌هايم	۱۰۵
پاریلیا	۲۱۲	بعل	۱۱
پاکروس	۲۷	بعل‌امسی	۲۲۶
پالوثولپیس	۳۶	بعل‌شمیم	۱۲
پالاتن	۲۱۲، ۵۴، ۴۲	پغازکوئی	۱۵
پالاس	۲۰۳	بلاش	۲۷
پالس	۲۱۳، ۲۱۲	بلخ	۲۱
پالمیر	۱۱۱، ۱۱۰، ۳۷، ۱۲	بلغارستان	۲۲۵، ۲۲۴، ۱۷۸
پالیلیا	۲۱۲	بلوچ	۵۵
پان	۱۵۰	بن	۱۰۹
پانونی	۷۵، ۷۰	بنادآ	۱۶۸
پنازوونی	۱۵۳	بندهشن	۸۴، ۸۳، ۲۹، ۲۰
پترونل	۲۰۲	بنونیست	۲۳
پتو	۱۷۰، ۵۱، ۹۰، ۹۵، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۶	بني اسرائيل	۱۰۶
پتوؤ	۱۳۵، ۱۳۰	بوخاراست	۱۱۵
پراتکستاتوس	۲۳۰	بورسنت آندٹول	۴۵
پراکریتل	۱۳۵	بورکروپیکیوم	۱۵۱
پرتاس	۷۷	بوسوئه	۱۴، ۱۱
پرتغال	۱۲۲	برلونی	۸۲
پروفیکتیوس	۱۶۵، ۱۶۴	بولونیا	۱۹۲، ۱۹۱
پرومته	۲۲۸	بهماگا	۱۷
پرسک	۵۸	بيت‌اللحم	۲۸

پسودو دنی آرثوبازی	۸۹
پشوت	۲۹
پلاززاد توروس	۶۹
پلواتارک	۱۲۸، ۲۴، ۳۲، ۳۲، ۳۱
پلوی	۴۵
پلی نیوس	۲۷، ۲۱
پمپی	۳۴، ۲۸
پمپه	۳۴، ۳۲، ۳۱
پنام	۲۶
پونتوویو	۴۱، ۳۶
پوبلیوس آئلیوس نیگرینوس	۷۴
پورفیرو	۲۰
پورفیریوس	۱۷۷، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۴۵
پورفیریوس	۱۶۹، ۱۹۸
پوزانیاس	۲۰۵
پولوس	۲۰۳
پومریوم	۴۳
پیر	۱۲۰
پیستوم	۲۷
پیکت	۳۸
پیک خورشید	۱۲۰
ت	
شودوز	۲۳۱، ۲۳۰
تارس	۳۳، ۳۲
تاریخ عالم	۱۱
تامزیوس اوگنیوس	۱۸۹

دلنین	۶۸	ث	
دمتربیوس	۲۱۹، ۶۹، ۶۹، ۶۸	ث. دکوویسیو	۷۶
دمیورگوس	۱۰۰	ث. و. فلکراف	۵۲، ۱۶۹، ۲۰۰
دوبلن	۱۰۵، ۱۰۳، ۷۹		
دورا	۲۲۰، ۲۱۰، ۱۱۳، ۹۴، ۴۹	۲۲۴	چینود
			۲۹
دورالارپوس	۲۶، ۳۷، ۴۶، ۱۱۰، ۱۶۵		
	۲۰۸، ۱۸۴، ۱۷۳	ح	
دوریس	۲۲۸	حزمیال	۲۸
	۱۰۹		
دوشنبه	۱۴۱	خ	
دوکالیون	۲۱۳	خریسبیوس	۲۱۴
دولیکنوس	۷۴		
دومیتانوس	۱۵۳	د	
دوناتیست	۲۳۰	دئورم کنسطنطیوم	۲۲۹
دویچ آلتن بورگ	۷۳، ۷۲، ۷۰	داریوش	۲۳۰، ۱۸
دیان	۱۹۰، ۱۳۴	دان	۷۷، ۷۶
دیبورگ	۳۸، ۹۰، ۹۶، ۹۰، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۱	دانسکی لیوم	۲۱۳، ۲۴
	۱۰۹، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۲۰، ۱۳۰، ۱۸۲، ۲۰۵	دانسی	۲۲۴، ۲۲۲، ۷۸، ۳۸
	۲۰۸	دالاسی	۳۶
دیبورگ - روکینگن	۳۷	دانوب	۳۶، ۳۸، ۷۰، ۷۱، ۹۸، ۷۸، ۷۱، ۱۰۱
دیدودور	۱۶۶		۱۲۶، ۱۲۵
دیوکریزستوم	۲۰۷، ۱۷۹	دجال	۳۰
دیوکلیین	۴۳، ۷۲، ۷۱، ۲۲۷	دروسی	۲۲۹
دیوکریزستوم	۲۲	دریای سیاه	۲۱۹
دیوتیزس	۱۳۶	دسپال	۷۶
دیونیزوس	۱۲، ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۹۸	دل تره ناوات.	۱۶۴

دیونیزوس - آدونیس ۱۴۹

زرتشت ۱۸۸، ۲۱، ۱۸، ۱۷
زروان ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۲، ۱۲۸، ۹۷، ۲۵

زروان - کرونوس ۱۴۷

زنگی ۲۲۷

زینر ۱۴۱

ژ

ژانبلیک ۲۲۸

ژانوس ۱۵۴، ۱۴۵، ۱۴۴

ژانیکول ۱۴۸

ژاھریبول ۳۹

ژ. بکاتی ۶۴

ژ. بیده ۲۲۸

ژرم ۱۶۷

ژرم ۲۲۹

ژرمنی ۱۱۰

ژ. سانسونه ۵۹

ژلاسیوس ۶۱

ژونون - هرا ۱۳۳

ژوپیتر ۱۳۲، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۶، ۷۴، ۶۰

۱۹۶، ۱۳۴، ۱۵۴، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۷۷

۲۳۱، ۱۹۷

ژوپیتر دولیکنوس ۱۳۷

ژوستن ۱۲۴، ۱۲۲

ژوستینیوس ۱۲۱

ژولیا دومنا ۴۱

ر

ردچستر ۳۸، ۳۶

رگیا ۱۹۰

رم ۱۳۷، ۴۲، ۲۶، ۵۶، ۵۴، ۵۱، ۶۸

۲۲۳، ۲۱۲، ۲۰۳، ۱۴۱

رُما ۶۶

رُمانوم ۱۹۰

رن ۹۸، ۳۸

رنان ۲۲۷

رنانی ۲۲۴، ۱۰۹

روداندوس ۲۵

روفوس ۲۱۷، ۱۹۰

روفوس کیونیوس ۱۹۰

روفینوس ۳۷

روکینگن ۱۱۳، ۱۱۲

روم ۲۲۰، ۱۸۸

روماني ۱۹۵، ۴۵، ۵۱، ۱۰۸، ۷۶، ۷۵

۲۲۴

ز

زئوس ۱۱، ۱۲، ۱۹۱، ۱۳۳، ۲۳، ۳۲

زئوس - ژوپیتر ۱۳۳، ۸۷

زئوس - هلیوس ۶۱

زاربورگ ۲۰۴، ۲۰۳

زانارلى ۱۵۲

سقراط	۲۰۲	ژولیانوس، ۱۶۱
سکتوس کاستوس	۳۶	۲۲۸، ۲۰۳، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۲
سکولوم	۱۵۱	۲۲۹
سکویا	۹	ژولیوس ۱۳۶
سل	۱۰۷، ۸۸، ۸۲، ۸۰، ۶۱، ۴۲	س
	۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۳۴، ۱۳۶	ساتورن ۵۲، ۵۳، ۶۰، ۶۰، ۹۷، ۹۶، ۱۲۶، ۱۲۶
	۱۸۳، ۱۷۰	۱۳۰، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۵
سلوس	۱۹۲	۱۹۱، ۱۸۲، ۱۵۱، ۱۴۵
سلوس	۹۷	۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۷
سلوی	۳۸	۲۰۳، ۱۹۷
سل - هلیوس	۱۲۵	ساتورنالیا ۱۵۳، ۱۴۸
سن پل	۲۱۶	ساتیر ۶۷
سن پیر	۵۸	سارمیز گتزا ۵۱، ۵۱، ۷۷، ۷۷، ۷۶، ۸۲
سنت اگوستن	۱۴۰	۲۲۲، ۱۵۱
سنت اوین	۹۵	ساگاریوس ۲۵
سنت اوگوستن	۲۳۱	سالسوی ۵۶
سنت پریسک	۲۶، ۴۸، ۴۷، ۴۲، ۳۸، ۲۷	سالونا ۲۲۵
	۵۰، ۵۱، ۵۰، ۵۰، ۵۰، ۵۰، ۵۰	سان سیلوستر و ۱۸۸، ۲۲۶
	۵۷، ۶۶، ۶۳، ۵۹، ۵۸، ۵۵	ساواریا ۷۴
	۷۱، ۷۲، ۷۱، ۳۶	سپتانتریو ۱۹۷
	۷۱، ۱۰۲، ۹۸، ۹۷، ۸۱، ۷۴، ۶۹، ۶۸	سپتیموس سوروس ۷۱
	۱۰۷، ۱۰۲، ۹۸، ۹۷، ۸۱، ۷۴، ۶۹، ۶۸	سپتنا آرمائیتی ۱۳۳
	۱۱۹، ۱۱۹، ۱۱۹، ۱۱۹، ۱۱۹	سرائوسا ۱۷
	۱۱۹، ۱۱۹، ۱۱۹، ۱۱۹	سرابیس ۱۱، ۱۱، ۱۱
سنت سایین	۵۵	۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱
سنت سیلوستر	۴۲	۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱
سنت ماری مازور	۵۹	۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱
سن سیلوستر	۲۲۹	۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱
سن کلمان	۴۸، ۱۶۵، ۱۵۷	۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱
سن مارتین	۴۸	۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱

شان دومارس	۱۶۴	سوئونو توریلیا	۱۱۲
شوارتزردن	۴۵	سوپرون	۲۰۲
شیر	۱۲۱	سور	۵۵
شیران	۱۱۹	سوروس	۷۸، ۴۲
		سوریه	۱۹۶، ۵۶، ۲۶
ط		سوشیانس	۲۹
	صراط	سوفوکل	۲۴
صيدا	۱۸۰، ۱۴۴	سوفیا	۱۱۱، ۴۸
صيدای	۱۹۶	سواما	۲۰، ۱۹
		سویدانس	۱۶۱
ض		سی بل	۴۲
	ضد میح	سیل	۱۷۷، ۱۳۶
ط		سی بل	۲۰۱، ۱۹۸
	طرابلس	سی تیف	۳۶
	۲۱۹، ۱۹۹	سبرون	۲۳
ع		سپیا	۳۷
		سیل	۶۷
	عهد عتیق	سیلوستریوس پرپتوس	۲۰۶
	۱۶	سیلوستریوس سیلوینوس	۲۰۶
	عیسی	سیلوینوس اورلیوس	۲۰۶
ف		سیلیبی	۳۱
فائزون	۱۲۶، ۱۳۰، ۱۷۹، ۲۰۷، ۲۰۸	سیما کرس	۲۳۰
	۲۱۳، ۲۲۸	سینتوس	۷۸
		سیروینا کاستلانا	۷۷
فاستی	۲۱۲	ش	
فالری ئی نووی	۷۷		
فالری ئی وترس	۷۷		
فانس	۱۵۰	شاپور	۲۲۹

ق	فاؤونیوس ۱۹۷
قطنهین ۲۰۳، ۲۲۷	فبوس ۶۱
قطنهینه ۲۲۹	فرات ۳۸، ۱۹۰، ۲۲۰، ۲۲۴
قیصر ۷۱	فرانتر کومون ۲۷، ۱۶، ۹
	فرانس کومون ۱۴۹، ۱۴۲، ۱۴۰، ۱۳۳
ک	۲۰۷، ۱۸۸
کائلوس ۱۲۹، ۱۹۶، ۱۴۶، ۷۳	فرانس ۲۱۹، ۴۵
کاران بس ۷۸	فر. دورویت ۷۵
کاپادوس ۲۵	فرشا ۲۵
کاپر ۴۸، ۶۲، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۷۶، ۱۶۳	فریجی ۴۱
	فریژیدوس ۲۳۱
کاپتوول ۴۲، ۲۲۷	فستوراکس ۲۰۴، ۲۰۲
کاپتوول پالاتن ۳۴	فستوژیر ۱۵۴، ۱۵۵
کادوسه ۱۵۴	ف. کومون ۸۲
کارابورگ ۳۸	فلاویانوس ۲۳۱
کارا کا ۶۱	فلاویوس ۲۳۰
کارا کالا ۴۲، ۵۵، ۱۸۲، ۱۸۳	فلگراف ۵۳، ۵۲
کارپون ۷۸	فلورانس ۱۵۸، ۹۶
کارنو توم ۳۶، ۴۳، ۷۱، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۵	فلی سیسمو ۱۷۷
	فلی سی سی موس ۱۹۲
کاروبورگ ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۷	فلیکس ۱۴۹
کاستل گاندولفو ۱۵۳، ۱۶۶	فورم ۴۲
کاکوس ۹۸، ۲۰۱	فوروم ۲۲۹
کامنیوس ۲۳۰	فیرمیکوس ماترنوس ۱۶۵، ۱۷۳
کانون توم ۷۴	فیلی پوپولیس ۳۷
کاوتات اپدورم ۴۵	
کایوس کوریوس آویتا ۶۸	

کمپانیوس	۹۸	کتاب سلاطین	۱۲۷
کنستانزا	۲۱۹، ۴۵	کنزیاس	۲۵
کنستانس	۱۹۰	کوبربیگا	۱۲۲
کوآتروکورناتی	۷۵	کر	۸۳
کرآدها	۷۰	کرسیناسا کرا	۱۷۲
کوتس	۱۷، ۱۷، ۵۲، ۷۴، ۸۰، ۸۸، ۸۹، ۹۶	کرنلیوس کرنلیانوس	۷۸
کوتولپاتس	۹۷، ۱۷، ۷۴، ۸۰، ۸۸، ۸۹، ۹۷	کرنوس	۱۲
کورش	۱۱۴، ۱۰۵	کروپتوی	۱۶۹
کوروناتی	۷۵	کرونوس	۹۷، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶
کومون	۱۲۴، ۹	کرونوس - ساتورن	۱۲۶، ۱۲۸، ۱۴۵
کونجیک	۲۲۴، ۱۷۸، ۱۷۰، ۱۲۱	کروپینا	۱۷۲
کونیگهوفن	۲۱۹، ۱۳۶	کریتون	۲۱۹، ۲۲۲
کیومرث	۸۳	کریزیپ	۲۱۴
گ		کریستن سن	۱۲۳
گاتها	۱۸۸، ۱۷	کریپتی ای	۱۶۸، ۱۶۹
گالریوس	۴۳	کریپتوس	۱۶۸، ۱۶۹
گالریوس ماکسیمانوس	۷۱	کرم	۱۶۲
گایوس آکیوس هدیکروس	۶۸	کلامغ	۱۲۱، ۱۱۹، ۸۶
گنا	۴۲	کلافت	۱۵۲
گراسیانوس	۲۳۰، ۲۲۹، ۱۸۹	کلان	۲۰۰
گراکوس	۲۲۹	کلدانیان	۲۴
گردیانوس سوم	۳۲	کلنا	۷۱
گرگوار دو نازیانز	۱۶۱	کلوز	۷۶
گروپس	۱۶۸	کمائون	۳۸، ۳۳
		کمبوچیه	۲۳
		کمد	۱۶۱، ۴۱
		کمود	۲۰۴، ۲۰۲

لیویانوس	۳۴	گل	۱۳۴
		گنس	۲۴
م		گوتری	۱۱۴
ماترنوس	۴۹	گوکلر	۱۴۸
مارئوس	۳۹	گیگاریش	۱۹۹
مارس	۲۲۶، ۱۹۲، ۱۳۴، ۵۷	ل	
مارک ارل	۳۲	کا	۱۹۹
مارکوس اورلیوس	۲۲۷، ۷۰، ۵۲	لئو	۱۹۹
مارکوس والریوس سکوندوس	۶۹	لایانا	۱۹۹
مارکومان	۷۰	لاسن	۱۲۳
مارینوس	۳۹	لامبز	۳۶
ماسالسکی	۲۰۲	لامپریدیوس	۲۰۲، ۱۶۳
ماکروب	۲۳۰	لپسیس	۲۱۹
ماکروبوس	۱۵۴، ۱۴۸، ۱۵۳	لرو	۲۲۲
ماکریموس	۲۷	ل. لی سی نیوس سورا	۵۴
ماکیمیانوس	۷۲، ۳۶	لُمل	۱۹
ماکسی میانوس هرکولیوس	۷۲	لندن	۱۹۵، ۶۹، ۶۸
ماکویلر	۲۲۰	لنگوس	۷۸
ماگا	۲۱	لوواری	۱۲۳
ماگافارنس	۲۵	لودویزی	۹۶
ماگنیوس	۷۳	لوزیتانی	۶۷
ماگو	۲۱	لوسیوس	۲۱۶، ۲۱۵
ماگوس	۲۴	لوسیوس فلاویوس هرمادیون	۱۰۳، ۷۸
ماگیا	۲۴	لونا	۱۳۴، ۸۰، ۸۲، ۸۸
مانشن هووس	۶۵	لیدیه	۲۰۵
مانهایم	۱۹۳	لیسی	۳۱
مانی	۱۴۰، ۲۶		

میترا	۱۱۵، ۳۲	مای فارنس	۴۵
میترا کانا	۲۵	متون و آثار مهری	۹
میترای گاو اوژن	۲۰	محارستان	۷۰
میتریدات	۳۳	محارستان	۲۲۵، ۲۰۲، ۱۹۱
میلوپوس	۲۲۷	مُدن	۱۵۲، ۱۴۹
مؤئزی	۵۶، ۳۸	مدنا	۱۹۵
		مرشد پیر	۲۶
		مرکور	۱۹۲، ۱۷۲، ۱۳۴، ۶۸، ۶۶، ۳۸
ن		مریدا	۲۱۹، ۱۴۶، ۱۳۴، ۶۷، ۳۸
نایبرز	۷۷	مریبون	۱۵۸
نابل	۲۷	مزدا	۳۳
نانا	۷۹	مسالا	۱۵۴
نپتون	۹۷، ۹۶، ۶۹	مسی	۱۲
نرسا	۱۱۶، ۹۶	مسیح	۲۱
نرون	۲۰۷، ۴۲، ۲۸، ۲۷	مسينا	۲۸، ۲۳، ۲۱
نفرتارا	۴۵	مصر	۵۷
نسرو	۳۲	ملک بعل	۱۲
نمروود داغ	۳۳	سیکریستوس	۱۷۸
نمف	۱۲۶، ۱۲۵	مناد	۱۳۵، ۶۷
نمفرس	۲۰۰، ۱۷۸، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۱	مؤشی	۳۶
	۲۰۱	موايرا	۲۷
نمفی ای	۱۶۹	موزها	۱۳۳
نوتسه آلدوبراندینی	۱۷۴	موسی	۱۰۷، ۱۰۶
نولان	۱۵۷	مهرداد	۴۲، ۳۱
نومیدی	۳۶	مهرداد اوپاتور	۳۱
نونوس	۲۰۷، ۱۶۲	مهریشت	۱۸، ۱۶
نوپیوس و یکتور	۱۹۰، ۱۶۸	میتانی	۱۶، ۱۵

ویکاندر	۲۶	نوین‌هایم	۳۷، ۹۹، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰
ویکور	۱۹۰، ۱۸۹		۱۳۷، ۱۳۰
ویکور آر	۹۷	نیفسور	۶۲
وین	۷۰، ۳۶	نیکومد	۴۵، ۱۹۰، ۲۱۹
ویندوتنا	۷۰		
		و	
واتیکان	۲۰۱، ۱۵۴		
وارونا	۲۰، ۱۹، ۱۶		
والانتینی	۲۳۰		
والبروک	۶۵، ۶۴، ۳۸		
والریانوس	۷۸		
والریانوس ماکسیمیانوس	۳۵		
والریوس لیستیانوس لیستیوس	۷۱		
واناسن	۵۴		
واپو	۱۹		
وتیوس آگریوس پراتکستاتوس	۲۲۹		
ودا	۱۰۱، ۱۹، ۱۶		
وُدان	۱۰۹		
وستا	۱۹۰		
ولوم	۱۷۳		
ولیسی نیوس	۴۲		
ونوس	۵۲		
ونوس	۵۷، ۵۹، ۶۹، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۳۴		
هرمس	۳۳		۱۹۲
هرمس - مرکور	۱۷۱، ۱۳۴، ۱۲۵، ۳۸	ونوستوس	۱۷۰
هرمسی	۱۴۲	وولکن	۱۵۴، ۱۳۴، ۹۹
هرو د	۲۱۷	ویرونوم	۱۲۵، ۱۱۶، ۹۶

هوم	۱۸	هرودت	۱۱۳، ۲۳
هوما	۲۹، ۱۹، ۱۸	هرودوت	۲۰۵، ۱۹۷، ۱۸۱
هومر	۱۷	هزمنیوس	۲۶
هی آینا	۱۹۹	هلنیستیک	۲۲۳، ۲۰۸، ۱۰
هیتی	۱۶، ۱۵	هلو دروم	۱۸۲
هیروبولیس	۱۴۸	هليودروموس	۱۸۲
ی		هليوس	۱۲، ۱۷، ۳۲، ۳۳۲۲، ۴۲، ۱۰۹
يادگار جاماسپیک	۸۳	۱۱۵	۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۰، ۱۲۶، ۱۱۵
يانو	۱۴۴	۲۰۷، ۱۹۱	
يزت	۱۶	هليوس - سل	۱۸۲
يشت	۱۹، ۱۸	هليوگabal	۴۲
يوگلاوى	۲۱۹، ۷۷، ۷۱، ۵۱، ۴۵، ۳۶	هليوگلوبال	۲۲۶
	۲۲۵، ۲۲۳، ۲۲۰	هند و اروپائى	۱۶
يونان	۱۸۸	هوراس	۲۱۱
يهود	۱۰۶	هورب	۱۰۶
		هوستندر	۱۵۱

كتاب شناسی

کلیات

Fr. Cumont, *Textes et monuments figurés relatifs aux mystères de Mithra*, Bruxelles I-II, 1896 - 1898.

Fr. Cumont, *Die Mysterien des Mithra* (3ème édition par K. Latte), Leipzig, 1923

M. J. Vermaseren, *Corpus Inscriptionum et Monumentorum Religionis Mithriacae*. La Haye I-II, 1956-1960.

جزئیات

G. Becatti, *Scavi di Ostia II, i Mitrei*, Rome, 1954.

R. Egger, *Bescheidene Ex-votos. Bonner Jahrbücher* 158, 1958, pag . 73 ss.

M. J. Vermaseren, *De Mithrasdienst in Rome*, Nimègue, 1951.

M. J. Vermaseren-C.C. Van Essen, *The Aventine Mithraeum Adjoining the Church of Sa Prisca, dans le périodique Antiquity and Survival* I, 1955, pag. 1 ss

C.W. Volgraff, *Les crytii des inscriptions mithraïques dans Hommages a Waldemar Deonna*, 1957, pag. 517ss.

C. W. Volgraff, *Une inscription gravée sur un vase cultuel mithraïque dans Mededelingen der Kon. Nederl. Akademie Van Weten schappen schappen (Afd. Letterkunde)*, 1955.

E. Will, *Le relief cultuel gréco-romain*, Paris, 1955.

درباره آنین قربانی کردن گاو

Le Roy Campbell, *Typology of Mithraic Tauroctones dans le périodique Berytus* XI, 1954. pag 1 ss.

C. Clemen, *Der Mithrasmythus dans le périodique Bonner Jahrbücher* 142, 1937, pag. 13 ss.

H. Lommel, *Mithra und das Stieropfer dans le périodique Paideuma* III, 1949, pag. 207 ss.